

# دانشمندان عامّه و مهدی موعود

تألیف:  
علی دوانی

ویرایش جدید

۱۳۸۴

دوانی، علی، ۱۳۰۸ -

دانشمندان عامه و مهدی موعود (عج) / تألیف علی دوانی؛ ویراستار سیروس صدوقی.  
— تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.  
۲۲۲ ص.

ISBN: 964-440-312-6 ریال ۲۵۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قبلی.  
کتابنامه: ص. [۲۱۹] - ۲۲۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. — احادیث اهل سنت.  
۲. مهدویت — دفاعیه‌ها و ردیه‌ها، ۳. مهدویت — انتظار — دفاعیه‌ها و ردیه‌ها.  
۴. محدودیت — انتظار — احادیث، ۵. اهل سنت — نظریه درباره مهدویت.  
الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴ / ۵۹۵۲

۸۴-۲۵۷۱۰ م

کتابخانه ملی ایران



تهران - بازار سلطانی - ۹۹  
تلفن: ۵۵۶۲۰۴۱۰ - ۵۵۶۲۷۴۴۹

## دانشمندان عامه و مهدی موعود

تألیف: علی دوانی

ویراستار: سیروس صدوقی

• ناشر: دارالکتب الاسلامیه

• تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

• چاپ اول (با ویرایش جدید): ۱۳۸۴

• چاپ: چاپخانه گوهر اندیشه

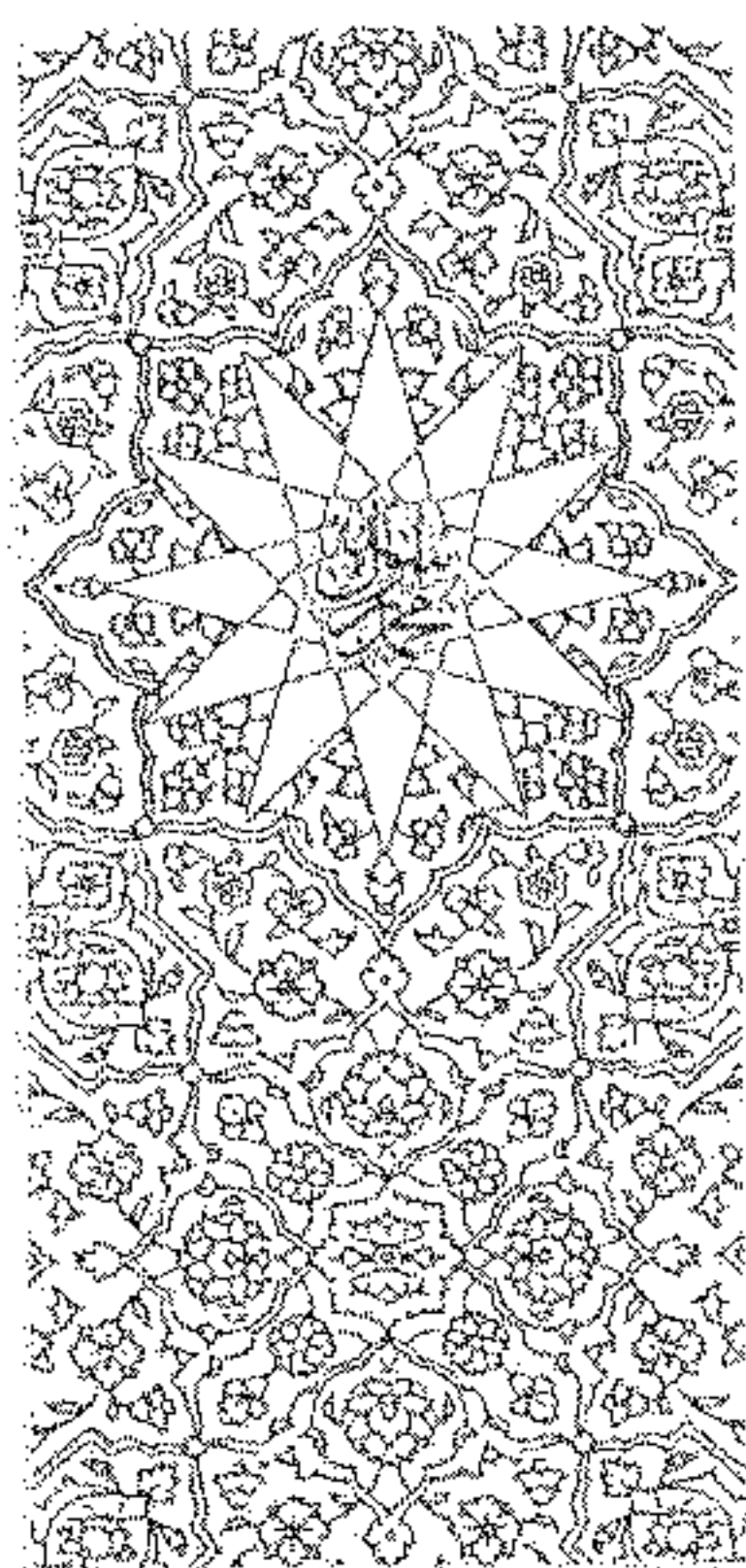
• لیتوگرافی: موعود

• همکار فنی: دفتر طرح و اجرای کتاب

• شابک: ۶-۳۱۲-۴۴۰-۹۶۴ / ISBN: 964 - 440 - 312 - 6

• قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال





## فهرست مطالب

۱۱	مقدمه چاپ چهارم
۱۹	مقدمه چاپ دوم
۲۳	مقدمه چاپ اول
۲۵	کار ما در این کتاب
۲۵	مهدی موعود(ع) از نظر جامعه شیعه
۳۸	مهدی موعود(ع) بعد از ظهور چه خواهد کرد؟
۴۱	مهدی موعود(ع) در منابع اولیه عامه
۴۴	دانشمندان بعدی و احادیث مهدی موعود(ع)
۴۶	کتابهایی که دانشمندان عامه راجع به مهدی(ع) نوشته‌اند
۴۹	راویان احادیث مهدی(ع)
۴۹	* از صحابه
۵۰	* از تابعین
۵۲	اوصاف و شمایل مهدی(ع)
۵۴	دست‌اندازی در احادیث مهدی(ع)
۵۸	یک سند چالب تاریخی
۶۰	حافظ کیست؟

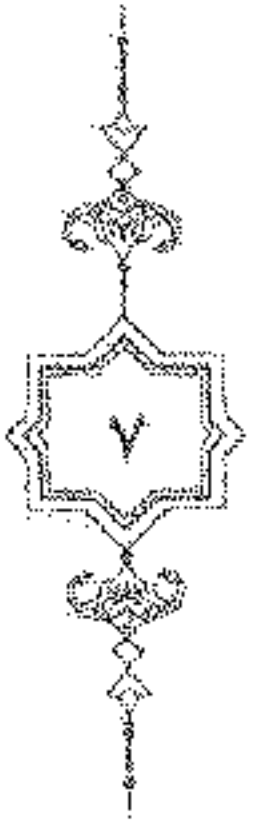


- ۶۲ ..... واقعیت مهدی (ع) در نظر اکثریت عامه
- ۶۵ ..... مخالفان و منکران وجود مهدی (ع)
- ۶۶ ..... \* ابن خزم اندلسی
- ۶۷ ..... \* خطیب بغدادی
- ۶۷ ..... \* ابن جوزی
- ۶۷ ..... \* ابن کثیر شامی
- ۶۸ ..... \* ابن تغری بردی
- ۶۸ ..... \* ابن خلدون اشبیلی
- ۷۰ ..... \* علاءالدوله سمنانی
- ۷۰ ..... \* حافظ ذهبی
- ۷۰ ..... \* ابن حجر مکی
- ۷۲ ..... افسانه سرداب
- ۷۶ ..... آنها که مهدی (عج) را پسر امام حسن عسکری (ع) می دانند
- ۷۷ ..... ۱. ابن ابی تلج بغدادی
- ۷۹ ..... ۲. ابوالعباس احمد بن ابراهیم کندی
- ۸۰ ..... ۳. ابوعلی احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی
- ۸۰ ..... ۴. ابومسعود احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلي
- ۸۰ ..... ۵. ابومنصور عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی
- ۸۰ ..... ۶. ابومحمد اسعد بن احمد بن حامد ثقفی
- ۸۰ ..... ۷. ابوماجد محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز واعظ
- ۸۰ ..... ۸. ابو عبدالله محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی
- ۸۱ ..... ۹. محب الدین محمد بن محمود بن حسن بنی نجار
- ۸۱ ..... ۱۰. حافظ ابو محمد بلاذری
- ۸۲ ..... ۱۱. شیخ محمد بن عقله
- ۸۴ ..... ۱۲. شیخ حسن بن علی عجمی
- ۸۴ ..... ۱۳. جمال الدین باهلی
- ۸۴ ..... ۱۴. محمد حجازی واعظ
- ۸۴ ..... ۱۵. حافظ ابونعیم رضوان عقیلی
- ۸۴ ..... ۱۶. جمال الدین محمد بن محمد بن جمال





۱۷. محمد بن مسعود ..... ۸۳
۱۸. شیخ اسماعیل بن مظفر شیرازی ..... ۸۴
۱۹. عبدالسلام بن ابی ربیع حنفی ..... ۸۴
۲۰. ابوبکر عبداللہ بن محمد بن ثیاپور قلانسی ..... ۸۴
۲۱. عبدالعزیز، استاد قلانسی ..... ۸۴
۲۲. محمد آدمی، استاد عبدالعزیز ..... ۸۴
۲۳. سلیمان بن ابراہیم بن محمد بن سلیمان ..... ۸۴
۲۴. ابونصر بخاری ..... ۸۴
۲۵. علی بن حسین مسعودی ..... ۸۵
۲۶. ابوبکر خوارزمی ..... ۸۶
۲۷. محمد بن ابی الفوارس ..... ۸۷
۲۸. حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیہقی شافعی ..... ۸۹
۲۹. مؤلف مجمل التواریخ و القصص ..... ۹۰
۳۰. شیخ احمد جامی ..... ۹۱
۳۱. یحییٰ بن سلامہ خصکفی شافعی ..... ۹۲
۳۲. ابن خناب بغدادی ..... ۹۴
۳۳. موفق بن احمد حنفی ..... ۹۵
۳۴. ابن آرزق ..... ۹۷
۳۵. فخرالدین رازی ..... ۹۸
۳۶. الناصر لدين اللہ خلیفہ عباسی ..... ۹۹
۳۷. یاقوت حموی ..... ۱۰۱
۳۸. شیخ فریدالدین عطار ..... ۱۰۲
۳۹. ابن اثیر جزری ..... ۱۰۲
۴۰. شیخ عامر بصری ..... ۱۰۲
۴۱. مخیی الدین ابن العربی ..... ۱۰۵
۴۲. شیخ سعدالدین حموی ..... ۱۰۸
۴۳. عزیزالدین نسفی ..... ۱۱۰
۴۴. کمال الدین محمد بن طلحہ شافعی ..... ۱۱۱
۴۵. سبط ابن جوزی ..... ۱۱۴





۴۶. عماد الدین حنفی ..... ۱۱۶
۴۷. حافظ محمد بن یوسف کتجی شافعی ..... ۱۱۷
۴۸. جلال الدین محمد بلخی ..... ۱۱۸
۴۹. شیخ صدرالدین قونوی ..... ۱۱۹
۵۰. ابن خلیکان اشعری شافعی ..... ۱۲۱
۵۱. حمد الله مستوفی قزوینی ..... ۱۲۲
۵۲. ابوالفداء عماد الدین اسماعیل ..... ۱۲۳
۵۳. شیخ علاء الدوله سمنانی ..... ۱۲۴
۵۴. عبدالرزاق کاشانی ..... ۱۲۴
۵۵. حافظ شمس الدین محمد ذهبی ..... ۱۲۵
۵۶. ابن الوردی ..... ۱۲۷
۵۷. صلاح الدین صفدی ..... ۱۲۸
۵۸. شیخ عبدالله مطیری مدنی شافعی ..... ۱۲۸
۵۹. شیخ عبدالله یافعی ..... ۱۳۰
۶۰. فصیح احمد خوافی ..... ۱۳۰
۶۱. ابوالولید محمد بن شحنه حنفی ..... ۱۳۱
۶۲. خواجه محمد پارسا ..... ۱۳۲
۶۳. شمس الدین محمد بن یوسف زرندی ..... ۱۳۴
۶۴. احمد بن علی داوودی حسنی ..... ۱۳۵
۶۵. ملک العلمای هندی ..... ۱۳۵
۶۶. خواجه افضل الدین ترکیه ..... ۱۳۸
۶۷. ابن صبّاغ مالکی ..... ۱۴۰
۶۸. شیخ عبدالرحمن بسطامی ..... ۱۴۲
۶۹. ابوالمعالی محمد بن عبدالله سراج الدین رفاعی ..... ۱۴۵
۷۰. نورالدین عبدالرحمن جامی ..... ۱۴۶
۷۱. عبدالرحمن صوفی ..... ۱۵۰
۷۲. بدیع الدین قطب مدار ..... ۱۵۲
۷۳. محمد خواوندشاه (میرخواند) ..... ۱۵۳
۷۴. فخرالدین ابوالسعادات ..... ۱۵۴

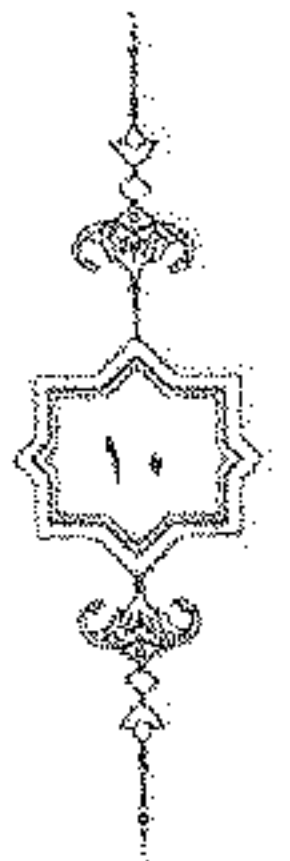




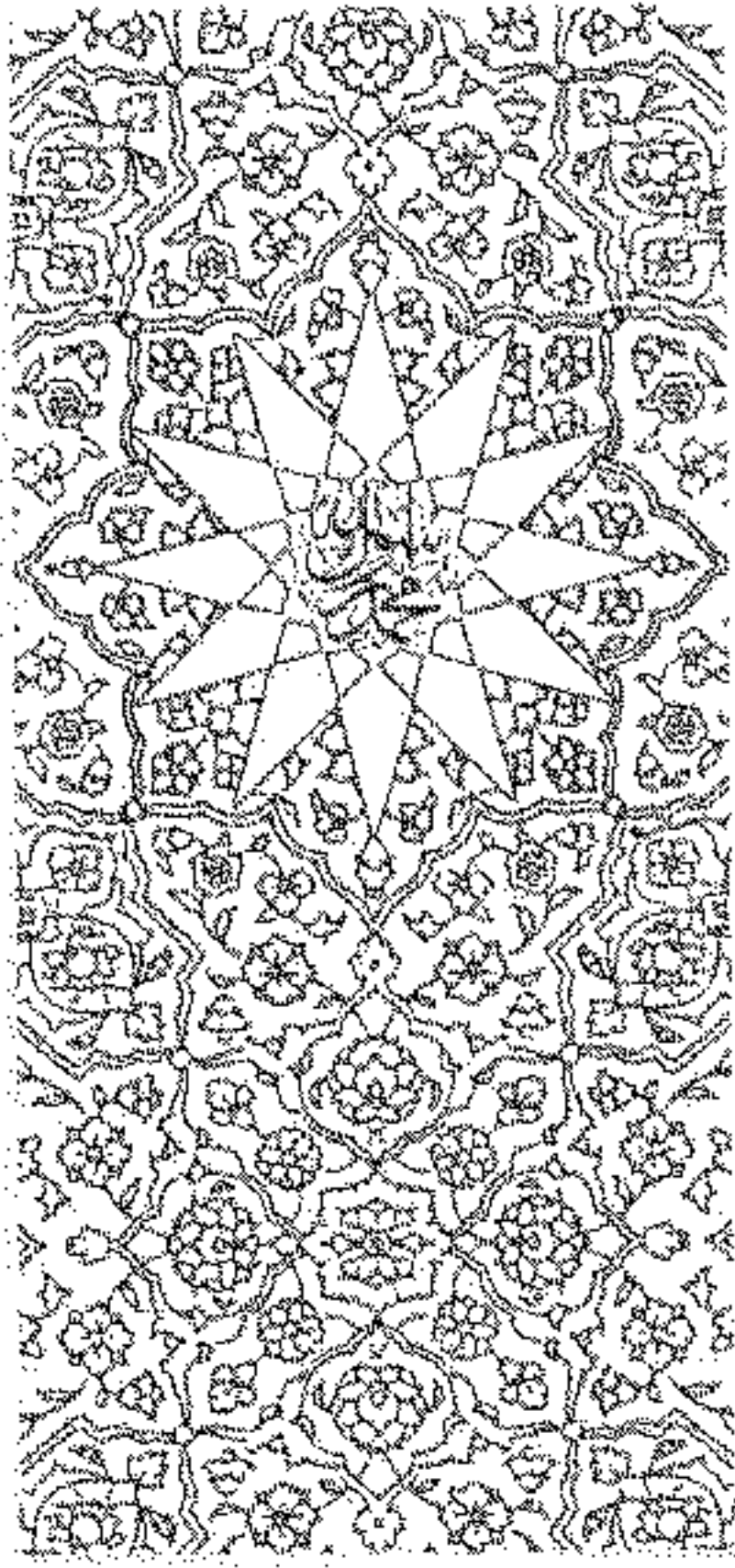
۷۵. فضل بن روزبهان خنجی ..... ۱۵۵
۷۶. جلال الدین محمد دوانی ..... ۱۵۸
۷۷. ملا حسین کاشفی ..... ۱۶۱
۷۸. جلال الدین عبدالرحمن شیوپی ..... ۱۶۲
۷۹. قاضی میر حسین میبیدی یزدی ..... ۱۶۳
۸۰. شیخ حسن عراقی ..... ۱۶۶
۸۱. شیخ علی خواص ..... ۱۶۷
۸۲. خواندمیر ..... ۱۶۸
۸۳. شمس الدین محمد بن طولون دمشقی ..... ۱۷۰
۸۴. ابن حجر هیثمی مکی ..... ۱۷۱
۸۵. عبدالوهاب شعرانی ..... ۱۷۲
۸۶. علی متقی هندی ..... ۱۷۵
۸۷. قاضی حسین بن محمد دیاربگری ..... ۱۷۹
۸۸. سید جمال الدین عطاء الله شیرازی ..... ۱۸۰
۸۹. احمد بن سنان قرمانی دمشقی ..... ۱۸۳
۹۰. شیخ عبدالحق دهلوی بخاری ..... ۱۸۳
۹۱. شیخ احمد فاروقی نقشبندی ..... ۱۸۶
۹۲. ابن عماد حنبلی ..... ۱۸۷
۹۳. عبدالملک عصامی ..... ۱۸۷
۹۴. یکی از مشایخ مصر ..... ۱۸۸
۹۵. شیخ عبدالله بن محمد شراوی شافعی ..... ۱۸۸
۹۶. شاه ولی الله احمد بن عبدالرحیم دهلوی ..... ۱۸۹
۹۷. محمد بن ابراهیم جوینی شافعی ..... ۱۹۰
۹۸. شیخ محمد بن علی صبان مصری ..... ۱۹۰
۹۹. شیخ علی اکبر بن اسدالله بن امرالله مودودی ..... ۱۹۱
۱۰۰. شیخ عبدالعزیز دهلوی ..... ۱۹۳
۱۰۱. صاحب کتاب تشیید المبانی ..... ۱۹۴
۱۰۲. خالد نقشبندی ..... ۱۹۴
۱۰۳. رشیدالدین دهلوی ..... ۱۹۸



- ۱۹۸ ..... ۱۰۴. محمد امین سنویندی بغدادی
- ۲۰۰ ..... ۱۰۵. شیخ عبدالکریم یمانی
- ۲۰۱ ..... ۱۰۶. قاضی جواد ساباط بصری حنفی
- ۲۰۲ ..... ۱۰۷. محمود بن وهیب قراغلی بغدادی حنفی
- ۲۰۳ ..... ۱۰۸. سید علی بن شهاب همدانی
- ۲۰۳ ..... ۱۰۹. سید نسیمی
- ۲۰۳ ..... ۱۱۰. شیخ سلیمان قندوزی حنفی بلخی
- ۲۰۹ ..... ۱۱۱. سید مؤمن بن حسن شبلنجی مصری
- ۲۱۰ ..... ۱۱۲. شیخ حسن ضمراوی شافعی مصری
- ۲۱۰ ..... ۱۱۳. قاضی بهلول بهجت افندی قندوزی زنگه زوری
- ۲۱۱ ..... ۱۱۴. محمد شفیق غریال مصری
- ۲۱۱ ..... ۱۱۵. سید عبدالوهاب بدری
- ۲۱۳ ..... ۱۱۶. خیرالدین زرکلی
- ۲۱۳ ..... ۱۱۷. عبدالرحمن بن محمد بن حسن بن عمر باعلوی
- ۲۱۴ ..... ۱۱۸. شمس الدین سامی بیک عثمانی
- ۲۱۵ ..... ۱۱۹. محمد مبین هندی
- ۲۱۶ ..... ۱۲۰. علمای بزرگ حجاز در قرن حاضر
- ۲۱۹ ..... منابع و مآخذ







## مقدمه چاپ چهارم

چاپ سوم دانشمندان عامه و مهدی موعود که در پنج هزار نسخه در سال ۱۳۶۱ شمسی انتشار یافت، مدتی بعد نیاز به چاپ مجدد پیدا کرد. هم من (نویسنده کتاب) و هم ناشر (دارالکتب الاسلامیه) به واسطه اشتغال به تألیف و چاپ کتابهای دیگر، از چاپ چهارم کتاب غفلت ورزیدیم، با اینکه نظر به اوضاع زمان، نیازی مبرم به تجدید چاپ آن بود.

مسأله امام زمان غایب از انظار و مهدی موعود اسلام که احادیث آن در انبوه کتب فریقین عامه و خاصه، از قدیمی ترین زمانها تا عصر حاضر موجود بوده و هست، گذشته از فرق مختلف مسلمین، به مرور ایام یک مسأله جهانی شده است، تا جایی که به عنوان تمرین زمان ظهور، فیلمی توسط خارجیها ساخته شده و آن را در سطح جهان به نمایش گذاشتند. حتی بعد از تجاوز

امریکای جهانخوار به کشور عراق، حساسیت آنها نسبت به مسأله مهدی تا آنجا بود که می‌گفتند در نجف اشرف و دیگر شهرهای شیعه‌نشین عراق افرادی که تماشای «مهدی» بود، یا جلب می‌شدند و یا زیر نظر قرار داشتند و شاید هم آن جنگ مهیب با «جیش‌المهدی» را در نجف، بیشتر به خاطر همان نام «مهدی» به راه انداختند!

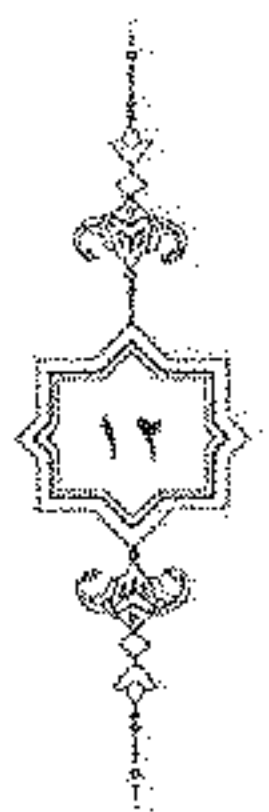
\*

هم‌اکنون که بحمدالله کتاب بار دیگر تجدید چاپ می‌شود، لازم می‌دانم به نکاتی چند راجع به آن اشاره کنم:

۱. خدا را شکر می‌گویم که این بنده تیارمند به الطاف الهی و عنایات حضرت ولی عصر عجل‌الله فرجه را موفق داشت که از دیرزمان و سالهایی که مسأله امام زمان کمتر در کتابها آمده یا کتابی مستقل در آن باره در دسترس بود، چند کتاب در این زمینه تألیف کنم و چاپ و منتشر شود.

نخست کتاب مستطاب مهدی موعود ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار علامه مجلسی است که مشتمل بر تمامی مباحث راجع به آن حضرت است. توفیق چاپ و انتشار آن هم نصیب «دارالکتب الاسلامیه» شد. قرارداد کتاب را با دانشمند فقید آقا شیخ محمد آخوندی مدیر دارالکتب بستیم که باید آن مرحوم را در ایران پیشگام در نشر کتابهای مذهبی و آثار علمی دانشمندان و نویسندگان شیعه امامیه دانست.

پس از امضای قرارداد، روزی به فرزند برومند آن مرحوم، حاج آقا مرتضی آخوندی گفتم: من امتیاز کتاب





را کلاً به شما واگذار کردم. ولی او گفت: من خیلی هم خوشحال نیستم، زیرا این کتاب تمامی مسائل و مباحث مربوط به امام زمان را داراست، و شما هم آنها را از عربی به فارسی روز ترجمه کرده‌اید، چون تاکنون نداشتیم دیری نخواهد پایید که این و آن هر قسمتی از آن را جدا کرده و برای سوجدجویی به نام خود یا به نام شما منتشر می‌کنند، و رفته رفته چیزی از آن نمی‌ماند!

این سخن، قبل از چاپ اول کتاب در سال ۱۳۳۹

شمسی بود.

اتفاقاً و با کمال تأسف همین طور هم شد و جزواتی برگرفته از آن کتاب تحت عناوین ولادت امام زمان، طول عمر امام زمان، غیبت امام زمان، علایم ظهور امام زمان، امام زمان در کتب عهدین یعنی تورات و انجیل و زبور داوود، کسانی که آن حضرت را دیده‌اند و... در مقالات یا کتابهای دیگران آمد و هنوز هم این کار ادامه دارد.

این عده گاهی از کتاب و من نام می‌برند، و اغلب نه! کار به جایی رسید که چون دیده شد مهدی موعود رواج یافته است و تقریباً هر ساله تجدید چاپ می‌شود، کتابهایی به همان نام «مهدی موعود» چاپ و منتشر کردند. یکی نجم ثاقب حاجی نوری را به نام «مهدی موعود» آن هم با همان خط، و دیگری ترجمه قدیمی آن توسط ملا حسن ارومی را به نام مهدی موعود در یک جلد و دو جلد چاپ و منتشر کردند، در حالی که آن ترجمه دستاویز فرقه ضالّه بوده است و به وسیله آن که توضیحاتی راجع به بعضی از احادیث نداشت، چه افرادی را گمراه کرده بودند، و بانی چاپ آن کتاب

مرحوم شیخ محمدحسین نیکخواه، و دستور صریح  
 مرحوم آیت‌الله عظمی بروجردی به من که با ترجمه  
 جدید، پاسخ شبهات مخالفان را بدهم، ولی آن افراد  
 منفعت‌پرست و سودجو، حتی تاکنون هم برخلاف شرع  
 و قانون به کار خود ادامه می‌دهند و این «مهدی  
 موعود»ها در بازار کتاب هست و به فروش می‌رسند!  
 اشکال به وزارت ارشاد هم وارد است که جلوی این  
 کار خلاف قانون را که سوءاستفاده از نام کتاب دیگری  
 جرم است، با اینکه من کتباً هم اعتراض کردم، نمی‌گیرد  
 و اهمیتی به آن نمی‌دهند!

این ولنگاری در امر نشر کتاب به آنجا رسیده است  
 که هرچه «مهدی موعود» اصلی از طرف «دارالکتب  
 الاسلامیه» چاپ می‌شود، «مهدی موعود»های قلابی هم  
 فروخته می‌یابد، به گونه‌ای که امروز هشت یا نه کتاب به  
 این نام چاپ و منتشر می‌شود و در بازار کتاب هست!  
 عده‌ای دیگر برای اینکه در فروش کتاب خود درباره امام  
 زمان استفاده کنند، «مهدی موعود» را با پسوندی همراه  
 کرده‌اند که هم سود ببرند و هم به نظر خودشان خلافتی  
 نکرده باشند.

باری، خوشحالیم که با همت ناشر محترم، مهدی  
 موعود توسط «دارالکتب الاسلامیه» تاکنون سی بار چاپ  
 و منتشر شده است، و کتابی نداریم که با آن حجم (۱۳۹۲  
 صفحه) به این تیراژ رسیده باشد، ولله الحمد الشاکرین.  
 ۲. کتاب دیگر ما درباره امام زمان همین کتاب است  
 که پاسخی است به علمای عامه تا مبدا درباره مهدی  
 موعود اسلام دچار تردید شوند، یا آن را فقط از معتقدات





شیعه امامیه بدانند.

۳. کتاب سوم ما در باره حضرت بقیة الله، موعودی که جهان در انتظار اوست نام دارد که چاپ چهارم آن به قطع رقعی در ۴۰۰ صفحه سالها پیش منتشر شده است و به یاری خداوند به زودی با تجدید نظر برای پانجمین بار چاپ و منتشر خواهد شد.

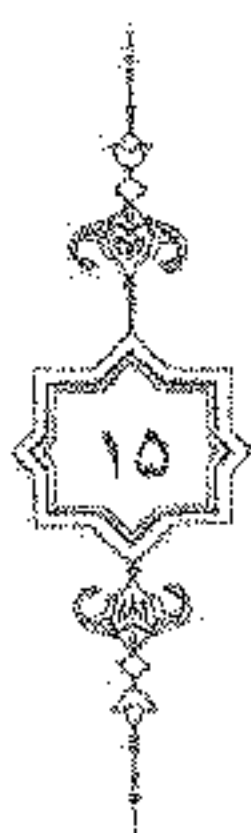
۴. کتاب دیگرمان به نام شوق مهدی، تاکنون شش بار چاپ و منتشر شده است.

۵ و ۶. کتاب پنجم به نام امام زمان در نظر دیگران و کتاب ششم به نام او می آید با تصحیح و مقدمه مفصل ما چاپ و منتشر شده است. خدا را بر این منت و توفیق بیایمی شکرگزاریم.

۷. تاریخ حیات یا وفات بعضی از این دانشمندان را نتوانستیم به دست آوریم و متأسفانه در این چاپ نیز جای آنها مانند چاپهای گذشته همچنان سفید مانده است.

۸. پس از چاپ سوم کتاب، تعدادی دیگر از دانشمندان عامّه را یافتیم که در کتابهای خود از امام زمان پسر امام حسن عسکری علیه السلام نام برده و گفته اند که مهدی موعود اسلام در روایات فریقین اوست، ولی دیدیم که نیازی به افزودن نامشان نیست زیرا آنها نیز تقریباً همین سخنان را به نظم یا نثر عربی و فارسی گفته اند، و تکرار مکررات خواهد بود.

۹. شنیده ایم شخصی در قم کتابی مشتمل بر ۱۲۸ تن از علمای عامّه به عربی نوشته که چاپ و منتشر شده است. نمی دانیم غیر از ۸ تن اضافی، آیا نامی از من و این



کتاب برده و گفته است ۱۲۰ تن آنان را فلانی در چنین کتابی آورده و مورد بحث و بررسی قرار داده است یا نه؛ و اصولاً این، خلاف شرع و قانون و ماده ۲۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین است که از ۶ ماه تا ۳ سال زندان دارد!

۱۰. پس از چاپ اول این کتاب و چاپهای بعدی آن، بعضی‌ها در مقالات و کتابهایشان به کسانی که درباره امام زمان (ع) کتاب نوشته‌اند اشاره کرده و اسامی خود آنها یا نام کتابهایشان را آورده‌اند، ولی آیا نوشته‌اند که پیشگامان این راه چه کسانی بوده‌اند؟ چون بزرگان گفته‌اند: الفضل للمتقدم، و من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق، یعنی: افتخار از آن پیشینیان است، و هر کس از مخلوقی که آن راه را گشوده قدردانی نکند، قدردان خدا نیست.

۱۱. می‌بینید که ما به جای «اهل تسنن» یا «اهل سنت» لفظ «عامه» را به کار برده‌ایم. این وظیفه هر فرد شیعه است، چنانکه بزرگان سابقین ما مانند شیخ مفید و شیخ طوسی و سید مرتضی نیز از شیعه و سنی به «عامه» و «خاصه» تعبیر می‌کرده‌اند.

«عامه» سنیان هستند، چون اکثریت مسلمین را در گذشته و حال تشکیل می‌دهند و تعبیری بجاست. در مقابل آن اکثریت، ما شیعیان را «خاصه» می‌نامند، چون در طول تاریخ، خلفا و حکام و قضات و عامه مردم از آنها بوده‌اند حال آنکه ما گروهی خاص بوده‌ایم و هستیم.

«اهل سنت» یا «اهل تسنن» یا «اهل سنت و جماعت»





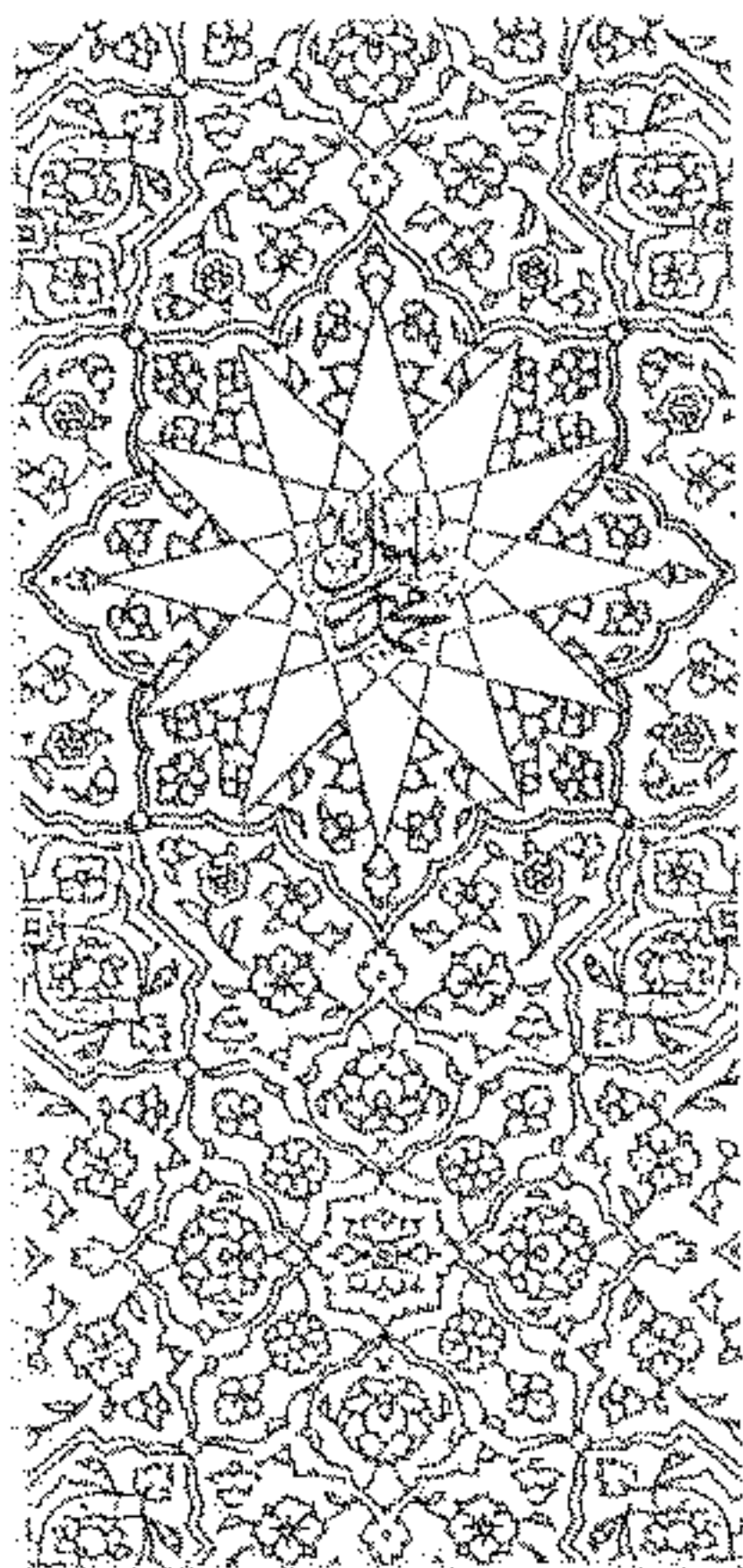
مفهوم مخالف بسیار بدی دارد که متأسفانه شیعیان متوجّه آن نیستند. آیا ما اهل بدعت، یا اهل بدعت و تفرقه هستیم؟ چرا توجّه نداریم؟!

در واقع «اهل سنت» ما هستیم که سنت پیامبر را از امیرالمؤمنین و ائمه طاهرين عليهم السلام از دودمان آن وجود مقدّس گرفته‌ایم. پس حال که این نام را آنها برده و به خود اختصاص داده‌اند ما نباید به آنان تأسی کنیم، بلکه بهتر است همان لفظ «عامّه» را که تعبیر بجایی هم هست به کار بریم و بیش از این خود را موهون نکنیم. و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین.

تهران - علی دوانی

۲۲ مرداد ۱۳۸۴





## مقدمه چاپ دوم

چاپ نخست این کتاب مدّتی است که به اتمام رسیده و چاپ دوم آن به علی به تأخیر افتاد و اینک خوشوقتیم که برای دومین بار به اضافهٔ اعتراف سه تن دیگر از دانشمندان عامّه منتشر می‌گردد.

بنابراین شما خوانندگان محترم اعتراف ۱۲۰ تن از علمای عامّه را در این کتاب پیرامون امام زمان غایب از انظار یعنی محمد بن الحسن العسكري علیه السّلام می‌خوانید که مهدی موعود اسلام را همان پسر امام حسن العسكري علیه السّلام دانسته و از ولادت وی خیر داده‌اند.

جای بسی تأسّف است که اخیراً کنفرانسی از بعضی مفتیان عامّه در ریاط پایتخت مراکش به دعوت سلطان حسن دوم یا «شاه حسن مراکشی» تشکیل یافت و در آن به بخشی از سخنان رهبر انقلاب ایران و بنیانگذار

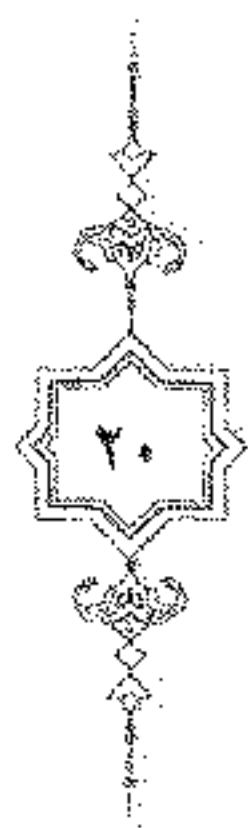
جمهوری اسلامی، امام خمینی نام ظلّه که گفته بودند امام زمان دولتی تشکیل می‌دهد که انبیا توفیق آن را نیافتند، اعتراض نموده و سخنان مفتی گفته‌اند.

گویی این تنها عقیده شیعه است، و امام خمینی سخنی برخلاف اعتقاد مسلمین گفته‌اند! مگر اینها علمای بزرگ عامّه نیستند که صریحاً همین موضوع را اعتراف نموده‌اند؟ مگر خود علمای عامّه روایت نکرده‌اند که «تبلیغ سلطانه المشرق و المغرب» یعنی دایره حکومت مهدی موعود، شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد، و نگفته‌اند که مرغان هوا و ماهیان دریا و درندگان صحرا و اهل آسمانها از حکومت مهدی خوشنود خواهند بود؟ مگر این معانی در احادیث عامّه در کتابهای مخصوص به «مهدی» تألیف ابونعیم اصفهانی، شیوطی، ابن حجر مکی، علی متقی و دیگران نیامده است؟ و مگر و مگر...؟ به طوری که: «گر بگویم وصف آن، بی حد شود».

ما تفصیل این معانی را در کتاب «موعود جهانی» که عن قریب منتشر می‌گردد<sup>۱</sup> داده‌ایم، و تفصیل بیشتر را عرب‌زبانان می‌توانند در کتاب المهدی مرحوم آیت‌الله صدر و منتخب الاثر دانشمند گرانمایه آقای صافی گلپایگانی ببینند و از آنچه پیرامون سخنان رهبر انقلاب اسلامی ایران گفته‌اند شرم کنند یا در پیشگاه خداوند توبه نمایند.

باری، مطالعه همین کتاب از آغاز تا انجام، پاسخ

۱. این کتاب به نام موعودی که جهان در انتظار اوست به قطع رقعی در حدود ۴۰۰ صفحه





گویایی برای مفتیان مفت‌گوی یادشده و همفکران و پیروان آنهاست، هرچند از «وَعَاظَ السَّالِطِينَ» جز این انتظاری نداریم.

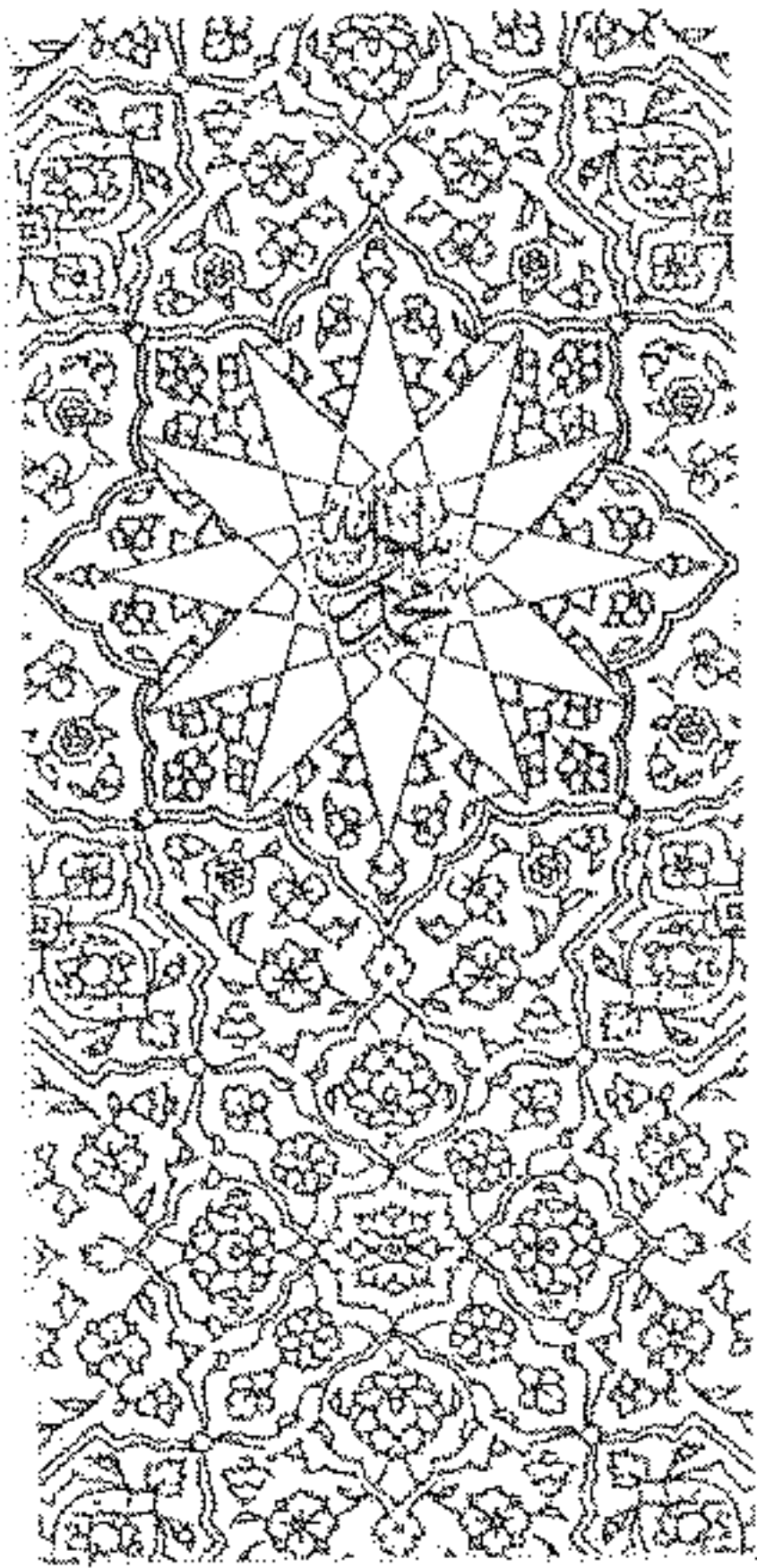
اعتراف علمای عامّه بیش از این است که ما از ۱۲۰ تن آنان نقل کرده‌ایم. این را فقط به نقل از کتب چاپ‌شده آنها که در دسترس قرار دارد نقل نموده‌ایم که خود مشت نمونه خروار است.

امیدواریم دوستان امام زمان با مطالعه این کتاب به معرفت خود نسبت به آن وجود مقدّس بیفزایند، و دشمنان از پندار خود پشیمان شوند، که در غیر این صورت، عرض خود می‌برند و زحمت ما می‌دارند!

**مؤلف**

۱۲ بهمن ۱۳۵۹





## مقدمه چاپ اول

مسأله «مهدی موعود» و اینکه وی از خاندان نبوت، و از دودمان علی و فاطمه زهرا دختر و الامقام پیامبر اسلام علیهم السلام است، یکی از مسائل مهم و مشهور اسلامی است و سابقه‌های بس طولانی دارد.

این موضوع قبل از اینکه یک عقیده شیعی باشد، یک مسأله قدیمی اسلامی است و می‌توان گفت آن قدر که در منابع و مآخذ اولیه عامه، درباره او از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است، در مدارک شیعه که در آن اوقات تدوین گردیده، وجود ندارد، چنانکه روایات مربوط به مهدی را هم‌اکنون در آن منابع قدیمی عامه مانند مسند احمد حنبل و پنج صحیح از «صحاح سته» به وفور می‌بینیم.

با این وصف، باعث کمال تأسف و تعجب است که به مرور ایام، چنان اکثریت مسلمین نسبت به مسأله مهدی

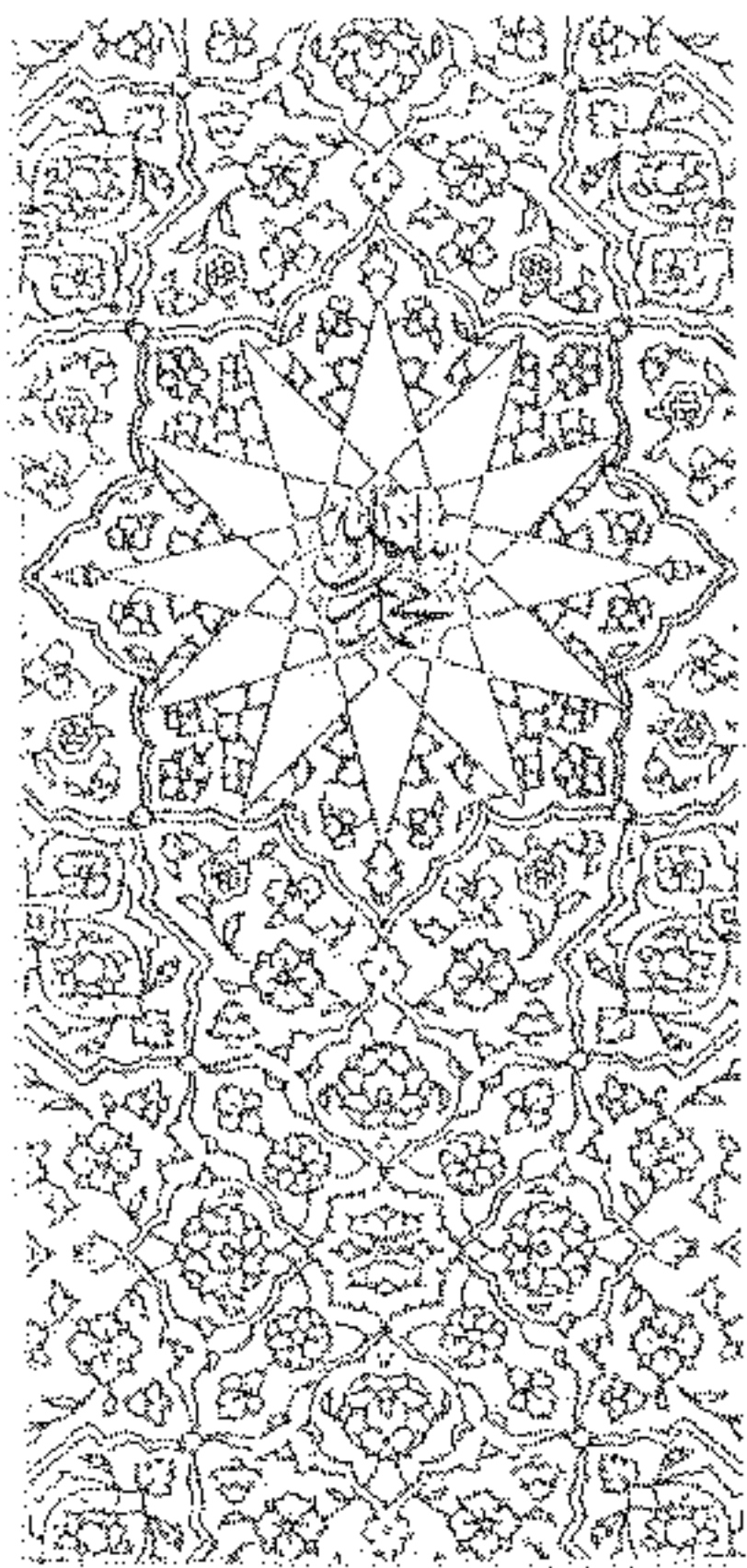
بی تفاوت مانده و حتی جمعی در آن به دیده تردید و انکار نگریسته و زبان به ایراد و اعتراض گشوده‌اند که گویی فقط طایفه شیعه هستند که عقیده به مسأله «مهدی» دارند، تا جایی که مسأله مهدی را ساخته و پرداخته جامعه شیعه دانسته و گفته‌اند: اهل سنت (!) در این باره نظری ندارند.

اینک خوانندگان محترم فرصت دارند تا فهرستی از نظریات و اعتقادات بزرگان عامّه درباره مهدی و ۱۲۰ تن از مشاهیر آنان را که از شخص محمد بن الحسن العسکری به عنوان «حجت» و «قائم» و «مهدی» و «منتظر» نام برده و اعتراف به وجود امام زمان در عقیده شیعه نموده‌اند، در این کتاب مطالعه نمایند.

تهران - علی دوانی

۱۳۵۳/۱/۵ شمسی





## کار مادر این کتاب

به طوری که خوانندگان محترم ملاحظه می کنند، ما در این کتاب ۱۲۰ تن از دانشمندان عامّه را نام برده ایم که گفته اند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پیشوای یازدهم شیعه پسری به نام «ابوالقاسم محمد بن الحسن» داشته و القابش «حجّت»، «قائم»، «خلف صالح»، «منتظر» و «مهدی» بوده است. همگی اینان صریحاً یا به طور غیرمستقیم این «ابوالقاسم محمد بن الحسن» را همان مهدی موعود اسلام دانسته اند که پیامبر صلی الله علیه و آله از ظهور او در ایّام بحرانی جهان و تشکیل حکومت عالمگیر وی خبر داده است.

تا آنجا که ما تحقیق و بررسی نموده ایم، این موضوع را نخستین بار دانشمند عالی قدر عامّه شیخ سلیمان حنفی قندوزی بلخی، مقیم قسطنطنیه و در گذشته سال ۱۲۹۴ هجری فتح باب نموده و در کتاب پیراج خود *ینابیع الموده*



از آن سخن به میان آورده است.

تقریباً در همان عصر، نابغه بزرگ شیعه سید میر حامد حسین هندی متوفای سال ۱۳۰۶ هجری، شاید بدون اطلاع از کتاب *ینابیع الموده*، گروهی از آنها را که در *ینابیع آمده* است و عده دیگری را که خود از علمای بزرگ سنی هندوستان و غیر ایشان یافته و کتب آنها را دیده بود، به تفصیل در کتاب *گرائقدر استقصاء الافحام* نام برده و سخنان آنها را در این زمینه برشمرده است.<sup>۱</sup>

پس از این دو بزرگوار، محدث عالی مقام حاج میرزا حسین توری در گذشته سال ۱۳۲۰ هجری در کتاب *کشف الاستار* که آن را به عربی در اثبات وجود حجت غایب از انظار تألیف کرده است<sup>۲</sup>، با استفاده از دو کتاب یادشده *ینابیع الموده* و *استقصاء الافحام* و تنی چند که خود بر آنان افزوده است، چهل تن از علمای عامه را نام برده است که در این خصوص داد سخن داده‌اند.

همین دانشمند بزرگوار در اثر دیگرش *نجم ثاقب* که باز پیرامون وجود مقدس امام زمان به فارسی نگاشته شده، بیست تن از آنها را نام برده است.



۱. کتاب *استقصاء الافحام* را پس از مدت‌ها جستجو، در کتابخانه دانشمند محقق، آقای سید جلال الدین محدث ارموی یافتیم و آنچه را قبلاً از کشف الاستار به نقل از آن کتاب، یادداشت کرده بودم، با آن تطبیق نمودم. بدین وسیله از لطف آقای محدث سپاسگزاری می‌نمایم.

۲. همچنین باید از آقای حاج جعفر مطلب‌زاده تبریزی که مردی فضل‌دوست و کتاب‌شناس است تشکر کنم که کشف الاستار محدث توری را در اختیارم گذاشتند تا در این کتاب از آن استفاده شود.

سپس مرحوم سید محسن امین عاملی مؤلف عالی قدر اعیان الشیعه از علمای بزرگ عصر اخیر، کتاب البرهان علی وجود صاحب الزمان و مرحوم شیخ علی یزدی در الزام الناصب و اخیراً مؤلفین محترم منتخب الاثر و الامام الثانی عشر و ذرایع البیان و الامام المهدی و دیگران با استفاده از کتابهای نامبرده و نفراتی که خود افزوده‌اند، کم و بیش به اجمال و تفصیل، این دانشمندان را نام برده‌اند. در میان آنها مؤلف منتخب الاثر<sup>۱</sup> آنها را احصا نموده و جمعاً شصت و پنج تن را ذکر کرده‌اند.

ما در تألیف این کتاب با مراجعه به کتابهای پیشقدمان این راه و مآخذ بعدی، نخست آنچه را آنها یادآور شده بودند مورد مطالعه و مذاقه قرار دادیم، سپس خود نیز تقریباً پنجاه تن دیگر را بر آنها افزودیم و تعدادشان را به ۱۲۰ تن رساندیم. آن گاه برای شناخت هر کدام، منابع تاریخی و رجالی و فهرستهای مختلف را دیدیم و تا آنجا که میسر بود، نوشته‌های آنها را با مآخذ اصلی تطبیق نموده و صحت و سقم آن را روشن ساختیم.

در نتیجه این بررسیها متوجه شدیم که در این باره اشتباهاتی هم رخ داده است، به طوری که یکی بعد از دیگری، بدون توجه، آن را نقل کرده‌اند.

از جمله اینکه نصر بن علی جهضمی در گذشته سال ۲۵۰ هجری را محدث نوری در کشف الاستار و نجم ثاقب و به پیروی از وی در منتخب الاثر از کسانی دانسته‌اند که از ولادت مهدی پسر امام حسن عسکری علیه السلام خبر

داده است. در صورتی که این اشتباه است و چگونگی آن را در ذیل نفر اول (ابن ابی تلج بغدادی) شرح داده ایم.

دیگر اینکه مؤلف الزام الناصب و به پیروی از وی در منتخب الاثر و الامام المهدی و غیره، «حسین بن همدان خضینی» مؤلف هدایه را در ردیف این دانشمندان به شمار آورده اند. حال آنکه طبق نوشته نجاشی و شیخ طوسی در فهرست، وی «حسین بن حمدان خضیبی» است (نه همدان خضینی). و به گفته مؤلف تاریخ العلویین، وی یکی از رهبران نخستین فرقه نصیریته است<sup>۱</sup> و از نظر شیعه منحرف بوده و عقیده داشته است که محمد بن نصیر تمیزی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام که دعوی با بیت امام زمان می کرده، نایب خاص آن حضرت بوده، و به همین جهت نیز نجاشی او را «فاسد المذهب» خوانده است.

حسین بن حمدان خضیبی به گفته ابن داوود در رجال به سال ۳۵۸ و طبق نوشته مؤلف تاریخ العلویین در سال ۳۴۶ هجری در حلب وفات یافته و مؤلف کتاب هدایة الکبری و غیره است، و در هر صورت او سنی نیست بلکه شیعه منحرف بوده است.

دیگر اینکه «عزیزالدین نسفی» از عرفا و نویسندگان پارسی قرن هفتم هجری را (که مؤلف ینابیع الموده از این افراد دانسته) به اشتباه صاحب عقاید نسفیّه پنداشته اند، چنانکه در کشف الاستار و نجم ثاقب و غیره آمده است. در



۱. تاریخ العلویین تألیف یکی از افراد فرقه نصیریته است که امروز معروف به «علوی ها» و ساکن ترکیه و سوریه و لبنان هستند. آنها شیعه اثنا عشری اند ولی عقایدشان منشوب به اعتقادات مختلف شده است.

صورتی که مؤلف عقاید نسفیّه «نجم الدین عمر بن محمد نسفی»، در سال ۵۳۷ هجری در گذشته است و در عقاید نسفیّه اعتقاد به مهدی موعود را تخطئه می‌کند، و در هر صورت او غیر از «عزیزالدین نسفی» است. دیگر اینکه «قاضی جواد سباط جنفی» را محدث نوری در کشف‌الاستار و نجم ثاقب و مؤلف محترم منتخب‌الاثربه پیروی از آن مرحوم، «قاضی جواد سباطی» نامیده‌اند. در صورتی که وی اهل بحرین و مقیم بصره بوده است، نه اینکه منسوب به شهر سباط باشد و «سباطی» خوانده شود.

همچنین در بعضی از اسامی و القاب و تاریخ و فیات و اسامی کتب آنها و نقل مطالب و مأخذ، اشتباهاتی روی داده است که همه را پس از مراجعه به منابع و مدارک مربوطه، تصحیح کرده و توضیح داده‌ایم.

افزون بر اینها، آنچه مثلاً از کشف‌الاستار و استقصاء‌الافحام و غیره نقل کرده‌ایم به ترتیبی است که خود ما انتخاب نموده‌ایم، یعنی گاهی تقدیم و تأخیری در نقل مطالب روی داده است تا منظم‌تر و گویاتر باشد.

مهم‌ترین کاری که ما در کتاب حاضر و راجع به این دانشمندان انجام داده‌ایم این است که آنها را به ترتیب زمان از قرن چهارم هجری تا عصر حاضر، قرن به قرن، شناسانده‌ایم و تاریخ درگذشت هر کدام را با تتبع بسیار در مظان آنها یادداشت کرده‌ایم، و باید بگوییم که در این خصوص رنج فراوان برده‌ایم، چنانکه بر اهل تحقیق پوشیده نیست.

از اینها گذشته گفتار این دانشمندان را تا آنجا که ممکن

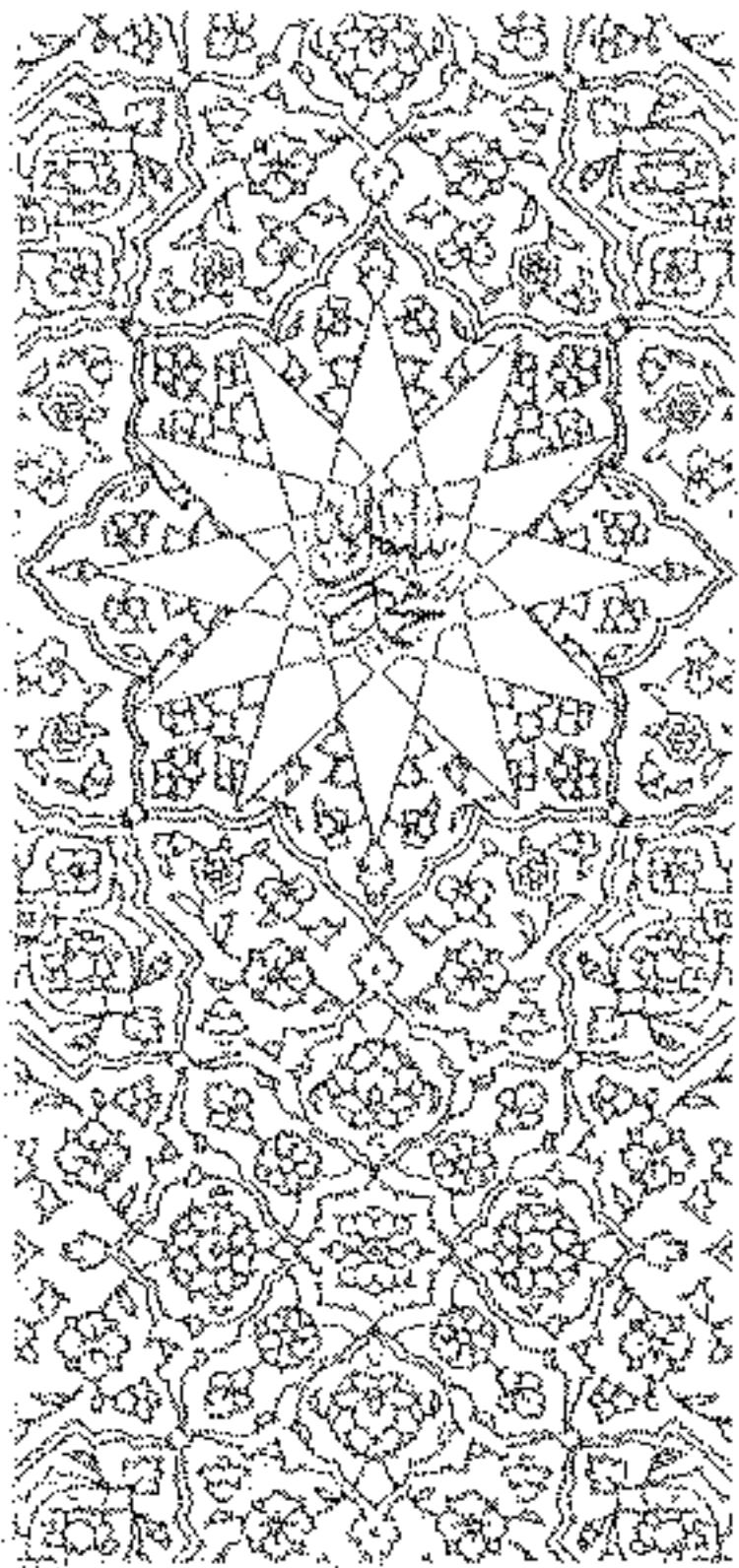


بوده است مستقیماً از کتابهای چاپی یا خطی که به آنها دسترسی یافتیم نقل کرده‌ایم و در این خصوص مثلاً اکتفا به نقل *یذابیع الموده* یا *استقصاء الافحام* یا *کشف الاستار* و *منتخب الاثر* و غیره نموده‌ایم. البته چند کتاب و تاریخ و قات تعدادی از اینان باقی مانده است که چون دسترسی به آنها نیافتیم، به یاری خداوند متعال در چاپهای بعدی جبران خواهیم کرد.

ناگفته نماند که چند تن دیگر از علما و عرفا و شعرای عامه را جزو این عده نام برده‌اند که چون درست آنها را نشناختیم و به کتابها و گفته‌ها و اشعارشان دست نیافتیم، از ذکر نامشان خودداری نمودیم. به خواست خداوند در چاپ بعد از آنان هم نام می‌بریم.



ولادت امام مهدی رضی الله عنه - مُسَمَّی  
به اسم رسول و مُکَنِّی به کنیت آن  
حضرت - در سُرِّ مَنْ رَأَى بُود و در شب  
نصف شعبان سنهٔ خمس و خمسين و  
ماتین (۲۵۵)، و در وقت وفات پدر پنج  
ساله بود، و حق سبحانه او را در صغر  
سن حکمت داد چنانکه یحیی پیغمبر  
را، و او را در حال طفولیت امام گردانید  
چنانکه عیسی را در ایام کودکی نبی  
مرسل گردانید...



محمد خواوندشاه

مؤلف روضة الصفا

(ص ۱۵۴ همین کتاب)



بسیا ای امام هدایت‌شعار  
 که بگذشت از حد غم انتظار  
 ز روی همایون برافکن نقاب  
 عیان ساز رخسار چون آفتاب  
 بسرون آی از منزل اختفا  
 نمایان کن آثار مهر و وفا  
 بسرافراز ارکان اسلام را  
 بسیتداز بنیاد استقام را  
 جهان پر شد از شیوه ظلم و جور  
 ز انصاف دور است اطوار دور  
 نظر کن به حال من مستمند  
 که کردم ز الطاف تو سربلند  
 بسود این امیدم که باشم مدام  
 مباهی به الطاف خاص امام  
 الهی به حق امام زمان  
 به عز محبتان این خاندان  
 که توفیق گردان رفیق دلم  
 برویان گل مرحمت از گلم

عبدالرحمن جامی

(ص ۱۲۹ همین کتاب)



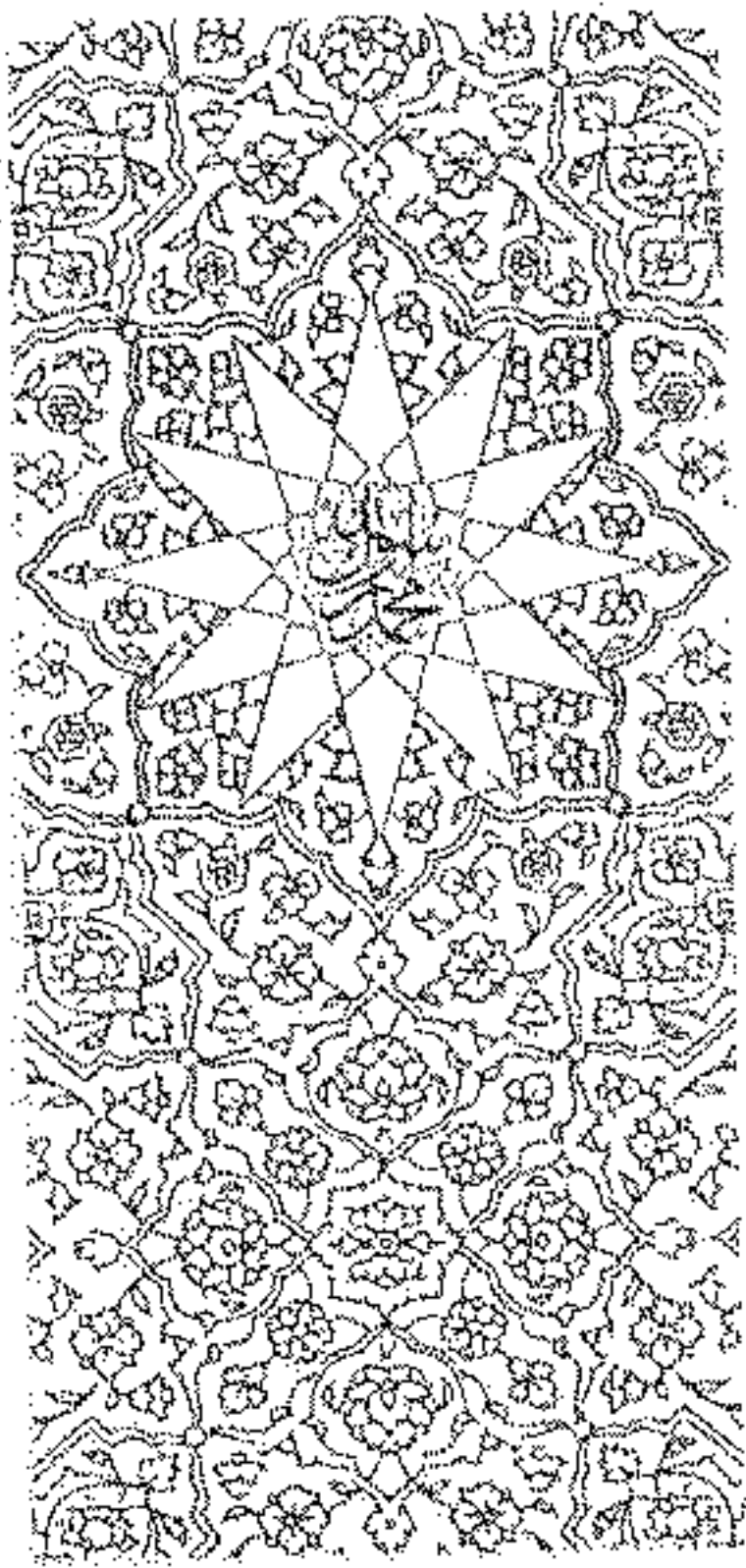
دانشمندان عامّه

و

مهدی موعود







## مهدی موعود (ع) از نظر جامعه شیعه

«مهدی موعود» نامی است که از نخستین قرون اسلامی بر سر زبانها بوده است. پیامبر گرامی اسلام و خلفا و ائمه معصومین و صحابه و تابعان و راویان بعدی، همگان از شخصی با عظمت و مردی الهی به نام «مهدی» از دودمان پیامبر که در آخر الزمان - یعنی تاریک‌ترین ادوار تاریخ بشر - خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، از آن پس که پر از ظلم و ستم شده باشد، سخن گفته‌اند.

به اعتقاد جامعه شیعه و پیروان خاندان نبوت، آنچه راجع به «مهدی منتظر» در منابع سنی و شیعی آمده و صحیح و معتبر شناخته شده و از دست جعل و تحریف مصون مانده است، با وجود مقدس حجت بن الحسن العسکری علیه السلام پیشوای دوازدهم شیعه از دودمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مطابقت کامل دارد.

شیعیان بر اساس احادیث مسلم و صحیح که مدارک و منابع عامه و خاصه مشحون از آن است و مفاخر عالمان و محدثان فریقین آن را از اعظم صحابه و تابعان روایت کرده‌اند، عقیده دارند «مهدی موعود» که

از سلاله پیغمبر و حضرت علی و فاطمه زهرا و امام حسین علیهم السلام است و به طور پنهانی متولد می‌گردد و غیبتی طولانی و عمری دراز خواهد داشت، با همه علامات و شمایل و خصوصیات که در روایات متوافق آمده است، بر هیچ کس جز امام زمان محمد بن الحسن العسکری که به مضمون همین روایات «حجت» و «قائم» و «مهدی» و «منتظر» و «بقیة الله» خوانده می‌شود، قابل تطبیق نیست، و این همان است که گروه بسیاری از علمای عامه خواه‌ناخواه به آن اعتراف نموده‌اند، چنانکه در همین کتاب می‌خوانید.

شیعه معتقد است که دولتهای بنی‌امیه و بنی‌عباس، حق الهی ائمه اهل بیت علیهم السلام را در تصاحب حکومت اسلامی و جانشینی پیامبر غصب نمودند و نسبت به آن ذوات مقدس از هیچ‌گونه ظلم و ستمی فروگذار نکردند و سرانجام نیز دست خود را به خون آنها آغشتند و همه را شهید نمودند، ولی چون نوبت به آخرین آنها رسید، خداوند او را از دسترس جباران و گزند دشمنان نجات داد و تا وقتی که افکار عمومی جهان برای پذیرش او مساعد نباشد، ظهور نخواهد کرد.

حال چرا امامان شیعه دوازده تن هستند، نه بیشتر و نه کمتر؟ و چرا باید انتصابی باشند نه انتخابی؟ و چرا باید حجت بن الحسن آخرین آنها باشد تا برای حفظ جانش - یا به علل و جهات دیگر - خدا او را غایب گرداند؟

در پاسخ به این پرسشها همین قدر می‌گوییم که درست نمی‌دانیم! این خواست خداوند است.

چرا به عقیده همه مسلمانان تعداد انبیا یکصد و بیست و چهار هزار تن است، نه بیشتر و نه کمتر؟ چرا انتصابی بودند نه انتخابی؟ و چرا



پیامبر اکرم آخرین آنهاست؟

چرا تعداد انبیا در نزد یهود و نصاری آن قدر است که آنها عقیده دارند، نه بیشتر و نه کمتر؟ چرا انتصابی بودند نه انتخابی؟ و مثلاً چرا حضرت موسی یا حضرت عیسی باید آخرین آنها باشد؟  
چرا انسان دارای دو دست و دو پا و دو چشم و دو گوش است و هر دست و پا پنج انگشت دارد و تعداد دندانهای هر انسان محدود و معین است؟ چرا بیشتر یا کمتر نیست؟ و هکذا...

ملاحظه می کنید که از این چراها زیاد است و اگر دنبال شود، سر به درازا می کشد. پس چه بهتر که بگوییم خواست خداوند و کار اوست و به ما مربوط نیست، قطعاً جهتی داشته و دارد، و کار حکیم سازنده جهان و آفریننده جهانیان بی حکمت و مصلحت نبوده و نیست، چه ما بدانیم و چه ندانیم!

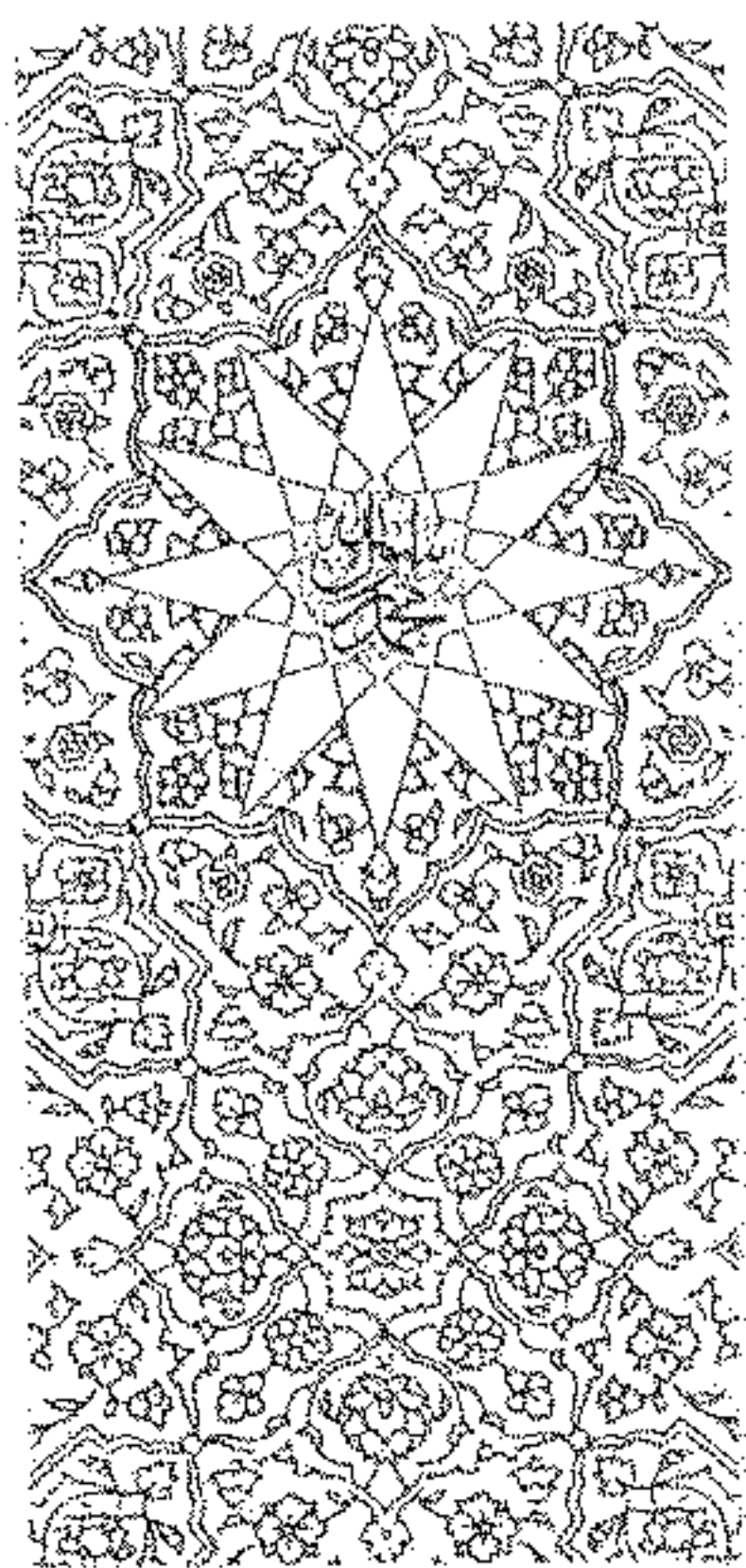
بنابراین می گوییم خدای عالم اراده کرده است که تعداد کل انبیا آن اندازه، و تعداد پیشوایان برحق و جانشینان پیامبر خاتم این قدر باشد.  
«گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را!»

شیعه عقیده دارد که دشمنان باعث غیبت آخرین امام شدند و اگر مانعی در کار نبود، مسأله «غیبت» پیش نمی آمد، بلکه اصولاً غیبت آخرین پیشوای برگزیده خداوند عالم، سری از اسرار حق و رازی از رازهای خداوندی است که از همان روز نخست، پیامبر به آن تصریح کرده بود. طول عمر و غیبت طولانی آن حضرت هم نه از نظر عقلی و نه از نظر شرعی اشکالی ندارد، زیرا به قول شاعر:

حکیمی کاین جهان پاینده دارد

تواند حجّتی را زنده دارد





## مهدی موعود (ع)

### بعد از ظهور چه خواهد کرد؟

در اینجا ممکن است این پرسش از سوی مخالفان مطرح شود که این همه اخبار و احادیث راجع به مهدی موعود برای چیست و این همه صبر و انتظارها چه سودی دارد؟ فرضاً ما هم مانند شما شیعیان همه اینها را پذیرفتیم، بعد چه خواهد شد و مهدی موعود بعد از ظهور چه خواهد کرد؟ در پاسخ می‌گوییم: ما عقیده داریم هنگامی که تمامی قدرتهای جهانی در مسیر مادیگری به کار افتادند و استعمار ممالک و استعمار ملتها به اشکال مختلف در همه جا شبح شوم خود را نشان داد و بشریت مظلوم از هر سو تحت فشار واقع شد و به هر دری که روی آورد، راه به جایی نبرد و چاره کار را از خداوند عالمیان خواست، پروردگار منان نجات‌دهنده دنیا را برای سروسامان دادن به وضع پریشان جوامع انسانی و رهایی مردم ستمدیده سراسر گیتی آشکار می‌سازد و برای همیشه به این بی‌سروسامانی‌ها خاتمه می‌دهد.

امام زمان که آخرین برگزیده خداست، با انقلاب سرخ و قیام جهانی خود، سراسر گیتی را زیر یک پرچم و تحت یک آیین و قانون که





همانا پرچم و آیین اسلام و تعالیم قرآن مجید است گرد می آورد؛ قانون و آیینی که اگر هم اکنون نیز درست به آن توجه شود و تعالیم آن را به گونه‌ای شایسته به اجرا گذارند، دنیا «مدینه فاضله» خواهد شد.

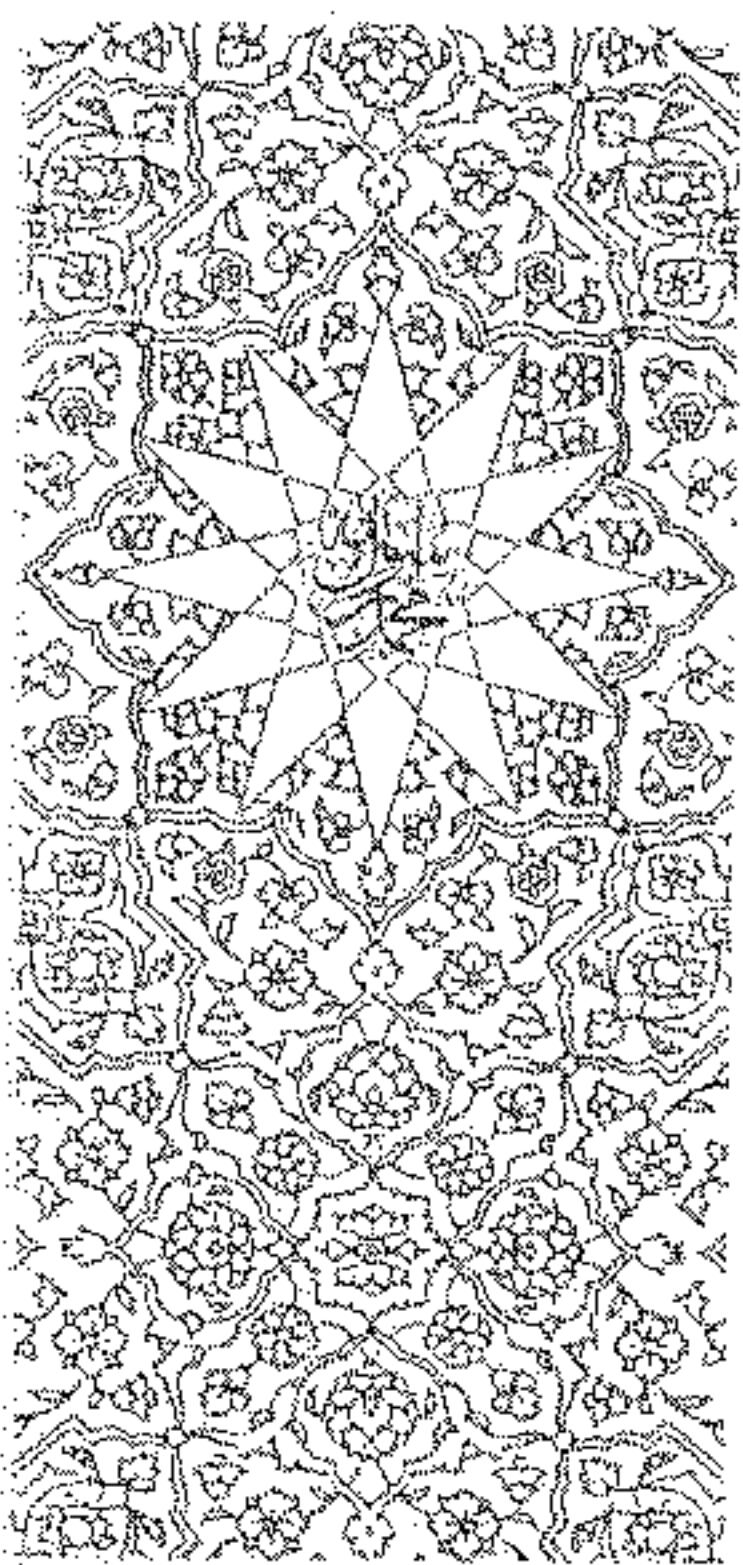
امام زمان حکومت واحد جهانی تشکیل می‌دهد و از همه آنها و زمینها و معادن یعنی منابع طبیعی که خدا برای بندگانش در کانون طبیعت به ودیعت نهاده است بهره‌برداری می‌کند، و بدین‌گونه مردم در دولت او در سایه عدالت و رفاه و آسایش و آرامش به سر خواهند برد. در چنین شرایطی کار و کوشش، عمران و آبادانی و بهره‌برداری از ذخایر زیرزمینی و مواهب طبیعی، به بهترین وجه ممکن، در همه جا به چشم خواهد خورد و از این رو، بیماری و بیکاری و ناتوانی و تهیدستی مفهوم خود را از دست خواهند داد و «آزادی» به معنای واقعی کلمه در همه جا حکمفرما خواهد شد؛ چیزی که از آغاز آفرینش انسان، همه خواهان آن بوده و به آن نرسیده‌اند، ولی مهدی موعود اسلام و پیشوای دوازدهم ما، در حکومت جهانی خود، آن را برای همه ملت‌ها به ارمغان خواهد آورد. این است واقعیت «مهدی موعود» و «مهدویت در اسلام» و

حقیقت «امام زمان» و «قائم موعود» و «امام منتظر» از نظر ما مسلمانان و شیعیان جهان، و این است واقعیت آنچه پیامبر و یکانیک ائمه اطهار علیهم‌السلام و بزرگان صحابه و تابعین از پیشوایان مسلمین، در قرون متمادی و اعصار متوالی به ما مژده داده و خاطر نشان کرده‌اند. تذکر: آنچه در این مختصر راجع به واقعیت امام زمان و مهدی موعود گفتیم، تنها سطری از کتاب مفصل زندگانی آن حضرت است. خوانندگان برای دستیابی به آگاهیهای لازم راجع به واقعیت مهدی، ولادت او، پدر و مادر او، نظر شیعه و سنی درباره او، عمر طولانی او،

غيبت او، فلسفه غيبت او، فوايد غيبت او، علايم ظهور او، دولت جهاني او، چهره گيتي در عصر او و... مراجعه کنند به دو کتاب ما تحت عنوان مهدي موعود ترجمه جلد سيزدهم بخاراالنوار علامه مجلسي و موعودي که جهان در انتظار اوست.

در اين دو کتاب - به ويژه کتاب اخير - تا آنجا که قدرت فکري و فهم نويسنده اقتضا داشته است پيرامون اين مسائل و مباحث ديگر مربوط به موعود جهاني، تحقيق و بررسي به عمل آمده است، به طوري که مي توانيم بگوييم خوانندگان پاسخ بسياري از پرسشهاي خود را در آنها خواهند يافت.





## مهدی موعود (ع) در منابع اوّلیّه عامّه

روی سخن ما در این کتاب با بعضی از برادران سنی است؛ آنها که متأسفانه می‌پندارند موضوع «مهدی» اختصاص به شیعه دارد و آنچه پیروان اهل بیت علیهم السّلام به آن معتقد هستند، دور از واقعیت است.

اینک ما وجدان افراد منصف ایشان را حکم قرار می‌دهیم و دورنمایی از این اعتقاد را در منابع و مدارک عامّه، به اختصار از نظر آنها می‌گذرانیم، باشد که به خود آیند و در حق میراث پیامبر خویش یعنی «عترت»، بیش از این ستم روا ندارند.

بر اساس اکثر روایات مهدی که علمای سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند، وی از دو دهمان امام حسین علیه السّلام است، آن هم با مشخصاتی که همان موقع از زبان پیامبر نقل شده بود و شمه‌ای از آن در این کتاب خواهد آمد. این روایات که تقریباً از مجموع صحابه بزرگ نقل شده‌اند، از دیرباز در منابع و مدارک پرارزش و معتبر عامّه مانند صحاح ششگانه به استثنای «صحیح» نسائی به نام سنن که دربرگیرنده احادیث و مدارک احکام دینی و فقه اسلامی است،

آمده‌اند.

قبل از همه، کتاب ارزشمندی که از علمای سنی به ما رسیده مُسند احمد حنبل است که احادیث مهدی را در آن ثبت و ضبط کرده است. احمد حنبل پیشوای فرقه حنبلی، متوفای ۲۴۱ هجری و همعصر امام نهم و امام دهم ما بوده است. کتاب مُسند او قدیم‌ترین و معتبرترین مدرک حدیث عامّه به شمار می‌رود.

پس از وی محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای ۲۵۶ هـ ق) نامی‌ترین محدث عامّه و معاصر امام حسن عسکری علیه‌السلام که درست در سال ولادت امام زمان و مهدی موعود اسلام از دنیا رفته است، با همهٔ تعصبی که نسبت به امامان اهل بیت دارد، در کتاب صحیح خود (کتاب الاحکام) احادیث «دوازده پیشوای بعد از پیغمبر که همگی از قریش خواهند بود و عزت اسلام بستگی به وجود آنها دارد» را نقل کرده است. افزون بر این، بخاری در همان کتاب (باب نزول عیسی بن مریم) به همکاری حضرت عیسی با مهدی اشاره نموده است.

در همان عصر، مُسلم بن حجاج نیشابوری (متوفای ۲۶۱ هـ ق) بنا وجود اینکه مانند بخاری اصرار دارد نامی از مهدی نبرد ولی در «کتاب الفتن و اشراط الساعة» و «باب نزول عیسی» از کتاب صحیح که دومین ضحاح عامّه است، قسمتی از این احادیث را نقل کرده است.

بعد از وی ابن ماجه قزوینی (متوفای ۲۷۳ هـ ق) در کتاب سنن خود



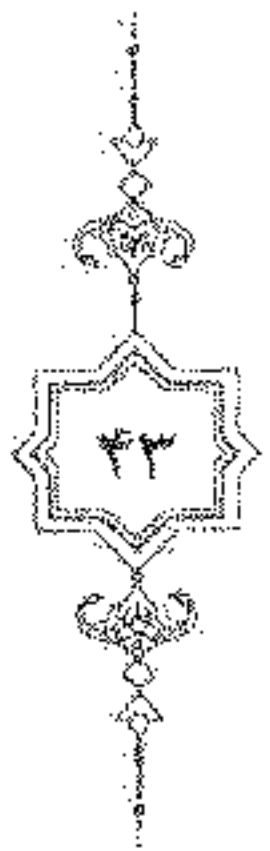
۱. این احادیث را می‌توانید در جلد یکم مسند (صفحات ۸۴، ۹۹ و ۳۷۶)، جلد دوم (صفحه ۳۳۶)، جلد سوم (صفحات ۱۷، ۲۶، ۲۸، ۳۶، ۹۸، ۳۱۷، ۳۴۵، ۳۶۷ و ۳۸۴) و جلد پنجم (صفحه ۵۷۷) ببینید.

که آن نیز از صحاح عامه است، احادیث مهدی را در بخش مخصوصی به نام «باب خروج المهدی» آورده است.

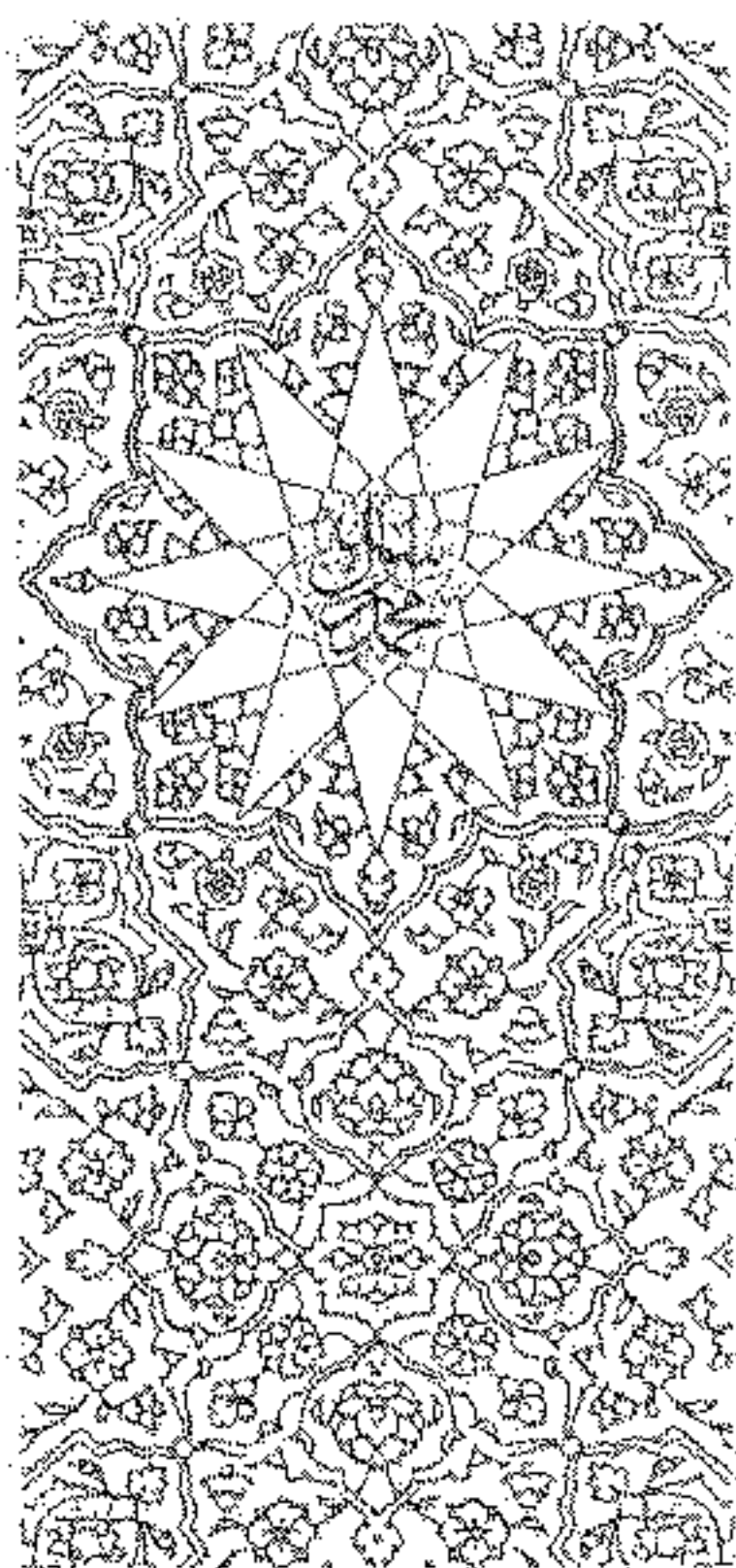
همچنین در همین عصر، ابوداؤد سیستانی (متوفای ۲۷۵ هـ ق) در کتاب سنن از صحاح ششگانه، روایات مهدی موعود اسلام را در بخشی از آن به عنوان «کتاب المهدی» بیان داشته است.

باز در همین عصر، ترمذی (متوفای ۲۷۹ هـ ق) در «کتاب الفتن» از سنن خود (باب ما جاء فی المهدی رضی الله عنه) روایات مربوطه را بازگو نموده است.

این شش محدث عظیم‌الشان که سرآمد محدثان عامه به‌شمار می‌روند (یعنی احمد حنبل، بخاری، مسلم، ابن ماجه، ابوداؤد، و ترمذی) روایات مهدی را از عمر بن الخطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ثوبان غلام عمر، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو عاص، انس بن مالک، ابوسعید خدری، ام سلمه همسر پیامبر و... نقل کرده‌اند.







## دانشمندان بعدی و احادیث مهدی موعود (ع)

دانشمندان بعدی عامه نیز احادیث مهدی را به پیروی از استادان قبلی در منابع پرارزش خود، هم به اجمال و هم به تفصیل روایت کرده‌اند. از میان انبوه آنان به نام چند تن و کتابهای حدیثشان اشاره می‌شود:

۱. ابن قتیبه دینوری (متوفای ۲۷۶ هـ ق) در کتاب غریب الحدیث.

۲. حافظ ابوالحسن مناوی (متوفای ۳۳۶ هـ ق) در ملاحم.

۳. حافظ طبرانی (متوفای ۳۶۰ هـ ق) در معجم صغیر، معجم اوسط

و معجم کبیر.

۴. حافظ دارقطنی (متوفای ۳۸۵ هـ ق) در مسند علی، مسند فاطمه

و جرح و تعدیل.

۵. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ هـ ق) در مستدرک صحیحین.

۶. حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ هـ ق) در اربعین، فوائد و

عوالی.

۷. ابواسحاق ثعلبی (متوفای ۴۳۷ هـ ق) در تفسیر کبیر، عرائس و

قصص الانبیاء.

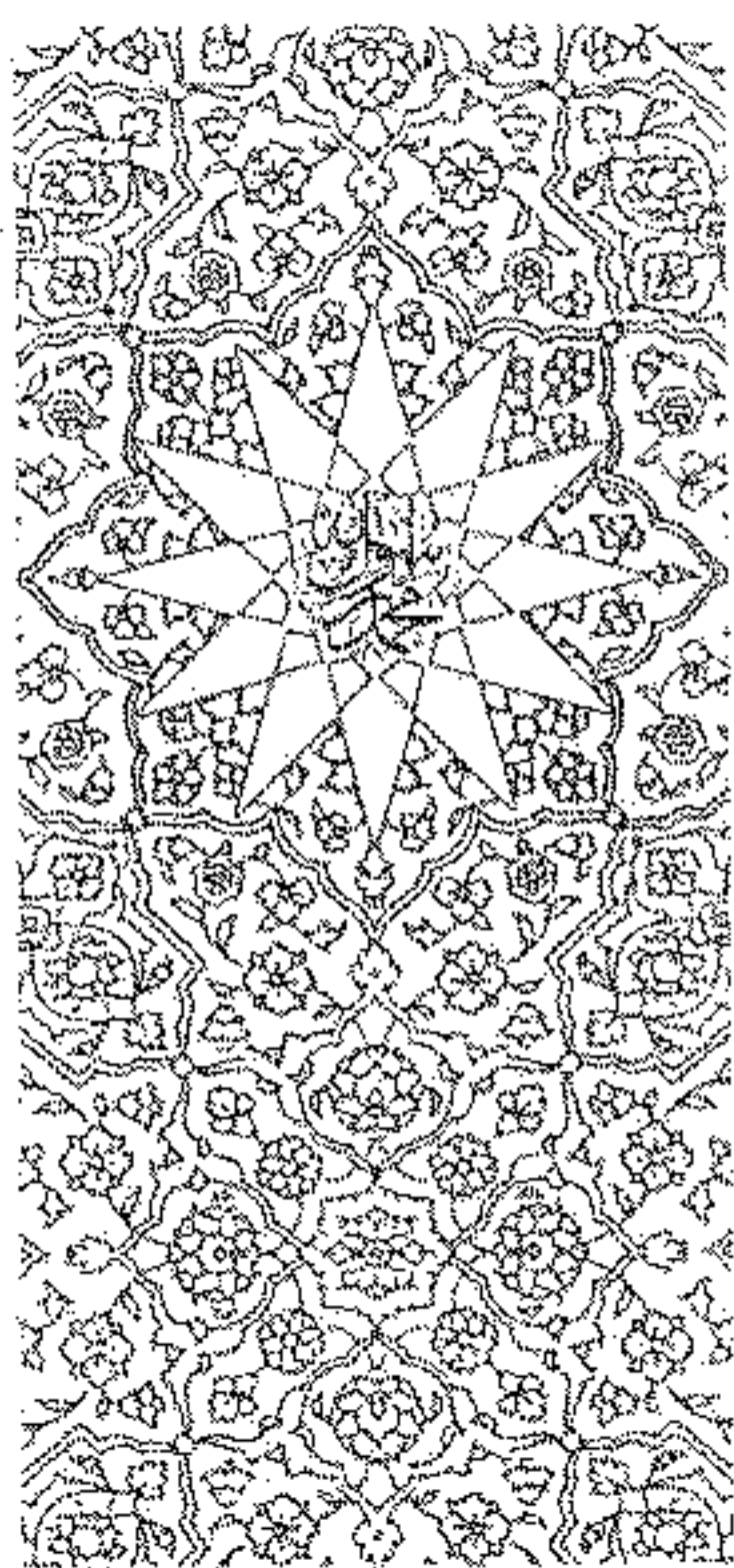


۸. ابن عبد ربّه اندلسي (متوفای ۴۶۳ هـ ق) در الاستيعاب.
۹. ابوبکر خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ هـ ق) در تاریخ بغداد.
۱۰. حمیدی قرطبی (متوفای ۴۸۸ هـ ق) در الجمع بین الصحیحین.
۱۱. حسین بن مسعود فراء (متوفای حدود ۵۱۰ هـ ق) در مصابیح السنّة.

۱۲. حافظ ابن عساکر (متوفای ۵۲۷ هـ ق) در تاریخ.
۱۳. محمود بن عمر زمخشری (متوفای ۵۲۸ هـ ق) در تفسیر کشاف.
۱۴. ابن خشاب بغدادی (متوفای ۵۶۷ هـ ق) در تاریخ موالید و وفيات الائمة.

به طوری که ملاحظه می شود، این عده همگی از علمای نامی و حفاظ بزرگ عاقله هستند که سنت پیامبر از طریق سنیان به اینان و مشایخ قبلی بستگی دارد.





## کتابهایی که دانشمندان عامّه راجع به مهدی (ع) نوشته اند

از دانشمندان متقدم عامّه و کتابهایشان که بگذریم، اصولاً بسیاری از دانشمندان سنی در طول تاریخ، کتابهای مستقلاً درباره مهدی آل محمد تألیف کرده اند که از هر جهت جالب به نظر می رسد. در حقیقت، این دسته از علما و حفاظ متأخر که سخت تحت تأثیر احادیث مهدی و فزونی آن در منابع ارزشمند خود قرار گرفته بودند، اقدام به تألیف کتابهای جداگانه ای نمودند و آثار پزارچی به وجود آوردند که در حال حاضر نسخه های خطی یا چاپی آنها در دسترس اهل فضل و عموم مردم از سنی و شیعی قرار دارند. اینک اسامی برخی از آن کتابها:

۱. البیان عن اخبار صاحب الزمان، تألیف ابن مغازلی شافعی (متوفای ۴۸۳ ه.ق).

۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، تألیف حافظ کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ ه.ق).

۳. عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، تألیف یوسف بن یحیی مقدسی شافعی (متوفای ۶۸۵ ه.ق).

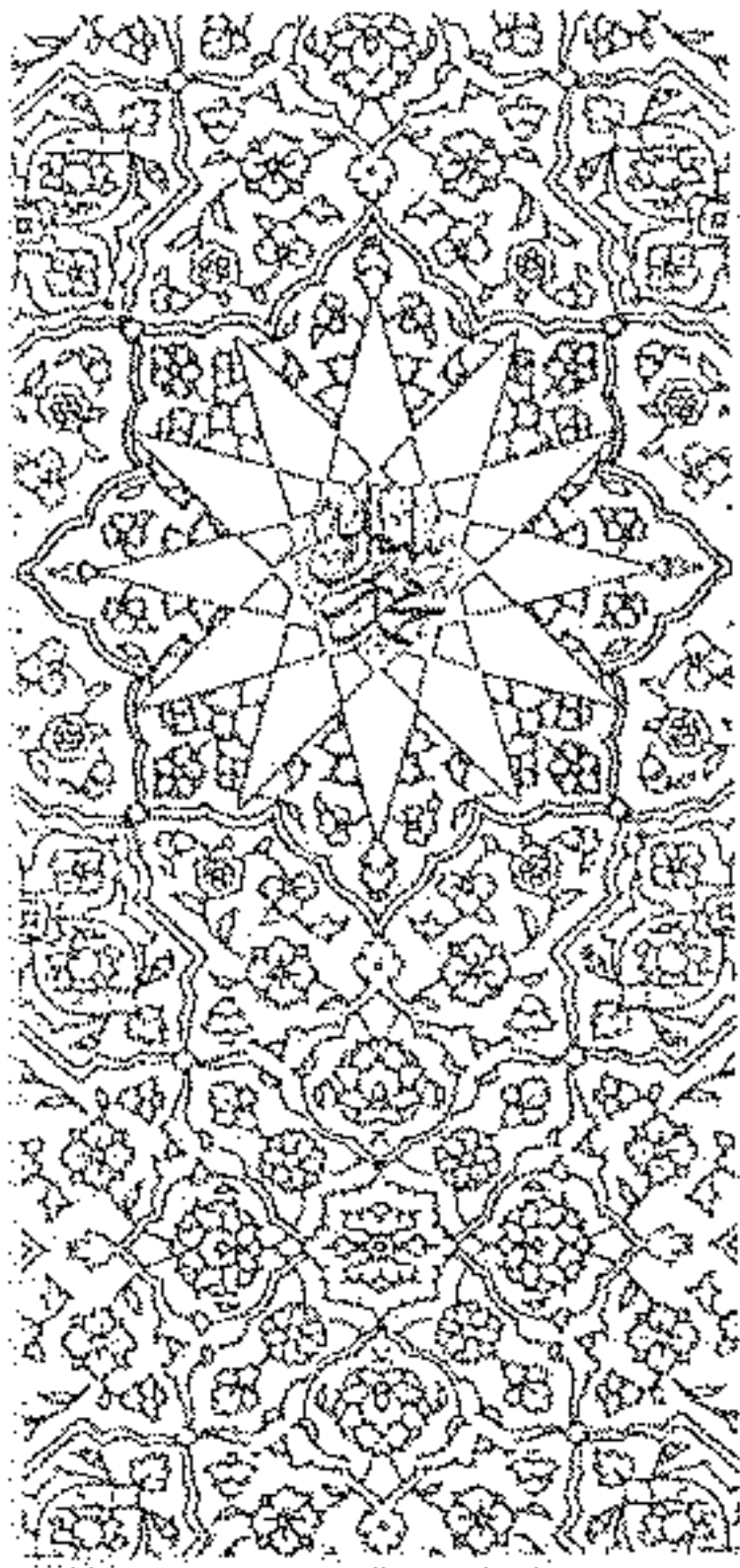


۴. احوال صاحب الزمان، تأليف شيخ عبدالدين حنفي (متوفى ۷۲۲ هـ ق).
۵. المهدي، تأليف ابن قيم جوزيه (متوفى ۷۵۱ هـ ق).
۶. الاحاديث القاضية بخروج المهدي، تأليف محمد بن اسماعيل يمني صنعاني (متوفى ۷۵۱ هـ ق).
۷. العرف الوردى في اخبار المهدي، تأليف حافظ جلال الدين سيوطي (متوفى ۹۱۰ هـ ق).
۸. تلخيص البيان في علامات مهدي آخر الزمان، تأليف ابن كمال پاشا حنفي (متوفى ۹۴۰ هـ ق).
۹. المهدي الى ما ورد في المهدي، تأليف محمد بن طولون دمشقي (متوفى ۹۵۳ هـ ق).
۱۰. القول المختصر في علامات المهدي المنتظر، تأليف ابن حجر مكي (متوفى ۹۷۳ هـ ق).
۱۱. البرهان في علامات مهدي آخر الزمان، تأليف علي متقي هندي (متوفى ۹۷۵ هـ ق).
۱۲. الرد على من حكم و قضي بان المهدي الموعود جاء و مضى، تأليف ملا علي قاري (متوفى ۱۰۱۴ هـ ق).
۱۳. فوائد الفكر في الامام المهدي المنتظر، تأليف مرعي بن يوسف كرمي مقدسي حنبلي (متوفى ۱۰۳۱ هـ ق).
۱۴. التوضيح في تواريخ ما جاء في المهدي المنتظر و الدجال و المسيح، تأليف قاضي القضاة محمد بن علي شوكاني صنعاني (متوفى ۱۲۵۰ هـ ق).
۱۵. العطر الوردى في شرح قطر الشهدي في اوصاف المهدي،

تألیف محمد بن محمد بن احمد بلیسی (متوفای ۱۳۰۸ هـ.ق).  
۱۶. تحدیق النظر فی اخبار المهدی المنتظر، تألیف محمد بن  
عبدالعزیز بن مانع (از علمای نجد در قرن چهاردهم هجری).







## راویان

### احادیث مهدی (ع)

راویانی که در منابع عاظمه احادیث مهدی علیه السلام را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و این دانشمندان در منابع خود از آنها نام برده‌اند، در حقیقت مجموع صحابه و تابعین هستند که از جمله، این عده از مشاهیر آنان به‌شمار می‌روند:

#### از صحابه:

علی علیه السلام

سلمان فارسی

ابوذر غفاری

عبّاس بن عبدالمطلب

عبدالرحمن بن عوف

ابوهریره

عثمان بن عفان

حذیفه بن یمان یمانی

زید بن ثابت

طلحة بن عبدالله

ابوایوب انصاری

زید بن ارقم

سعد بن مالک

عایشه

ابو امامه باهلی

عمار یاسر

زر بن عبدالله

علی بن هلال

عَلَمَةَ بن عبدالله

عبدالله بن حارث

جارود بن مُنذِرِ عبدی

عبدالله بن جعفر

مُعَاذ بن جَبَل

### از تابعین:

ابراهیم بن عَلَمِهِ

ابوالسّمَاء رحبى

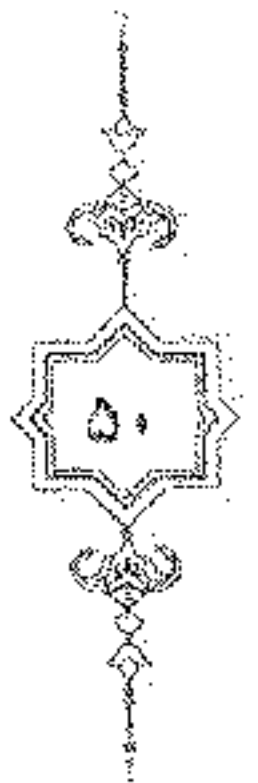
ابوصدّيق ناجى

ابوهارون عبدی

أبو نصره

أصبغ بن نباته

أياس بن سلمة بن أكوع



ثابت بن دینار

جابر بن یزید جعفی

جابر صدقی

حارث بن سعید بن قیس

زر بن حبیش

زُهری

سائب ثقفی

سالم بن عبدالله بن عمر

سعید بن جبیر

سعید بن مسیب

سلیمان بن ابی حنیف

شهر بن حوشب

طاووس یمانی

عبدالرحمن بن ابی لیلی

عمرو بن عثمان بن عفان

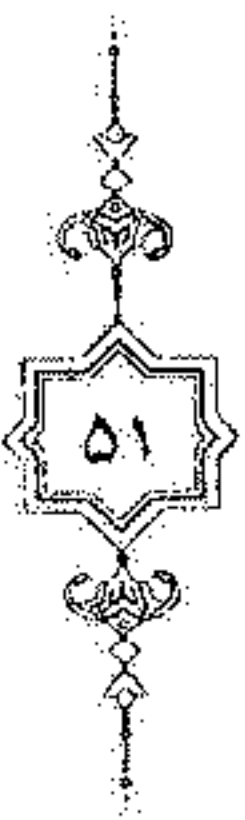
مجاهد

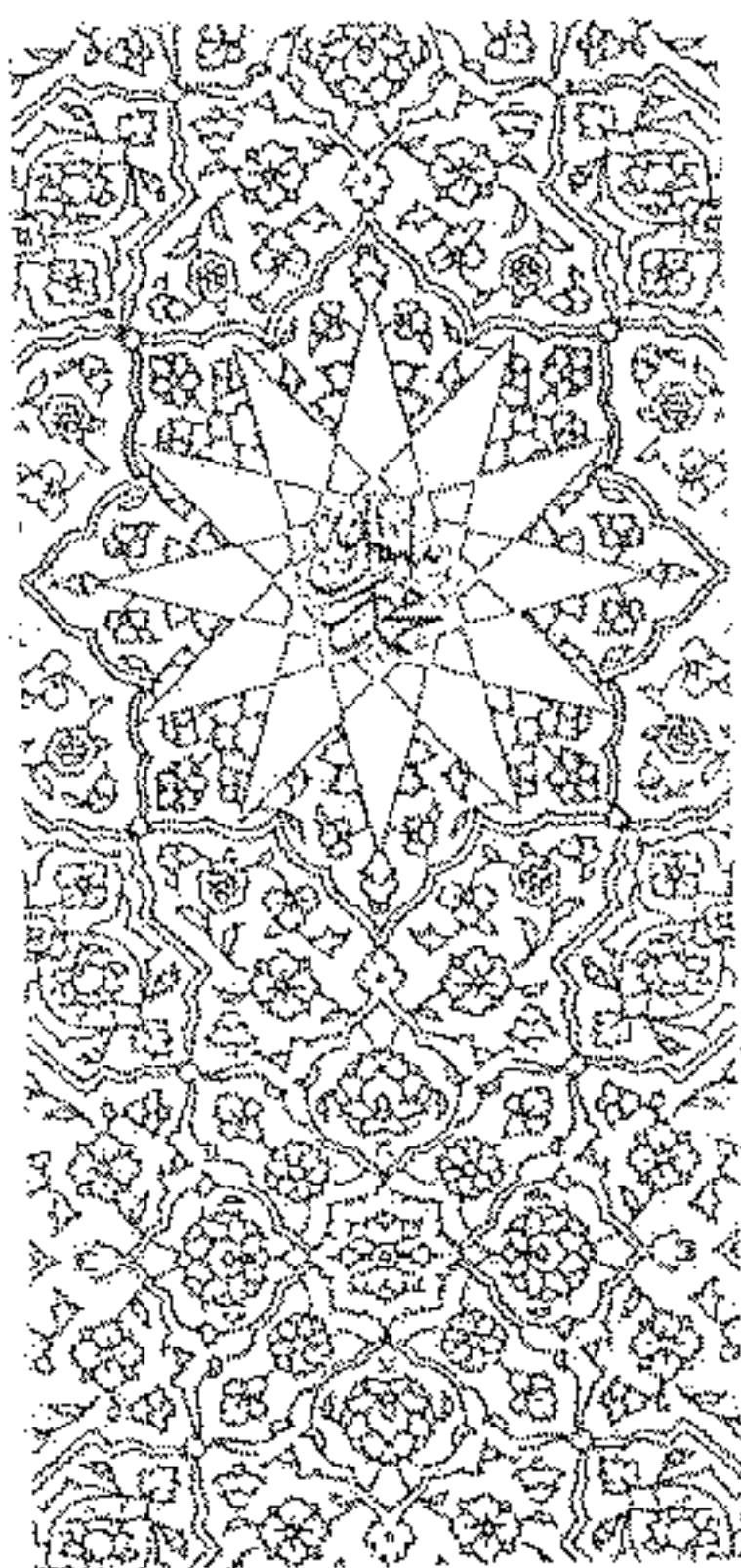
محمود بن لبید

مُطَرِّف بن عبدالله

مُعلی بن زیاد

نافع مولى ابوقتاده





## اوصاف

### و شمایل مهدی (ع)

در این کتابها، راویان مورد قبول عامه که احادیث مهدی را از پیامبر نقل کرده‌اند، تمام اوصاف و شمایل و نشانه‌های مهدی موعود را آورده‌اند. این عناوین قسمتی از موضوعات روایات مهدی را تشکیل می‌دهد که حتی در برخی از کتابها مانند اربعین ابونعیم اصفهانی و البیان کنجی شافعی هر یک تحت همین‌گونه عنوانها، احادیث را تبویب و دسته‌بندی کرده‌اند، بدین‌گونه:

— نام مهدی

— کنیه مهدی

— مهدی فرزند پیغمبر صلی الله علیه و آله است

— مهدی فرزند علی علیه السلام است

— مهدی فرزند فاطمه زهرا علیها السلام است

— مهدی حسینی است

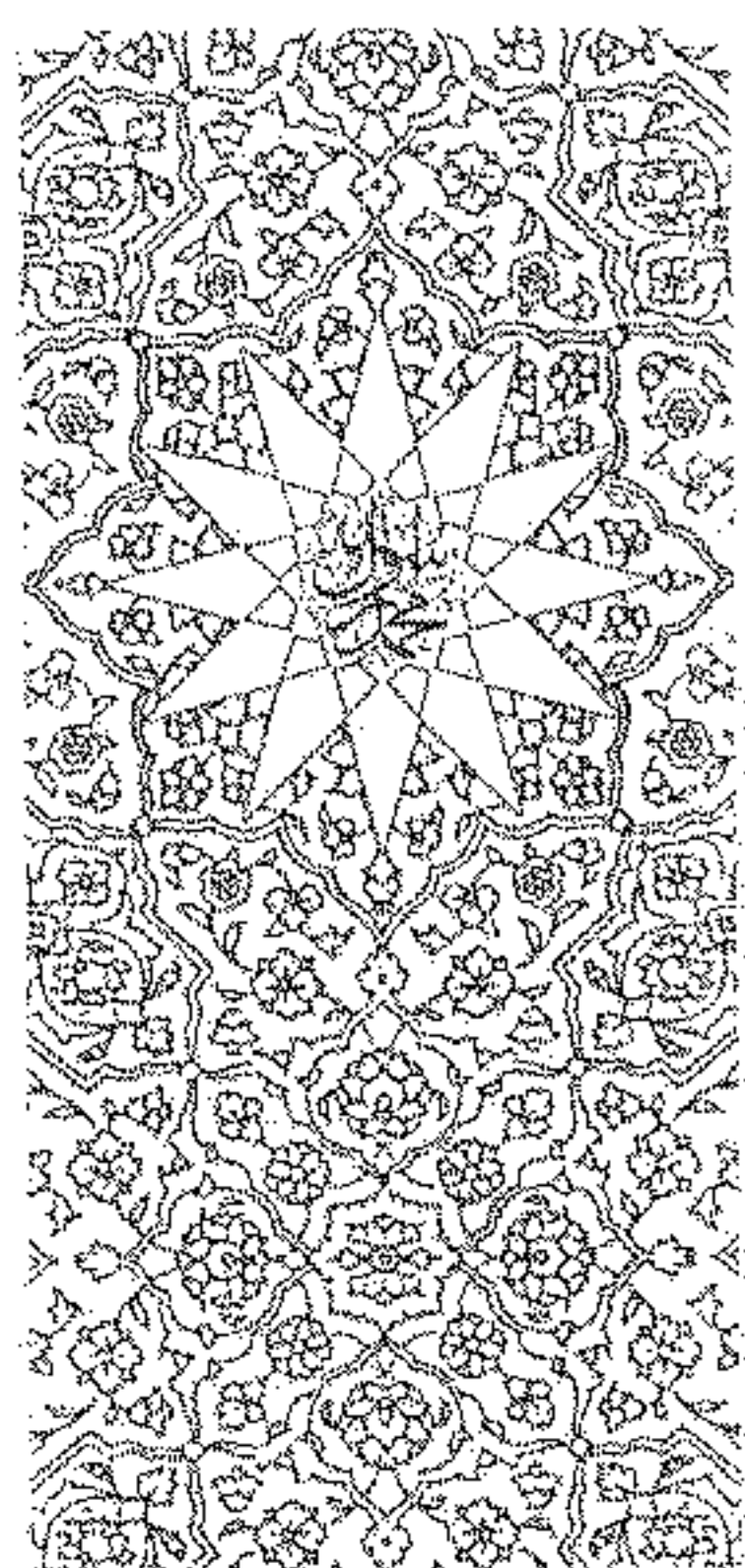
— رنگ چهره و اندام مهدی

— خال رخسار مهدی



- دندانهای مهدی
- پیشانی مهدی
- بینی مهدی
- خوی مهدی
- مهدی پیشوای شایسته است
- مهدی یکی از سروران بهشت است
- مهدی بعد از پادشاهان ستمگر می آید
- مهدی عیسی بن مریم نیست
- مهدی دلها را به هم پیوند می دهد
- با مهدی بیعت کنید
- عدل مهدی
- بخشش مهدی
- رفاه و آسایش در عصر مهدی
- مهدی به سنت پیغمبر اسلام عمل می کند
- عیسی بن مریم در نماز به مهدی اقتدا می کند
- مهدی و تجدید عظمت اسلام
- مهدی خلیفه الله است
- مدت سلطنت مهدی
- بعد از مهدی زندگی سودی ندارد





## دست اندازی

### در احادیث مهدی (ع)

از همان روزگار نخستین اسلام که خلافت اسلامی و جانشینی پیامبر، برخلاف فرمان خدا و رسول، از مسیر خود منحرف گشت و ائمه ظاهرین در بن بست زندگی قرار گرفتند، مسأله مهدی که پیامبر فرموده بود از ماست و با شمشیر قیام می‌کند<sup>۱</sup> و دولتهای باطل را ریشه کن می‌سازد و عزت اسلام بستگی به وجود او دارد، مورد سوءاستفاده و دستبرد دوست و دشمن واقع شد.

موضوع قیام مهدی از همان زمانها، انگیزه بسیاری از جهشها و قیامها و دعویهای سیاسی و مذهبی بوده است، بدین گونه که کسانی برخی از مردان اهل بیت را که همنام پیامبر بودند - مانند محمد بن عبدالله محض نوه امام حسن مجتبی علیه السلام معروف به «نفس الزکیه»، یا محمد بن حنفیه پسر امیر مؤمنان علیه السلام، یا زید ابن علی بن الحسین که برضد بنی امیه قیام کرد، یا موسی بن جعفر

۱. شمشیر کنایه از جنگ است.



علیهما السلام که سالها در زندان به سر برده و از نظرها غایب بود - به علی مهدی موعود پنداشتند و تحت تأثیر انتظار ظهور دولت ایشان، دست به جعل روایاتی متناسب با وضع آنها زدند.

از سوی دیگر، مخالفان اهل بیت علیهم السلام به ویژه خلفای بنی عباس و حامیان آنها نیز بیکار ننشستند و برای انصراف افکار عمومی از واقعه مهدی خاندان پیامبر و جلوگیری از هرگونه قیام و نهضت و جنبش مردم به نفع ایشان، برخی از روایات مربوط به مهدی را مورد دستبرد و تحریف قرار دادند. مثلاً یک جا از قول پیغمبر روایت جعل نمودند که مهدی از اولاد عباس است! و در جای دیگر از قول حضرت نقل کردند که هرگاه دیدید پرچمهای سیاه از جانب شرق (خراسان) آشکار شد، به استقبال آن بشتابید که مهدی خلیفة الله در میان حاملان آن پرچمهاست (یا آنها خلافت را برای مهدی می جویند)، تا بدین وسیله ظهور مهدی با قیام ابومسلم خراسانی و سیاهجامگان یا پرچمهای سیاهشان که به نفع بنی عباس بود تطبیق یابد و هكذا...

خوشبختانه همه پیشامدها یا جعل و تزویرها برخلاف واقع تحقق یافت و باز در نظر افراد بی غرض و روشندل، مسأله مهدی به عنوان یک واقعه مهم که در روزگار بحرانی جهان باید متحقق شود، به حال خود باقی ماند و مصداقی پیدا نکرد.

به طوری که از روایات و تواریخ اسلامی استفاده می شود، یکی از علل مخالفتهای خلفا و حکام بنی امیه و بنی عباس با رجال اهل بیت یعنی ائمة طاهرین علیهم السلام و سایر جوانان ایشان، مفاد بعضی از همین روایات بود که خلفا و مخالفان می پنداشتند با قیام مهدی، حکومت آنان در معرض خطر قرار خواهد گرفت. بنابراین، امامان را

بازداشت و زندانی می‌کردند و سرانجام نیز آنها را به شهادت می‌رساندند تا مبادا مهدی یکی از آنان باشد، یا هرگونه جنبش شیعیان و قیام جوانان سادات را، به داعی مهدویت سرکوب می‌کردند تا انگیزه قیام مهدی آل محمد و تشکیل دولت اهل بیت از خاطرها منحو گردد. خلاصه فراهایی از مواردی که روایات مهدی با انگیزه مهدویت مورد دست‌اندازی قرار گرفته از این قرار است:

۱. مهدی از اولاد عباس است!

۲. مهدی کسی جز عیسی بن مریم نیست!

۳. مهدی از مغرب اقصی ظهور می‌کند!

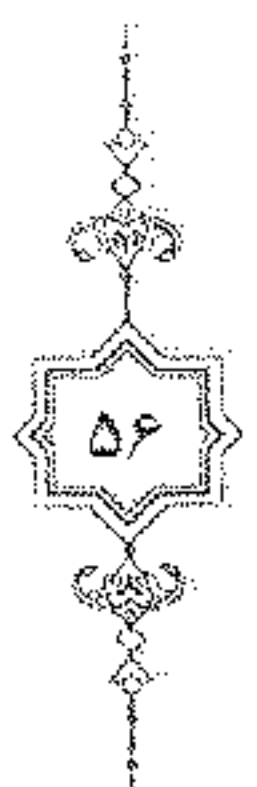
ابن حجر مکی (متوفای ۹۷۳ ه.ق) در مقدمه کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر می‌نویسد: حدیث نخست غریب، حدیث دوم ضعیف و حدیث سوم بی‌اصل است. و می‌گوید: بر اساس آنچه در روایات صحیح آمده مهدی کسی است که در حال در زمان او خروج می‌کند و عیسی از آسمان فرود می‌آید، و همه کسانی که قبل از وی دعوی مهدویت نموده‌اند، بر پایه یک روایت صحیح نیست!

۴. مهدی حسنی است (که گویا «حسینی» به جای «حسنی» خوانده شده است).

۵. نام پدرش نام من است (به گفته پیامبر).

۶. نام پدرش نام پیغمبری است.

۱. نسخه‌ای از کتاب القول المختصر ابن حجر را که توسط فاضل محترم آقای سید محمد موسوی نوری از روی نسخه کتابخانه اوقاف حلب استنساخ شده است، دوست دانشمندم آقای سید عبدالعزیز طباطبائی نجفی به این جانب اهدا نمودند و هم‌اکنون در دسترس ماست.

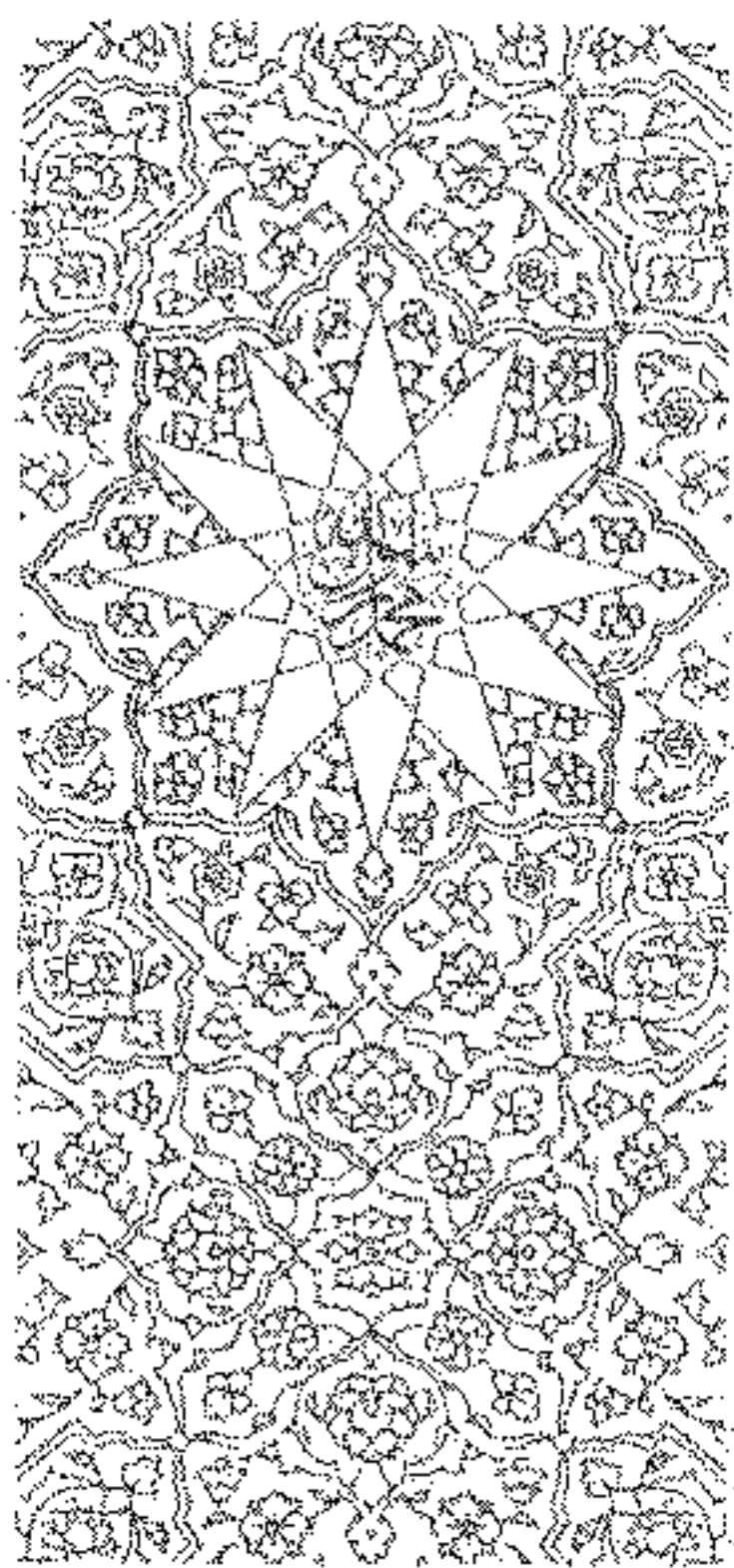


۷. اسم پدرش عبدالله است.

گویا این چهار روایت هم توسط طرفداران محمد بن عبدالله حسنی نفس الزکیه هنگامی که آن سید جلیل القدر رشید برضد منصور عباسی قیام کرد، ساخته شده است تا مهدی را در وجود او منطبق سازند، زیرا نامش محمد، نام پدرش عبدالله و خود سید حسنی بود، ولی پس از اینکه قیام آن فدایی جانباز به نتیجه نرسید، اثبات شد که مهدی شخص دیگری است.

از همه اینها گذشته، به طور حتم از روز اول، موضوع طول عمر مهدی و غیبت طولانی او و حسینی بودنش نیز در همان روایات بوده است، ولی دوستان ناآگاه یا دشمنان دانا این قسمتها را از احادیث مزبور حذف کردند تا آنها را با دعوی خود منطبق گردانند، و دیگر کسی نگوید که مهدی حتماً باید از اولاد امام حسین علیه السلام باشد، یا عمری طولانی کند و یا از نظرها غایب گردد.

مخالفان شیعه نیز - چه خلفا و حکام و چه راویان جیره خوار و بدخواهان اهل بیت علیهم السلام - به موازات ولادت امام دوازدهم و وفات حضرت عسکری این قسمتها را از روایات خود حذف نمودند تا با محمد بن الحسن العسکری قابل تطبیق نباشند.



## یک سند جالب تاریخی

در بیشتر منابع تاریخی که توسط مورخان عامه تألیف شده‌اند، آمده است که وقتی در سال ۱۱۸ یا ۱۲۱ هجری زید بن علی بن الحسین فرزند رشید امام چهارم برضد حکومت جنایت‌پیشه هشام بن عبدالملک مروان قیام کرد و شکست خورد و پس از مرگ، بدنش را در کوفه به دار آویختند، حکیم ابن عباس کلبی شاعر بنی‌امیه که از دشمنان خاندان نبوت بود این شعر را خطاب به بنی‌هاشم سرود:

صلبنا لکم زینداً علی جنز نخله  
ولم ارمهدیاً علی الجنز یصلب

زید انقلابی شما را بر تنه نخلی به دار آویختیم، و من فکر نمی‌کنم که مهدی بر تنه نخل آویخته شود!

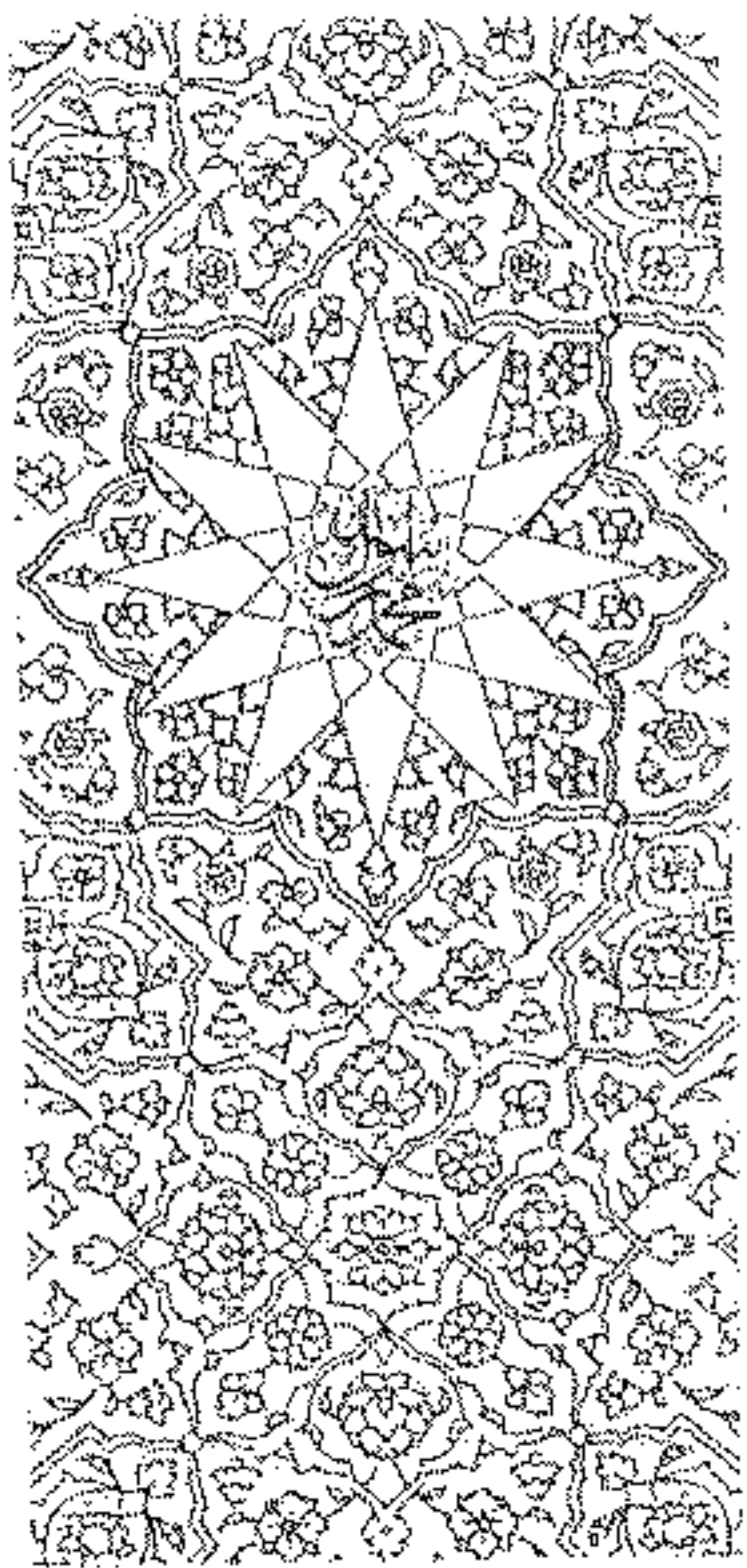
بعضی از مورخان عامه و از جمله برخی از منحرفان خودی امثال احمد کسروی تبریزی، این شعر را دلیل بر افسانه بودن مسأله مهدی





دانسته‌اند، در صورتی که این شعر خود بهترین دلیل بر واقعیت مهدی موعود است و شاید قدیم‌ترین سند تاریخی راجع به این موضوع باشد. زیرا همین شعر که در اوایل قرن دوم هجری سروده شده است می‌رساند که حتی متعصبان بنی‌امیه نیز می‌دانستند که مهدی موعود از دودمان پیامبر و نسل علی علیه‌السلام است و برضد دولت جبار قیام می‌کند و پیروز می‌شود، به همان ترتیبی که در روایات آمده بود. لذا شاعر می‌گوید که اگر زید را مهدی و نجات‌دهنده می‌دانید، نمی‌باید به دار آویخته شود و شکست بخورد، یعنی در احادیث مهدی نیامده است که او مصلوب می‌شود!

اما آیا این دلیل بر سابقه ذهنی مردم نسبت به مسأله مهدی دودمان پیغمبر است، یا نشانه افسانه بودن مهدی؟! «چشم باز و گوش باز و این عمی؟»



## حافظ کیست؟

چون در این کتاب مکرر از اشخاصی به نام «حافظ» سخن به میان می‌آید، لازم است بدانیم که حافظ کیست؟

دانشمند معروف عامه عبدالوہاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ هـ ق) در کتاب لواقح الانوار ذیل شرح حال جلال الدین سیوطی که از حفاظ بزرگ عامه به شمار می‌رود، نوشته است:

«در اصطلاح اهل حدیث، "حافظ" به کسی می‌گویند که دانش او بر یکصد هزار حدیث یا متن آن و سلسله سند (راویان حدیث) احاطه داشته باشد. علاوه بر این، شروط زیر نیز باید در چنین شخصی وجود داشته باشد تا بتوان او را "حافظ" نامید:



۱. در جستجوی حدیث مشهور باشد و آن را از دهان دانشمند حدیث‌دان اخذ کند.

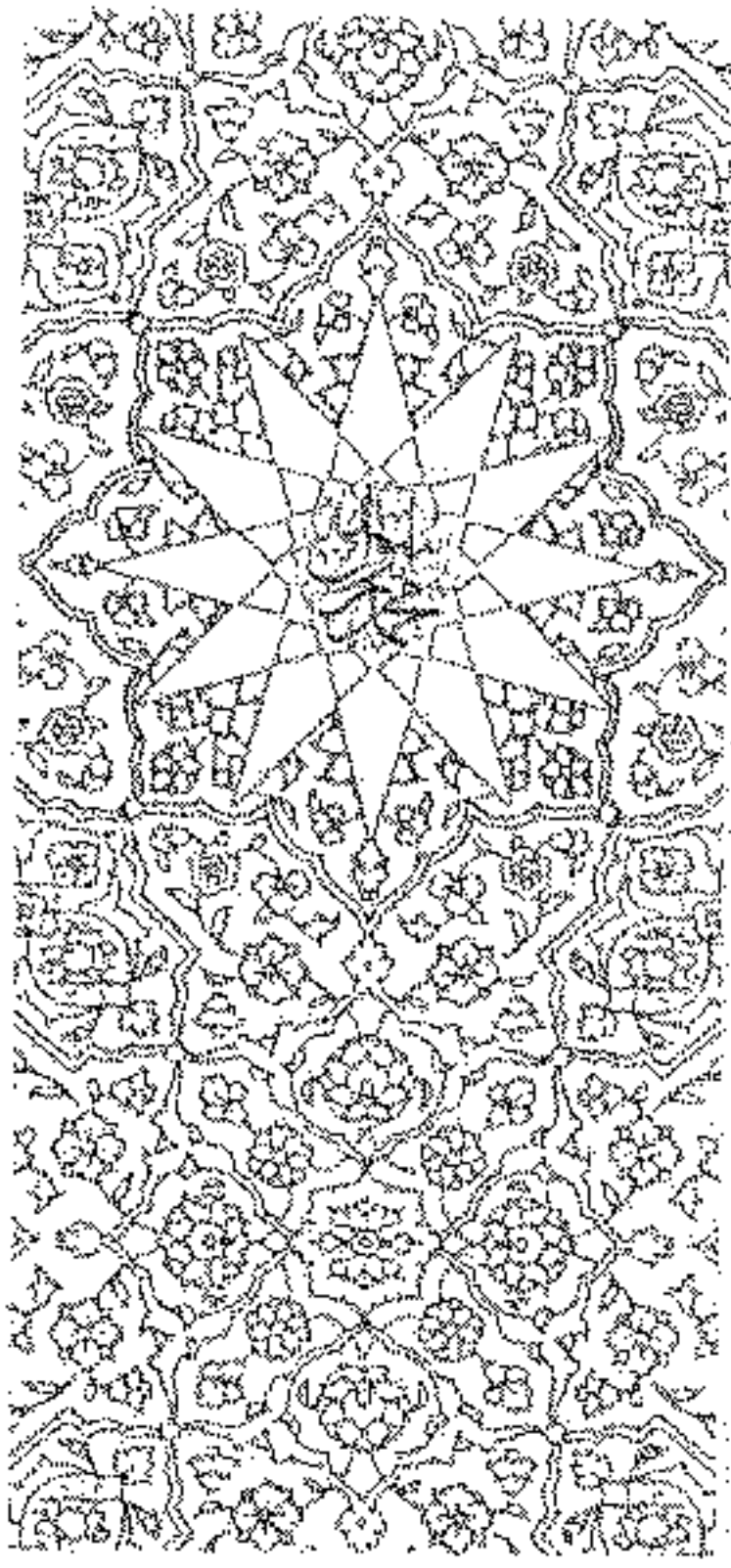
۲. آشنای به جرح و تعدیل (رد یا قبول) طبقات راویان و مراتب ایشان باشد.

۳. احادیث صحیح (درست) را از سقیم (نادرست) تمیز دهد تا

جایی که آنچه را در نظر دارد، بیش از آنچه باشد که از آن مستحضر نیست، آن هم با استحفاظ بسیاری از متون، اگر این شروط در کسی جمع شد او «حافظ» است.»

از اینجا خوانندگان باید توجه داشته باشند که هرگاه در این کتاب و هنگام ذکر نام دانشمندی و یا نقل حدیث یا گفتاری از کسی به نام «حافظ» سخن به میان می‌آید، منظور، چه دانشمند گرانمایه‌ای است.





## حافظ کیست؟

چون در این کتاب مکرر از اشخاصی به نام «حافظ» سخن به میان می‌آید، لازم است بدانیم که حافظ کیست؟

دانشمند معروف عامه عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ هـ.ق) در کتاب لواقح الانوار ذیل شرح حال جلال‌الدین سیوطی که از حفاظ بزرگ عامه به شمار می‌رود، نوشته است:

«در اصطلاح اهل حدیث، "حافظ" به کسی می‌گویند که دانش او بر یکصد هزار حدیث یا متن آن و سلسله سند (راویان حدیث) احاطه داشته باشد. علاوه بر این، شروط زیر نیز باید در چنین شخصی وجود داشته باشد تا بتوان او را "حافظ" نامید:

۱. در جستجوی حدیث مشهور باشد و آن را از دهان دانشمند حدیث‌دان اخذ کند.

۲. آشنای به جرح و تعدیل (رد یا قبول) طبقات راویان و مراتب ایشان باشد.

۳. احادیث ضحیح (درست) را از سقیم (نادرست) تمیز دهد تا



از ظهور او دجال آشکار می‌شود، آن‌گاه عیسی بن مریم از آسمان فرود می‌آید و او را به قتل می‌رساند یا اینکه با کمک مهدی او را می‌کُشد. احادیث مهدی را گروهی از برگزیدگان صحابه پیغمبر روایت کرده‌اند و بزرگان محدثان مانند ابوداؤد، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزاز، امام احمد [حنبل] و حاکم [نیشابوری] رضی الله عنهم اجمعین، آنها را در کتابهای خود آورده‌اند. کسانی که تمام احادیث مهدی موعود را ضعیف شمرده‌اند - مانند ابن خلدون و غیره - راه خطا پیموده‌اند. اینکه ابن خلدون گفته است در احادیث مهدی آمده که مهدی، عیسی بن مریم است حدیثی ضعیف است، چنانکه بیهقی و حاکم نیشابوری و جز اینان تصریح کرده‌اند.<sup>۲</sup>

این مطلب را به عنوان پاسخی برای کسانی مانند فرید و جدی، طنطاوی، سعد محمد حسن و احمد امین نقل کردیم که تحت تأثیر عواطف شخصی و مبارزه با شیعه، در اعتقاد به پسر امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان مهدی موعود، از مرز بی‌احترامی به عقیده مفاخر علما و بزرگان خود نیز گذشته و موضوع متواتر بودن آن را افسانه پنداشته‌اند.

جان کلام را دانشمند معروف حجاز و مفتی بزرگ مکه احمد زینی دحلان در کتاب مشهور خود فتوحات اسلامیّه گفته است. وی می‌نویسد:

«احادیثی که از مهدی در آنها سخن رفته است، بسیار زیاد و

۱. «دجال» در لغت به معنی مظهر تزویر و دروغ است.

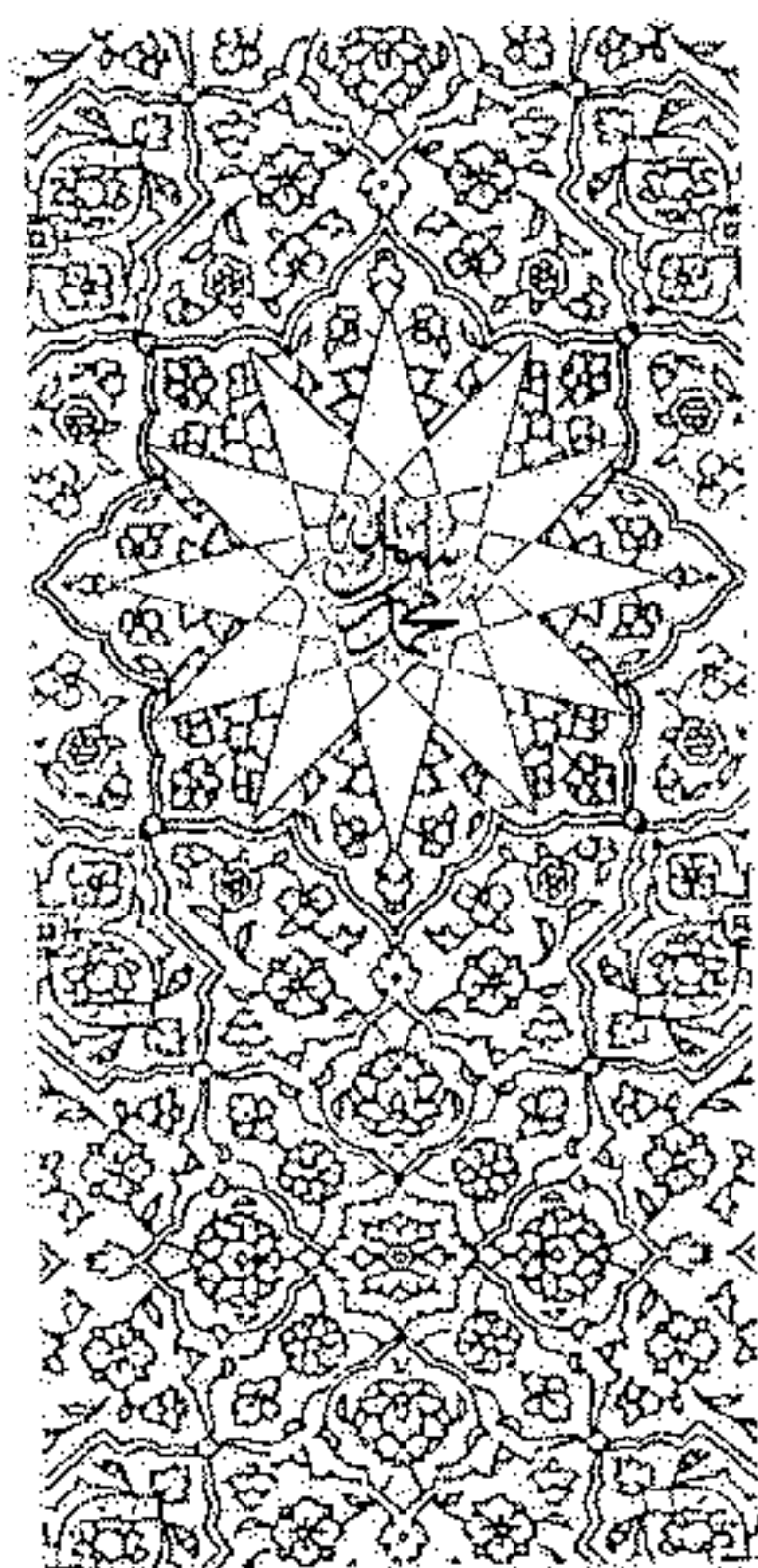
۲. التاج لجامع الاصول، ج ۵، ص ۳۴۱.



متواترند. در میان آن همه احادیث صحیح، البته روایات ضعیف هم فراوانند، ولی به واسطه کثرت این احادیث و فزونی راویان آنها و محدثان کثیری که احادیث مذکور را در کتابهای خود آورده‌اند، جمعاً مفید قطع و یقین‌اند»<sup>۱</sup>

سپس می‌نویسد که محمد بن رسول بزرنجی در آخر کتاب الاشاعة فی اشراف الساعه یادآور شده است: «اخبار مهدی موعود، متواتر و امری مقطوع و مسلم است. از این احادیث به یقین باید دانست که مهدی از اولاد فاطمه (ع) است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند».<sup>۲</sup>





## مخالفان و منکران وجود مهدی (ع)

پیشتر به این موضوع اشاره شد که مسأله «مهدی منتظر» چنان در میان دانشمندان عامه شهرت داشته و موضوع بقدری مسلم بوده است که نمی‌باید جای تردید برای کسی باقی گذارد.

با وجود این، جای بسی تعجب و مایه کمال تأسف است که موضوع به این روشنی را برخی از متعصبان آنها مخدوش نموده‌اند و کسانی مانند احمد امین در المهدی و المهدویة فی الاسلام، سعد محمد حسن در المهدیة فی الاسلام، فرید وجدی در دایرة المعارف خود (ذیل لفظ «سلم»)، طنطاوی در تفسیر الجواهر، محمد عبدالله عنان در مواقف حاسمه و جز اینان، پس از گذشت چهارده قرن از این واقعیت، تمام مطالب کتابهای همکیشان خود را نادیده گرفته و مسأله مهدی را افسانه‌ای پنداشته‌اند که فقط شیعه به آن معتقد است!

برای روشن شدن اذهان خوانندگان توضیح می‌دهیم که عامه اکثرأ بر اساس انبوه روایات وارده راجع به مهدی منتظر عقیده دارند که مهدی از اولاد امام حسین علیه السلام است و در آخر الزمان متولد

می‌شود و در سنین جوانی دنیا را پر از عدل و داد می‌کند از آن پس که پر از ظلم و ستم شده باشد. ولی با وجود این، تنی چند از متعصبان ایشان از دیرباز با دیده بدبینی به احادیث مهدی نگریسته و با فکر بسته خویش، واقعیت آن را نادیده گرفته‌اند.

### ابن حزم اندلسی

نخستین کسی که در این راه پیشگام شده ابن حزم اندلسی (متوفای ۴۵۶ هـ.ق) است. افکار این مرد نسبت به مهدی و آنچه در کتابش به نام *الفصل نوشته و تهمتهایی که در این باره به پسر امام حسن عسکری علیه السلام وارد ساخته است*، منشأ انحراف عقیده گروهی دیگر، به ویژه نویسندگان معاصر سنی که پیشتر از آنان نام بردیم، شده است. ابن حجر عسقلانی در *لسان المیزان* (ذیل نام «ابن حزم») می‌نویسد: «کلیه دانشمندان عامه که در عصر ابن حزم می‌زیستند او را تکفیر کردند.»

با وجود این، ابن حزم که مطرود همکیشان خود بوده است در کتاب *جمهرة انساب القریش* (ص ۶۱) با گستاخی خاصی می‌نویسد: «حسن عسکری آخرین امام رافضیان است و اولاد نداشت. رافضیان ادعا کردند که وی کنیزی به نام «صیقل» داشت که بعد از مرگ او پسری آورد، ولی این دروغ است.»

البته اگر شیخ الاسلام و فقیه المسلمین، ابن حزم اندلسی باشد، چنین انتظاری می‌رود، ولی همفکران ابن حزم می‌بینند که چه دانشمندان بزرگی در طول تاریخ گواهی به ولادت پسر امام حسن عسکری



علیه السلام داده‌اند.

### خطیب بغدادی

خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ هـ ق) در تاریخ بغداد (ج ۷، ص ۳۶۶):  
فقط می‌نویسد: «ابو محمد الحسن بن علی». بدون اینکه بگوید فرزندی  
داشته است.

### ابن جوزی

ابوالفرج ابن جوزی (متوفای ۵۹۷ هـ ق) در تاریخ معروف خود به نام  
المنتظم، ذیل حوادث سال ۲۶۰ هجری نیز به همین گونه از حضرت نام  
برده است: «ابو محمد الحسن بن علی». بدون ذکر «پدر حجت».  
هرچند عرب گاهی بدون داشتن اولاد هم کنیه می‌آورند ولی  
معمولاً کنیه‌های «ابو» به نام اولاد است، آن هم کنیه «ابو محمد» برای  
حضرت عسکری که همه می‌گویند تنها یک پسر داشته به نام محمد که  
همان مهدی موعود است.

### ابن کثیر شامی

ابن کثیر شامی (متوفای ۷۷۴ هـ ق) در تاریخ خود به نام البدایة و النهایة  
(جلد ۱۱) ذیل حوادث سال ۲۵۴ هجری فقط نام امام دهم را می‌برد و  
می‌گوید که وی پدر «حسن بن علی العسکری» است. حتی از خود



حضرت عسکری هم مانند سایر علمای عصر به طور جداگانه، مثلاً در سال رحلتش (۲۶۰ هـ.ق)، نام نمی‌برد!

### ابن تغری بردی

یوسف بن تغری بردی حنفی (متوفای ۸۷۴ هـ.ق) در التَّجْوِمُ الزَّاهِرَةُ (ج ۳، ص ۳۳) ذیل حوادث سال ۲۶۰ هجری نام حضرت عسکری را بدون «پدر حجت» ذکر می‌کند، ولی می‌گوید کنیه‌اش ابومحمد بوده است. توضیح: این عده در حقیقت چون دیده‌اند که مهدی فقط در وجود پسر امام حسن عسکری علیه‌السلام قابل تطبیق است، هر جا به نام حضرت عسکری رسیده‌اند، عمداً از فرزند وی نام نبرده‌اند. در واقع، خواسته‌اند شعر نگویند تا در قافیه آن گیر نیفتند!

### ابن خلدون اشبیلی

مشهورترین دانشمند سنی که در کتاب معروف خود به نام مقدمه با دید خاصی به مسأله مهدی نگریسته و احادیث آن را تخطئه کرده است، ابن خلدون اشبیلی (متوفای ۸۰۸ هـ.ق) است.

ابن خلدون کلیه احادیث مربوط به مهدی را که در همه منابع معتبر و صحیح عامه وجود دارد، با استدلالهای واهی مورد انتقاد قرار داده و به نظر خود جرح کرده است. با وجود این، وی در آغاز فصلی که راجع به «مرد فاطمی» گشوده است می‌نویسد:

«بدان که مشهور میان تمامی ملت اسلام در گذشت اعصار این بوده





که باید در آخرالزمان مردی از اهل بیت پیغمبر (ص) ظهور کند و دین اسلام را تأیید نماید و عدالت عمومی را آشکار سازد، و مسلمانان از وی پیروی کنند، و او بر کشورهای اسلامی تسلط یابد. این مرد «مهدی» نامیده شده است... علمای اهل سنت در اثبات این مطلب به احادیثی استدلال می‌کنند که پیشوایان محدثان آنها را نقل کرده‌اند.

نکته‌ای که بر همه پوشیده مانده و در اینجا برای نخستین بار آن را یادآور می‌شویم این است که ابن خلدون چون از مردم اندلس بوده و در مصر می‌زیسته، اصولاً میانه‌ای با خلفای فاطمی شیعی مصر نداشته است؛ لذا بیشتر سعی کرده ثابت کند که مهدی موعود ربطی به «مهدی فاطمی» سردودمان سلاطین فاطمی مصر ندارد که برخی پنداشته بودند مهدی موعود هموست. به همین جهت، بحث خود را با آن شرح و تفصیل فوق‌العاده تحت عنوان «گفتگو درباره این مرد فاطمی» آغاز می‌کند.

منظور ابن خلدون از «فاطمی»، المهدی بالله سرسلسله فاطمیان است که در شمال افریقا برخیزد امرای «سنی اغلیبی» قیام کرد و شهر مهدیه را بنا نهاد؛ در حالی که اغلب تصور کرده‌اند منظور ابن خلدون از «مرد فاطمی» در سرآغاز فصل معهود، مهدی از دودمان فاطمه زهرا علیها السلام است که وی سعی در انکار او دارد، در صورتی که گفتیم چنین نیست.

ابن خلدون در بحث از تصوف نیز بدون مناسبت باز مسأله مهدی را پیش کشیده و به نظر خود عقیده شیعه را نسبت به آن تخطئه کرده است، ولی چون در برابر اثبوت احادیث مربوط به مهدی قرار گرفته که همه منابع معتبر عامه آنها را نقل کرده‌اند، لذا نتوانسته است اصل

موضوع را انکار کند. او در حقیقت احادیث مذکور را یکسره برای خراب کردن «مهدی فاطمی» تخطئه می‌کند، ولی در همان حال عقیده دارد که شخصی به نام «مهدی» از اهل بیت قیام خواهد کرد!! اما بر اساس کدام روایات؟ همان روایاتی که وی همگی آنها را مردود می‌داند؟! آیا این، کوسه و ریش پهن توست؟

### علاءالدوله سمنانی

از همه جالب‌تر گفتار علاءالدوله سمنانی است که به نقل از جامی در شواهد النبوة و قاضی حسین دیاربکری در تاریخ خمیس می‌گوید: «محمد بن الحسن العسکری متولد شد و به مقام قطبیت رسید و سپس وفات یافت.»!

### حافظ ذهبی

و سخن ذهبی در تاریخ اسلام است که می‌نویسد: «محمد بن الحسن در سال ۲۵۸ یا ۲۵۶ متولد شد و دو سال بعد از پدرش زنده بود و بعد معدوم شد و معلوم نیست چگونه وفات یافت.»!



### ابن حجر مکی

ابن حجر هیثمی مکی در صواعق محرقه آنجا که از امام زمان نام می‌برد می‌گوید: «گفته شده که وی در مدینه پنهان گشت و از نظرها غایب

گردید و معلوم نشد کجا رفت.»!

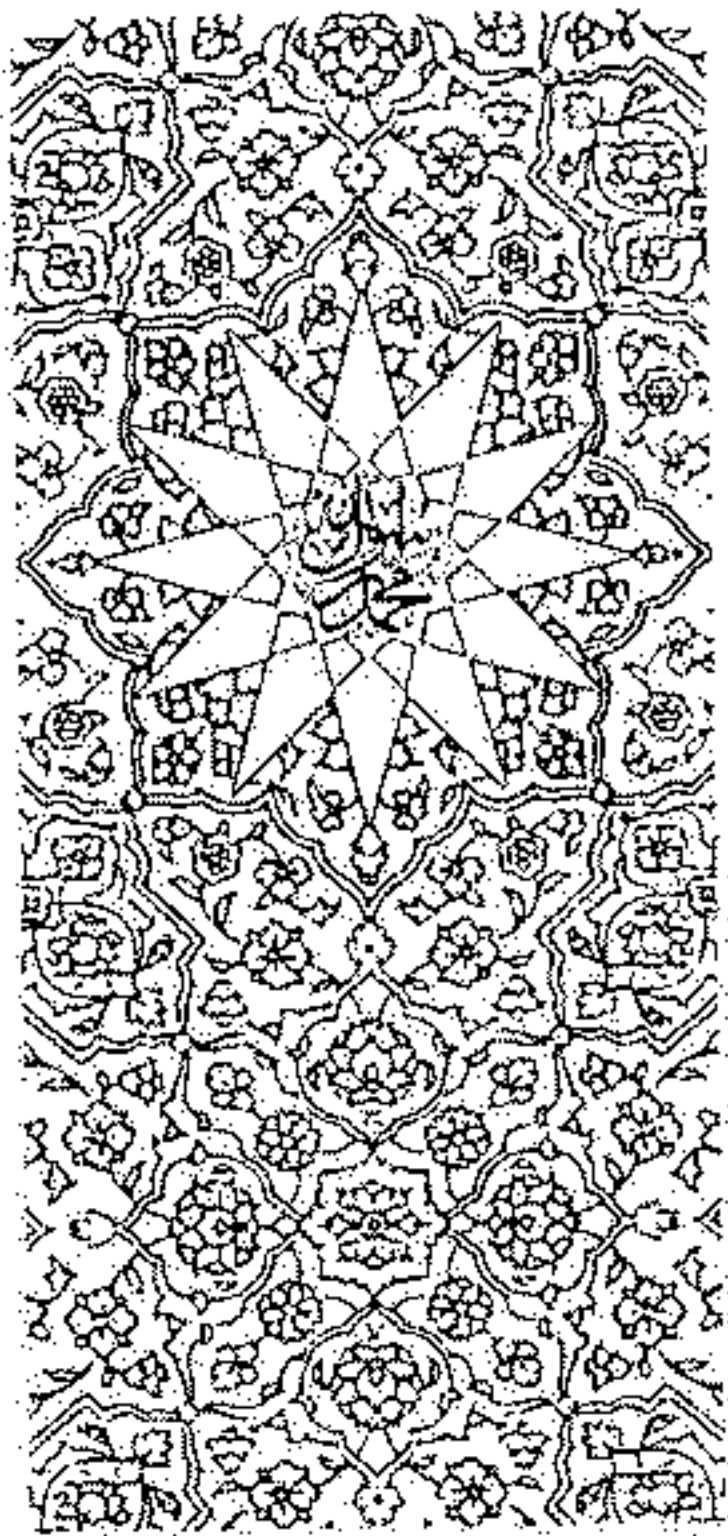
کار رسوایی این عده معدود که شاید تعدادشان از شمار انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کند به آنجا رسیده که محدث بزرگ، ملا علی قاری، از اعظم علمای ایشان کتابی نوشته است به نام الردّ علی من حکم و قضی بان المهدی الموعود جاء و مضی، یعنی: رد بر کسانی که گفته‌اند مهدی موعود آمده و رفته است!

حق‌کشی و بی‌انصافی متعصبان درباره ائمه اهل بیت علیهم السلام و تزییع حق آنها به جایی رسیده است که ابن حجر عسقلانی نامبرده، در کتاب لسان المیزان (ج ۲، ص ۲۴۰) از امام حسن عسکری علیه السلام بدین‌گونه یاد می‌کند:

«حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی الکاظم الهاشمی رحمة الله علیهم از کسانی است که امامیه عقیده به امامتش دارند، این جوزی در موضوعات او را تضعیف کرده است.»!

ملاحظه می‌کنید که اولاً شیخ الاسلام ابن حجر، نامی از فرزندان حضرت عسکری نمی‌برد، مبادا بگوید «مهدی» و «منتظر» اوست و به نفع شیعه تمام شود! ثانیاً امام والامقام اهل بیت را حتی در ردیف راویان معمولی احادیث اسلامی هم به شمار نمی‌آورد و به نقل از ابن جوزی، آن حضرت را در نقل حدیث جدش پیامبر «ضعیف» می‌داند!! این است طرز تفکر و نحوه رفتار برخی از دانشمندان اهل سنت (!) با اهل بیت عصمت و طهارت یعنی اولاد برگزیده صاحب سنت! به گفته شاعر:

و يعظمون له اعداء منبره      و تحت ارجلهم اولاده وضعوا



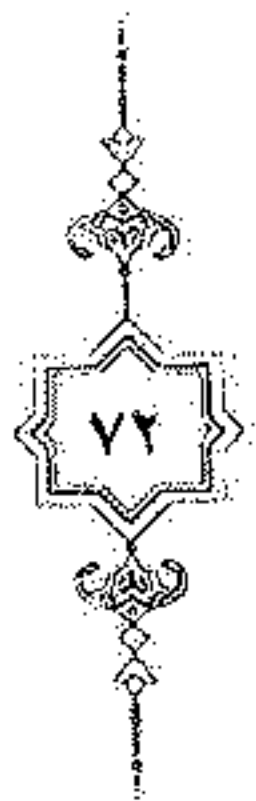
## افسانه سرداب

خوانندگان در نقل مطالب گذشته و آینده دیده‌اند و خواهند دید که غالب علمای عامه - چه متعصب و چه منصف - ضمن بیان اوصاف مهدی صاحب‌الزمان، او را «صاحب سرداب» نامیده و گفته‌اند که شیعه می‌گویند امام آنها در سرداب غایب شده است و در آنجا به سر می‌برد و از سرداب بیرون خواهد آمد، یا موقع رفتن به سرداب، مادرش به وی نگاه می‌کرد و دیگر برنگشت.

محدث عالی‌مقام، حاج میرزا حسین نوری در کتاب کشف‌الاستار می‌نویسد:

«ما هرچه مراجعه کردیم و تفحص نمودیم از آنچه درباره سرداب گفته‌اند (آن هم سرداب سامره، تا چه رسد به سرداب حله) چیزی ندیدیم! در احادیث اصلاً از سرداب ذکری به میان نیامده است.»

مرحوم آیت‌الله صدر نیز در کتاب المهدی در این خصوص می‌نویسد:



«آنچه در این باره بعضی از عوام شیعه می‌گویند و بسیاری از خواص اهل سنت به ما نسبت می‌دهند، من نه مدرکی برای آن می‌شناسم و نه سندی یافته‌ام!»

اکنون ببینید ابن خلدون، دانشمند بزرگ عامه، در کتاب مشهور خود مقدمه چگونه در افشانی می‌کند، زیرا آنجا که از «اثنا عشریه» نام می‌برد می‌نویسد:

«آنها عقیده دارند که دوازدهمین امام از ائمه ایشان یعنی محمد بن الحسن العسکری که او را "مهدی" می‌خوانند، وارد سرداب خانه خود در حله شد و هنگامی که مادرش بازداشت شد، همان جا غایب گردید. آنها تا کنون منتظر او هستند و هر شب، بعد از نماز مغرب، اسبی را می‌آورند و جلوی در سرداب مزبور می‌ایستند و او را به نام صدا می‌زنند و از وی می‌خواهند که خروج کند. آن‌گاه ستارگان که به در آیند، پراکنده می‌شوند و این کار را موکول به شب آیتده می‌کنند، و تا کنون آنها چنین اند.»!

دانشمند بزرگوار فقید، حاج شیخ عبدالحسین امینی در کتاب گرانقدر الغدیر آنجا که تهمتهای «قصیمی» مؤلف کتاب الصّراع بین الاسلام و الوثنیّة را پاسخ می‌گوید، از جمله می‌نویسد:

«داستان عجیب سرداب زشت‌ترین نسبتی است که به ما داده‌اند. هر چند قصیمی در دادن این نسبت ناروا تنها نیست ولی او افزون بر آنچه سابقین گفته‌اند، نوشته است: "بیش از هزار سال است که آنها هر شب در مقابل سرداب می‌ایستند و منتظر ظهور هستند." در صورتی که شیعه نمی‌گویند غیبت امام زمان در سرداب انجام گرفته است یا از آنجا ظهور می‌کند، بلکه مطابق احادیث رسیده معتقدند که امام غایب آنها



در مکه معظمه مقابل کعبه ظهور می‌کند. هیچ‌کس نگفته است در سرداب به سر می‌برد، یا سرداب محلّ غیبت آن حضرت است، بلکه سرداب سامره جزو خانه ائمه بوده و مانند سایر قسمت‌های خانه احترام دارد.»

سپس مرحوم امینی می‌افزاید:

«کاش این مفتریان درباره سرداب نظر واحدی اظهار می‌داشتند تا دروغ آنها موجب این همه رسوایی نمی‌شد. مثلاً ابن بطوطه در سفرنامه‌اش می‌نویسد که این سرداب در حله است، و قرمانی در اخبار الدول می‌گوید که در بغداد است، و دیگران گفته‌اند که در سامره است و قصیمی آمده و حیران شده که بگوید کجاست و لذا اکتفا نموده به «سرداب» تا منظور پلید خود را پیوشاند.»<sup>۱</sup>

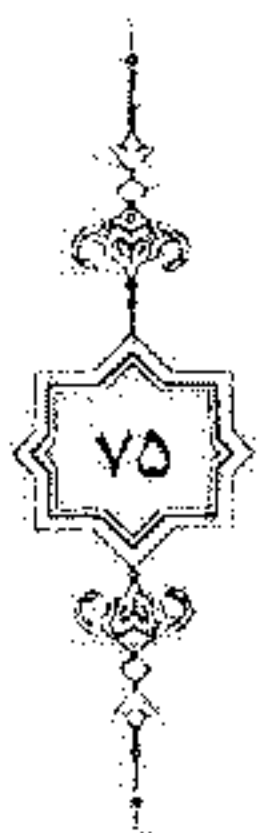
دانشمند فقید، سید محمدسعید هندی مؤلف کتاب الامام الثانی عشر پیش از آنکه مطالب گذشته را نقل کند، در آغاز تخطئه تهمت سرداب به شیعه می‌نویسد:

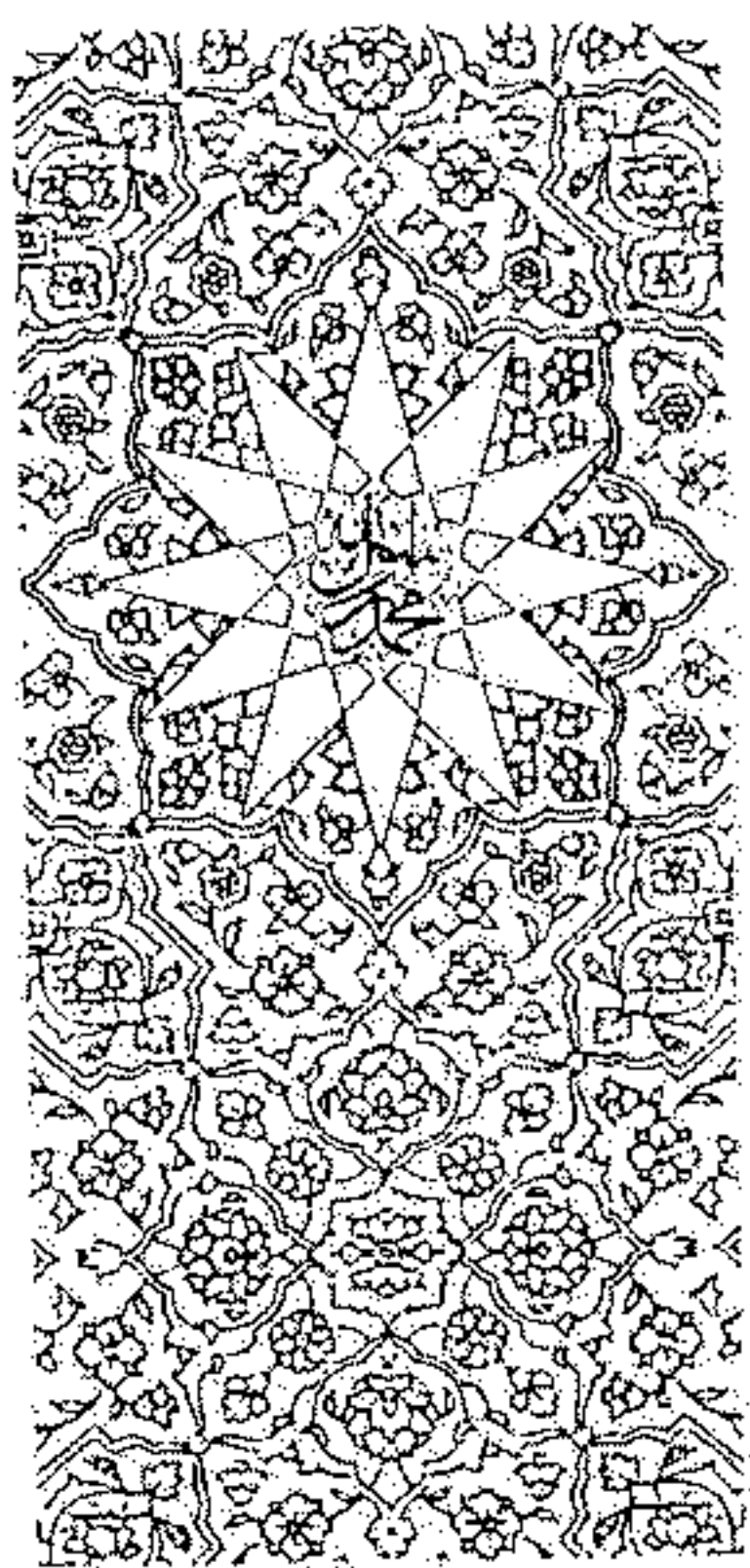
«موضوع سرداب از نسبت‌های ناروا و شگفت‌آوری است که به ما داده‌اند، زیرا نه یک حدیث از طریق شیعه در این خصوص وجود دارد، نه مخالفان به نام کتابی از شیعه اشاره می‌کنند که در آن نوشته شده باشد، و نه دانشمندی از ما را ذکر می‌کنند که گفته باشد و از وی نقل نمایند! از اینها گذشته، غیبت در سرداب و بقای حضرت در آنجا در هیچ کتاب شیعه نیست.»

البته باید دانست که در بعضی از کتب ادعیه و غیره اسم سرداب



سامره و بعضی از دعاها و زیارتها آمده است، ولی نباید فراموش کرد که آنها متکی بر حدیث نیستند. چون سرداب یادگار خانه امام حسن عسکری علیه السلام است که آخرین بار امام زمان را در آنجا دیده‌اند، از این نظر، دعاها و زیارتها را در آنجا می‌خوانند.





## آنها که مهدی (عج) را پسر امام حسن عسکری (ع) می دانند

اکثریت علمای عامّه معتقدند که مهدی موعود واقعیت دارد ولی می گویند در آخرالزمان متولد می شود. در میان آنها گروهی بوده و هستند که به دور از تعصب و با وجدانی بیدار و یا به ملاحظه امانت در نقل تاریخ، متوجه شده یا ناگزیر گشته اند بگویند این مهدی که از دودمان پیامبر و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است، با آن مزایا و خصوصیات، نمی تواند کسی جز پسر امام حسن عسکری علیه السلام باشد.

این گروه، دانشمندانی هستند که موضوع کتاب ما را تشکیل می دهند. اکثریت قریب به اتفاق ایشان صریحاً گفته اند که ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری متولد در سامرا به سال ۲۵۵ هجری یا سنوات دیگر، همان مهدی موعود در مجموع روایات معتبر و صحیح عامّه است و نمی تواند شخص دیگری باشد. نه با آنها که پیش از ولادت وی دعوی مهدویت کردند قابل تطبیق است و نه می توان منکر پسر امام عسکری به عنوان «مهدی» شد.

البته در میان این یکصدویست دانشمند که در این کتاب از آنان نام



می‌پریم، افرادی هم هستند که فقط از پسر امام حسن عسکری علیه‌السلام نام برده و یا از ولادت او خیر داده‌اند و دیگر نگفته‌اند که مهدی موعود اوست، ولی همین که نوشته‌اند امام عسکری پسری به نام «محمد بن الحسن» داشته است، خود به خود ملتزم شده‌اند که مهدی موعود باید او باشد.

حتی تعدادی انگشت‌شمار امثال علاءالدوله سمنانی و حافظ ذهبی و ابن حجر مکی نیز که گفته‌اند او پس از ولادت وفات یافت، در شمار کسانی هستند که مهدی را پسر امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌دانند، زیرا آنان که از ولادت محمد بن الحسن خیر داده‌اند، نگفته‌اند که دیگر او چه شد و چه سرنوشتی پیدا کرد و به کجا رفت، و این چند تن برای انحراف افکار شیعه، از پیش خود گفته‌اند او وفات یافت تا آنها در انتظار او به سر نبرند!

اینک خوانندگان فرصت دارند با در نظر گرفتن آنچه تا کنون از باب مقدمه و آمادگی اذهان آنها نوشتیم، به سخنان این صدویست تن توجه دقیق کنند و به دور از تعصب و خودپسندی، با کمال انصاف و بی‌طرفی پیرامون آن به قضاوت پردازند.

این دانشمندان به ترتیب قرن بدین گونه هستند که از نظر تان می‌گذرد:

ابن ابی تلج بغدادی (متوفای ۳۲۶ ه.ق)

ابن ابی تلج در بغداد می‌زیسته و هم‌عصر ثواب امام زمان بوده و به گفته خطیب در تاریخ بغداد، استاد ابوالحسن دارقطنی معروف است.



ابن ابی تلج در کتاب موالید و وفیات الائمه<sup>۱</sup> به نقل از عتبه بن سعد ابن کنانه، از احمد بن محمد قریابی شاگرد نصر بن علی جهضمی استاد بخاری و مسلم، آنجا که از «فرزندان ابو محمد حسن عسکری» نام می‌برد می‌نویسد: «فرزندان او محمد و موسی و فاطمه و عایشه هستند.»<sup>۲</sup> و می‌گوید:

«هنگام ولادت محمد بن الحسن، حضرت عسکری ضمن سختان بسیاری فرمود: «ستمگران گمان کردند مرا به قتل می‌رسانند تا این دو دمان را ریشه کن سازند، ولی آنها قدرت خداوند را دیدند.» و او را «مؤمل» (یعنی کسی که مورد آرزوی مردم است) خواند.»

ابن ابی تلج در باب «مادران ائمه» می‌نویسد:

«مادر قائم نامش حکیمه و گویند نرجس و نیز گویند سوسن بوده است.»

سپس می‌نویسد:

«محمد بن همام می‌گفت: حکیمه عمه حضرت عسکری است و کسی است که حدیث ولادت صاحب الزمان را نقل کرده است و همو گفته که نام مادرش نرجس است.»<sup>۳</sup>



۱. کتاب موالید الائمه ابن ابی تلج به ضمیمه نیت شیخ مفید و نوادر راوندی در سال ۱۳۷۰ هجری در نجف اشرف چاپ شده است.

۲. موسی و فاطمه و عایشه را فقط در اینجا می‌بینم. سایر علمای سنی هم از وی گرفته‌اند. مشهور این است که امام زمان تنها فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

۳. درباره اختلاف اسامی مادر امام زمان جداگانه بحث خواهیم کرد.



راویان کتاب ابن ابی تلج همگی از دانشمندان عامه هستند که وجود امام زمان را به نام پسر امام حسن عسکری علیه السلام پذیرفته و از ولادت او خبر داده‌اند. بدین گونه:

۲

ابوالعبّاس احمد بن ابراهیم بن علی کندی، که روایت کتاب موالید و وفیات الاثمه تا ولادت امام زمان و دنباله آن را از ابن ابی تلج نقل کرده است؛ چنانکه در آغاز کتاب مزبور می‌گوید که خطیب در تاریخ بغداد (ج ۴، ص ۱۸) او را موثق دانسته و گفته است که وی شاگرد محمد ابن جریر طبری و استاد ابونعیم اصفهانی بوده و در مکه می‌زیسته است.

۱. اسناد کتاب موالد الاثمه ابن ابی تلج که همگی از علمای عامه هستند و در آغاز کتاب مزبور آمده بدین گونه است:

«اخبرنا الامام الفاضل العلامة محبت‌الدین ابو عبدالله محمد بن محمود بن الحسن بنی النجار البغدادی المحدث بالمدرسة الشريفة المستنصرية قال اخبرنا المشايخ الثلاثة: ابو عبدالله محمد بن عبد الواحد بن الفاخر القرشي، و ابو ماجد محمد بن حامد بن عبد المنعم بن عزيز الواعظ، و ابو محمد اسعد بن احمد بن حامد الثقفي اجازة قالوا جميعاً، اخبرنا ابو منصور عبد الرحيم محمد بن احمد بن الشرايبي الشيرازي، اخبرنا ابو مسعود احمد بن محمد بن عبد العزيز بن الشاذان البجلي، اخبرنا ابو علي احمد بن محمد بن علي العمادي السوي بنسأ، قرأته عليه، اخبرنا ابو العباس احمد بن ابراهيم بن علي الكندي بمكة سنة خمسين و ثلاثمائة (۳۵۰)، اخبرنا ابوبكر محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن اسماعيل المعروف بابن ابي الثلج حدّثني عتبة بن سعد بن كنانه عن احمد بن محمد الفارماني (الفرنباني) عن نصر بن علي الجهضمي.»

۴۳

ابوعلی احمد بن محمد بن علی عمادی نسوی، که در سال ۳۵۰ هجری روایت ولادت و وفات ائمه یعنی کتاب ابن ابی تلج را در مکه از ابوالعباس کندی شنیده و یادداشت کرده است.

۴۴

ابومسعود احمد بن محمد بن عبدالعزیز بن شاذان بجلي، که روایت مزبور را به خط خود نوشته و برای ابومنصور شیرازی خوانده است.

۴۵

ابومنصور عبدالرحیم بن محمد بن احمد بن شرابی شیرازی، که خبر مزبور را از ابومسعود سابق الذکر یادداشت کرده است.

۴۶

ابومحمد اسعد بن احمد بن حامد ثقفی، آن را از ابومنصور گرفته است.

۴۷

ابوماجد محمد بن حامد بن عبدالمنعم بن عزیز واعظ، که این خبر را از ثقفی یادداشت کرده است.

۴۸

ابوعبداللہ محمد بن عبدالواحد بن فاخر قرشی، که آن را از ابوماجد نقل می کند.



۹

محبّ الدّین ابو عبدالله محمد بن محمود بن حسن<sup>۱</sup> بنی نجّار بغدادی (متوفای ۶۴۳ هـ ق) شاگرد ابن جوزی، مدرّس و محدّث مدرسه مستنصریّه بغداد، مؤلف ذیل تاریخ بغداد در چهل جلد و غیره، حدیث مزبور را از مشایخ سه گانه قبل از خود شنیده و ثبت کرده است.

۱۰

### حافظ ابو محمد بلاذری (متوفای ۲۲۹ هـ ق)

به گفته سمعانی، بلاذری اهل طوس و دانشمندی عارف به اخبار و احادیث بود و سرانجام در طبران طوس به سال ۳۳۹ هجری به قتل رسید. بلاذری در مکه از امام اهل بیت ابو محمد حسن بن علی بن محمد ابن علی بن موسی الرضا علیهم السلام حدیث یادداشت کرد.

شیخ عبدالعزیز دهلوی مؤلف تحفه اثناعشریّه در ردّ شیعه (متوفای ۱۲۲۹ هـ ق) که از علمای متعصب عامه در هند بوده است، در کتاب التّزهة از پدرش شاه ولی الله دهلوی در کتاب مسلسلات مشهور به «الفضل المبین» حدیثی با سلسله سند از مسلسلات ابن عقیله مکی نقل می کند که بلاذری گفت:

«خبر داد به من محمد بن الحسن بن علی المحجوب امام عصر خود از پدرش از جدش علی بن موسی الرضا (ع)... از علی بن ابی طالب سید الاولیاء (ع) که فرمود خبر داد به من سید انبیا محمد (ص) که فرمود

در نسخه چاپی موالد الاثمه (چاپ نجف) نام او «محمد بن محمد بن حسن» ضبط شده که مسلماً غلط است و «محمد» به جای «محمود» آمده است.

خبر داد به من جبرئیل سرور فرشتگان که گفت خداوند فرمود: ائی انا  
 الله لا اله الا انا، من اقر بالتوحيد دخل حصنی و من دخل حصنی امن من  
 عذابی...»

به طوری که ملاحظه می شود، بلاذری طوسی که از بزرگان  
 دانشمندان عامه بوده است، در این حدیث مسلسل، آن هم به نقل از  
 صاحب تحفة اثناعشریّه که از مخالفان سرسخت طایفه شیعه است،  
 تصریح می کند که امام زمان (مخ م د) را شخصاً دیده و از آن حضرت  
 حدیث نقل کرده است؛ چیزی که حتی در میان دانشمندان شیعه هم  
 بی سابقه بوده است.

این حدیث را پانزده تن از مفاخر علمای عامه از بلاذری نقل کرده  
 و نظر به شخصیت علمی وی، آن را مورد قبول قرار داده اند.<sup>۱</sup>  
 بنابراین، باید این پانزده تن را به استثنای یکی از آنها (شمس  
 جزری) و شعرانی و سیوطی - که جداگانه از این دو نام می بریم - جزو  
 معتقدان به وجود مهدی موعود به عنوان پسر امام حسن عسکری  
 علیه السلام دانست. و اینک اسامی آنها:

۱۱۷.

شیخ محمد بن عقیله، مؤلف کتاب مسلسلات که عبدالعزیز دهلوی از آن  
 نقل کرده است.



۱. باید دانست که این بلاذری غیر از احمد بن یحیی بلاذری (متوفای ۲۷۹ هـ ق) مؤلف  
 کتاب فتوح البلدان است.

۱۲.

شیخ حسن بن علی عجمی، یگانه عصر خویش که این عقله از وی روایت کرده است.

۱۳.

جمال الدین باهلی، حافظ عصر خود و استاد حسن عجمی.

۱۴.

محمد حجازی واعظ، از جمال الدین باهلی.

— شیخ عبدالوهاب شعرانی، صوفی عصر خویش (از وی جداگانه نام می‌بریم).

— جلال الدین سیوطی، مجتهد عصر خود (از وی نیز جداگانه نام می‌بریم).

۱۵.

حافظ ابونعیم رضوان عقیبی.

— شمس محمد جزری، مقری عصر خویش، وی هنگام نقل حدیث مزبور می‌گوید: «والعهدة علی البلاذری».

۱۶.

جمال الدین محمد بن محمد بن جمال، امام زاهد عصر خود.

۱۷.

محمد بن مسعود، محدث بلاد فارس.



۱۸.

شیخ اسماعیل بن مظفر شیرازی، دانشمند بزرگ.

۱۹.

عبدالسلام بن ابی ربیع حنفی، محدث عصر خویش.

۲۰.

ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاپور قلانسی، شیخ زمان خود.

۲۱.

عبدالعزیز استاد وی.

۲۲.

محمد آدمی، استاد عبدالعزیز، امام عصر خود.

۲۳.

سلیمان بن ابراهیم بن محمد بن سلیمان، دانشمند یگانه که حدیث مزبور را از حافظ ابومحمد بلاذری روایت کرده است.

۲۴.

ابونصر بخاری (زنده در سال ۲۴۱ هـ.ق)

این دانشمند نسابه مشهور کسی است که صاحب عمدة الطالب تحقیقات او را در انساب دودمان ابوطالب مورد استناد قرار می دهد.





ابونصر در کتاب *سُرّ السلسله العلویّه ذیل «الامام الحسن بن علی العسکری»* می‌نویسد:

«جعفر بن علی همان است که امامیه او را «جعفر کذاب» می‌نامند. سُرّ اینکه امامیه به وی جعفر کذاب می‌گویند این است که جعفر پس از وفات برادرش حسن (ع)، وجود پسر او قائم حجت را انکار کرد و ارث برادرش را مطالبه نمود.»

خطیب در تاریخ بغداد (ج ۹، ص ۱۲۲) به یک واسطه از ابونصر روایت می‌کند و می‌گوید که چون به بغداد آمد علما (اهل تسنن) از وی حدیث شنیدند.

۲۵

**علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶ ه. ق)**

عامه این مورخ و جغرافی‌دان نامی را به‌طور قطع از دانشمندان خود می‌دانند.

مسعودی<sup>۱</sup> در تاریخ خود *مروج الذهب* که در سال ۳۳۶ هجری از تألیف آن فراغت یافته است، می‌نویسد:

«در سال ۲۶۰ هجری ابو محمد حسن بن علی... بن حسین بن علی ابن ابی طالب (ع) در زمان خلافت معتمد در بیست و نه سالگی وفات یافت، و او پدر مهدی منتظر و امام دوازدهم شیعه امامیه است.»

مسعودی همچنین در کتاب *التنیه والاشراف* که یک سال پیش از وفات خود یعنی در سال ۳۴۵ هجری در شهر فسطاط مصر آن را به

۱. *مروج الذهب*، ج ۴، ص ۱۹۹.

اتمام رسانیده است می نویسد:

«سلیم بن قیس هلالی از ابان بن ابی عیاش روایت کرده است که پیغمبر(ص) به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) فرمود: «تو و یازده تن از فرزندان امامان بحق هستید.»<sup>۱</sup> این حدیث از غیر سلیم روایت نشده است.<sup>۲</sup> امام آنها (شیعه) که تا موقع تألیف این تاریخ، منتظر ظهورش هستند، محمد بن الحسن... بن علی بن ابی طالب» رضوان الله علیهم اجمعین است.»<sup>۳</sup>

۲۶.

#### ابوبکر خوارزمی (متوفای ۳۸۳ هـ.ق)

این دانشمند مشهور، در کتاب مفاتیح العلوم تحت عنوان «صفات ائمه بر وفق مذهب امامیه» می نویسد:

«علی مرتضی، حسن مجتبی، حسین سیدالشهداء... حسن العسکری، محمد مهدی القائم المنتظر؛ و اینکه او نمی میرد و نخواهد مُرد، به نظر شیعه، تا اینکه زمین را پر از عدل کند از آن پس که پر از ظلم شده باشد، و او محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام اجمعین است.»<sup>۴</sup>



۱. أنت واحدی عشر من ولدک ائمة الحق.

۲. البته معلوم است که با این صراحت روایت نمی کنند.

۳. التنبیه والاشراف، چاپ مصر، ص ۱۹۸.

۴. مفاتیح العلوم، نسخه چاپی، ص ۳۲.

محمد بن ابی الفوارس (متوفای ۴۱۲ هـ ق)

ذهبی در دول الاسلام و ابن اثیر در کامل التواریخ ذیل حوادث سال ۴۱۲ هجری از این شخصیت که از دانشمندان نامی عاقه به شمار می رود، به نام «حافظ ابوالفتح محمد بن احمد بن ابی الفوارس» نام برده اند.

سید نعمان آلوسی زاده نیز در یکی از مکاتیب خود که ضمیمه کتابش به نام جلاء العینین چاپ شده است، او را «عالم الملوک و ملک العلماء، مرجع خاص و عام و مستند فضلا، وارث علوم دانشمندان گذشته، پرچمدار حق و حقیقت، مولای افخم و امیر مفخم که شاخص است در گفتار و کردار و وقار و صلاح» دانسته است.

محمد بن ابی الفوارس کتابی به نام الاربعین در مناقب و فضایل امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام، مشتمل بر چهل حدیث، تألیف کرده و در آغاز آن می نویسد:

«راویان موثق از پیامبر روایت کرده اند که فرمود: هر کس چهل حدیث را برای امت من حفظ کند (یعنی نقل کند و در اختیار آنها قرار دهد)، من از وی شفاعت خواهم کرد.»

سپس می نویسد:

«چنانچه از ما پرسند این چهل حدیث چیست که اگر انسان آنها را حفظ کند این همه فضیلت و ثواب عظیم دارد، در جواب می گوئیم این سؤال در مجلس محمد بن ادریس شافعی مطرح شد، شافعی گفت:

«من حفظ من امتی اربعین حدیثاً فی فضائل اهل بیتی کنت له شفیعاً یوم القیامة.»



چهل حدیثی است که در مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب باشد.»  
 محمد بن ابی الفوارس آن گاه در حدیث چهارم اربعین به اسناد خود  
 از ابو حفص احمد بن نافع بصری روایت می کند که گفت:  
 «پدرم خادم امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام بود، وی از آن  
 حضرت روایت کرد که امام رضا از پدرش موسی بن جعفر و آن  
 حضرت از جعفر صادق از پدرش محمد باقر از پدرش علی بن الحسین از  
 پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی طالب از پیامبر (ص) روایت  
 نموده است که فرمود: هر کس می خواهد در نزد خدا سرفراز باشد علی  
 ابن ابی طالب را دوست بدارد، و هر کس خوشحال می شود که خدا از او  
 خشنود باشد - یا علی - باید پسرش حسن را دوست بدارد، و هر کس  
 می خواهد بدون هراس جان بدهد باید پسرش حسین را دوست بدارد، و  
 هر کس می خواهد خدا گناه او را پاک کند علی بن الحسین را دوست  
 بدارد، و هر کس می خواهد به لقای حق نائل گردد محمد بن علی را  
 دوست بدارد، و هر کس می خواهد خدا نامه اعمال او را به دست  
 راستش بدهد جعفر بن محمد را دوست بدارد، و هر کس می خواهد پاک  
 و پاکیزه به لقای حق برود موسی بن جعفر را دوست بدارد، و هر کس  
 می خواهد با لبخند به جوار رحمت حق برود علی بن موسی را دوست  
 بدارد، و هر کس می خواهد درجاتش عالی و گنااهش تبدیل به خوبیها  
 شود پسر او محمد بن علی را دوست بدارد، و هر کس می خواهد خداوند  
 به آسانی او را محاسبه کند و در بهشتی درآورد که به پهنای آسمانها و  
 زمین باشد و جای پارسایان است علی بن محمد را دوست بدارد، و هر  
 کس می خواهد در زمرة رستگاران خدا را ملاقات کند پسر او حسن  
 عسکری را دوست بدارد، و هر کس می خواهد ایمانش کامل و اسلامش



نیکو باشد پس او صاحب الزمان مهدی را دوست بدارد. اینان چراغهای فروزان شبهای دیجور گمراهی و پیشوایان برحق و پرچمهای فضیلت اند. هر کس آنها را دوست داشت و سرپرست خود دانست، من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.»

محمّد بن ابی الفوارس در پایان سخن خود می‌نویسد:

«پس از آنکه در اطراف مذاهب مختلف تحقیق و بررسی نمودم و حقیقت برای من آشکار شد و راه روشن را یافتم، با شواهد آشکار و اخبار صحیح صریح آن را پیمودم و آنچه را از راویان موثق و مردان باتقوا درباره فضیلت و برتری اهل بیت پیامبر به دست آورده بودم، عیناً نقل کردم.»<sup>۱</sup>

۲۸۸

**حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی شافعی (متوفای ۴۵۸ ه. ق)**

به گفته ابن خلکان، امام الحرمین عبدالملک جوینی گفته است: «هیچ فرد شافعی یافت نمی‌شود مگر اینکه شافعی بر وی منت دارد، جز احمد بیهقی که او بر شافعی منت دارد.»

بیهقی در کتاب شعب الایمان می‌نویسد:

«مردم درباره مهدی اختلاف نظر دارند. گروهی مردّد مانده و علم آن را به خدای عالم محوّل نموده‌اند و عقیده دارند که مهدی فردی از اولاد فاطمه دختر پیامبر است که هرگاه خدا خواست، او را می‌آفریند و برای یاری دینش برانگیخته می‌گرداند. طایفه‌ای دیگر می‌گویند مهدی

موعود در روز جمعه نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شده است. و او امام حجّت قائم منتظر، محمد بن الحسن العسکری است که به سرداب سامره درآمد. وی زنده است و از انظار مردم پنهان. آنها منتظر ظهور او هستند که به هنگام ظهور، دنیا را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. و می‌گویند طول عمر او منع عقلی ندارد، مانند عیسی بن مریم و خضر علیهما السلام. اینان شیعه امامیه هستند. گروهی از اهل کشف نیز در این عقیده با ایشان موافقت دارند.»  
محدث نوری پس از نقل سخن بیهقی در اینجا می‌نویسد:

«لازم به ذکر نیست که منظور بیهقی از "گروهی از اهل کشف" غیر از مخیی‌الدین ابن عربی و غیره است که سالها بعد از وی آمده‌اند. مشاهیر اهل کشف در نزد بزرگان عامه پیش از زمان بیهقی، حسین بن منصور خلّاج و جنید بغدادی و ابوالحسن و زّاف و ابوبکر شبلی و ابوعلی رودباری و سهل بن عبدالله شوشتری و امثال ایشانند. ظاهر عبارت بیهقی نمی‌رساند که او درباره ولادت امام زمان حجّت بن الحسن شک داشته است.»<sup>۱</sup>

۳۹.

### مؤلف مجمل التواریخ و القصص

مؤلف سنی نامعلوم این کتاب بسیار معتبر از اهل اسدآباد همدان بوده و کتاب خود را در سال ۵۲۰ هجری تألیف کرده است.

موضوع کتاب: تاریخ ایران و عرب و خلفا و سلاطین ایران تا اوایل





قرن ششم هجری است که به فارسی آن عهد نوشته شده است. در این کتاب در «فصل ذکر جماعتی از اهل بیت پیغامبر علیهم السلام»، پس از ذکر نام امام حسن عسکری علیه السلام، می نویسند: «فرزندش ابوالقاسم محمد بن الحسن است»<sup>۱</sup>

۳۰

### شیخ احمد جامی (متوفای ۵۲۶ ه.ق)

این عارف مشهور از جمله کسانی است که مهدی موعود را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می داند. عبدالرحمن جامی در صفحات الانس ضمن شمارش مشایخ صوفیه، از وی ستایش فراوان می کند و می گوید: «بعد از چهل سالگی به ارشاد خلق پرداخت و کتابی بزرگ مشتمل بر هزار برگ تصنیف کرد که علما و حکما را دچار حیرت نمود و بسیاری به حلقه ارادتش درآمدند.»

شیخ سلیمان حنفی در ینایع الموده (ص ۴۷۲) اشعار زیر را از وی نقل کرده است:

من ز مهر حیدرم هر لحظه در دل صد صفاست  
از پس حیدر، حسن ما را امام و رهنماست  
همچو کلب افتاده ام بر خاک درگاه حسین  
خاک نعلین حسین اندر دو چشم تو تیاست

<sup>۱</sup> مجل التواریخ و القصص، به تصحیح مرحوم ملک الشعراى بهار، ص ۴۵۸.  
با تحقیقی که آقای دکتر پرویز اذکائی همدانی نموده است. مؤلف این کتاب  
این شادی همدانی است.



عابدین تاج سر و باقر دو چشم روشنم  
دین جعفر برحق است و مذهب موسی رواست  
ای موالی، وصف سلطان خراسان را شنو  
دُرّه‌ای از خاک قبرش دردمندان را دواست  
پیشوای مؤمنان است - ای مسلمانان - تقی  
گر تقی را دوست داری بر همه ملت رواست  
عسکری نور دو چشم آدم است و عالم است  
همچو یک مهدی سپهسالار در عالم کجاست  
شاعران از بهر سیم و زر سخنها گفته‌اند  
احمد جامی غلام خاص شاه اولیاست

۴۳۱

یحیی بن سلامه خصکفی شافعی (متوفای ۵۵۳ هـ.ق)

تبط ابن جوزی در تذکرة خواص الامّة آنجا که از امام محمد بن الحسن  
العسکری سخن می‌گوید، می‌نویسد:

«خصکفی وارد بغداد شد و پاره‌ای از گفتارش را هنگام اجتماع با  
ابوزکریّا خطیب تبریزی (متوفای ۵۰۲ هـ.ق) بروی قرائت نمود و قصیده  
دالیه خود را که همه ائمه را در آن جمع کرده است، بر او انشاد کرد.  
خصکفی در شهرک طبری از بلوک میافارقین و در حصن کیفا پرورش  
یافت، سپس به میافارقین آمد و در آنجا زیست. دانشمندی خوش‌گفتار  
در نظم و نثر بود.»<sup>۱</sup>



۱. تذکرة خواص الامّة، طبع نجف اشرف، ص ۳۶۵.

قصیده دالیه عربی خصکفی راجع به ائمه اطهار علیهم السلام مفصل  
ست. این جوزی می گوید که بعضی از مشایخ آن را نقل کرده اند، سپس  
خود قسمتی از آن را آورده است و ما چند بیت آن را که مورد نظر است  
یلا می آوریم:

سائل عن حبّ اهل البيت هل	اقرّ اعلانا به ام اجحد
یهات ممزوج بلحمی و دمی	حبّهم و هم الهدی و الرّشد
سیدرة و الحسنان بعده	ثمّ علی و ابنه محمّد
جعفر الصادق و ابن جعفر	موسی و يتلوه علی السّید
بنی الرّضائم ابنه محمّد	ثمّ علی و ابنه المسدّد
حسن الثّالی و يتلو تلوه	محمّد بن الحسن المفتقد

— ای کسی که درباره محبت اهل بیت از من پرسیدی که آیا علناً  
به آن معترفم، یا آن را انکار می کنم؟

— نه نه! محبت آنان با گوشت و خون من در آمیخته است، آنها  
پیشوای من در گرایش به حق و حقیقت اند.

— و آنها حیدر و حسن و حسین و علی بن الحسین و فرزندش  
محمّد،

— و جعفر صادق و پسر جعفر، موسی و آقای پس از اوست،

— یعنی امام رضا، و پس از وی پسرش محمّد، آن گاه علی پسر  
او.



شیخ سلیمان حنفی در منابع الموده (ص ۴۷۴) و به پیروی از وی دیگران در منابع  
دیگر، اشعار خصکفی را فقط با این عبارت که «یکی از شافعی ها سروده است» نقل  
کرده اند که این دانشمند و ادیب نامی شافعی، همین ابوالفضل یحیی بن سلامه  
خصکفی از مردم میافارقین از شهرهای مشهور و قدیمی شمال عراق است.

— پس از علی، حسن و بعد از وی محمد بن الحسن است که او را  
از دست داده‌ایم.

۳۳

### ابن خَشَّاب بغدادی (متوفای ۵۶۷ هـ.ق)

ابن خَلِّکان در وفیات الاعیان دربارهٔ این دانشمند مشهور و نحوی  
معروف و مفسر نامی می‌نویسد:

«شیخ عالم یگانه، حجة الاسلام ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد  
ابن خَشَّاب معروف به «ابن خَشَّاب بغدادی»، دانشمند مشهور در ادبیات  
و نحو و تفسیر و حدیث و انساب و فرائض و حساب. او قرآن مجید را  
با قرائت‌های بسیاری از بر کرد و در علوم گوناگون استاد بود...»<sup>۱</sup>  
سیوطی نیز در طبقات النخاة و دیگران در منابع دیگر با همین  
عبارت و نظایر آن، از وی یاد کرده و تألیفاتش را بر شمرده‌اند.

ابن خَشَّاب در کتاب تاریخ موالید الائمة و وفیاتهم - که کتابی  
کوچک است و ابن خَشَّاب مالکی در الفصول المهمة و شیخ سلیمان حنفی  
در ینابیع الموده به نقل از ابونعیم اصفهانی در اربعین و علی بن عیسی  
اربلی در کشف الغمة فی معرفة الائمة که مورد اعتماد عامه است، از آن  
نام برده و نقل می‌کنند - به اسناد خود از ابوبکر احمد بن نصر بن عبدالله  
ابن فتح دارع نهروانی، و او از صدقة بن موسی روایت می‌کند که حضرت  
امام رضا علیه السلام فرمود: «خلف صالح، از اولاد ابو محمد حسن بن  
علی است و صاحب الزمان و مهدی اوست.»

و نیز ابن خَشَّاب می‌نویسد:



«حدیث کرد برای ما جراح بن سفیان، گفت: حدیث کرد برای ما طاهر بن هارون بن موسی علوی از پدرش هارون و او از پدرش موسی که گفت: آقایم جعفر بن محمد علیهما السلام (حضرت صادق) فرمود: «خلف صالح از فرزندان من است، او مهدی است، نامش محمد، و کنیه اش ابوالقاسم می باشد. در آخر الزمان قیام می کند، و نام مادرش صیقل است.»

ابوبکر دارع گفت: در روایتی نام مادرش حکیمه و در روایت دیگری است که نامش فرجس است، و سوسن هم گفته اند، خدا بهتر می داند، و کنیه او ابوالقاسم است...»

۳۳

### موفق بن احمد حنفی (متوفای ۵۶۸ هـ ق)

موفق بن احمد اخطب خطبای خوارزم و در فقه و حدیث و شعر و وعظ و خطابه استاد بوده است. در مناقب از فخرالقضات نجم الدین ابومنصور محمد بن الحسین بن محمد بغدادی به اسناد خود از سلمان فارسی روایت می کند که گفت:

«وارد شدم بر پیامبر، دیدم حسین در دامن حضرت نشسته است و پیغمبر دهان و دیدگان او را می بوسد و می فرماید: تو آقا و پسر آقا و برادر آقا و پدر آقایان هستی. تو امام و پسر امام و برادر امام و پدر امامانی. تو حجت خدا و پسر حجت خدا و برادر حجت خدا و پدر نه حجت خدایی که همگی از دودمان تو خواهند بود و نهمین آنها قائم

ایشان است.»<sup>۱</sup>

و با همین سند از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

«در شبی که مرا به آسمان بردند، خداوند فرمود: پیامبر ایمان آورد به آنچه از نزد خدایش بر او نازل شد (أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ)<sup>۲</sup>. من گفتم: مؤمنان نیز ایمان آوردند. خدا فرمود: راست گفتی.

سپس فرمود: چه کسی را از امت خویش به جای خود گذاشتی؟ گفتم: بهترین آنها را. فرمود: علی بن ابی طالب را؟ گفتم: آری. فرمود: ای محمد، من نگاهی به زمین کردم و تو را برگزیدم و نامت را از نامهای خود جدا ساختم. من محمودم و تو محمدی. سپس نگاه دیگری کردم و علی را برگزیدم و نامش را از میان نامهای خود مشتق کردم. من اعلی هستم و او علی است.

ای محمد، من تو را و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه دودمان حسین را از نور خود آفریدم و سروری شما را بر اهل آسمانها و زمین عرضه داشتم. هر کس که آن را پذیرفت، در نزد من از اهل ایمان به شمار آمد و آن کس که انکار کرد، از کافران محسوب گشت.

ای محمد، اگر یکی از پندگام چندان مرا عبادت کند که مرگش فرارسد یا به ستوه آید و یا انکار سروری شما بر من وارد گردد، او را نمی‌آمرزم. ای محمد، می‌خواهی آنها را ببینی؟ گفتم: بله ای خداوند.



۱. انت سیدین سید و اخو سید و ابوالسادات. انت امام ابن الامام اخو الامام ابوالائمة.  
 انت حجة بن حجة اخو حجة ابو حجاج. تسعة من صلبك، تاسعهم قائمهم.

۲. سورة بقره، آیه ۲۸۵.



خدا فرمود: نگاه کن!

چون نگاه کردم، دیدم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی در هاله‌ای از نور ایستاده نماز می‌گزارند و مهدی در وسط آنها مانند ستاره‌ای درخشان است.

آن‌گاه خدا فرمود: ای محمد، اینان حجتهای من هستند، و مهدی کسی است که انتقام خون عترت تو را خواهد گرفت. به عزت و جلال خودم که او حجّت لازمی است برای دوستان من، و اوست که از دشمنان من انتقام می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۳۲۴

### ابن ازرَق (متوفای ۵۹۰ ه.ق)

ابوالفضل عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب فارقی.

به نقل ابن خلکان او در تاریخ میافارقین نوشته است:

«مهدی پسر امام حسن عسکری در ۱۹ ربیع‌الاول سال ۲۵۸ هجری متولد گردید».<sup>۲</sup>

آنچه برای ما مهم است اعتراف ابن ازرَق به ولادت پسر امام حسین عسکری علیه‌السلام به نام مهدی است، وگرنه گفتیم که مشهور میان دانشمندان این است که امام زمان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری

۱. کشف الاستار، صص ۶۱-۶۲.

۲. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۱۶.

متولد شده است.

۳۵

### فخرالدین رازی (متوفای ۶۰۶ هـ.ق)

این دانشمند متفکر و فیلسوف مفسر و محقق عالی مقام عامه در کتاب الفرق که به ضمیمه چهارده رساله دیگر از او و سایر دانشمندان توسط آقای سید محمدباقر سبزواری استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران ترجمه و چاپ شده است، ضمن شمارش فرقه‌های شیعه می‌نویسد:

«سیزدهم منتظرانند. اینان چنان عقیده دارند که امامت، بعد از امام حسن عسکری، فرزند اوراست که اکنون از نظرها غایب است و روزی ظهور کند و حاضر شود. امامیه زمان ما بر این مذهب باشند و هم ایشان در دعا گویند: اللهم صل علی محمد المصطفی و علی المرتضی و خدیجه الكبرى و فاطمة الزهراء و الحسن الزکی و الحسين الشهدیکربلاء و علی زین العابدین و محمد بن علی الباقر و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی التقی و علی بن محمد النقی و الحسن بن علی و محمد بن الحسن العسکری الامام القائم المنتظر...»

می‌دانیم که «فخر» در موارد بسیاری از تفسیر کبیر و آثار دیگرش به شیعه تاخته است، ولی این مانع از آن نمی‌شود که مانند ابن حجر، با همه تعصبی که دارد، حق و حقیقت بر قلمش جاری گردد و آنچه را با تعصب پنهان می‌داشته است گاهی آشکار کند. وی در تفسیر کبیر (ج ۱ ص ۱۱۱) که راجع به جهر و اخفات «بسم الله» در نماز بحث می‌کند

می‌گوید:



«و اما مذهب علی بن ابی طالب که بلند گفتن تسمیه است، به تواتر ثابت شده است و هر کس که تابع علی بن ابی طالب باشد و در دین، او را پیشوای خود بداند و به او اقتدا کند، با تحقیق، راه به حق یافته است؛ مگر کسی منکر آن است که پیغمبر گفت: «اللهم ادر الحق مع علی»<sup>۱۴</sup> تا آنجا که می گوید:

«دلایل عقلی با ما موافق و عمل ما با عمل علی علیه السلام مطابق است، و هر کس علی را امام بداند و به امامت دینی برگزیند، جان و دین و ایمان خود را به پناهگاهی محکم رسانده است.»

۲۳۶

### الناصر لدين الله خليفة عباسي (متوفای ۶۲۲ ه.ق)

احمد بن مستضی ملقب به «ناصر بالله» یا «الناصر لدين الله» در سال ۶۰۶ هجری دستور داد سردابی را که امام زمان علیه السلام در آن غایب شده است، و قبلاً خانه پدرش امام حسن عسکری علیه السلام بود، تعمیر کنند و میان صُفّه و سرداب دری از چوب ساج بسیار عالی و زیبا کار بگذارند. ا بر روی این در نوشته است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ لَا اسْتِغَاثَ لَكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى، وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسِينَةً نَزَلَتْ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ. هَذَا مَا

۱. مرحوم حاج شیخ عباس قمی در *سنة المنتهى* (ج ۲، ص ۵۲) می نویسد: «در زمان ما که سنه ۱۲۳۵ هجری است آن در موجود است و به اعلا درجه امتیاز، منبت شده و الحق در صناعت نجاری از نفایس روزگار است. با آنکه این همه زمان بر آن گذشته و در مرور دهور، به حفظ و نگاهداری آن اعتنا نشده و بعضی جاهای آن را شمع و چراغ سوخته است، هنوز مثل بهترین جواهر جلوه گر است.»

امره بعمله سیدنا و مولانا الامام المفترض الطاعة علي جميع الانام  
ابوالعباس احمد بن الناصر لدين الله امير المؤمنين و خليفة رب العالمين  
الذي طبق البلاد احسانه و عدله... و حسبنا الله و نعم الوكيل و صلى الله  
على سيدنا خاتم النبيين و على آله الطاهرين و عترته و سلم»

و در داخل صُفّه، بر پشت چوب ساج نوشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، محمد رسول الله، امير المؤمنين علي  
ولي الله، فاطمه، الحسن بن علي، الحسين بن علي، محمد بن علي، جعفر بن  
محمد، موسى بن جعفر، علي بن موسى، محمد بن علي، علي بن محمد،  
الحسن بن علي، و محمد بن الحسن القائم بالحق عليهم السلام»

محدث نوری در کشف الاستار می نویسد:

«اگر ناصر عقیده نداشت که سرداب مزبور منسوب به مهدی  
علیه السلام است و محلّ ولادت، یا موضع غیبت، یا مقام بروز گرامت  
آن حضرت است، دستور نمی داد آن را تعمیر کنند و با مخارج گزافی  
تزیین نمایند.»<sup>۱</sup>

اگر تمام علمای عصر ناصر در انکار وجود امام زمان و متولد شدن

۱. قبلاً تحت عنوان «افسانه سرداب» گفتیم که شیعه عقیده ندارد امام زمان در سرداب  
غایب شده است یا ربطی به آنجا دارد. موضوع سرداب سامره چنین بوده که به مرور  
ایام، نقطه‌ای از خانه امام عسکری یعنی خانه‌ای که پس از رحلت آن حضرت فرزند  
پنج ساله او را در آنجا دیده‌اند، باقی مانده بود و مانند سایر قسمتهای خانه محترم  
ماند و از وقتی که ناصر عباسی آن را تعمیر کرد (به یاد خانه امام عسکری)، احترام  
بیشتری کسب نمود. به همین جهت می‌بینیم که رابطه سرداب با امام زمان پس از  
این تاریخ به وجود آمده است!

سرداب کنونی جای خانه امام عسکری یعنی محلّ غیبت امام زمان است، نه  
اینکه خود سرداب امتیازی داشته و شیعه برای آن احترامی خاص قائل باشد.



او متفق بودند برحسب عادت، دشوار بلکه محال بود او اقدام به چنین کاری کند. بنابراین، در آن عصر، در میان علمای عامه افرادی بوده‌اند که مانند گروهی دیگر از پیشینیان خود، به دور از تعصب و بد نظری، عقیده داشته‌اند که مهدی موعود جز بر پسر امام حسین عسکری غایب در سرداب سامره، قابل تطبیق نیست و ناصر هم به همین جهت اقدام به تعمیر و تزئین سرداب سامره یعنی محل غیبت امام زمان نموده بود.  
سپس محدث نوری می‌گوید:

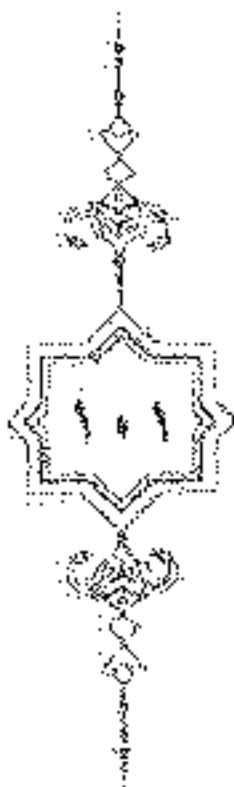
«علت اینکه ما ناصر خلیفه عباسی را در شمار دانشمندان معتقد به وجود امام زمان آوردیم این است که ناصر از لحاظ فضل و دانش در میان محدثان عصر خود ممتاز بوده، زیرا ابن سکینه و ابن اخضر و ابن نجار و ابن دامغانی از وی روایت کرده‌اند.»<sup>۱</sup>

۲۳۷

### یاقوت حموی (متوفای ۶۲۶ هـ ق)

این دانشمند و جغرافی‌دان مشهور در معجم البلدان در لفظ «سامرا» می‌نویسد:

«سرداب معروف که شیعه عقیده دارد مهدی آنها از آن بیرون می‌آید، در مسجد جامع آن واقع است.»  
و در دو صفحه بعد می‌گوید:



۱. کشف الاستار، ص ۴۳. باید دانست که ناصر خلیفه عباسی یکی از بهترین و داناترین خلفای آل عباس بوده است. نگاه کنید به تواریخ مربوطه مانند کامل ابن اثیر و غیره.  
۲. شیعه ابدأ چنین عقیده‌ای ندارد.

«سامرا در دولت مستعین خلیفه عباسی به کلی ویران شد، به طوری که جز زیارتگاهی که شیعه معتقد است سرداب قائم مهدی در آن است، چیزی از آن باقی نمانده است.»

و در آخر بحث از سامره می نویسد:

«و در سامرا است قبر امام علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر و پسرش حسن عسکری، و هم در آنجا به عقیده شیعه امامیه "منتظر" غایب شد.»

۳۸

شیخ فریدالدین عطار (مقتول در ۶۲۷ هـ ق)

عطار نیشابوری از عارفان نامی قرن هفتم هجری است که جلال الدین محمد بلخی سراینده مشهوری با همه مقامی که در عرفان دارد، درباره او می گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت      ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

عطار در کتاب مظهر الصنات می گوید:

مصطفی ختم رسل شد در جهان      مرتضی ختم ولایت در عیان  
جمله فرزندان حسیدر اولیا      جمله یک نورند حق کرده این ندا

و بعد از آنکه بقیه ائمه طاهرين عليهم السلام را نام می برد، چون به امام زمان می رسد، می گوید:

صدهزاران اولیا روی زمین      از خدا خواهند مهدی را یقین  
یا الهی مهدیم از غیب آر      تا جهان عدل گردد آشکار





مهدی هادی ست تاج اتقیا  
ای تو ختم اولیای این زمان  
ای تو هم پیدا و پنهان آمده  
بہترین خلق برج اولیا  
وز همه معنی نہانی جان جان  
بندہ عطار ت ثناخوان آمدہ

۳۹

### ابن اثیر جزری (متوفای ۶۳۰ هـ ق)

این مورخ نامی و مؤلف تاریخ مشہور الکامل، ذیل حوادث سال ۲۶۰  
هجری در جلد پنجم تاریخش می نویسد:

«در این سال وفات یافت حسن بن علی بن محمد بن علی بن  
ابی طالب (ع): ابو محمد علوی عسکری، و اوست کہ بہ عقیدہ امامیہ یکی  
از امامان دوازده گانہ است، و پدر محمد است کہ معتقدند در سرداب  
سامره باید آشکار شود»<sup>۱</sup>

۴۰

### شیخ عامر بصری

این عارف متألہ مقیم در سوانی روم، سراینده قصیدہ تائیه موسوم بہ  
«ذات الانوار» است کہ عمر بن فارض اندلسی مصری (متوفای ۶۳۲ هـ ق)  
آن را سرآمد قصاید دانستہ است.

قصیدہ شیخ عامر بصری درباره معارف و اسرار و حکم و آداب و  
مشمول بر دوازده «نور» است. در نور نهم کہ راجع بہ شناخت

۱. گفتیم کہ شیعه ہرگز منتظر نیست امام زمان از سرداب سامره ظہور کند بلکہ  
معتقد است ظہور امام زمان در مکہ خواهد بود.



صاحب الزمان و شخص وی و زمان ظهور آن حضرت است.  
می گوید:

أمام الهدى حتى متى انت غائب  
تراثت لنا رايات جيشك قادمًا  
و بشرت الدنيا بذلك فاعتدت  
مملنا و طال الانتظار فجدلنا  
فمنّ علينا يا ابانا بأوبئة  
ففاحت لنا منها روائح مسكة  
مباسمها مفترّة عن مسرّة  
بربك يا قطب الوجود بلىة

الی ان قال:

فَعَجَّلْ لَنَا حَتَّى تَرَكَ قَلْدَةً  
المحبّ لقا محبوبه بعد غيبة

— ای پیشوای هدایت، تا کی غایب خواهی بود؟ ای پدر ما، بنا  
بازگشت خود بر ما منت گذار.

— ما چشم به پرچمهای سیاهت داریم که می آیند و بوی مشک  
آنها به مشام ما می وزد.

— جهان از این مزده غرق در شادی می شود و دهانها از مسرت  
باز می مانند.

— خسته شدیم و انتظار به درازا کشید، پس ای قطب وجود، تو را  
به خدا سعی کن بتوانیم به لقای نائل شویم.

تا آنجا که می گوید:

— در آمدنت شتاب کن تا بتوانیم تو را ببینیم، که دیدن محبوب  
پس از غیبت، لذت خاصی دارد.



محبی الدین ابن العربی (متوفای ۶۳۷ هـ ق)

دانشمندان عامه عموماً و عارفان شیعه خصوصاً او را سرآمد عرفای  
واصل به حق و رئیس شریعت و طریقت و حقیقت می دانند.

شعرانی در یواقیت که به منزله شرح مغالقات فتوحات مکیه  
محبی الدین است، او را با عالی ترین عبارات و سخنان ناب ستوده است.  
از جمله: «شیخ امام محقق، سرآمد بزرگان عرفا و مقربان، صاحب  
اشارات ملکوتی و نفحات قدسی و انفاس روحانی و کشف و بینش  
خارق العاده و یکی از ارکان عالم اسلام».

سپس شعرانی می گوید که محبی الدین در باب سیصد و شصت و  
شش کتاب فتوحات مکیه خود می نویسد:

«بدانید که مهدی (ع) باید ظهور کند، ولی او ظهور نمی کند مگر  
اینکه زمین پر از ظلم و ستم شود و او آن را پر از عدل و داد کند. اگر جز  
یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی  
می گرداند که این خلیفه به خلافت رسد.

مهدی از عترت رسول خدا (ص) و از فرزندان فاطمه رضی الله عنها،  
جدش حسین بن علی بن ابی طالب است. پدر او حسن عسکری، پسر امام  
علی النقی، پسر امام محمد تقی، پسر امام علی الرضا، پسر امام  
موسی الکاظم، پسر امام جعفر صادق، پسر امام محمد باقر، پسر امام  
زین العابدین علی، پسر امام حسین، پسر علی بن ابی طالب رضی الله عنه  
است. او همان رسول خدا (ص) است. مسلمانان در بین رکن و مقام با او  
بیعت می کنند. او شبیه پیامبر (ص) است و از لحاظ اخلاق نیز به او

شبهت دارد. چون هیچ کس در اخلاق بی نظیر پیامبر (أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ)<sup>۱</sup> به آن حضرت شبیه نیست...»

سپس شمایل و اوصاف و کارهای امام زمان را به هنگام ظهور به تفصیل شرح می دهد.<sup>۲</sup>

محبی الدین در موارد دیگری از فتوحات نیز راجع به مهدی موعود سخن گفته است. همچنین در باب یادشده (یعنی باب ۴۶۶) این اشعار را درباره مهدی (ع) سروده که خود گواه دیگری بر عقیده او به وجود امام زمان غایب است:

و عین امام العالمین فقید	الا ان ختم الاولیاء شهید
هو الصّارم الیهندی حین یسید	هو السّید المهدی من آل احمد
هو الوابل الوسی حین یجود	هو الشّمس یجلو کلّ غمّ و ظلّمة

همچنین شیخ سلیمان حنفی از کتاب دیگر محبی الدین به نام زیبای عنقاء المعزب فی بیان المهدی الموعود و وزرای او، اشعاری نقل می کند که از جمله این دو بیت است:

اذا دار الزّمان علی حروف	ببسم اللّٰه فالْمهدی قَامَا
و یرج بالحطیم عقیب صوم	الا فاقراء من عندی السّلاما <sup>۳</sup>

محبی الدین در باب ۴۶۳ فتوحات چاپ شده، ضمن بحثی که درباره



۱. تنوره قلم، آیه ۴.

۲. البواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۴۵، چاپ مطبعة ازهریة مصر، سال ۱۳۰۷ هجری.

۳. ینایع المودّة، صص ۴۱۶ و ۴۶۷.

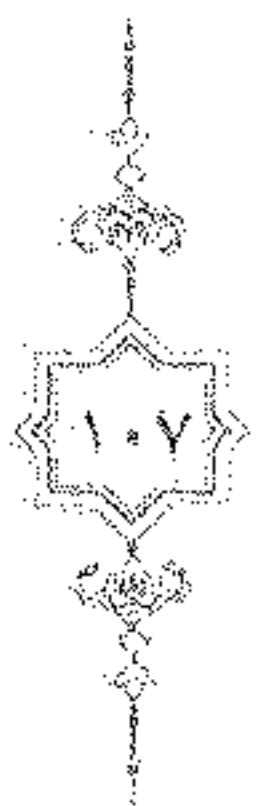
«قطب» دارد، می نویسد:

«پس، اقطاب این امت دوازده قطب هستند که مدار امت اسلام بر محور وجود آنها می گردد، چنانکه مدار عالم جسمی و جسمانی در دنیا و آخرت بر دوازده برج قرار دارد.»<sup>۱</sup>

توضیح: در پایان گفتار محیی الدین لازم است گفته شود که در نسخ چاپی و خطی فتوحات که تا کنون دیده ایم، اسامی ائمه معصومین از امام زمان تا امیرالمؤمنین علیهم السلام نیست، بی تردید، چون محیی الدین مقامی عظیم داشته، نسخه نویسان یا ناشران فتوحات این قسمت را که شاهد صادقی بر مدعای شیعیان در تطبیق مهدی آخر الزمان به امام زمان محمد بن الحسن العسکری بوده است، از باب مذکور حذف کرده اند. غافل از اینکه عبدالوهاب شعرانی با مقام شامخی که نزد عموم عامه دارد، مستقیماً از فتوحات نقل کرده و نقل او به تنهایی برای استناد ما کافی است، به ویژه که بسیاری از غلمای بعدی عامه آن را از شعرانی نقل کرده اند مانند حمزاوی، مودودی، عبدالرحمن صوفی و محمد صبیان مصری که در همین بخش به آنها اشاره می کنیم.<sup>۲</sup>

محدث بزرگوار، حاج میرزا حسین نوری در کتاب نجوم ثاقب (چاپ اسلامیّه، ص ۱۲۳) می نویسد:

«در کشف الظنون در باب فاء از عبدالوهاب شعرانی نقل کرده که وی در لواقع الانوار گفته است: پس از آنکه فتوحات را تلخیص کردم،



۱. فاقطاب هذه الامّة اثنا عشر قطباً عليهم مدار هذه الامّة كما ان مدار العالم الجسمی والجسمانی فی الدنيا و الآخرة علی اثنا عشر برجاً.  
 ۲. همچنین رجوع شود به عبدالوهاب شعرانی در صفحات آتی.

دانشمند شریف شمس‌الدین محمد بن ابی‌الطیب مدنی متوفی به سال ۹۵۵ بر ما وارد شد و نسخه‌ای از فتوحات را به ما نشان داد که با نسخه‌ای که خط محیی‌الدین در آن بود مقایله کرده بود. آن قسمت از فتوحات را که در آن تردید داشتیم و حذف کرده بودیم، در آن ندیدیم، و از اینجا متوجه شدم نسخه‌های فتوحات که هم‌اکنون در مصر هست، همه آنها را از روی نسخه‌ای که مورد دستبرد واقع شده است استنساخ کرده‌اند!!»

۴۴

### شیخ سعدالدین حموی (متوفای ۶۵۰ هـ ق)

دانشمند و عارف مشهور، سعدالدین محمد بن مؤید بن ابی‌الحسین بن محمد بن حمویه معروف به «شیخ سعدالدین حموی» خلیفه و جانشین شیخ نجم‌الدین کبری مقتول به سال ۶۱۸ هجری است. وی کتاب مستغنی در حالات و صفات امام زمان علیه‌السلام نوشته و آن حضرت را مطابق عقیده شیعه «صاحب‌الزمان» دانسته است، چنانکه عبدالرحمن صوفی در مرآت‌الاسرار نقل کرده است.

شیخ عزیزالدین نسفی در رساله‌ای که به فارسی درباره تبت و ولایت نوشته است، می‌گوید:

«شیخ الشیوخ سعدالدین حموی - قدس الله سره - می‌فرماید: پیش از پیغمبر ما محمد (ص) در ادیان سابق اسم ولی نبود و اسم نبی بود، و مقربان حضرت خدای را که وارثان شریعت‌اند، جمله را انبیا می‌گفتند،





و در هر دینی از یک صاحب شریعت زیاده نبود. پس در دین آدم (ع) چندین پیغمبر بودند که وارثان او بودند و خلق را به دین او و شریعت او دعوت می کردند، و همچنین در دین نوح و در دین ابراهیم و در دین موسی و در دین عیسی (ع). و چون دین جدید و شریعت جدیدی به محمد (ص) نازل شد، از نزد خدای اسم ولی در دین محمد (ص) پیدا آمد. حق تعالی دوازده کس از اهل بیت محمد (ص) را برگزید و وارثان او گردانید و مقرب حضرت خود کرد و به ولایت خود مخصوص گردانید، و ایشان را نایبان محمد (ص) و وارثان او گردانید، که حدیث «العلماء ورثة الانبیاء» در حق این دوازده کس فرمود، و حدیث «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» در حق ایشان فرمود. اما ولی آخرین که نایب آخرین است، ولی دوازدهم و نایب دوازدهم می باشد. خاتم اولیا و مهدی صاحب الزمان اوست، و شیخ می فرماید که اولیا در عالم پیش از دوازده نیستند.»<sup>۱</sup>

سید علی همدانی صوفی در شرح قصیده میمیه ابن فارض، صوفی معروف، می نویسد:

«شیخ سعدالدین حموی و شیخ سیف الدین باخرزی و شیخ شهاب الدین سهروردی و شیخ نجم الدین رازی معروف به «دایه» و شیخ محیی الدین عربی و ابن فارض نامبرده، همگی در یک زمان می زیستند و از بزرگان علمای صوفیه بودند» (البته صوفیان سنی مذهب).

پسر این سعدالدین، یعنی صدرالدین ابراهیم بن محمد حموی، همان است که در سال ۶۹۴ هجری سلطان محمود غازان، نوه هلاکو و



برادر سلطان محمد خداپنده، به دست وی مسلمان شد، و بسیاری از مغولان نیز اسلام آورده‌اند.<sup>۱</sup>

۳۳۳

### عزیزالدین نسفی (متوفای ۶۱۶ هـ ق)

وی ناقل گفتار مراد خود سعدالدین حموی، آن هم به نام «شیخ الشیوخ»، بنا آن عبارات است. اگر او خود معتقد به این مطلب نبود، بدین گونه نقل نمی‌کرد.

عزیزالدین نسفی از بزرگان عرفای قرن ششم ایران و مرید سعدالدین حموی بوده و در زمان جلال‌الدین خوارزمشاه و در قنته مغول نیز زیسته است، و از سپاهیان مغول از خراسان و ماوراءالنهر به فارس گریخت و در ابرقوه ساکن شد و در آنجا به سال ۶۱۶ هجری رحلت کرد. او را نیز به زبان فارسی مؤلفات چند است، از آن جمله منازل السائرین و مقصد اقصی و اصول و فروع و رساله‌ای در ترقی روح انسانی و رساله مبدا و معاد که خلاصه‌ای از آن به اسم زبدة الحقایق پرداخته است و در این کتابها منتهای قدرت خود را در نثر فارسی ظاهر کرده و بعضی اشعار خود را آورده است.<sup>۲</sup>

محدث نوری در کشف‌الاستار و مؤلف محترم منتخب‌الآثر به پیروی از ایشان و دیگران این نسفی را «مولی عزیزالدین عمر بن محمد ابن احمد نسفی» معروف صاحب عقاید نسفیّه دانسته‌اند، در صورتی که



۱. کشف‌الاستار، ص ۵۵.

۲. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، سعید نفیسی، ص ۱۱۱.

وی در سال ۵۳۸ هجری در گذشته است و لقبش «نجم الدین» بوده نه عزیز الدین!

۳۴۴

کمال الدین محمد بن طلحة شافعی (متوفای ۶۵۰ ه. ق)

در طبقات الشافعیه آمده است:

«وی یکی از مصادر امور و رؤسای بزرگ بود، فقه و دیگر علوم را فراگرفت و از فقها و دانشمندان عقاید و مذاهب به شمار آمد. مدتی منشی سلطان بود و در این کار به مقام عالی رسید. علم حدیث را نیز از محدثان تحصیل کرد. در حلب و دمشق حدیث می‌گفت و حافظ دمیاطی و مجدالدین بن عدیم شاگرد او بودند.»

شیخ عبدالله یافعی نیز در مرآت الجنان، ذیل حوادث سال ۶۵۰ هجری، قریب به همین مضمون از وی سخن می‌گوید و می‌نویسد:

«در این سال وفات یافت کمال الدین محمد بن طلحة نصیبی، مفتی شافعی، وی رئیسی محتشم و فقیهی توانا، و در فقه و علم خلاف استاد بود...»

جمال الدین اسنوی، فقیه شافعی، در طبقات فقهای شافعی از وی ستایش بلیغ نموده و او را امام پارح در فقه و اصول و کلام دانسته است، و می‌گوید رئیسی بزرگ و معظم بود. ملوک با وی مکاتبه می‌نمودند. در مدرسه امینیة دمشق اقامت داشت. ملک ناصر، حکمران حلب، او را برای وزارت تعیین کرد، فرمان وزارت را هم به نام او نوشت، ولی او نپذیرفت و عذر خواست.

عبدالغفار بن ابراهیم عکبی شافعی نیز در عمالة التراب و



بلغه الطالب او را یکی از دانشمندان مشهور به شمار آورده است. در انتساب کتاب مطالب السؤل به ابن طلحة شافعی، کافی است که بگوییم ابن تیمیة شافعی با همه دشمنی که نسبت به شیعه و این قبیل کتابها و مخصوصاً مسأله امام زمان غایب دارد، تا جایی که فتوایات را هم منکر می‌شود، در کتاب منهاج السنّة آن را از تألیفات وی دانسته است. مطالب السؤل در ایران و هند چاپ شده است.

ابن طلحة در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول به زبان عربی، طی دوازده باب راجع به ائمة طاهرین علیهم السلام سخن گفته و از جمله می‌نویسد:

«باب یازدهم - ابو محمد حسن متولد در سال ۲۳۱... منقبت و مزیت بزرگی که خداوند به وی اختصاص داده و آن را صفت دائمی او نموده است و جهان آن را کهنه نمی‌گرداند و زبانهای مردم آن را فراموش نمی‌کنند، این است که محمد مهدی را از نسل او قرار داده و پسر اوست.»

باب دوازدهم - ابوالقاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل ابن محمد القانع بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الزکی بن علی المرتضی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، المهدی الحجة، الخلف الصالح المنتظر علیهم السلام و رحمة الله و برکاته.»

به گفته شیخ سلیمان حنفی در ینابیع المودة (ص ۴۱۰) ابن طلحة در کتاب الدر المنظم نوشته است:



«خداوند متعال را خلیفه‌ای است که در آخر الزمان، هنگامی که زمین از ظلم و ستم پر شده باشد، ظهور می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌گرداند. این امام مهدی که به فرمان خدا قیام می‌کند، همگی مذاهب را از میان می‌برد و جز دین خالص (اسلام) باقی نمی‌ماند.»  
این طلحه در مطالب السؤل (باب دوازدهم) در اشعاری می‌گوید:

فهذا الخلف الحجّة قد آتاه الله

هدانا منهج الحقّ و آتاه سجایاه

و اعلیٰ فی ذری العلیاء بالتأیید مرقاه

و آتاه حلی فضل عظیم فتحلاه

و قد قال رسول الله قولا قد رویناه

و ذوالعلم بما قال اذا ادرك معناه

یری الاخبار فی المهدی جائت بمسمّاه

و قد ابداه بالنسبة و الوصف و سماه

و یکفی قوله منی لا شراق محیاه

و من بضعة الزّهره مرساه و مسراه

و لن یبلغ ما ادیته امثال و اشباه

فان قالوا هو المهدی ما ماتوا بما فاه

— این خلف حجّت را خداوند تأیید کرده و ما را با شناخت او به راه راست هدایت نموده است.

— پیامبر درباره او سخن گفته است که خود ما (اهل تسنن) آن را روایت کرده‌ایم و علمای ما نیز معنی آن را درک کرده‌اند.

— آنها می‌بینند که احادیث درباره مهدی بر وفق مسمی درآمده



است.

کافی است که پیامبر فرموده است او از دودمان و سلالة زهرا

است.

هرگز کسی چنین علایم و شمایی را که خدا به مهدی داده،

احراز نکرده است.

۴۵

### سبب ابن جوزی (متوفای ۶۵۴ هـ ق)

فقیه و واعظ مشهور شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی بن  
عبدالله بغدادی حنفی، نوه دختری ابوالفرج ابن جوزی.

ابن خلکان در شرح حال جدش ابوالفرج درباره سبب ابن جوزی

می نویسد:

«شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی، واعظ مشهور حنفی، او  
در وعظ شهرتی بسزا داشت و مورد کمال توجه سلاطین و دیگران بود.»  
محمود بن سلیمان کفوی در اعلام الاخیار، پس از بیان مقام تقوا و  
دانش وی، می نویسد:

«نخست حنبلی بود، سپس به فوصل آمد و از آنجا به دمشق رفت.  
در آن وقت بیست و چند ساله بود. در دمشق علم حدیث فراگرفت و نزد  
جمال الدین حصبری فقه آموخت، آن گاه به مذهب حنفی گرایید زیرا  
اطلاع یافت که قزاوغلی بن عبدالله پدر مادرش که مرئی او بود،  
حنفی مذهب بوده است. سبب ابن جوزی پیشوایی بزرگ و عالمی  
ارجمند و فقیهی توانا بود، در گوهر از قلم و بیانش تراوش می کرد...»  
یافعی در مرآت الجنان، ابن شحته در روضة المناظر، تاج الدین در





کفایة المتطلع و دیگران از وی نام برده و او را به علم و دانش و عظمت ستوده‌اند.<sup>۱</sup>

سبط ابن جوزی گذشته از مقام عالی که در وعظ و خطابه داشته، به طوری که خلیفه با اهل حرم در مجلس وعظش می‌نشسته و خاص و عام از علوم سرشارش استفاده می‌کرده‌اند، تألیفاتی مشهور و پرارج دارد که از جمله آنها مرآت الزمان تاریخ مشهور اوست که آن را در چهل جلد تألیف کرده است.

سبط ابن جوزی به سال ۶۵۴ هجری در دمشق وفات یافت. یکی از تألیفات معروف او کتاب تذکرة الخواص الامّة است که در آن، پس از شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام و اولاد آن حضرت، می‌نویسد: «از جمله ایشان امام محمد است. فصل - امام محمد پسر امام حسن ابن علی بن محمد بن ... علی بن ابی طالب (ع) است و کنیه وی ابو عبدالله و ابوالقاسم و خلف حجّت، صاحب الزمان و قائم منتظر، او آخرین امام ائمة اهل بیت علیهم السلام است.

حدیث کرد برای ما عبدالعزیز بن محمود بن بزّاز از عبدالله عمر که گفت: پیغمبر فرمود: «در آخر الزمان مردی از فرزندان من ظهور می‌کند که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است. او زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از ظلم شده باشد. و او مهدی است.»<sup>۲</sup> این حدیث مشهوری است که ابوداؤد و زهری از علی (ع) هم به همین مضمون

۱. کشف الاستار، ص ۱۲.

۲. یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی. یملأ الارض عدلاً كما ملئت جوراً. فذلك هو المهدي.

روایت کرده‌اند، و نیز پیغمبر (ص) فرمود: «اگر نمازده باشد جز یک روز از روزگان، خداوند در همان روز کسی را از خاندان من برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل کند.»<sup>۱</sup>

پیامبر از مهدی در روایات بسیاری نام برده است.

عموم شیعیان عقیده دارند که خلف حجّت، موجود و زنده است و برای حیاتش به ادله‌ای چند استدلال می‌کنند، از جمله اینکه اینه عقیده عامه آگروهی دارای عمر طولانی بوده‌اند، مانند خضر و الیاس، زیرا معلوم نیست که این دو چقدر عمر دارند...»  
و در آخر بحث از ائمه می‌نویسند:

«یکی از شرایط امام این است که باید معصوم باشد تا دچار اشتباه نشود، و احتیاج به راهنما و راهبر نداشته باشد، زیرا در غیر این صورت تسلسل لازم می‌آید و به بی‌نهایت می‌رسد، و تسلسل هم از نظر عقلی محال است. دیگر اینکه ائمه ظاهرین حجتهای خداوند بر بندگان هستند و یکی از شرایط حجّت، عصمت در همه موارد است.»<sup>۲</sup>

۴۶

### عمادالدین حنفی

محدث نوری در کشف الاستار می‌نویسند:

«بعضی از مطلعین نوشته‌اند عمادالدین حنفی نیز از دانشمندانی است که گفته است مهدی پسر امام حسن عسکری است.»

۱. اولم ینق من الدهر الا یوم واحد لبعث الله من اهل بیته من یملا الارض عدلاً.

۲. تذکرة خواص الامّة، صص ۲۸۳-۲۸۴.



حافظ محمد بن یوسف کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ هـ ق)

ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه از وی به «امام حافظ» تعبیر می‌کند. ابن حجر عسقلانی نیز در فتح الباری (شرح صحیح بخاری) به روایات او استناد می‌جوید. کاتب چلبی در کشف الظنون می‌نویسد: «کفاية الطالب في مناقب علي بن ابي طالب، تأليف شيخ حافظ ابو عبد الله محمد بن يوسف كنجي شافعي در گذشته به سال ۶۵۸ هـ ق و هم می‌نویسد: «البيان في اخبار صاحب الزمان از ابو عبد الله محمد بن يوسف كنجي شافعي است.»

این دانشمند عالیقدر در کتاب چاپ شده کفاية الطالب (ص ۳۱۲) که در مناقب و فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام تألیف کرده است، یک یک امامان دودمان آن حضرت را نام می‌برد و مختصری از احوال آنها را گزارش می‌دهد و در بخش امام یازدهم می‌نویسد: «ابو محمد حسن [العسکری]... در خانه‌اش واقع در سامره مدفون گردید. یک پسر از خود باقی گذاشت و او امام منتظر صلوات الله علیه است. ما کتاب خود را با نام او به پایان می‌بریم و جداگانه راجع به وی بحث می‌کنیم.»<sup>۱</sup>

۱. محدث نوری در کشف الاستار (ص ۸) می‌نویسد: «نسخه کهنه‌ای از کفاية الطالب که در عصر مؤلف نوشته شده نزد من هست که در پشت آن یکی از افاضل نوشته است: کفاية الطالب في مناقب امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام املاء سيدنا الشيخ الامام العالم العارف الحافظ المتبحر فخر العلماء، قدوة الفقهاء، مفتي الفرق، فقيه الحرمين، محيي السنة، قاصع البدعة، رئيس المذاهب ابي عبد الله محمد بن يوسف بن محمد القرشي الكنجي الشافعي، جعله الله سعيه مرضياً و اعلاه على الاشباه الانظار، فلا يقال



سپس در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان که مکرر از آن نام برده‌ایم، به تفصیل درباره آن حضرت سخن می‌گویند و در باب ۲۵ می‌نویسند:

«از هنگامی که غیبت تموده تا کنون زنده است و بقای او تا کنون از نظر عقلی اشکالی ندارد.»<sup>۱</sup>

۴۸.

### جلال الدین محمد بلخی (متوفای ۶۷۲ ه. ق)

شاعر دانشمند و عارف مشهور، مولانا جلال الدین صاحب کتاب با عظمت مثنوی در دیوان شمس تبریزی در غزلی با همان شور و حال مخصوص می‌گوید:

ای سرور مردان علی، مستان سلامت می‌کنند  
وی صفدر مردان علی، مستان سلامت می‌کنند  
با قاتل کفار گو، با دین و با دیندار گو  
با حیدر کزار گو مستان سلامت می‌کنند  
با درج دو گوهر بگو، با برج دو اختر بگو  
با شبر و شبیر بگو مستان سلامت می‌کنند  
با زین دیدن عابد بگو، با نور دین باقر بگو  
با جعفر صادق بگو مستان سلامت می‌کنند



۱. ای الفریقین خیر مقاماً و احسن ندیاً.

۲. استدلالهای این دانشمند را در بخش طول عمر امام زمان خواهیم دید.

با موسی کاظم بگو، با طوسی عالم بگو  
با تقی قائم بگو مستان سلامت می کنند  
با میر دین هادی بگو، با عسکری مهدی بگو  
با آن ولی مهدی بگو مستان سلامت می کنند

۴۹

### شیخ صدرالدین قونوی (متوفای ۶۷۳ هـ ق)

این دانشمند و عارف معروف، به گفته شیخ سلیمان حنفی در قصیده‌ای با مطلع «يقوم بامر الله في الارض ظاهراً»، به تفصیل درباره مهدی موعود سخن گفته است. سپس شیخ سلیمان می نویسد:

«شیخ صدرالدین به شاگردانش وصیت کرده بود که کتب من در پزشکی و حکمت را بفروشید و پولش را به فقرا صدقه دهید، ولی کتب تفاسیر و احادیث و تصوف را در کتابخانه نگاه دارید، و در شب اول درگذشت من هفتاد هزار بار «لا اله الا الله» برایم قرائت کنید، و از جانب من به مهدی علیه السلام سلام برسانید.»<sup>۱</sup>

اشعار زیر را مؤلف ینابیع الموده از صدرالدین قونوی درباره شخصیت جهان‌مدار مهدی موعود و صفات و ظهور و کارهای وی در ایام بعد از ظهور، نقل کرده است:

۱. ینابیع الموده شیخ سلیمان حنفی، شیخ سلیمان در صفحه ۴۷۳ این کتاب می گوید که این ابیات را در دیوان بزرگش که به ترتیب حروف هجا قرار داده، سروده است. گفتنی است که این قصیده در دیوان کنونی شمس یافت نشد و گویا در نسخه دیگری بوده است.

۲. ینابیع الموده، ص ۴۶۸.



يقوم بامر الله في الارض ظاهراً  
على رغم شيطانين يمحق الكفر  
يؤيد شرع المصطفى وهو ختمه  
و يمتد من ميم باحكامها يدري  
و مدته ميقات موسى و جنده  
خيار الوري في الوقت يخلو عن الحصر  
على يده محق اللئام جميعهم  
بسيف قوي المتن عليك ان تدري  
حقيقة ذاك السيف و القائم الذي  
تعين للدين القويم على الامر  
لعمري هو الفرد الذي بان سره  
بكل زمان في مكايه يسرى  
تسمى باسماء المراتب كلها  
خفاء و اعلاناً كذاك الى الحشر  
اليس هو النور الاتم حقيقة  
و نقطة ميم منه امدادها يجرى؟  
يفيض على الاكوان ما قد افاضه  
عليه اله العرش في ازل الدهر  
فماثم الا الميم لا شيء غيره  
و ذوالعين من نوابه مفرد العصر  
هو الروح فاعلمه و خذ هذه اذا  
بسلعت الي مد منديد من العصر  
كأنك بالمذكور تصعد راقياً  
الي ذروة المجد الاثيل على القدر





وما قدره الا الوف بحكمة  
على حد موسوم الشريعة بالامر  
بدا قال اهل الحل و العقد فاكتفى  
بنصهم المثبوت في الصحف الزير  
فان تبغ ميقات الظهور فانه  
يكون بدور جامع مطلع الفجر  
بشمس تمد الكل من ضوء نورها  
و جمع درارى الاوج فيها مع البدر  
وصل على المختار من آل هاشم  
محمد المبعوث بالنهي و الامر  
عليه صلاة الله ما لاح بارق  
و ما اشرقت شمس العزلة في الظهر  
و آل و اصحاب اولي الجود و التقى  
صلوة و تسليماً تدومان للحشر

هـ

ابن خلكان اشعري شافعي (متوفى ٦٨١ هـ ق)

دانشمند مشهور و مورخ نامی، ابن خلكان معروف به «قاضی القضاة» در تاریخ مشهور خود به نام وفيات الاعیان در پایان شرح حال یک یک ائمه اثنا عشر می نویسد:

«...ابو القاسم محمد بن الحسن العسكري - دوازدهمین امام به اعتقاد امامیه و معروف به "حجت" است و همان است که شیعه عقیده دارد "منتظر" و "قائم" و "مهدی" است. وی صاحب سرداب است. آراء شیعه



در باره او زیاد است. شیعیان انتظار دارند که او در آخر الزمان از سرداب سامره بیرون آید. ولادتش سال ۲۵۵ هجری است. هنگام وفات پدرش پنج ساله بود.<sup>۱</sup>

توضیح: چنانکه در بخش «مخالفان و منکران وجود مهدی» گفتیم هر چند ابن خلکان نمی گوید که این «ابوالقاسم محمد بن الحسن» همان مهدی موعود است و می گوید «شیعه عقیده دارد» ولی این سؤال پیش می آید که این ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری که نهمین فرزند برگزیده امام حسین علیه السلام و نام و کنیه اش مطابق روایات خود سنیان مانند نام و کنیه پیغمبر است و خود قاضی القضاة، تاریخ ولادت او را هم نقل می کند، چه کسی است؟ و آیا بعد از وفات پدرش چه شد و چرا قاضی القضاة از سر نوشت او خبر نمی دهد؟ بنابراین، ملاحظه می شود که ایشان و افرادی نظیر ایشان تا چارند ملتزم شوند که حتماً او باید همان مهدی موعود غایب از انظار باشد.

۵۷

### حمدالله مستوفی قرظینی (متوفای ۷۳۰ هـ.ق)

مؤلف نزهة القلوب در جغرافیا و تاریخ گزیده که هر دو را به فارسی سلیس نگاشته شده اند. او که از منشیان و نویسندگان بنام سنیان است، در کتاب اخیرش (یعنی تاریخ گزیده) ضمن شرح تاریخ زندگانی ائمه اطهار علیهم السلام درباره امام دوازدهم می نویسد:

«المهدی محمد بن حسن العسکری... بن علی المرتضی، دوازدهمین



امام است و خاتم معصومین. چهار سال و نیم امام بود، و شب پنجشنبه منتصف شعبان سنه خمس و خمسين و مائين (۲۵۵) به سامره متولد شد. چون نه سال گذشت، در رمضان اربع و ستين و مائين (۲۶۴) غایب شد.<sup>۱</sup>

۵۲

### ابوالفداء عمادالدین اسماعیل (متوفای ۷۳۲ ه.ق)

ابوالفداء حکمران دانشمند حماة از شهرهای سوریه در تاریخ خود به نام المختصر فی تاریخ البشر ذیل حوادث سال ۲۵۴ هجری، وفات امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را ذکر می‌کند و از هر دو امام عالی مقام با احترام نام می‌برد و می‌گوید:

«حسن عسکری یازدهمین امام ائمه اثنا عشر است، و او حسن بن علی الزکی بن... حسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین، پدر قائم منتظر صاحب سرداب می‌باشد، و محقق منتظر نامبرده دوازدهمین امام در اعتقاد امامیه است. به او «قائم» و «مهدی» و «حجت» هم می‌گویند. «منتظر» در سال ۲۵۵ متولد شد. شیعه می‌گویند وی داخل سرداب خانه پدرش در سامره شد در حالی که مادرش به وی نگاه می‌کرد، و دیگر به سوی او بازنگشت»<sup>۲</sup>



۱. صحیح و مشهور این است که حضرت در شب جمعه نیمه شعبان متولد شد و در سال ۲۶۰ هجری که پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام رحلت فرمود، غایب گردید.

ابوالفداء در حوادث سال ۲۶۰ هجری نیز که از وفات حضرت  
عسکری نام می‌برد، می‌گوید: «او پدر «منتظر» است که امامیه در انتظار  
او هستند»<sup>۱</sup>

۵۳

### شیخ علاءالدوله سمنانی (متوفای ۷۳۶ ه.ق)

این عارف مشهور به نقل از عبدالرحمن جامی در شواهد النبوة، ضمن  
بیان سلسله اقطاب و ابدال از نظر عارفان و صوفیان، می‌نویسد:  
«یکی از کسانی که به مرتبه قطبیت رسید محمد بن الحسن  
العسکری رضی الله عنه و عن آبائه الکرام از ائمه اهل بیت الطهاره است.  
هنگامی که او غایب شد، داخل در دایره ابدال گردید»<sup>۲</sup>

۵۴

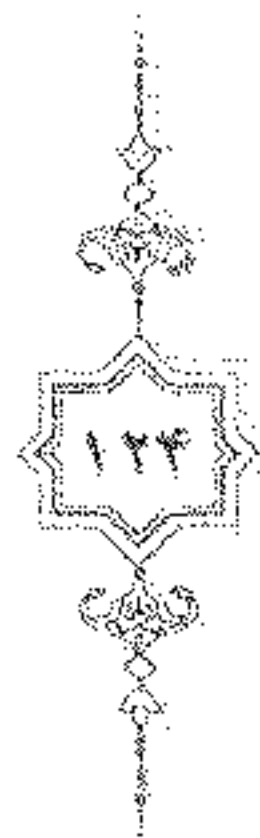
### عبدالرزاق کاشانی (متوفای ۷۳۶ ه.ق)

عبدالرزاق که از عارفان نامی به‌شمار می‌رود، در کتاب تحفة الإخوان فی  
خصائص الفتنان می‌نویسد:

«چنانکه مبدأ نبوت و مظهر آن آدم صقی الله و قطب آن ابراهیم  
خلیل و خاتم آن محمد حبیب الله است. مبدأ قنوت هم ابراهیم و قطب  
آن امیرالمؤمنین علی (ع) و خاتم آن محمد مهدی علیه السلام می‌باشد که

۱. همان مأخذ، ص ۴۹.

۲. ما عقیده به اقطاب و ابدال نداریم، بلکه اعتقاد ما این است که امام زمان همان  
محمد بن الحسن العسکری است که متولد شده و هنوز زنده است. بنابراین بقیه  
سخن علاءالدوله بماند برای خود او.



خاتم ولایت است»<sup>۱</sup>

۵۵

حافظ شمس‌الدین محمد ذهبی (متوفای ۷۴۸ هـ ق)

ذهبی مورخ مشهور و دانشمند متعصب معروف در کتاب خود  
دول الاسلام (ج ۱، ص ۱۱۵) می‌نویسد:

«در این سال (۲۶۰ هجری) وفات یافت حسن بن علی بن الجواد بن  
رضا علوی، یکی از امامان اثناعشر که رافضیان عقیده به عصمت آنها  
دارند، و او پدر منتظر ایشان محمد بن الحسن است.»

ذهبی همچنین در کتاب العبر فی خبر من غیر (ج ۲، ص ۲۰) در ذیل  
حوادث سال ۲۶۰ هجری می‌نویسد:

«در این سال حسن بن علی بن محمد بن... جعفر الصادق، یکی از  
ائمه اثناعشر که رافضیان آنها را معصوم می‌دانند وفات یافت، و او پدر  
محمد منتظر، صاحب سرداب است.»

افزون بر اینها، ذهبی در تاریخ الاسلام نوشته است:

«محمد بن الحسن العسکری... ابوالقاسم علوی حسینی، آخرین امام  
شیعه و منتظر آنهاست که عقیده دارند مهدی و صاحب الزمان و خلف  
حجت و صاحب سرداب سامره است.»

ذهبی سپس به طعنه می‌گوید:

«چهارصد و پنجاه سال است که شیعه منتظر ظهور او هستند و ادعا  
می‌کنند که داخل سرداب خانه پدرش شد در حالی که مادرش به او نگاه

۱. سرچشمه تصوف در ایران، تألیف سعید نفیسی، ص ۲۱۶.

می‌کرد، و هنوز از آنجا بیرون نیامده است. او وارد سرداب شد و در آنجا معدوم گردید، و در آن وقت نه ساله بود.»

و در شرح حال حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پس از اینکه می‌گوید وی پدر حجّت است، می‌نویسد:

«رافضیان ادّعا می‌کنند که او چهارصد و پنجاه سال است که در سرداب به سر می‌برد، و صاحب الزّمان و زنده است و دانش اوّلین و آخرین را می‌داند، و اعتراف می‌کنند که هیچ‌کس او را ندیده است.»  
توضیح: در سخنان حافظ ذهبی نکاتی چند وجود دارد که خلاف حقیقت است، بدین گونه:

۱. امام زمان در سرداب به سر نمی‌برد، و در جایی نداریم که هنگام غیبت، مادرش به او نگاه می‌کرد، مگر در گفتار کسانی امثال ذهبی و بدون ذکر مأخذ.

۲. آن حضرت - چنانکه بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم - از سرداب سامره بیرون نمی‌آید، عقیده شیعه این است که او در مکه ظهور می‌کند، و فقط در خانه پدرش ناپدید شد.

۳. هیچ‌کس نگفته است که او در سرداب معدوم شد، شیعه عقیده به حیات او دارد، و جز غلاءالدولة سمنانی و ذهبی و ابن حجر، کسی قائل به وفات آن حضرت نیست.

۴. هنگام غیبت پنج ساله بود نه سه ساله.

۵. ذهبی که عقیده دارد حضرت عیسی و خضر و الیاس و دجال و شیطان زنده هستند و تا پایان روزگار هم زنده خواهند بود، چرا در مورد اعتقاد شیعه نسبت به زنده بودن آخرین امام معصوم از دو دمان پیامبر اسلام تردید می‌کند، یا آن را مورد طعنه قرار می‌دهد؟





۶. امام علم اولین و آخرین را می‌داند مانند پدران معصومش. به شهادت سایر علمای عامه در همین کتاب - چنانکه گذشت و خواهد آمد - مانند عیسی و یحیی که خداوند در کودکی به آنها حکمت آموخت و به مقام نبوتشان برگزید (وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا) ۱.

۷. شیعه هرگز اعتراف نمی‌کند کسی آن حضرت را ندیده است، بلکه قبل از غیبت و در زمان پدرش حضرت عسکری، نزدیک به پنجاه تن او را دیدند، و در مجلسی مرگب از چهل تن از خواص شیعه، امام عسکری فرزندش را به آنها نشان داد. در غیبت کوتاه و غیبت طولانی بعدی هم صدها تن او را دیده‌اند و داستانهای آنها در کتابها از جمله در جلد سیزدهم بحار مجلسی و ترجمه آن (مهدی موعود) به قلم نویسنده آمده است.

۸. از همه اینها گذشته، ذهبی پذیرفته که امام عسکری پسری به نام محمد و ابوالقاسم داشته است و همین نیز منظور ما را تأمین می‌کند که مهدی اوست.

۵۶

### ابن الوردی (متوفای ۷۴۹ هـ ق)

ابو حفص زین‌الدین عمر بن مظفر معروف به «ابن الوردی» از اولاد عبدالرحمن بن ابی بکر، فقیه و قاضی شهر حلب، در جلد اول تاریخ خود به نام تاریخ ابن الوردی ذیل حوادث سال ۲۵۴ هجری می‌نویسد:

«در این سال علی ملقب به "زکی" و "هادی"، یکی از ائمه اثنا عشر به



اعتقاد امامیه، در سامره رحلت کرد... او امام دهم از ائمه دوازده گانه و پدر حسن عسکری... و حسن عسکری پدر محمد منتظر صاحب سرداب است. منتظر دوازدهمین امام ایشان و نیز ملقب به «قائم» و «مهدی» و «حجت» است. ولادت منتظر در سال ۴۵۵ بوده. شیعه عقیده دارد که وی وارد سرداب خانه پدرش شد در حالی که مادرش به او می نگریست، و دیگر به سوی او بازنگشت.<sup>۱</sup>

۵۷

### صلاح الدین صفدی (متوفای ۷۶۴ هـ ق)

خلیل بن ایبک بن عبدالله معروف به صلاح الدین، دانشمند معروف و مؤلف کتابهای الوافی بالوفیات و شرح لامیة العجم و غیره، در رساله شرح دایره نوشته است:

«مهدی موعود امام دوازدهم از ائمه اثنا عشر است. اوّل آنها سیدنا علی است و آخر آنان مهدی رضی الله عنه و نفعنا الله بهم است.»<sup>۲</sup>

۵۸

### شیخ عبدالله مطیری مدنی شافعی (متوفای ۷۶۵ هـ ق)

این دانشمند عاقله در کتاب الریاض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهرة یکصد و پنجاه و یک حدیث در فضایل و مناقب ائمه اهل بیت علیهم السلام آورده است و در آخرین حدیث آن روایت می کند که یکی از دو دمان حسین بن علی رضی الله عنه، «مهدی» است که در



۱. تاریخ ابن الوردی، ج ۱، ص ۳۱۸، چاپ نجف با مقدمه سید محمد آل خراسان.

۲. نایب الموده، ص ۴۷۱.

آخر الزمان خواهد آمد، تا آنجا که می‌گوید:

«کلیهٔ دودمان حسین و سلالة او، به پیشوای بزرگ امامان که همگی مسلمانان به جلالت قدر و وفور دانش و زهد و پارسایی و کمال او اعتراف دارند، یعنی سلالة پیامبران و مرسلین و سلالة بهترین مخلوقین: زین العابدین علی بن الحسین رضی الله عنه می‌پیوندند.»  
آن‌گاه پس از ذکر برخی از فضایل آن حضرت و گروهی از دودمان پاکش می‌گوید:

«امام اول علی بن ابی طالب رضی الله عنه... و امام یازدهم حسن عسکری رضی الله عنه و امام دوازدهم فرزند وی محمد القائم مهدی رضی الله عنه است. پیش از آنکه امام مهدی متولد گردد، در میان ملت اسلام، از جانب پیامبر (ص) و علی بن ابی طالب رضی الله عنه و بقیهٔ پدران بزرگوارش تصریح به اینکه وی امام دوازدهم است، شده بود و اینکه یا شمشیر قیام می‌کند و قائم منتظر است، چنانکه در اخبار صحیح وارد شده است، امام دوازدهم پیش از قیامش دو غیبت دارد...»  
محدث نوری سپس می‌نویسد:

«نسخه‌ای از الریاض الزاهرة که من به دست آورده‌ام قدیمی است و به خط شخص مؤلف است. در پشت آن نوشته است: کتاب الریاض الزاهرة فی فضل آل بیت النبی و عترته الطاهرة تألیف الفقیر الی الله تعالی عبدالله بن محمد المطیری شهرة، المدنی حالاً، الشافعی مذهباً، الاشعری اعتقاداً، و النقشبندی طریقه.»



۵۹.

شیخ عبدالله یافعی (متوفای ۷۶۸ هـ ق)

یافعی از علمای بزرگ قرن هشتم هجری است که اصلاً یمنی بوده و در حرمین شریفین یعنی مکه و مدینه به تناوب اقامت داشته است.

او در تاریخ مشهور خود، مرآت الجنان، ذیل حوادث سال ۲۶۰ هجری می نویسد:

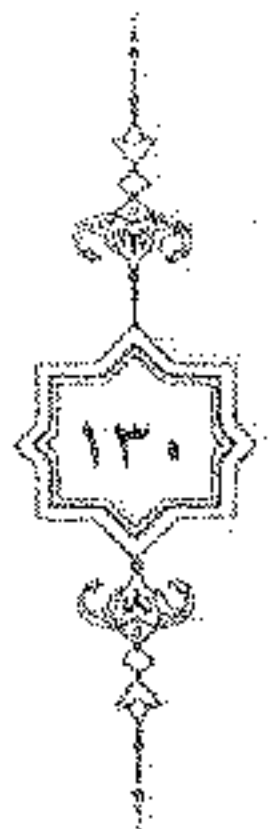
«در این سال وفات یافت شریف عسکری ابو محمد حسن بن علی... یکی از امامان اثنا عشر به اعتقاد امامیه، و او در نزد ایشان پدر «منتظر» صاحب سرداب است.»<sup>۱</sup>

۶۰.

فصیح احمد خوافی (متولد ۷۷۷ هـ ق)

احمد خوافی در کتاب مجمل فصیحی، تاریخ فارسی خود، ذیل حوادث سال ۲۵۵ هجری می نویسد:

«ولادت امام محمد مهدی شب پنجشنبه منتصف شعبان المعظم به سامره. و هو ابوالقاسم محمد ابن امام حسن العسکری بن علی... بن امیرالمؤمنین علی المرتضی رضوان الله علیهم اجمعین و یلقبه الامامیه الحجة و القائم و المهدی و المنتظر و صاحب الزمان، و هو عندهم خاتمة ائمة الاثنی عشر.»<sup>۲</sup>



۱. مرآت الجنان، ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. مجمل فصیحی، ج ۱، ص ۲۳۱.

ابوالولید محمد بن شحنة حنفی (متوفای ۸۱۵ هـ ق)

ابن شحنة که قاضی القضاات شهر حلب بوده است، در کتاب روضة المناظر فی اخبار الاوائل و الاواخر که در حاشیه مروج الذهب مسعودی (چاپ مصر، سال ۱۳۰۳ هـ ق) به طبع رسیده است، می نویسد:

«در این سال (۲۵۴) وفات یافت علی زکی بن محمد الجواد که به او «عسکری» هم می گویند. ولادتش رجب سال ۲۱۴ بوده است. علت اینکه به وی «عسکری» می گویند این است که در سامره سکونت داشت که به آن «عسکر» هم می گفتند، چون قبلاً لشکر در آنجا اقامت داشته است.<sup>۱</sup> و این علی دهمین امام ائمه اثنا عشریه مذهب شیعه است.

یازدهمین امام، پسر او حسن عسکری است که در سال ۲۳۰ متولد شد و در سنه ۲۶۰ وفات یافت و در جوار پدرش در سامره مدفون گردید. و برای این حسن متولد شد پسرش «منتظر» دوازدهمین امام شیعه که به او «مهدی» و «قائم» و «حجت» هم می گویند.

منتظر در سال ۲۵۵ متولد گردید. شیعه عقیده دارد که او وارد سرداب خانه پدرش در سامره شد در حالی که مادرش به او نگاه می کرد، و تا کنون از آنجا بیرون نیامده است.<sup>۲</sup>

۱. عسکر نام یک محله سامره بوده که قبلاً پادگان نظامی و محل اقامت لشکر متوکل بوده است.

۲. روضة المناظر، ج ۲، ص ۲۹۳.



### خواجه محمد پارسا (متوفای ۸۲۲ هـ ق)

حافظ محمد بن محمد بن محمود بخاری معروف به «خواجه پارسا» از مفاخر علمای حنفی و بزرگان عرفای نقشبندی است. کفوی (متوفای ۹۹۰ هـ ق) در کتاب اعلام الاخیار می‌نویسد:

«...خواجه محمد پارسا عزیزترین جانشینان شیخ کبیر خواجه بهاء‌الدین نقشبند بود. علوم را نزد علمای عصر فرا گرفت و بر همعصران خویش برتری یافت. اصول و فروع را تحصیل نمود و در معقول و منقول استاد بود. او هنوز جوان بود که به تحصیل فقه از پیشوای علمای اعلام یعنی شیخ امام عارف ریائی، ابوطاهر محمد بن حسن طاهری پرداخت.»

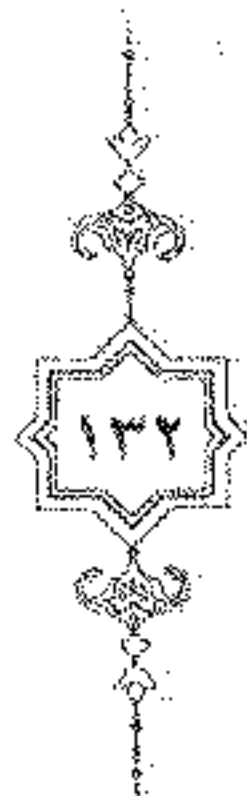
سپس استادان فقه او را برمی‌شمرد و می‌گوید:

«فقه را از صدر اسلام شروع کرد و به مبانی ابوحنیفه، امام اعظم ختم نمود...»

چلبی در کشف الظنون می‌نویسد:

«فصل الخطاب فی المحاضرات تألیف حافظ زاهد محمد بن محمد حافظی، از اولاد عبیدالله نقشبندی است. در سال ۸۲۲ در مدینه وفات یافت و همان جا مدفون گشت. ترجمه این کتاب به ترکی از ابوالفضل موسی بن الحاج حسین زنیفی به اشاره رموزبیک پسر تیمورتاش، و ترجمه آن به عربی از امیر پادشاه محمد بخاری مقیم است که در سال ۹۸۷ از آن فراغت یافت.»

یکی از تألیفات عبدالرحمن جامی نیز شرح سخنان خواجه پارسا





است. علاوه بر این، جامی در نفحات الانس در شرح حال وی می نویسد:  
 «خواجه محمد پارسا، از کبار اصحاب بزرگند - قدس سره»  
 خواجه محمد پارسا در کتاب فصل الخطاب که آن را به فارسی  
 نوشته است می نویسد:

«چون ابو عبدالله جعفر بن علی الهادی رضی الله گمان کرد برادرش  
 ابو محمد حسن عسکری فرزندی ندارد و دعوی کرد که برادرش امامت  
 را به وی منتقل کرده است، "کذاب" خوانده شد. و ابو محمد حسن  
 عسکری، فرزندش محمد رضی الله عنهما در نزد افراد موثق و مورد  
 اعتماد خانواده و یارانش، شناخته شده بود.»

سپس حدیث حکیمه عمه امام حسن عسکری علیه السلام راجع به  
 ولادت امام زمان را نقل می کند و در پایان می گوید:

«حضرت عسکری فرمود: ای عمه، این فرزند را ببر نزد مادرش.  
 برگرداندم او را نزد مادرش، و چون روز دیگر آمدم نزد امام عسکری،  
 دیدم مولود پیش روی اوست، و چنان می درخشید که قلب مرا مجذوب  
 کرد. گفتم: ای سید من، آیا راجع به این مولود مبارک اطلاعی دارید؟  
 فرمود: ای عمه، این است آن که باید انتظار او را داشت، این است آن که  
 ما را به او بشارت داده اند.»

حکیمه گفت: من به سجده افتادم و خدا را شکر کردم. مدتی به  
 خانه حضرت آمدورفت می کردم و او را نمی دیدم. روزی به حضرت  
 گفتم: ای مولای من، با سرور و منتظر ما چه کردید؟ فرمود: او را به کسی  
 سپردیم که مادر موسی بیچّه خود را به او سپرد.»

خواجه پارسا در حاشیه کتاب به تفصیل در ردّ حدیث ضعیف  
 منسوب به پیامبر (نام پدرش نام پدر من است) که در متن کتاب نقل



شده سخن گفته است و داستان معتضد عباسی را که جامی در شواهد النبوة آورده و برخی از علامات قیام مهدی علیه السلام را نقل می کند. سپس می نویسد:

«احادیث در این باره بیش از حد شمارش است. مناقب مهدی رضی الله صاحب الزمان و غایب از انظار که در هر زمان حاضر است، بسیار می باشد. اخبار متوالی داریم که او ظهور می کند و نور وجودش بر همه جا پرتو می افکند و دین اسلام را تجدید می کند و چنانکه باید، در راه خدا جهاد می کند و اقطار جهان را در زمان خود - یعنی زمان پارسایان - از آلودگیها پاک می سازد. یاران او از هرگونه نقص و عیبی پیراسته اند، با راه و روش، روزگار می گذرانند و با هدایت وی به حقیقت حق نائل می گردند، و خلافت و امامت به وسیله او ختم می شود. او از لحظه وفات پدرش تا روز قیامت امام است. عیسی علیه السلام در پشت سر او نماز می گزارد و دعوی او را تصدیق می کند و مردم را به دین او که همان دین اسلام است، فرامی خواند.»<sup>۱</sup>

ترجمه

شمس الدین محمد بن یوسف زرنندی (متوفای ۷۵۰ هـ ق)

استاد حدیث در حرم شریف نبوی و مؤلف کتابهای بغیة المرقاح در حدیث و در السّمطين فی فضائل المصطفی و المرتضی و السّبطين.



۱. کشف الاستار، ص ۲۶. سخنان خواجه پارسا را از ترجمه عربی آن آوردیم و دسترنجی به اصل آن که فارسی است، پیدا نکردیم. کشف الاستار هم آن را از استقصاء الافحام گرفته که در صفحه ۱۰۴ درباره خواجه پارسا بحث کرده است.

زرنندی در کتاب معراج الوصول الی معرفة فضیلة آل الرسول

می نویسد:

«امام دوازدهم، صاحب کرامات مشهور که به واسطه علم و پیروی از حق و آثار پیامبر مقامی عظیم دارد. او قائم به حق و داعی مردم به راه حقیقت یعنی امام ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری است.»<sup>۱</sup>

۶۴

احمد بن علی داوودی حسنی (متوفای ۸۲۷ ه.ق)

این شخصیت، مؤلف عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب و از علمای بزرگ انساب است که خود نیز مانند اکثر سادات بنی داوود، سنی مذهب بوده است. چنانکه از محتوای کتاب عمدة الطالب پیداست. او ضمن شمارش دودمان حضرت امام رضا علیه السلام می نویسد:

«امام ابو محمد حسن عسکری در زهد و علم مقامی بزرگ داشت. او پدر امام محمدالمهدی، دوازدهمین امام از ائمة اثنا عشر به اعتقاد امامیه و قائم منتظر در نزد ایشان است. مادر وی یانویی به نام نرجس بود.»<sup>۲</sup>

۶۵

ملک العلمای هندی (متوفای ۸۴۹ ه.ق)

شهاب الدین بن شمس الدین بن عمر هندی معروف به «ملک العلماء»، صاحب تفسیر بحرالمواج.

۱ الزام الناصب، ص ۱۰۰.

۲ عمدة الطالب، چاپ بیروت، ص ۱۶۳.



غلامعلی بیگرامی (متوفای ۱۱۷۲ هـ ق) در سبحة المرجان

می نویسد:

«مولانا قاضی شهاب الدین بن عمر زوالی دولت آبادی در دولت آباد  
دهلی متولد شد و نزد قاضی عبدالمقتدر دهلوی و مولانا خواجگی  
دهلوی به تحصیل پرداخت و بر همعصران خود تفوق یافت. [تا آنجا که  
می گوید] به «جو تفوز» مهاجر کرد و سلطان آنجا لقب «ملک العلماء» را  
به او داد. قاضی در آنجا در مسند افادت نشست و به تألیف و تصنیف  
پرداخت و طلاب عرب و عجم به درگاهش شتافتند. تفسیر بحرالمواج  
به فارسی و مناقب السادات نیز به فارسی از تألیفات اوست. در سال  
۸۴۹ وفات یافت.»

ملک العلماء در کتاب اخیر می نویسد:

«اهل سنت می گویند که خلافت خلفای اربعه به نص ثابت است  
که پیغمبر (ص) فرمود: «خلافت من سی سال است» و آن تمام شده به  
علی، و همچنین خلافت دوازده امام به حدیث ثابت است. از ایشان:  
اول - امام علی کرم الله وجهه، و در خلافت او حدیث «الخلافة  
ثلاثون» وارد است.

دویم - امام شاه حسن رضی الله عنه، پیغمبر (ص) فرمود: این پسر  
من سید است. به زودی صلح می دهد میان مسلمین.

سیم - امام شاه حسین رضی الله عنه. حضرت [رسول] فرمود: «این  
پسر من سید است، زود است که می کشند او را گروه باغیّه». و نه امام  
فرزندان شاه حسین رضی الله عنه. رسول خدا (ص) فرمود: پس از حسین  
ابن علی، از پسران او نه امامند که آخر ایشان قائم است.

جابر بن عبدالله انصاری گفت: داخل شدم بر فاطمه دختر رسول



خدا(ص)، در پیش روی او لوحی بود و در آن نامهای امامان از فرزندان او بود. پس شمر دم یازده اسم که از ایشان قائم علیه السلام بود.

سؤال: چه حکمت است که شاه زین العابدین دعوی خلافت نکرد؟

جواب: هرگاه در وقت صحابه، عایشه و معاویه و زبیر و طلحه فتوا

بر خطا نوشتند، و با شاه علی طایفه بغات حرب کردند، و در وقت تابعین

(شاگردان صحابه) شاه حسین را زار زار کشتند، و هرگاه مصطفی (ص)

خبر داده بود: "هزار ماه خاندان منبزم و مقهور، و یاغیان مظفر و

منصور شوند، چنانکه در خزانه جلائی آورده است، و در خواب دید که

سگ بچگان بر منبر برآمده هف هف و پف پف می کنند، و از آن تعبیر

فرمود که فلان و فلان تقلب کنند و بر منبر لعنت کنند بر خاندان.

و در روضة العلماء می گوید: این آیه آمد: لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ

شهر. جبرئیل گفت: یا محمد، آن هزار ماه است که ملک یزیدان باشد،

و بر خاندان لعنت فرستند، و آن روز هزیمت خاندان بود.

سواران دین و پهلوانان دیانت، تیغ عزیمت و عنان اولویت اختیار

به کم قضا و قدر انداختند، و انگشتان رخصت به عجز "الضرورات تبیح

المحذورات" برای خلاص جان خویش به دهان کردند.

چون شاه زین العابدین تا امام مهدی، این نوع معاینه کردند، از

دعوی امامت ساکت و صامت گشتند، و چون وقت ظهور امام مهدی،

سید محمد بن عبدالله ابوالقاسم شود، جانبازان خاندان علم هزیمت



۱. محدث نوری در نجم ثاقب می گوید: از این کلام مستفاد می شود که یکی از اسامی

امام حسن عسکری عبدالله است، و خبری که می گوید اسم پدرش اسم پدر پیغمبر

است، بر فرض صحت، محمول است به ظاهر.

برآوردند و دمامه اولویت برزند و از تیغ اختیار، جملگی اغیار از دنیا  
براندازند، فیملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً.

و این نه فرزندی؛ اول امام زین العابدین است، دوم امام محمد باقر،  
سوم امام جعفر صادق، چهارم امام موسی کاظم، پنجم امام علی رضا،  
ششم امام محمد تقی، هفتم امام علی نقی، نهم امام حسن عسکری، دهم  
امام حجة الله القائم امام مهدی؛ و او غایب است، و او را عمر طویل  
است چنانکه میان مؤمنان عیسی و الیاس و خضر، و میان کافران دجال  
و سامری و بلعم و امثالهم.»<sup>۱</sup>

چنانکه از نظر خوانندگان محترم گذشت، این طرز اثبات وجود  
امام زمان و خلافت دوازده امام به عقیده شیعیان، از دیدگاه یک  
دانشمند بزرگ سنی، خود پاسخی است به آن دسته از سنیان که با عناد و  
لجاج در این خصوص قلم زده و گام برداشته‌اند.

۶۶

### خواجه افضل الدین ترکیه (متوفای ۸۵۰ هـ ق)

خواجه افضل الدین از دانشمندان و قضات عامه است که در سال مذکور  
به امر شاهرخ میرزا پسر تیمور لنگ او را از اصفهان به ساوه بردند و در  
آنجا به دار آویختند. وی کتاب میل و نحل شهرستانی را در سال ۸۴۶  
هجری به فارسی ترجمه کرده و در ترجمه آن، به طوری که مقتضیات  
زمان ایجاب می‌کرده، مطالبی بر اصل کتاب افزوده است. خواجه  
افضل الدین با اینکه یک فرد سنی متعصب است ولی در ترجمه کتاب





هر جا به اعتقاد شیعه درباره ائمه می‌رسد، به عکس شهرستانی، با ادب و همان‌گونه که شیعه عقیده دارد، آن را شرح می‌دهد. یک جا می‌نویسد:

«اثنا عشریه: طایفه‌ای که به موت موسی بن جعفر جزم کردند و گفتند امامت بعد از موسی به پسرش امام باهتدا امام رضا منساق شد، و بعد از آن امام هادی<sup>۱</sup>، امامت به خلف صدقش امام نقی<sup>۲</sup>، و بعد از آن به خلف صدقش عسکری، و بعد از عسکری به حجت قائم منتقل شد.» (ص ۱۸).

و در جای دیگر می‌نویسد:

«... امامیه قائل شده‌اند به امامت علی النقی، و بعد از آن به پسرش حسن، و بعد از آن به پسرش القائم المنتظر المهدی که امام دوازدهم است.» (ص ۴۵).

و در جای دیگر می‌نویسد:

«اثنا عشریه: فرقه‌ای که قطع کردند به موت موسی بن جعفر بن کاظم<sup>۳</sup> رضی الله عنه، و ایشان را "قطعیه" گویند، و گویند امامت منساق از آن حضرت به اولاد کریمش می‌شود، و گویند بعد از موسی، امام صاحب الهدایة العلیا و المناقب الشتا، علی رضاست و مشهد معطرش و مخزن ولایتش طوس است، و بعد از آن حضرت، محمد تقی و مدفن کریمش در مقابر قریش است، و بعد از آن حضرت، امام علی بن محمد هادی در اینجا به معنی راهنماست.

<sup>۲</sup> گویا حذفی در اصل یا در چاپ یا در ترجمه رخ داده است، چون امام بعد از حضرت رضا امام محمد تقی است، بعد امام علی النقی.

<sup>۳</sup> «کاظم» لقب امام موسی بن جعفر است، گویا اشتباه کتابتی باشد.

نقی و مشهد مکرمش در قم، و بعد از آن حضرت، امام حسن عسکری زکی است، و بعد از آن حضرت، فرع آن اصل کریم، حجت الله القائم محمد که منتظر کافه بریه است در ظهور و اشاعه نور که منزل سامیش موضع سُرّ من رأی است، و دوازدهم این بروج هدایت و آخرین این کواکب ولایت است، اثنا عشریّه زمان ما را طریق این است» (ص ۱۸۳).  
 و در جای دیگر که شهرستانی می گوید شیعه پس از امام حسن عسکری به یازده فرقه منتقسم گشتند، و همه را شرح می دهد و مخصوصاً اعتقاد به مهدی موعود و زنده بودن آن حضرت را سخت به باد انتقاد می گیرد، خواجه افضل الدین می نویسد:

«عدد ائمة اثنا عشر رضوان الله عليهم اجمعين بر رأی امامیه: المرتضى، المجتبی، الشهيد، السجّاد، الباقر، الصادق، الكاظم، الرضا، النقی، النقی، الزکی، الحجة القائم المنتظر عليهم و علی آبائهم التحیة و الرضوان بالسیر و الاعلان» (ص ۱۸۷).

۶۷

### ابن صبّاغ مالکی (متوفای ۸۵۵ هـ ق)

نورالدین علی بن محمد صبّاغ مالکی، از علمای اعلام عامه است. سخاوی مصری، شاگرد حافظ ابن حجر عسقلانی، در کتاب الضوء اللامع که در نه جلد پیرامون شرح حال علمای قرن نهم هجری نگاشته است می نویسد:

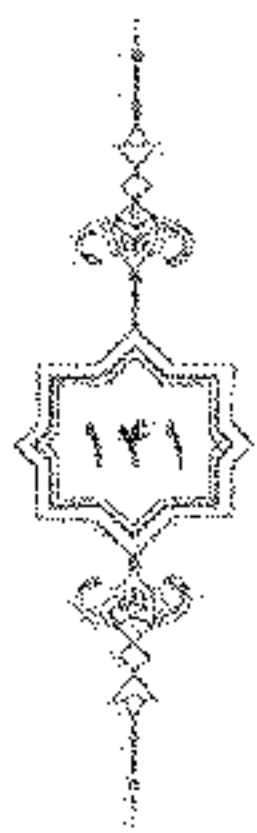


۱. جای تعجب است! زیرا امام علی النقی و امام حسن عسکری در سامره مدفون هستند.

«اصلاً از مردم غزه بود و در سال ۷۸۴ در مکه متولد شد و همان جا پرورش یافت. نخست قرآن و رساله‌ای در فقه و الفیه ابن مالک را از بر کرد و نحو و فقه و سایر علوم دیگر را نزد علمای آن دیار مانند عبدالرحمن فارسی و عبدالوهاب بن عقیف یافعی و جمال بن ظهیره و ابوالمسعود و سعد نوری و علی بن محمد بن ابی بکر شیبی و محمد بن ابی بکر بن سلیمان بکر فرا گرفت و از آنها اجازه گرفت و از جلال عبدالواحد مرشدی و علی الزین مراغی نیز. او راست مؤلفاتی، از جمله الفصول المهمّة لمعرفة الائمة و هم اثناعشر و العبر فی من سفه النظر. او به من اجازه داد، و در سال ۸۵۵ وفات یافت و در «معلّاة» مدفون گردید. احمد بن عبدالقادر عجبلی شافعی نیز در کتاب ذخیره المال در مسألة خشی، از وی با عظمت یاد کرده است. همچنین گروهی از بزرگان دانشمندان دیگر عامّه از کتاب وی الفصول المهمّة با اعتمادی که به آن داشته‌اند، نقل کرده‌اند، مانند عبدالله بن محمد مطیری مدنی شافعی نقشبندی در کتاب ریاض الزاهرة و نورالدین علی سمهودی در جواهرالعقدین و برهان الدین علی حلبی شافعی در سیره حلیّه و عبدالرحمن صفوری در زینة المجالس و دیگران.»<sup>۱</sup>

ابن صباغ در کتاب الفصول المهمّة یک یک ائمه اطهار را نام برده و شرح می‌دهد و در آخر می‌گوید:

«فصل دوازدهم - درباره ابوالقاسم حجّت خلف صالح ابن ابی محمد الحسن الخالص یعنی امام دوازدهم، و تاریخ ولادت و دلایل امامت وی، و قسمتی از احادیث و اخبار مربوط به او، و غیبت و مدت دولت و بیان



نسب و کُنیه و لقب آن حضرت.»

سپس تاریخ ولادت امام زمان را بیان نموده و احادیث صریحی که راویان موثق و مورد اعتماد از پیامبر و امامان پیشین راجع به او آورده‌اند و تطبیق آنها بر شخص حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام به عنوان امام دوازدهم را نقل کرده است؛ اخبار و احادیثی که محدثان بزرگ سنی و شیعی در منابع معتبر خود ثبت نموده و اهمیت خاصی به آنها داده‌اند. تا آنجا که می‌گوید:

«شیخ ابوسعید محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان استدلال می‌کند که مهدی زنده است و از زمان غیبتش تا کنون باقی است.»

ابن صباغ در آخر فصلی که از امام حسن عسکری علیه السلام نام می‌برد، می‌نویسد:

«ابو محمد رضی الله عنه فرزندی از خود باقی گذاشت که همان حجّت قائم است که همه منتظر ظهور دولت حقّه او هستند. ولادت او پنهان ماند و ماجرای او مستور گشت به واسطه بیم از خلیفه وقت و وضع دشوار و جستجوی شیعه و حبس ایشان و دستگیری آنان.»

۶۸

شیخ عبدالرحمن بسطامی (متوفای ۸۵۸ ه.ق)

شیخ سلیمان حنفی در ینابیع الموده می‌نویسد:

«شیخ کبیر، عبدالرحمن بسطامی، مؤلف کتاب درّه المعارف قدس الله سرّه و افاض علینا فتوحه و علومه در شعر خود می‌گوید:



و يظهر ميم المجد من آل محمد  
و يظهر عدل الله في الناس اولا  
كما قد روينا عن علي الرضا  
و في كنز علم الحرف اضحي محصلا  
و يخرج حرف الميم من بعد شينه  
بمكة نحو البيت بالنصر قد علا  
فهذا هو المهدي بالحق ظاهر  
سيأتي من الرحمن للحق مرسلا  
و يملأ كل الارض بالعدل رحمة  
و يمحو ظلام الشرك و الجور اولا  
ولا يسته بالامر من عند ربه  
خليفة خير الرسل من عالم العلا

— ميم مجد و عظمت آل محمد ظهور می کند و عدل خدا برای  
اولین بار، چنانکه باید، در میان مردم آشکار می شود،  
— آن گونه که از امام علی بن موسی الرضا برای ما روایت شده  
است و در گنج علم حروف به وضوح به دست می آید.  
— حرف ميم بعد از شين آن در مکه جنب بیت با پیروزی آشکار  
می شود.

— بدانید که همو مهدی است که به حق آشکار شده، و به زودی  
برای اجرای آن از جانب خدا فرستاده می شود.  
— او سراسر زمین را با رحمت الهی پر از عدل می کند، و تیرگی  
شرك و ظلم را از میان می برد.  
— حکومت او به فرمان خداوند است، او جانشین بهترین  
پیامبران است که از عالم بالا تعیین شده است.



اینکه می‌گوید «برای ما روایت شده»، اشاره می‌کند به آنچه روایت نموده است شیخ محدث فقیه محمد بن ابراهیم جوینی حموئی شافعی در کتاب فرائد السمطين به سند خود از احمد بن زیاد از دعبل بن علی خزاعی که گفت چون قصیده تائیه خود را بر امام رضا رضی الله عنه قرائت کردم و به این دو بیت رسیدم:

خروج امام لامحالة واقع      يقوم على اسم الله والبركات  
يميز فينا كل حق و باطل      ويجزي على النعماء والنعيمات

— آمدن امامی از شما بی‌شک و وقوع می‌یابد، و با نام و برکات خدا قیام می‌کند.

— او هر حق و باطلی را میان ما از هم جدا می‌سازد و پاداش هر کار نیک و بدی را می‌دهد.

حضرت رضا سخت گریست، سپس فرمود: ای دعبل، روح القدس با زبان تو سخن گفت، آیا می‌دانی این امام کیست؟ گفتم: نه، فقط شنیده‌ام امامی از شما زمین را پر از عدل و داد می‌کند. فرمود: امام بعد از من پسر من محمد، و بعد از محمد پسرش علی، و بعد از علی پسرش حسن، و بعد از حسن پسرش حجت قائم است که در غیبتش باید منتظر او بود، و هنگام ظهور، مطاع است، او زمین را پر از عدل و داد می‌کند چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. اما کی قیامی می‌کند؟ این خبر دادن از وقت است. پدرم از پدرانش از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود: مثل آن مانند وقت قیامت است که ناگهان وقوع می‌یابد.<sup>۱</sup>





ابوالمعالی محمد بن عبدالله سراج‌الدین رفاعی (متوفای ۸۸۵ هـ.ق)

این شخصیت نیای اعلای خاندان رفاعی است که رجال معروف این دودمان همگی از علما و عرفای مشهور عامه بوده‌اند و سلسله‌طریقتی آنها مشهور به «رفاعی» است و تا زمان ما نیز سادات این دودمان از سنیان هستند.

وی در کتاب صحاح‌الاجبار فی نسب‌السادة الفاطمیة‌الاجبار، در شرح حال امام دهم می‌نویسد:

«امام علی‌الهادی بن امام محمد جواد (ع)، لقبش تقی و عالم و فقیه و امیر و دلیل و عسکری و نجیب است. به سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد گردید و به وسیله سم در خلافت‌المعتز عباسی به سال ۲۵۴ شهید شد. او دارای پنج فرزند بود: امام حسن عسکری و حسین و محمد و جعفر و عایشه. امام حسن عسکری، صاحب سرداب، حجت‌منتظر، ولی خدا امام محمدالمهدی علیه‌السلام را به جای گذاشت.»

و در جای دیگر از کتاب مزبور که پیرامون امامت بحث می‌کند می‌نویسد:

«عارفان ائمة اهل بیت روایت کرده‌اند که چون امام حسین (ع) دانست که خلافت‌معنوی و امامت‌جامعه در وجود او و دودمان وی خواهد بود، مسرور گشت و جان خویش را در راه خداوند فدا کرد تا بدین نعمت بزرگ نائل گردد. خداوند هم بر وی منت نهاد و مقام شامخ امامت را در اولاد او به ودیعت گذارد و آن را به حجت‌منتظر، امام

مهدی (ع) از دودمان پاک سرشت وی ختم نمود.<sup>۱</sup>

۷۵

نورالدین عبدالرحمن جامی (متوفای ۸۹۸ هـ ق)

محمد بن سلیمان کفوی در اعلام الاخیار فی فتناء مذهب النعمان  
المختار درباره این دانشمند و عارف معروف و شاعر نامی می نویسد:  
«شیخ عارف بالله و متوجه الی الله، دلیل الطریقه و  
ترجمان الحقیقه، منسلخ از هیاکل ناسوتی و متوسل به عالم لاهوتی،  
آفتاب آسمان تحقیق و ماه فلک تدقیق، معدن غوارف معارف، مستجمع  
فضایل، جامع اللطایف، مولا جامی نورالدین عبدالرحمن... از جمله  
تالیفات او کتاب شواهد النبوة است که کتابی بزرگ و معروف و مورد  
اعتماد است.»

چلبی در کشف الظنون می نویسد:

«شواهد النبوة فارسی است تألیف مولانا عبدالرحمن بن احمد  
جامی. محمود بن عثمان متخلص به «لامعی» در گذشته سال ۹۳۸ آن را  
ترجمه کرده است.<sup>۲</sup> آن گاه مولا عبدالخلیم مشهور به «اخی زاده» از  
وزرای روم (عثمانی) متوفی به سال ۱۰۱۳ نیز ترجمه دیگری از آن  
نموده که از لحاظ عبارت و ادای مقصود، بهتر از ترجمه لامعی است.»  
عالم علامه، قاضی حسین دیاربکری در اول کتاب تاریخ خمیس

۱. کشف الأستار، ص ۲۱۶.

۲. منظور، ترجمه ترکی است. ضمناً باید دانست که شواهد النبوة در هند چاپ شده  
است، ولی ما از نسخه خطی کتابخانه ملک تهران به شماره ۴۷۹ نقل می کنیم و به آن  
استناد می جویم.



نوشته است:

«این مجموعه‌ای است از سرگذشت سید مرسلین و شمایل خاتم نبیین (ص) که آن را انتخاب کردم از کتب معتبره، یعنی تفسیر کشاف و... و شواهد النبوة مولا عبدالرحمن جامی»

جامی در این کتاب حجت بن الحسن العسکری علیه السلام را امام دوازدهم می‌داند و رویدادهای شگفت‌آور ولادت و برخی از معجزات آن حضرت را بیان می‌دارد و می‌گوید اوست که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. جالب است که علمای شیعه، جامی را یک سنی متعصب می‌دانند، تا جایی که شهید سعید، قاضی نورالدین شوشتری که به واسطه نوشتن کتاب مجالس المؤمنین و شیعه دانستن گروهی از کسانی که معروف به شیعه نیستند «شیعه‌تراش» لقب گرفته است، جامی را جزو عارفان شیعه به حساب نیاورده است بلکه او را یک سنی بسیار متعصب می‌داند.

باری، عبدالرحمن جامی در کتاب شواهد النبوة در پایان شرح حال ائمة اطهار علیهم السلام می‌نویسد:

«محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا رضی الله عنهم. وی امام دوازدهم است و کنیت وی ابوالقاسم است. و لقبه الامامیة بالحجة والقائم المنتظر صاحب الزمان»

سپس شرح مفصلی از منابع شیعی راجع به شخص امام زمان بیان می‌دارد و از جمله درباره ولادت آن حضرت می‌نویسد:

«حکیمه عمه ابو محمد زکی رضی الله عنه گفته است که روزی پیش ابو محمد رضی الله عنه در آمدم، فرمود: ای عمه، امشب در خانه ما باش که خدای تعالی ما را خلفی خواهد داد. من گفتم: این فرزند از که



خواهد بود؟ من که در نرجس هیچ اثر حمل نمی بینم. فرمود که ای عمه، مثل نرجس مثل ام (مادر) موسی است (ع) که حمل وی جز وقت ولادت ظاهر نخواهد شد...»

تا آنجا که می گوید:

«چون نظر کردم، فرزند وی به زمین آمده بود، و من در سجده افتاده وی را برگرفتم. ابو محمد رضی الله عنه از حجره خود آواز داد که: «ای عمه، فرزند مرا پیش من آ!» پیش وی بردم، وی را بر کنار خود نشانید و زبان در دهان وی کرد و فرمود که سخن گوی ای فرزند من به اذن الله تعالی! گفت: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ تُرِیْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلٰی الَّذِیْنَ اسْتَضَعَفُوْا فِی الْاَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَیْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ...»

سپس مانند خواجه محمد پارسا بخشی از احوال آن حضرت را می نگارد، از جمله روایت می کند که یکی از خادمان امام ابو محمد زکی رضی الله عنه گفت:

«در آمدم بر آن حضرت و گفتم که یابن رسول الله، خلیقه و امام بعد از تو که خواهد بود؟ به خانه در آمد، پس بیرون آمد کودکی بر دوش گرفته، گویا که ماه شب چهاردهم بود، در سن سه سالگی. پس فرمود: ای فلان، اگر نه پیش خدای تعالی گرامی بودی، این فرزند خود را به تو نمی نمایاندم. نام این، نام رسول است و کنیه او، کنیه وی است. هو الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.»

و نیز از راوی دیگری روایت کرده که گفت:

«روزی بر ابو محمد در آمدم، بر دست راست وی خانه‌ای (اتاقی)



دیدم پرده بر آن فرو گذاشته. گفتم: یا سیدی، صاحب این امر بعد از این که خواهد بود؟ فرمود آن پرده را برداشتم. کودکی بیرون آمد در کمال طهارت و پاکیزگی، بر رخساره راست وی خالی و گیسوان گذاشته. آمد و بر کنار ابو محمد نشست. ابو محمد فرمود که این است صاحب شما بعد از این. از زانوی وی برخاست. ابو محمد رضی الله عنه گفت وی را: یا بنی، ادخل الی الوقت المعلوم. به آن خانه در آمد و من به وی نظر می کردم. پس ابو محمد رضی الله عنه مرا گفت: برخیز و بین که در اینجا کیست؟ به خانه در آمدم، هیچ کس را ندیدم.

جامی در پایان مقال خود اشعار پر شور زیر را در اشتیاق به ظهور امام غایب از انظار، مهدی موعود اسلام، حجت بن الحسن العسکری علیه السلام سروده است:

<p>بیا ای امام هدایت شعار          ز روی همایون برافکن نقاب          بیرون آی از منزل اختفا          برافراز ارکان اسلام را          جهان پر شد از شیوه ظلم و جور          نظر کن به حال من مستمند          بود این امیدم که باشم مدام          الهی، به حق امام زمان          که توفیق گردان رفیق دلم          که یگذشت از حد غم انتظار          عیان ساز رخسار چون آفتاب          نمایان کن آثار مهر و وفا          بسینداز بنیاد اصنام را          ز انصاف دور است اطوار دور          که کردم ز الطاف تو سربلند          مباحی به الطاف خیاص امام          به عزّ محبتان این خاندان          برویان گل مرحمت از گلم</p>	<p>بیا ای امام هدایت شعار          ز روی همایون برافکن نقاب          بیرون آی از منزل اختفا          برافراز ارکان اسلام را          جهان پر شد از شیوه ظلم و جور          نظر کن به حال من مستمند          بود این امیدم که باشم مدام          الهی، به حق امام زمان          که توفیق گردان رفیق دلم</p>
--	--

## عبدالرحمن صوفی

این دانشمند سنی، مؤلف کتاب فارسی مرآت الاسرار است که شاه ولی الله دهلوی، پدر عبدالعزیز دهلوی مؤلف تحفه اثناعشریه در کتاب الانتباه فی سلاسل اولیاء الله و اسانید وارثی رسول الله (ص) از آن نقل می‌کند. او راجع به امام زمان می‌نویسد:

«ذکر آن آفتاب دین و دولت، آن هادی ملت و دولت، آن قائم پاک احمدی، امام برحق، ابوالقاسم محمد بن الحسن المهدی رضی الله عنه. وی امام دوازدهم است از ائمه اهل بیت. مادرش ام ولد<sup>۱</sup> بود و نرسجس نام داشت. ولادتش شب جمعه پانزدهم شعبان سنه دویست و پنجاه و پنج، و به روایت شواهد النبوة به تاریخ بیست و سوم شهر رمضان سنه دویست و پنجاه و هشت، در سر من رأی واقع شد. و امام دوازدهم در کنیت و نام حضرت رسالت پناهی (ص) موافقت دارد و القاب شریفش "مهدی" و "حجت" و "قائم" و "منتظر" و "صاحب الزمان" و "خاتم اثناعشر" است.

صاحب الزمان در وقت وفات پدر خود امام حسن عسکری (ع) پنج ساله بود. بر مسند امامت نشست. چنانکه حق تعالی یحیی بن زکریا را در حال طفولیت، حکمت کرامت فرمود و عیسی بن مریم را در وقت صبا به مرتبه بلند رسانید، همچنین در صغر سن، او را امام گردانید. کمالات و خارق عادات او نه چندان است که در این مختصر گنجایش دارد.»

۱. «ام ولد» زنی بوده که از شوهر سابق خود، فرزندی داشته است.





سپس سخن محیی‌الدین ابن عربی را که قبلاً نقل کردیم شاهد می‌آورد، آن‌گاه می‌گوید:

«عبدالرحمن جامی در شواهد النبوة از حلیمه خواهر امام علی‌الثقی که عمه امام حسن عسکری باشد روایت می‌کند که...» (در شرح حال جامی گذشت).

و نیز عبدالرحمن صوفی در رساله مداریه نوشته است:

«حضرت شیخ محیی‌الدین عربی در باب سیصد و شصت و ششم از کتاب فتوحات مکیه می‌فرماید: بدانید ای مسلمانان که چاره‌ای نیست از خروج مهدی، که والد او حسن عسکری است ابن امام علی‌الثقی ابن امام محمد تقی... پس سعادت‌مندترین مردم به او اهل کوفه خواهند بود، او دعوت می‌کند مردم را به سوی حق تعالی به شمشیر. پس هر که ابا می‌کند، می‌کشد او را و کسی که منازعت می‌کند با او، مخدول می‌شود. چنانکه در این محل (باب مزبور) تمام احوال امام مهدی را در کتاب مذکور مفصل بیان نموده است، هر که خواهد در آنجا مطالعه نماید، او حضرت مولانا عبدالرحمن جامی مردی صوفی، کارها دیده و شافعی مذهب<sup>۱</sup> بوده و تمام احوال و کمالات و حقیقت متولد شدن و مخفی گشتن امام محمد بن حسن عسکری علیه‌السلام را مفصل در کتاب شواهد النبوة تصنیف خود به وجه احسن از ائمه اهل بیت عترت و ارباب سیرت روایت کرده است.»

۱. قبلاً سخن محیی‌الدین گذشت، این نیز یکی دیگر از بزرگان عرفای سنی است که سخن محیی‌الدین را از فتوحات نقل کرده است.  
 ۲. معروف این است که وی حنفی بوده است.



و صاحب کتاب مقصد اقصی می نویسد که حضرت شیخ سعدالدین حموی، خلیفه حضرت نجم الدین، در حق امام مهدی یک کتاب تصنیف و دیگر چیزها بسیار همراه او نموده است که دیگر هیچ آفریده را در آن اقوال و تصریفات ممکن نیست.

چون او ظاهر شود، ولایت مطلقه آشکار گردد و اختلاف مذاهب و ظلم و بدخویی برخیزد، چنانکه اوصاف حمیده او در احادیث نبوی وارد شده است که مهدی در آخر زمانه آشکار گردد و تمام ربع مسکون را از جور و ظلم پاک سازد و یک مذهب پدید آید.

مجملاً هرگاه دجال بدکردار زنده و مخفی هست و حضرت عیسی که به وجود آمده و مخفی از خلق است، اگر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله محمد مهدی بن حسن عسکری هم که از نظر عوام پوشیده شد، به وقت خود مثل عیسی (ع) و دجال موافق تقدیر الهی آشکار گردد، جای تعجب نیست! از اقوال چندین بزرگان، و از فرموده ائمه اهل بیت رسول خدا (ص) انکار نمودن از راه تعصب چندان ضرور نیست!!<sup>۱</sup>

۷۲

### بدیع الدین قطب مدار

این شخص که از اکابر صوفیان عامه است، همان کسی است که عبدالرحمن صوفی رساله مداریه را به خاطر وی تألیف کرده است.



۱. کشف الاستار، ص ۴۹. نه تنها تعصب در این باره ضرور نیست بلکه منتهای حق کشی و ناسیاسی نسبت به شخص صاحب شریعت است که درباره جانشینان برحق او چنین معامله کنند!

عبدالرحمن در رساله مدارته نقل می‌کند که قطب مزبور پس از کسب صفای باطنی، در عالم خواب به حضور پیامبر (ص) شرفیاب شد و «حضرت از کمال مهربانی و گرم‌بخشی، دست قطب‌المدار به دست حق پرست خود گرفت و تلقین اسلام حقیقی فرمود، و در آن وقت روحانیت (یعنی عالم خواب) حضرت مرتضی علی کرم‌الله وجهه حاضر بود. پس وی را به حضرت مرتضی سپرد و فرمود که این جوان نزدیک حق تعالی به غایت عزیز است، قطب‌مدار وقت خواهد شد. پس قطب‌مدار حسب‌الحکم آن حضرت تولا به حضرت مرتضی علی کرم‌الله وجهه نمود و بر سر مرقد وی به نجف اشرف رفت، و در آستانه مبارکه ریاضت می‌کشید و انواع تربیت از روحانیت پاک حضرت مرتضی علی کرم‌الله وجهه به طریق صراط‌المستقیم می‌یافت، و از سبب وسیله دین محمدی (ص) به مشاهده حق‌الحق بهره‌مند گردید. آن زمان اسدالله‌الغالب او را با فرزند رشید خود که وارث ولایت مطلق، محمد المهدی بن حسن العسکری نام داشت، در عالم ظاهر آشنا گردانید...»<sup>۱</sup>

۷۳

### محمد خاوندشاه (متوفای ۹۰۳ هـ ق)

محمد خاوندشاه معروف به «میر خواند» که در تسنن تعصب خاصی دارد و حتی از معاویه بن ابی سفیان تعریف می‌کند، در کتاب روضة الصفا تاریخ فارسی خود - برای هر یک از امامان عالی‌مقام فصلی گشوده



است و از جمله تحت عنوان «ذکر احوال محمد بن الحسن بن علی رضی الله عنهم» می نویسد:

«کنیت او ابوالقاسم است و امامیه وی را حجّت قائم و مهدی منتظر و صاحب الزمان گویند. ولادت امام مهدی رضی الله عنه - مُسَمًّى به اسم رسول و مُکَنًّى به کنیت آن حضرت - در شُرّ من رأی بود در شب نصف شعبان سنه خمس و خمسين و مائتين (۲۵۵)، و در وقت وفات پدر پنج ساله بود و حق سبحانه او را در صغر سن حکمت داد چنانکه یحیی پیغمبر را، و او را در حال طفولیت امام گردانید چنانکه عیسی را در ایام کودکی نبی مرسل گردانید...»

سپس سه صفحه بزرگ را به شرح ولادت و حالات آن حضرت اختصاص داده است.<sup>۱</sup>

۷۴

### فخرالدین ابوالسعادات

ابن طولون دمشقی در کتاب الاثمة الاثني عشرية سند خود از فخرالدین ابوالسعادات نقل می کند که گفت:

«من امام ابوالقاسم محمد بن الحسن الحجّة المنتظر رضی الله عنه را در خواب دیدم و از وی پرسیدم: یا امام، ما تقول فی المهدی؟ فرمود: من جدّم علی رضی الله عنهما را در خواب دیدم و همین سؤال را از او کردم، گفت که پیغمبر (ص) فرمود: اگر جز یک روز از عمر دنیا نمانده باشد، خداوند مردی از ما را برمی انگیزد که آن را پراز عدل و داد کند چنانکه



در خواب دیدم و از وی پرسیدم: یا امام، ما تقول فی المهدی؟ فرمود: من  
جدم علی رضی الله عنهما را در خواب دیدم و همین سؤال را از او کردم،  
گفت که پیغمبر (ص) فرمود: اگر جز یک روز از عمر دنیا نمانده باشد،  
خداوند مردی از ما را برمی انگیزد که آن را پیر از عدل و داد کند چنانکه  
پیر از ظلم شده باشد.<sup>۱</sup>

یدیهی است که اگر فخرالدین عقیده به وجود امام زمان نداشته  
است، نمی توانسته او را در خواب ببیند، آن هم به نام «ابوالقاسم محمد  
ابن الحسن الحجّة المنتظر»، یعنی همان کسی که شیعه عقیده دارد مهدی  
آل محمد اوست.

۷۵

### فضل بن روزبهان خنجی (زنده در ۹۲۶ یا ۹۲۷)

این دانشمند متعصب مشهور که کتاب الشّماثل ترمذی را شرح کرده  
است، در اوّل آن می گوید:

«فقیر الی الله تعالی فضل بن روزبهان ابوالخیر... اصلاً انصاری، از  
مردم «خنج» فارس، متولد در شیراز و مقیم اصفهان هستیم.»  
سخاوی در ضوء الله مع (ج ۴، ص ۱۷۱) می نویسد:

«وی از شاگردان عمیدالدین شیرازی و جمال الدین اردستانی و  
قاضی اصفهان بود. به قاهره آمد و بیت المقدس را زیارت کرد و سپس به  
مدینه رفت و چند ماه در آنجا ماند. در مدینه نزد من به سال ۸۸۷  
صحیح بخاری را درس گرفت و برای او اجازه مفضلی نوشتم. سپس»

کشف الحق علامه حلی دانشمند بزرگ شیعی کتابی به نام ابطال الباطل نوشت و تمام معتقدات شیعه امامیه را به باد انتقاد گرفت و با عناد و لجاج زائد الوصفی به رد و انکار آنها پرداخت و شهید سعید، قاضی نورالله شوشتری، کتاب احقاق الحق را در رد و پاسخ ایرادهای بی پایه او نگاشت، و هر سه کتاب یکجا در مجلدات بسیاری در قم زیر نظر آیت الله نجفی مرعشی با شرح و بسط لازم تجدید چاپ شده است.

وی در پاسخ علامه حلی که راجع به فرزندان و همسر امیر مؤمنان می گوید همسر او بانوی بانوان جهان است، می نویسد:

«می گویم: فضایل فاطمه صلوات الله علی ایها و علیها و علی سائر آل محمد والسلام، امری مسلم است، زیرا انکار آن مانند انکار محسوسات و مسلمات است. آنها معدن نبوت و حافظان آداب فتوت و جوانمردی هستند صلوات الله و سلامه علیهم. چه خوب گفته ام درباره ایشان به شعر:»<sup>۱</sup>

توضیح: واقعاً جای تأسف و مسرت است که اولاً فضل بن روزبهان با همه اصراری که دارد تا مقام خلافت مولای متقیان و فضایل او را به عنوان رد عقاید شیعه درباره آن حضرت و ائمه دو دمان او در کتاب خود انکار کند، چگونه در اینجا زبان به مدح یکایک آنان گشوده و حتی مهدی موعود را همان محمد بن الحسن العسکری قائم آل محمد به عقیده شیعه دانسته است. بنابراین، ما نمی دانیم کسی که این ذوات مقدس را ائمه اثنا عشر و ستارگان آسمان نبوت و ولایت می داند، چرا باید به صرف اینکه پیروان آنها - یعنی جامعه شیعه - خلفا را به



جانشینی نمی پذیرند، این قدر با آنها خصومت بورزد؟ شیعه نیز آنچه را که وی درباره دوازده امام گفته است می گوید. اشعار او نیاز به معنی ندارد. تمام آن را برای آن دسته از متعصبان که حاضر به شنیدن فضایل خاندان نبوت نیستند - تا جایی که ابوالفرج ابن جوزی در موضوعات و به نقل از وی، ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان امام حسن عسکری علیه السلام را در روایت ضعیف می دانند و حتی او را در عداد یک مرد معمولی به شمار نمی آورند، و دیگران که مهدی پسر امام عسکری را افسانه می پندارند - عیناً می آوریم. لیهلك من هلك عن بینة و یحیی من حی عن بینة. او می گوید قائم منتظر مانند آفتاب طلوع می کند و با شمشیر خود دنیا را پر از عدل می سازد.

اشعار وی به زبان عربی این است:

سلام علی السید المرتضی  
من اختارها الله خیر النساء  
علی الحسن الالمعی الرضا  
شهید ثوی جسمه کریلا  
علی بن الحسین المجتبی  
سلام علی الصادق المقتدی  
رضی السجایا امام التقی  
علی الرضا سید الاصفیا  
محمد الطیب المرتجی  
علی المکرم، هادی الوری  
امام یجهز جیش الصفا

سلام علی المصطفی المجتبی  
سلام علی ستا فاطمه  
سلام من المسک انفسه  
سلام علی الاوزعی الحسین  
سلام علی سید العابدین  
سلام علی الباقر المهتدی  
سلام علی الکاظم الممتحن  
سلام علی الثامن المؤمن  
سلام علی المتقی التقی  
سلام علی الاریحی النقی  
سلام علی السید العسکری

سلام علی القائم المنتظر  
سیطلع كالشمس فی غاسق  
ابی القاسم القرم نور الهدی  
ینجیه من سیفه المنتقی  
تری یملأ الارض من عدله  
كما ملئت جور اهل الهوی

۷۶

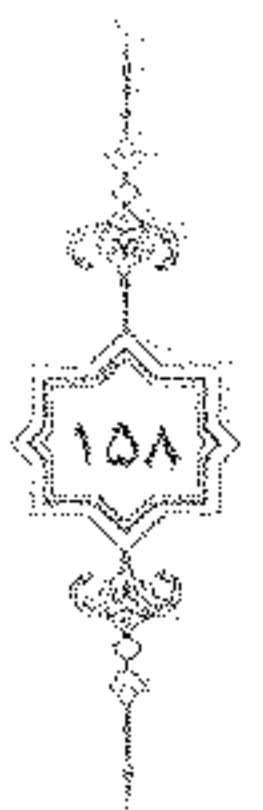
### جلال الدین محمد دوانی (متوفای ۹۰۸ هـ ق)

کلیه دانشمندان عاقله، جلال الدین فیلسوف مشهور و حکیم نامی قرن نهم هجری را از حکمای خود می دانند. کتابهای او نیز که در دست است مخصوصاً شرح عقاید عضدی که آخرین اثر علمی وی به شمار آمده است، نشانه این معنی است، چون او در این کتاب مذهب اشعری را «فرقه ناجیه» می داند.

با این وصف، جلال الدین در کتابهای خود مانند حاشیه قدیم و جدید و اجد بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی معروف به «طبقات جلالی»، هر جا به نام ائمه ظاهرین رسیده است، از آن ذوات مقدس به همان گونه که شیعه نام می برند، یاد می کند.

او به خصوص در کتاب نور الهدایة فی اثبات الولاية - که گویا پنهانی به فارسی نوشته است و به ضمیمه فضایل ابن بطریق و سپس به انضمام شرح زندگانی وی به قلم نویسنده این سطور چاپ شده است - پس از تشریح مقدمه‌ای که در آن به تفصیل از نظر عقلی پیرامون «عصمت» و لزوم آن در وجود پیامبر و رهبر بعد از وی بحث می کند، می نویسد:

«بعد از تصویر مقدمه مبرهنه، تحریر می نماید که علمای ائمت



محمد (ص) اگرچه اتفاق دارند به آنکه بعد از نبی باید امامی و خلیفه‌ای باشد در میان امت تا معلم مسائل علمی و عملی و مروج احکام دینی و دنیوی باشد و دین نبی را تشر کند و باقی دارد، اما اختلاف نموده‌اند که استحقاق در کدام شخص امتان، فی نفس الامر متحقق باشد. رأی جمعی بر آن قرار گرفت که خلیفه برحق بعد از نبی (ص) ابی بکر بن ابی قحافه است و بعد از وی عمر بن الخطاب و بعد از وی عثمان بن عفان و بعد از وی علی بن ابی طالب، و جمعی بر آنند که خلیفه برحق بعد از پیغمبر، بلاواسطه غیر از علی بن ابی طالب کسی نیست و بعد از وی امام حسن است، و بعد از وی امام حسین، و بعد از وی امام زین العابدین، و بعد از وی امام محمد باقر، و بعد از وی امام جعفر صادق، ثم موسی الکاظم، ثم علی بن موسی، ثم محمد التقی، ثم علی التقی، ثم الحسن العسکری، ثم المهتدی الهادی القائم بالحق صلوات الله علیهم اجمعین»

آن‌گاه در دو صفحه بعد که امتیازات امیرالمؤمنین علیه السلام را

نسبت به خلفا شرح می‌دهد، می‌نویسد:

«پس به یقین دانستم که خلیفه برحق بعد از نبی مطلق (ص)، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از ایشان امام حسن و بعد از ایشان امام حسین الی المهتدی الهادی علیهم السلام، که در حقیقت صفت عصمت ایشان اجدی انکار ندارد و چون معصوم باشند، مستحق امر خلافت نبوی باشند و بی وجود ایشان آنچه غرض از خلافت که بقای دین محمد است، صورت نیندد، پس، از تقلید رستم و به تحقیق بویستم»

و صاحب فتوحات مکیه (محبی الدین عربی) قدس سره دوازده امام

تعبیر به دوازده قطب کرده‌اند در باب ثالث و ستون و اربعه‌امه

(۴۶۳)»

در «شرح غزل حافظ»<sup>۱</sup> که با این بیت شروع می‌شود:

در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی

خرقه جایی گرو و باده و دفتر جایی

به تناسب بحث علمی و فلسفی و عرفانی که دارد می‌نویسد:

«...لیکن بر وفق اقتضای وقت و سلوک طریق تدریج، کشف آن

حجت رقیقه، موقوف به ظهور مظهر موعود - اعنی خاتم‌الولایة علی

آبائه الکرام و علیه الصلوة و السلام - مانند، تا آن زمان که به میامن انوار

ظهورش، آفاق عوالم و انفس را که ظلمت دوینی «وَإِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ

عَظِيمٌ»<sup>۲</sup> فرو گرفته باشد، از لمعات انوار عدالت توحید که «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ»<sup>۳</sup> برگرداند، کما

قال (ص): «يَمَلَأُ الدُّنْيَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا»...

و آفتاب انوار حقیقت از مغرب صورت شریعت سر برزند و

روح‌الله از برای احیای اموات جهل و قمع دجالان صورت پرست، از

فلک چهارم که منبع فیض حیات است، فرود آید. آن‌گاه زبان وقت به

فتوای این چند بیت مترنم گردد. نظم:

شد آنکه اهل نظر برکنار می‌رفتند

هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش

۱. شرح غزل حافظ در مجله آرسغان چاپ شده و زونویس آن نزد این‌جانب هست.

۲. سوره لقمان، آیه ۱۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸.



به بانگ چنگ بگویم بس حکایتها  
که از نهفتن آن دیگ سینه می زد جوش

للمؤلف:

ابوح یمن اهوی فما لذة الهوی  
و حقّ الهوی فی کتمه و اختفائه

و چندان که زمان ظهور آن حضرت متقارب گردد، قیاسیر انوار  
حقیقت روز به روز ظهور و بروز بیشتر نماید، و بیّنه صدق این دعوی بر  
صحیفه احوال زمان ثبت است.

اگر کسی به دیدة استیصار تحدّق نماید که لطف قریح و قرب  
استعداد اکثر ابنای زمان نسبت به ابنای ایشان مترقی است و همم را با  
همم همین نسبت، باز میامن قرب زمان حضرت وراثت پناه  
صاحب الزمان به حکم "و للارض من کأس الکرام نصیب" اسرار معارف،  
از هر زمان سر می زند، و از صورت اصلی حقیقت به حسب اختلاف  
اصوات قابلیتات، از هر طرفی صدایی می رسد.

۷۷

ملا حسین کاشفی (متوفای ۹۱۰ هـ ق)

کاشفی دانشمند مشهور، مؤلف کتاب جواهر التفسیر و داماد - یعنی شوهر  
خواهر - عبدالرحمن جامی، در آخر کتاب روضة الشهداء<sup>۱</sup> می نویسد:

۱. با اینکه ملا حسین کاشفی سنی است و از آثار قلمی او نیز پیداست مع الوصف ←

«فصل هشتم - در عقب امام حسن زکی، وی امام یازدهم است از ائمه اهل بیت، کنیتش ابومحمد، و چون پدر خود به «عسکری» مشهور است.

فصل نهم - در ذکر محمد بن الحسن، وی امام دوازدهم است و کنیت وی ابوالقاسم و لقبش به قول امامیه حجّت و قائم و مهدی و منتظر و صاحب الزمان، و به مذهب ایشان خاتم ائمه اثناعشر است. ولادت وی در سُرّ من رأئی بوده، به سرداب درآمد و در سرای خود مخفی شد. در شواهد مذکور است که چون متولد شد، بر ذراع ایمن وی نوشته بود که: «جاء الحقُّ و زهق الباطلُ انَّ الباطلَ كان زهوقاً»<sup>۱</sup>.

۷۸

### جلال الدین عبدالرحمن سیوطی (متوفای ۹۱۰ هـ ق)

سیوطی از دانشمندان بسیار معروف عامه به شمار می رود که به کثرت تصنیف و تالیف مشهور است. پیش از این نقل کردیم که سیوطی در تاریخ الخلفاء سعی دارد روایت بخاری را درباره دوازده امیر و خلیفه بعد از پیغمبر طوری تأویل کند که بر ائمه طاهرین علیهم السلام تطبیق نشود، ولی در همان جا یکی از آنها را «مهدی» از خاندان پیامبر می داند. به علاوه، سیوطی در تفسیر الدر المنثور و برخی دیگر از آثارش اخبار مهدی موعود را نقل کرده و حتی دو کتاب مستقل به نامهای



در نخستین کتابی که راجع به مصائب شهدای کربلا به فارسی نگاشته شده همین روضة الشهداء است، و کلمه «روضه خوان» نیز از آن گرفته شده است.

۱. سورة اسراء، آیه ۸۱



العرف الوردی فی اخبار المهدی و علامات المهدی تألیف کرده است.  
 قبلاً هم ذیل «حافظ ابو محمد بلاذری» گفتیم یکی از دانشمندانی  
 که حدیث او را از محمد بن الحسن العسکری نقل کرده سیوطی است.  
 مؤلف الزام الناصب از عبدالله بن محمد مطیری نقل می‌کند که  
 سیوطی در کتاب احیاء المیت به فضائل اهل البیت نوشته است:  
 «مهدی موعود از دودمان حسین بن علی است که در آخر الزمان  
 برانگیخته می‌شود. [تا آنجا که گفته است:] امام اول علی بن  
 ابی طالب (ع)... یازدهمین فرزندش حسن عسکری و دوازدهمین پسر او  
 محمد القائم المهدی است. پیش از ولادتش در میان مسلمین از پیغمبر  
 روایت شده بود که مهدی موعود اوست. او قائم منتظر است که یا  
 شمشیر قیام می‌کند»<sup>۱</sup> (انقلابش توأم با جنگ است).

۷۹.

### قاضی میرحسین میبدی یزدی (متوفای ۹۱۱ هـ ق)

این شخص از دانشمندان معروف عامه و مصنف کتاب شرح هدایة  
 میبدی در فلسفه و کلام و کتاب شرح دیوان منسوب به  
 امیرالمؤمنین (ع) است.

وی که شاگرد جلال الدین دوانی است، در کتاب اخیر که به فارسی  
 نوشته است، در صفحه ۳۷۱ (چاپ اول) می‌نویسد:

«مهدی شخصی متصف به صفات کمال از اولاد فاطمه است که  
 پیغمبر (ص) وعده کرده به ظهور او. ابن سلمه گوید: شنیدم از پیغمبر (ص)



که فرمود: «المهدی من عترتی من ولدی» و ابوسعید خُدَری گوید که پیغمبر فرمود: «المهدی منی اجلی الجبهة اقلی الانف یملاً الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.» و ابوسعید خُدَری گوید که پیغمبر فرمود: «بلاء تصیب هذه الامة حتى لا یجد الرجل ملجأ یلجأ الیه من الظلم فیبعث الله رجلاً من عترتی اهل بیتی یملاً به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً.»

سپس می گوید: «اهل سنت درباره این مهدی اختلاف نظر دارند و به این نتیجه رسیده اند که وی پیشوایی از اولاد فاطمه است که هرگاه خدا بخواهد، او را می آفریند و برای یاری دینش برانگیخته می کند. و شیعه امامیه عقیده دارند که وی محمد بن الحسن العسکری است که از بیم دشمنان غایب شده، و طول عمر او محال نیست، مانند طول عمر نوح و لقمان و خضر.»

سپس این دو رباعی را می آورد:

تا بست دلم به سرو قد تو امید

لرزد همه دم ز بسیم هجران چون بید

گلهای سفید در چمن دانی چیست؟

شد دیده او ز انتظار تو سفید



هر روز ز جوی چشم من خون گذرد

آه دل من گرم ز گردون گذرد



من یسر راه آن پری منتظرم  
آشفته و سرگشته که او چون گذرد<sup>۱</sup>

و در صفحه ۳۱۷ ذیل اشعاری به زبان عربی می‌نویسد:<sup>۲</sup>  
«امید به کرم وهاب نعیم آنکه باصره ما از کهل الجواهر خاک  
آستان آن حضرت روشنی یابد و آفتاب عالمتاب حقیقت جامعه او بر  
در و پام تشخص ما تابد، و ما ذلک بعزیز.»

و در صفحه ۱۲۳ در پایان ذکر اسامی و شرح حال اجمالی ائمه  
معصومین علیهم السلام می‌نویسد:

«و امام حسین عسکری در مدینه در سنه احدی و ثلاثین و مائین  
(۲۳۱) متولد شد و در سر من رأی در سنه ستین و مائین (۲۶۰) وفات  
یافت، و امام محمد در سر من رأی در بیست و سیم رمضان سنه ثمان و  
خمسین<sup>۳</sup> متولد شد، و امامیه گویند مهدی موعود اوست، و در حرف لام  
خواهد آمد.»

و پس از نقل کلام محیی‌الدین ابن عربی که آن را به تفصیل با ذکر  
روایات می‌آورد و می‌گوید چنین نجات‌دهنده‌ای خواهد آمد، این سه

۱. هر چند قاضی میرحسین مسبدی نظر نمی‌دهد که در این مورد حق با شیعه است یا  
سنی، ولی کاملاً پیداست که از طرز نقل عقیده شیعه و اشعاری که می‌آورد، با  
کنایه‌ای که بلیغ‌تر از تصریح است، مانند یک فرد شیعه در انتظار امام غایب بوده  
است.

۲. بیت آغازین اشعار مذکور چنین است:

بنی ادا ما جاشت التُّرك فانتظر      ولایة مهدی یقوم و یظهر

۳. این قول، خلاف مشهور است، زیرا که ولادت حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵  
هجری بوده است.



بیت حافظ را نقل می‌کنند:

مژده ای دل که منسیخاتفسی می‌آید  
که ز انقاس خوشش بوی کسی می‌آید  
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من  
زده‌ام فسالی و فریادرسی می‌آید  
کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست  
این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید

سپس می‌نویسد:

«بخاری و مسلم از جابر بن سمره روایت کنند که پیغمبر فرمود:  
«یکون بعدی اثنا عشر امیراً» پس سختی گفت که من نشنیدم و پدرم  
گفت که فرمود: «کلهم من قریش.»»

۸۵

شیخ حسن عراقی (متوفای ۹۲۵ هـ ق)

عبدالوهاب شعرانی در کتاب اللّوآفح الانوار فی طبقات الاخیار  
می‌نویسد:

«شیخ صالح عابد زاهد، صاحب کشف صحیح و حال عظیم، شیخ  
حسن عراقی، مدفون در بالای تپه مشرف بر برکه رطلی، در منصر  
می‌زیست و نزدیک به صد و سی سال عمر نمود. من با استادم ابوالعباس  
حربشی نزد وی آمدورفت داشتم. روزی گفت: می‌خواهم داستانی از  
آغاز کارم تا امروز را برایت نقل کنم، به طوری که گویی توان کوچکی با



من دوست بوده‌ای. گفتم: بفرما! گفت: من در دمشق صنعتگر بودم و روز جمعه را به عشرت و شرابخواری می‌گذراندم. روزی متنبه شدم و به خود گفتم تو برای این کارها خلق شده‌ای؟ پس، از رفقا کناره گرفتم و گریختم. آنها مرا تعقیب کردند ولی رد پایم را نیافتند. وارد مسجد جامع اموی شدم، دیدم شخصی روی صندلی نشسته است و درباره مهدی علیه السلام سخن می‌گوید، به طوری که شوق ملاقات مهدی در من پدید آمد. از آن موقع سجده‌ای نکردم جز اینکه از خدا خواستم به ملاقات آن حضرت نائل گردم.

شبی در حالی که بعد از نماز مغرب مشغول نماز مستحبی بودم، متوجه شدم شخصی در پشت سرم نشست و دست بر دوشم نهاد و گفت: فرزندی خداوند دعای تو را برآورده ساخت. منتظر چیستی؟ مهدی من هستم. گفتم: تشریف می‌آوری به خانه من؟ فرمود: آری. سپس با من به خانه‌ام آمد و گفت: جای خلوتی به من بده که تنها باشم. وی یک هفته نزد ما بود.<sup>۱</sup>

۱۱

شیخ علی خَواص (متوفای ۹۳۹ هـ.ق)

شعرانی در لواقح می‌نویسد:

«استاد و مربی من علی خَواص براسی رضی الله تعالی عنه. او نمی‌نوشت و نمی‌خواند، با این وصف طوری از معانی قرآن و سنت سخنان نغز می‌گفت که دانشمندان را به حیرت می‌انداخت. او هرچه

می گفت، به همان گونه واقع می شد، من مردم را نزد وی می فرستادم که درباره سرگذشت خود با وی مشورت کنند. او هم پیش از آنکه مراجعان سخن بگویند به آنها می گفت مثلاً سفر کن، ازدواج بکن یا نکن، شریک شو، یا دوری کن، یا صبر کن، یا طلاق بده. به طوری که طرف متحیر می شد و می گفت چه کسی تیت مرا به این شخص گفته است؟!<sup>۱</sup>

شعرانی در یوایت و جواهر (باب ۶۵) پس از نقل ملاقات شیخ حسن عراقی با امام زمان می نویسد:

«علی خواص سرورم نیز ملاقات شیخ حسن عراقی با امام مهدی را تصدیق کرد.»

۸۲

### خواندمیر (متوفای ۹۴۲ هـ ق)

این مورخ مشهور و مؤلف تاریخ فارسی حیب السیر که خود دخترزاده میرخواند مؤلف روضة الصفا است، در جلد دوم حیب السیر، ضمن شرح حال ائمه معصومین علیهم السلام، می نویسد:

«ذکر امام مؤتمن، ابوالقاسم محمد بن الحسن علیهما السلام. تولد همایون آن در درج ولایت و جوهر معدن هدایت به قول اکثر اهل روایت در منتصف شعبان سنه خمس و خمسين و مائین (۲۵۵) در سامره اتفاق افتاد... و آن امام ذوالاحترام، در کنیت و نام با حضرت خیر الانام - علیه و آله تحف الصلاة و السلام الی يوم القیام - موافقت





دارد، و مهدی و منتظر و الخلف الصالح و صاحب الزمان و حجّت و قائم از جمله القاب آن جناب است... و صاحب الزمان علیه سلام الله المنان در زمان معتمد خلیفه در سنه خمس و ستین و مائتین (۲۶۰) در سردابه سرّ من رأی از نظر فرق برایا غایب شده...»

آن گاه پس از شرح مبسوط و نقل روایات بسیار به نقل از مدارک و منابع سنی و شیعی راجع به مهدی موعود، درباره ولادت و علامات ظهور و ظهور آن حضرت می نویسد:

«بنابر زعم شیعه اثنا عشریه كالشمس فی وسط السماء ظاهر و هویدا می گردد که مهدی از اولاد امجاد امام حسین (ع) خواهد بود، بلکه به ثبوت می پیوندد که صاحب الزمان، محمد بن الحسن عسکری است و بعد از انقضای زمان غیبت طولانی ظهور خواهد نمود، و عیسی بن مریم علیهما السلام چون از آسمان فرود آید، در نماز به آن جناب اقتدا خواهد کرد و لوازم اطاعت و شرایط متابعتش به جای خواهد آورد. مثنوی:

<p>امام زمان مهدی منتظر نهالی ست از گلشن اصطفای جهان روشن از لمعه روی او سرشته به آب کرامت گلش چو سازه لوای خلافت بلند مه رایتش ثالث ماه خور چو گردد به محراب دین مقتدا</p>	<p>که گفتی پیمبر ز حالش خبر ثمر بخش اصحاب صدق و صفا شب قدر تازی ز گیسوی او محیط علوم لیدنی دلش درآرد سر عاصیان در کمند ز عدلش شود جمله آفاق پر کند ابن مریم بدو اقتدا</p>
---	---

و در پایان بحث پیرامون آن حضرت، اشعار جامی در شواهد النبوة را می آورد که با این بیت آغاز می گردد:

بسیای امام هدایت شعار      که بگذشت از خد غم انتظار

۸۳

شمس الدین محمد بن طولون دمشقی (متوفای ۹۵۳ هـ ق)

ابن طولون در کتاب الاثمة الاثني عشر در شرح حال امام زمان می نویسد:  
«الحجة المهدي ابوالقاسم محمد بن الحسن... رضي الله عنهم، امام  
دوازدهم به عقیده شیعه و معروف به "حجت". شیعه او را امام منتظر و  
قائم مهدی می دانند... ولادت او - رضي الله عنه - روز جمعه نیمه شعبان  
سال ۲۵۵ بوده است. سنش بعد از پدر پنج سال بود.»

منپس می نویسد:

«من آنچه را موثق می دانستم در کتابی به نام المهدي الي ماورد في  
المهدي آورده ام. من شرح حال دوازده امام را به ترتیب ذکر کردم و این  
ترتیب خوبی است که شرح حال فرزندان بعد از پدران ذکر شود.»<sup>۱</sup>  
ابن طولون آنگاه اشعار زیبای زیر را که خود سروده آورده است:

عليك بالائمة الاثني عشر	من آل بيت المصطفى خير البشر
ابوتراب، حسن، حسين	و بغض زين العابدين شين
محمد الباقر كم علم دري	والصادق ادع جعفرأ بين الوري
موسي هو الكاظم و ابنه علي	لقبه الرضا و قدره علي

۱. الاثمة الاثني عشر، ص ۱۱۷. این کتاب در سال ۱۳۷۷ هجری با مقدمه محققانه دکتر  
صلاح الدین منجد، کتاب شناس معروف جهانی، منتشر شده است.



محمد التقی قلبه معمور  
و العسکری الحسن المطهر

علی التقی درّه منثور  
محمد المهدی سوف یظهر

۸۴

ابن حجر هیثمی مکی (متوفای ۹۷۳ ه.ق)

ابن حجر از دانشمندان متعصب عامه و مؤلف کتاب صواعق محرقة در رد معتقدات شیعه است که در آغاز این کتاب می نویسد:

«چون می بینم امسال رافضیان زیاد به مکه آمده اند (وی بزرگ ترین علمای آن روز مکه بوده است) و ممکن است کثرت حجاج رافضی، عقاید اهل سنت را متزلزل سازد، ناچار به تألیف این کتاب پرداختم.»!

او با وجودی آنکه سعی دارد اعتقاد جامعه شیعه را درباره مهدی منتظر و غیبت او تخطئه کند مع الوصف در جای دیگر که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نام می برد، حق و حقیقت بر قلمش جاری می گردد و بعد از شرح حال حضرت عسکری، می نویسد:

«باقی نگذاشت مگر پسرش ابوالقاسم محمد الحجّة، سنّ وی هنگام وفات پدرش پنج سال بود، در این سنّ، خداوند به وی حکمت بخشید، او قائم منتظر نامیده می شود.»!

این نمونه ای از طرز تفکر اکثر دانشمندان عامه است، بدین گونه که وقتی از مهدی منتظر و امام غایب شیعه سخن به میان می آید، متأسفانه یا تعصب خاص سعی در انکار آن دارند، ولی همین که ندای وجدان در



گوش جانشیان طنین انداز می شود، متوجه می گردند که مهدی موعود واقعیت دارد، و او هم کسی جز پسر امام حسن عسکری علیه السلام نیست.

۸۵

### عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ هـ ق)

در مقدمه کتاب معروف این عارف بزرگ و دانشمند نامی به نام الیواقیت و الجواهر (چاپ مطبعة ازهریة مصر، سال ۱۳۰۵ هجری) می خوانیم:

«از جمله مطالبی که شیخ الاسلام فتوحی حنبلی رضی الله درباره این کتاب نوشته این است: کسی معانی این کتاب را نکوهش نمی کند مگر دشمن بدانندیش یا منکر دروغگو، چنانکه احدی مؤلف آن را تخطئه نمی کند مگر اینکه از قرآن و دانش آن بیگانه و از راه راست برکنار باشد. همان طور که جز حسود کینه توز یا نادان بدخواه کجرو و مخالف سنت و بی دین و منحرف از جامعه اسلامی، کسی فضل و بزرگواری مؤلف آن را انکار ندارد.

از جمله سخنانی که شیخ ما شهاب الدین رملی شافعی رضی الله عنه بعد از کلامی طولانی گفته این است که: یواقیت و جواهر کتابی است که هیچ کس منکر عظمت آن نیست و دو تفر یافت نمی شوند که بگویند مانند آن تصنیف شده است.

شیخ شهاب الدین عمیره شافعی رضی الله عنه پس از مدح بلیغی که از این کتاب نموده می نویسد: ما گمان نمی کردیم که خداوند متعال در این زمان دانشمندی مانند مؤلف بزرگوار این کتاب را به منصه ظهور



رساند.

و نیز شیخ محمد برهمتوشی می گوید: واقف گردید بنده نیازمند به درگاه خداوند متعال محمد بن محمد برهمتوشی حنفی به کتاب الیواقیت و الجواهر فی عقاید الاکابر تألیف سیدنا و مولانا امام عالم عامل، محقق مدقق فهامه، خاتمة المحققین، وارث علوم انبیاء و مرسلین، شیخ حقیقت و شریعت، معدن سلوک و طریقت، من تَوَجَّهَهُ اللّٰهُ تاج العرفان و رفعه علی هذه الازمان مولانا شیخ عبدالوہاب که خدا نفع وجود او را بر سر بندگان مستدام دارد و در روزگاران طولانی برای استفاده مردم باقی گذارد.

کتابی است که محتوای آن بسیار گرانقدر و اسرار پرارزش در آن می درخشد. باران فضل آن از ابر فضیلت می بارد و گلهای آن در گلزار تحقیق در همه جا می باشد و خورشیدها و ماههای آن در آسمان تدقیق آشکار است و انوار آن بر صفحات دلها، با علم و یقین می تابد.<sup>۱</sup>

عبدالوہاب شعرانی در دو کتاب مشهور خود به نامهای الیواقیت و الجواهر و لواقح الانوار فی طبقات الاخیار که طبقات کبری هم خوانده می شود، مطالب ارزنده ای راجع به مهدی موعود پسر امام حسن عسکری علیه السلام آورده است که از هر جهت برای ما جالب و برای الزام خصم لازم است. آنچه را او از محیی الدین ابن عربی در فتوحات (نسخه ای که او داشته است) یا از شیخ حسن عراقی و شیخ علی خواص و غیره نقل می کند، در ذیل نام آنها آوردیم. او در باب شصت و پنجم جلد دوم کتاب یواقیت می نویسد:

«تمام علایم پیش از قیامت که شارع مقدس به ما اطلاع داده، درست است و باید همگی پیش از قیامت واقع گردد، مانند ظهور مهدی و آمدن دجال و نزول عیسی (ع) و غیره. حتی اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد، باید اینها واقع گردد...»

مهدی (ع) از اولاد امام حسن عسکری (ع) است. ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری واقع شده و هم‌اکنون زنده است، تا اینکه خداوند عیسی بن مریم را با وی گرد آورد. بنابراین، سن مهدی تا زمان ما یعنی سال ۹۵۸ هفتصدوشش سال است. <sup>۱</sup> چنین خبر داد به من شیخ حسن عراقی مدفون در بلندی «کوم الرش» مشرف بر برکه رطالی در مصر، از خود امام مهدی (ع) در وقتی که به ملاقات او توفیق یافته بود، و استادم شیخ علی خواص رحمهما الله هم آن را گواهی کرد.<sup>۲</sup> شعرانی در یک صفحه بعد می‌گوید:

«اگر بگویی مهدی وقتی که ظهور نمود چگونه حکم خواهد کرد؟ آیا با نصوص، یا اجتهاد، یا هر دو؟ می‌گوییم: چنانکه شیخ محیی‌الدین گفته است، آنچه خداوند به وی الهام می‌کند، او هم حکم می‌کند. بدین گونه که خداوند شریعت محمدی را به وی الهام می‌کند و او نیز حکم به آن خواهد کرد، چنانکه حدیث «یقفوا اثری و لا یخطیء» اشاره به آن دارد. پس پیغمبر (ص) ما را آشنا ساخته است که مهدی پیرو است نه بدعت‌گذار، و اینکه او در صدور حکم معصوم است زیرا معنی



۱. این مطلب را سه سال قبل از این تاریخ، شیخ حسن عراقی برای شعرانی نقل کرده است.

۲. باید دانست که این سخن یک دانشمند بزرگ و مشهور عامه است.



معصوم در حکم این است که اشتباه نمی‌کند، و حکم پیامبر هم خطا ندارد. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»<sup>۱</sup> و از این نظر، او را همچون پیامبران دانسته است.»



### علی متقی هندی (متوفای ۹۷۵ هـ ق)

علی متقی ابن حسام‌الدین بن قاضی عبدالملک بن قاضی خان قرشی، مؤلف کتاب مشهور کنزالعمّال، از بزرگان علمای عامه و مقیم مکه و مدفون در آنجاست. عموم دانشمندان عامه که به نام وی برخورددهاند، او را به بهترین وجه ستوده‌اند:

شیخ عبدالقادر بن شیخ عبدالله در کتاب النورالسّافر عن اخبار القرن العاشر می‌نویسد:

«دانشمند شایسته، ولی مشهور، عارف بالله علی متقی... او یکی از علمای عاملین و پندگاران شایسته خداوند بود. در پارسایی و تقوا و سعی در عبادت و دوری از دنیا مقامی عظیم داشت. از مردم عزلت گزیده بود و بالغ بر صد جلد کتاب بزرگ و کوچک نوشت. فضایل و مناقب او بسیار است.»

علامه عبدالقادر بن احمد فاهکی شرح حال او را در کتابی گرد آورده و آن را القول النقی فی مناقب المتقی نامیده و گفته است:

«هیچ یک از عرفا و علمای عاملین به وی برنخوردند مگر اینکه به نحو شایسته‌ای او را ستودند، مانند تاج‌العارفین ابوالحسن بکری، و شیخ

۱. سوره نجم، آیات ۳ و ۴.

ما فقیه عارف زاهد عمودی، و شیخ ما امام الحرمین شهاب بن حجر شافعی، و فقیه مصر شمس الدین رملی انصاری، و شیخ ما زبان علمای عصر خود شمس بکری که همه این بزرگان علی متقی را به خوبی ستوده‌اند.»

عبدالوہاب شعرانی در لواقع الاخبار می‌نویسد:

«شیخ صالح پرهیزکار زاهد، استاد علی ہندی، من در سال ۹۴۷ در مدتی کہ در مکہ مقیم بودم، با وی مراودہ داشتم و از ملاقات او استفادہ نمودم.»

محمد طاهر گجراتی در خطبہ کتاب مجمع البحار از وی مدح بلیغی نموده است. حسان ہندی غلامعلی آزاد بلگرامی در سبحة المرجان نیز از وی نام می‌برد و می‌گوید کہ این حجر مؤلف صواعق استاد علی متقی بود. همچنین شیخ عبدالحق دہلوی از وی ستایش بسزایی نموده است.

از مؤلفات او یکی کنز العمال و تبویب جامع الصغیر سیوطی بر ابواب فقہ است و نیز جمع الجوامع سیوطی را مرتب گردانید و مورد تحسین دانشمندان عصر واقع شد، تا جایی کہ ابوالحسن بکری گفته است: «سیوطی متقی بر جهانیان دارد و متقی ہندی بر او منت دارد.»

باری، علی متقی ہندی در کتاب المرقاة، شرح مشکاة، بعد از ذکر حدیث «دوازده خلیفہ» می‌نویسد:

«من می‌گویم: شیعة اثنا عشری این حدیث را حمل کرده‌اند بر ائمة اہل بیت نبوت بہ طور متوالی، اعم از اینکه بہ خلافت ظاہری برسند یا نرسند. بنابراین، اول ایشان علی و بعد از او حسن و حسین و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و موسی کاظم و علی الرضا و محمد تقی و علی النقی و حسن عسکری و محمد مهدی رضوان اللہ تعالی



عليهم اجمعين است، به نحوی که زبدة الاولیاء خواجه محمد یار سا در کتاب فصل الخطاب به تفصیل آورده و مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی در اواخر شواهد النبوة به پیروی از او مفصلاً شرح حال آنها را نگاشته است، و هر دو فضایل و مناقب و کرامات ایشان را مجملآ ذکر کرده‌اند.»

سپس می‌نویسد:

«نقل این دانشمند [سنی] ردی است بر روافض (شیعیان) که به اعتقاد فاسد و توهم خود گمان می‌کنند اهل سنت، اهل بیت را دشمن می‌دارند.»

همچنین علی متقی کتابی به نام البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان دارد. او در این کتاب از جمله از حضرت امام حسین علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

«صاحب الامر - یعنی مهدی - دو غیبت دارد. یکی از آنها طولانی خواهد بود، تا جایی که بعضی می‌گویند مرده است و بعضی دیگر می‌گویند معلوم نیست کجا رفته است و کسی از محل او اطلاع ندارد جز خداوند که سرنوشت او را به دست دارد.»<sup>۱</sup>

و نیز از ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیهما السلام روایت می‌کند که می‌فرماید: «برای صاحب الامر - یعنی مهدی - غیبتی خواهد بود در برخی از این درّه‌ها»، و با دست خود اشاره به ناحیه ذی طوی

۱. عن ابی عبدالله الحسین بن علی، قال: لصاحب هذا الامر - یعنی المهدی - غیبتان احدهما بطول حتی یقول بعضهم مات و بعضهم ذهب لا یطلع علی موضعه احد من ولی و لا غیره الا المولی الذی یری امره.

کرد.

توضیح: علی متقی هندی برعکس همکاریش سیوطی از یک طرف دیده است حدیث «دوازده امیر بعد از پیغمبر» یا «دوازده خلیفه بعد از پیغمبر» که در روایات عامه آمده و در آن پیامبر فرموده است که بعد از من خواهند بود، جز بر ائمه ظاهرین و امامان دوازده گانه از دودمان پاک آن حضرت که شیعیان آنها را معصوم می دانند (و چنین هم بوده و هستند) قابل تطبیق نیست، و از طرف دیگر هم به واسطه تعصب نخواستہ یا شہامت آن را نداشته است که صریحاً بگوید مقصود از آنها ائمه اثنا عشر هستند، چون در این صورت می باید عقیده شیعه (و به قول او رافضی‌ها) را بپذیرد که بجا گفته و از روز نخست درست فهمیده‌اند. لذا آن را بدین گونه نقل کرده و در حقیقت به عبارت دیگر پذیرفته است، منتها به طور غیرمستقیم! زیرا با استنادی که به سخنان خواجه پارسا و عبدالرحمن جامی می کند و حق مطلب را به آنها محول می سازد که آن را به خوبی و با صراحت ادا کرده‌اند، دیگر جای تردید باقی نمی ماند که علی متقی هندی هم پذیرفته است که دوازده خلیفه و دوازده امیر در صحیح بخاری و مسلم و غیرهم جز دوازده امام به عقیده شیعه امامیه نمی توانند باشد که آخرین آنها محمد بن الحسن العسکری است، جالب است که با این وصف می گویند: «این ردی است بر روافض که گمان کرده‌اند اهل سنت، اهل بیت را دشمن می دارند»



۱. عن ابی جعفر محمد بن علی علیہما السلام، قال: یكون لصاحب هذا الامر - یعنی  
المهدی - غیبة فی هذه الشعب، و اومی بیده الی ناحیة ذی طوی (کشف الاستار،

پاسخی که می‌توانیم در این خصوص به شیخ الاسلام علی متقی، سرآمد علمای مکه معظمه بدهیم این است که مراتب تشکر خود را از همین مقدار حقیقت‌گویی اظهار بداریم و بگوییم: شیخنا، مگر عقیده شیعه جز این است که دوازده امام همان دوازده خلیفه برحق بعد از پیغمبرند؟ آیا این توهم و عقیده فاسد است؟!

اگر همگی اهل سنت (!) از همان روز اول گوش به فرمان پیامبر می‌دادند که در مجمع عمومی طبق روایت جابر بن سمره و عبدالله بن مسعود و غیره فرمود: «بعد از من دوازده خلیفه خواهند بود و همگی برحق خواهند بود، و همگی از قریش هستند» سپس آن را با منظور آن حضرت تطبیق می‌دادند که خلافت الهی این دوازده وجود مقدس باشد، شیعیان و سنیان همگی یکی بودند و دیگر اختلافی به وجود نمی‌آمد.

۸۷

### قاضی حسین بن محمد دیاربکری (متوفای ۹۸۲ هـ ق)

او که قاضی مکه بود، در کتاب تاریخ خمیس ضمن حوادث ایام معتمد عباسی می‌نویسد:

«در سال ۲۶۰ هجری حسن بن علی بن جواد بن رضا علوی، یکی از امامان دوازده گانه که شیعیان عقیده به عصمت آنان دارند، وفات یافت و او پدر منتظر آنها محمد بن الحسن است.»<sup>۱</sup>

۱. تاریخ خمیس (چاپ مصر، سال ۱۳۸۳ هجری)، ج ۲، ص ۳۴۳.



سید جمال الدین عطاءالله شیرازی (متوفای ۱۰۰۰ هـ ق)

استاد ملا علی قاری و محدث معروف و مؤلف کتاب مشهور فارسی  
روضه الاحباب.

در کشف الظنون آمده است:

«روضه الاحباب فی سیره النبی صلی الله علیه و سلم و الآل و  
الاصحاب، از جمال الدین عطاءالله شیرازی نیشابوری، متوفای سال  
۱۰۰۰ هجری، آن را در دو جلد و سه مقصد به خواهش وزیر، امیر  
علیشیر نوائی، بعد از مشورت با استاد و پسر عمش سید اصیل الدین  
عبدالله، تألیف کرده است.»

ملا علی قاری در کتاب مرقاة، قاضی حسین دیاربکری در تاریخ  
خمیس، عبدالحق دهلوی در مدارج النبوة و شاه ولی الله دهلوی در  
ازالة الخفاء از کتاب روضه الاحباب به عنوان کتابی معتبر و از مؤلفش  
سید عطاءالله به عنوان یک دانشمند بزرگ سنی نام برده‌اند. او یکی از  
مشایخ اجازه عبدالعزیز دهلوی مؤلف تحفة اثنا عشریة است.

سید عطاءالله در روضه الاحباب می نویسد:

«کلام در بیان امام دوازدهم مؤتمن محمد بن الحسن - تولد همایون  
آن در درج ولایت و جوهر معدن هدایت، به قول اکثر اهل روایت، در  
منتصف شعبان سنه خمس و خمسین و مائتین در سامره اتفاق افتاد... و  
آن امام ذوالاحترام در کنیت و نام با حضرت خیر الانام علیه و آله  
تحف الصلاة و السلام موافقت دارد، و "مهدی منتظر" و "الخلف الصالح"  
و "صاحب الزمان" در القاب او منتظم است. در وقت پدر بزرگوار خود





پنج ساله بود، و حضرت واهب العطايا، آن شکوفه گلزار را مانند پچی زکریا سلام الله عليه در حال طفولیت، حکمت کرامت فرمود و در وقت صبا، به مرتبه بلند امامت رسانید. و صاحب الزمان یعنی مهدی دوران در زمان معتمد خلیفه فی سنة خمس و ستین یا سنة ست و ستین و مائین (۲۶۰) از نظر فرق برآیا غایب شد.»

این دانشمند سنی از جمله روایت ذیل را از طریق شیعه از جابر بن یزید جعفی نقل می کند که گفت: شنیدم از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه که می گفت: چون ایزد تعالی نازل گردانید بر پیغمبر خود این آیه را «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» گفتیم: یا رسول الله، ما خدا و رسول را می شناسیم، ولی «اولی الامر» کیستند که خدای تعالی اطاعت ایشان را قرین ساخته است به اطاعت تو؟

پس گفت رسول (ص): ایشان خلفای من اند بعد از من، اول ایشان علی بن ابی طالب است، آن گاه حسن، آن گاه حسین، آن گاه علی بن الحسین، آن گاه محمد بن علی معروف در تورات به «باقر» - و زود است که درک کنی او را ای جابر! هر گاه ملاقات کردی او را، از من سلام برسان -، آن گاه صادق جعفر بن محمد، آن گاه موسی بن جعفر، آن گاه علی ابن موسی، آن گاه محمد بن علی، آن گاه علی بن محمد، آن گاه حسن بن علی، آن گاه حجة الله در زمین او و یقیناً الله در میان بندگانش محمد بن حسن بن علی. و این کسی است که فتح می کند خداوند عزوجل بر دست او مشارق زمین و مغارب آن را، و این کسی است که غیبت می کند از

شیعه و اولیای خود؛ غیبتی که ثابت نمی‌ماند در آن در قول به امامت مگر آن که آزموده است خدای تعالی دل او را برای ایمان.  
 جابر گوید: گفتم: یا رسول الله، آیا در غیبت امام، شیعه انتفاع یابند؟

فرمود: آری، قسم به آن که مبعوث فرموده مرا به پیغمبری که ایشان استضاء کنند به نور او و منتفع شوند به ولایت او، مثل انتفاع مردم به آفتاب، هر چند که ایر او را بگیرد. ای جابر، این از اسرار مکنونه الهی است، پس پنهان دار آن را مگر از کسی که اهل آن باشد.<sup>۱</sup>  
 و بعد از سخنانی چند درباره اختلاف مسلمین راجع به آن حضرت و نقل روایات صریحی درباره اینکه مهدی موعود همان حجّت بن الحسن العسکری علیهما السلام است، می‌نویسد:

«راقم حروف گوید که چون سخن بدین جا رسید، جواد خوش خرام خامه، طی بساط انبساط واجب دید. رجای واثق و وثوق صادق که لیالی مهاجرت محبان خاندان مصطفوی و ایام مصابرت مخلصان دودمان مرتضوی به نهایت رسد و آفتاب طلعت بابهجت صاحب الزمان، علی اسرع الحال، از مطلع نصرت و اقبال طلوع نماید، تا رایت هدایت ایشان، مظهر انوار فضل و احسان، از مشرق مراد برآمده، غمام حجاب از چهره عالمتاب بگشاید.

به همین اهتمام آن سرور عالی مقام، ارکان مبانی ملت بیضا مانند ایوان سپهر خضراء، سمت ارتفاع و استحکام گیرد و به حسن اجتهاد آن سید ذی الاحترام، قواعد بنیان ظلم ظلام، در بسیط غبرا صفت انخفاض و



انعدام پذیرد، و اهل اسلام در ظللال اعلام ظفراعلامش از تاب آفتاب  
حوادث، امان، و خوارج شقاوت فرجام از اصابت حُسام خون آشامش  
جزای اعمال خویش یافته، به قعر جهنم شتابند! و لله در من قال<sup>۱</sup>؛  
بیا ای امام هدایت شعار      که بگذشت از حد غم انتظار<sup>۲</sup>

۸۹

### احمد بن سنان قرمانی دمشقی (متوفای ۱۰۱۹ هـ ق)

این شخص که از دانشمندان مشهور عامه به شمار می رود، در کتاب  
اخبار الدول می نویسد:

«فصل یازدهم دربارهٔ خلف صالح، امام ابوالقاسم محمد بن الحسن  
العسکری است. سن وی در زمان رحلت پدرش پنج سال بود. در آن سن  
خداوند به وی حکمت آموخت، چنانکه به یحیی در کودکی عطا فرمود.  
او متوسط القامه، خوش صورت و نیکو مو بود. بینی ای برآمده و  
پیشانی ای روشن داشت.»<sup>۳</sup>

۹۰

### شیخ عبدالحق دهلوی بخاری (متوفای ۱۰۵۲ هـ ق)

ابوالمجد عبدالحق دهلوی بخاری، محدث و فقیه معروف و مؤلف  
تصانیف بسیاری که در همه جا مشهورند. شرح حال و مؤلفات او را

۱. منظور عبدالرحمن جامی است که شعرش قبلاً گذشت.

۲. الامام الثاني عشر، ص ۵۴؛ استقصاء الافحام، ص ۱۰۷؛ کشف الاستار، ص ۳۱.

۳. اخبار الدول (چاپ ۱۳۸۲ هجری)، ص ۱۱۷.



جماعت کثیری در کتب فهرست و تراجم خود آورده‌اند.

صدیق حسن خان هندی در کتاب ابجدالعلوم که به سال ۱۲۹۵ هجری به طبع رسیده است می‌نویسد:

«شیخ عبدالحق دهلوی دارای کمال صوری و معنوی و از شهرت عظیمی برخوردار بود. مورخان به اجمال و تفصیل شرح حالش را آورده‌اند. وی قرآن را از حفظ نمود و در وقتی که بیست و دو سال داشت، بر مسند افادت جلوس کرد. سپس رهسپار حرمین شریفین شد و با شیخ عبدالوهاب متقی، جانشین شیخ علی متقی هندی (مؤلف کنز العمال)، مصاحب گشت و به تحصیل علم حدیث پرداخت. آن‌گاه به وطن بازگشت و پنجاه و دو سال زیست و به نشر علم و تألیف و تصنیف همت گماشت. تصانیفش بالغ بر یکصد مجلد است. در سال ۱۰۵۲ درگذشت. او خرقة قادریه را از شیخ موسی قادری از دودمان شیخ عبدالقادر گیلانی گرفت. در فقه حنفی تبخّر کامل داشت.»

شیخ عبدالقادر بدایوتی در منتخب التواریخ و مؤلف منتخب اللباب (چاپ کلکته) و غلامعلی بلیگرامی در مآثر الکرام به تفصیل درباره او سخن گفته‌اند. بلیگرامی در سبحة المرجان فی آثار هندوستان می‌نویسد که یکی از تألیفات وی به نام جذب القلوب الی دیار المحبوب تاریخ مکه و مدینه است که بارها چاپ شده است.

شیخ عبدالحق دهلوی در رساله‌ای که در مناقب و احوال ائمه اطهار علیهم السلام تألیف کرده و در فهرست مؤلفاتش هست و خود در کتاب تحصیل الکمال به آن اشاره نموده است، پس از آنکه از امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین و امام سجاد و حضرت باقر و حضرت صادق نام می‌برد، می‌گوید:



«اینان از امامان اهل بیت هستند که در این کتاب از ایشان سخن به میان آمد. ما توفیق یافتیم همگی ائمه را در رساله جداگانه‌ای نام ببریم.»

وی در رساله فارسی یادشده می‌نویسد:

«... و ابومحمد حسن عسکری و ولد او محمد رضی الله عنهما، معلوم است نزد خواص اصحاب و ثقات اهلش، و روایت کرده‌اند که حکیمه بنت ابی جعفر محمد جواد رضی الله عنه که عمه ابومحمد حسن عسکری رضی الله باشد گفت: حضرت عسکری دوست می‌داشت و دعا می‌کرد و تضرع می‌نمود که او را پسری به وجود بیند (کذا).

و ابومحمد حسن عسکری رضی الله عنه را جاریه‌ای برگزیده بود که نرجس می‌گفتند. چون شب نصف شعبان سنه دویست و پنجاه و پنج حکیمه نزد ابومحمد حسن عسکری آمد، التماس کرد که یا عمه، امشب نزد ما باش که کاری در پیش است...»

تا آنجا که حکیمه می‌گوید: پس از ولادت نوزاد، امام حسن عسکری فرمود: یا عمه، این مولود، «منتظر» ماست که ما را بدان بشارت داده بودند. حکیمه گفت: پس من بر زمین افتادم و به شکرانه آن به سجده رفتم. روزهای دیگر نزد ابومحمد حسن عسکری آمدورفت می‌کردم. روزی نزد وی آمدم، مولود را ندیدم. پرسیدم: ای مولای من، آن سید منتظر ما چه شد؟ فرمود: ای عمه، سپردم به کسی که مادر موسی پسر خود را به او سپرد.»<sup>۱</sup>



### شیخ احمد فاروقی نقشبندی (متوفای ۱۰۷۳ هـ.ق)

شیخ احمد بن عبدالاحد فاروقی سرهندی نقشبندی از اولاد عمر بن خطاب بوده و سرسلسله خاندان معروف فاروقی است که در هند سابقه سیصد ساله دارند. وی در میان متأخران علمای عامه و متصوفه ایشان مجده هزاره دوم هجری و از اعظم علمای ایشان است.<sup>۱</sup>

شیخ احمد در مکتوب ۱۲۳ کتاب مکاتیب خود که آخرین مکتوب جلد سوم است، می نویسد:

«راههایی که انسان را به خداوند سوق می دهد، دو راه است: یکی آن که به قرب نبوت تعلق دارد، و دیگر آن که به قرب ولایت تعلق دارد. پیشوای واصلان این راه، حضرت علی مرتضی است کرم الله وجهه، و این منصب عظیم الشان به ایشان تعلق دارد<sup>۲</sup> و حضرت فاطمه و حسنین رضی الله تعالی عنهم در این مقام با ایشان شریک اند.

هر که را فیض و هدایت از این راه می رسد، توسط ایشان می رسد، چون ایشان نقطه منتهای این راهند و مرکز این مقام به ایشان تعلق دارد. چون دوره حضرت امیر تمام شد، این منصب عزیزالقدر به حضرت حسنین، به ترتیب، مفوض و مسلم گشت و بعد از ایشان به هر یکی از ائمه اثنا عشر علی الترتیب قرار گرفت.»



۱. برهة الخواطر، تراجم علمای هند، ج ۵، ص ۴۱. زحمت یادداشت آن را دوست دانشمند، آقای عزیزالله عطاردی به عهده گرفتند.

۲. متوجه باشید که این شخص از اولاد عمر بن الخطاب است.



۹۲

ابن عماد حنبلی (متوفای ۱۰۸۹ هـ ق)

این دانشمند تامی در کتاب مشهور خود به نام شذرات الذهب، ضمن شرح حوادث سال ۲۶۰ هجری می‌نویسد:

«در این سال وفات یافت حسن بن علی، یکی از ائمه اثناعشر که شیعه عقیده به عصمت آنها دارند، و او پدر منتظر محمد است که در سرداب خانه‌اش غایب شد.»<sup>۱</sup>

۹۳

عبدالملک عصامی (متوفای ۱۱۱۱ هـ ق)

عبدالملک عصامی از مورخان نامی مقیم مکه معظمه است که در جلد چهارم تاریخ خود موسوم به سمط النجوم العوالی به ترتیب شرح حال ائمه طاهرین علیهم السلام می‌نویسد:

«امام محمد مهدی فرزند امام حسن عسکری بن علی النقی... بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم اجمعین در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ متولد گردید. کنیه او ابوالقاسم و القابش حجت و خلف صالح و قائم و منتظر و صاحب الزمان و مهدی است که از همه مشهورتر است. هنگامی که پدرش درگذشت او پنج ساله بود. او جوانی است معتدل، زیارو و زیبامو، یاریک‌بینی و دارای چهره گشاده.»<sup>۲</sup>

۱. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. سمط النجوم العوالی، ج ۴، ص ۱۳۸.

۹۴

### یکی از مشایخ مصر

شیخ سلیمان حنفی در ینابیع المودّه می‌نویسد:  
«شیخ عبداللطیف حلبی در سال ۱۲۷۳ برای من نقل کرد و گفت:  
پدرم شیخ ابراهیم قادری رحمه الله گفت: از یکی از مشایخ مصر شنیدم  
می‌گفت: یا امام مهدی (ع) بیعت کردیم.»  
شیخ ابراهیم نامبرده از عرفای طریقه قادریه و از بزرگان مشایخ  
حلب بود، نفعنا الله من فیضه»<sup>۱</sup>

۹۵

### شیخ عبدالله بن محمد شبرای شافعی (متوفای ۱۱۷۲ هـ ق)

وی یکی از بزرگ‌ترین علمای مصر بود و نزد خاص و عام و رجال  
دولت و امرا با مهابت و مقام عالی می‌زیست. در سال ۱۱۳۷ به  
ریاست جامع الازهر رسید و در تاریخ فوق در قاهره بدرود حیات  
گفت.<sup>۲</sup>

شبرای در کتاب الاتحاف فی حبّ الأشراف می‌نویسد:  
«دوازدهم از امامان، ابوالقاسم محمد حجّت است. گویند "مهدی  
منتظر" اوست. امام محمد حجّت بن الحسن در نیمه شعبان سال ۲۵۵  
متولد گردید.»<sup>۳</sup>

۱. ینابیع المودّه، ص ۴۷۰.

۲. معجم المطبوعات، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. الاتحاف، ص ۱۷۹.



شاه ولی الله احمد بن عبدالرحیم دهلوی (متوفای ۱۱۷۶ هـ ق)

شاه ولی الله دهلوی پدر شیخ عبدالعزیز دهلوی مؤلف تحفه اثنا عشریه در ردّ شیعه است.

در ذیل «حافظ ابومحمد بلاذری» گفتیم که شاه ولی الله در کتاب مسلسلات معروف به الفضل المبین، حدیث مشهور ابن عقیله را از کتاب مسلسلات وی نقل می کند که حافظ بلاذری طوسی گفت: «خبر داد به من محمد بن الحسن بن علی المحجوب امام عصره...».

علامه نامی میرحامد حسین هندی متوفای ۱۳۰۶ هجری در صفحه ۱۱۹ کتاب گرانقدر و بزرگ استقصاء الافحام که در ردّ منتهی الکلام مولوی حیدر علی فیض آبادی نوشته است، پس از نقل حدیث «مسلسلات» از کتاب الفضل المبین وی، در حاشیه می نویسد:

«از نوادر اتفاقات بل به عنایت و لطف خالق بریات، رساله نوادر من حدیث سید الاوائل و الاواخر که آن هم تصنیف شاه ولی الله است از کتب حسن علی محدث که تلمیذ صاحب تحفه بوده است، به دست این قاصر افتاد و یافتیم که در آن هم شاه صاحب، این حدیث را روایت نموده اند. چنانکه می فرماید: حدیث محمد بن الحسن الذی یعتقد الشیعة. انه المهدی عن آبائه الکرام، وجدت فی مسلسلات الشیخ محمد ابن عقیله المکی عن الحسن العجمی».



۹۷

محمد بن ابراهیم جوینی شافعی (متوفای ۱۱۷۶ هـ ق)

وی در کتاب فرائد السَّمطین روایت دعبل خُزاعی از حضرت رضا علیه السلام را نقل می‌کند که فرمود:

«امام بعد از من جواد تقی، و بعد از او پسرش علی الهادی النقی، و بعد از وی پسرش حسن عسکری، و بعد از او فرزندش محمد الحجة المهدی است که در زمان غیبتش باید منتظر وی بود و هنگام ظهورش مطاع است.»<sup>۱</sup>

۹۸

شیخ محمد بن علی صَبَّانِ مَصری (متوفای ۱۲۰۶ هـ ق)

شیخ صَبَّانِ در کتاب اسعاف الرَّاغِبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیته الطَّاهَرین که آن را در سال ۱۱۸۵ هجری تألیف کرده و در حاشیه نورالابصار شبلینجی در مصر چاپ شده است، پس از نقل سخن شعرانی در بواقیت و گفتار شیخ حسن عراقی و تصدیق شیخ علی خَوَّاصِ استاد شعرانی به نقل از وی در لواقح و سخنان محیی الدین ابن عربی به نقل از شعرانی با ذکر اسامی دوازده امام، خود نیز از آن حضرت به نام «محمد ابن الحسن العسکری» یاد می‌کند.<sup>۲</sup>



۱. ینابیع المودَّة، ص ۴۷۱.

۲. اسعاف الرَّاغِبین، در حاشیه نورالابصار، ص ۱۵۳.

شیخ علی اکبر بن اسدالله بن امرالله مودودی (متوفای ۱۲۱۰ هـ ق)

او از اولاد شیخ محمود چشتی معروف و از علمای مشهور و متعصب هند است.

عیدالحنی حسینی در نزهة الخواطر (ج ۷، ص ۳۲۷) در شرح حال علمای هند، زندگینامه او را به تفصیل نگاشته و می‌گوید دارای آثاری است از جمله منهاج السراج و ردی بر شیعه و رساله مکاشفات که حواشی بر فتوحات الانس جامی است.<sup>۱</sup>

مودودی در مکاشفات، شرح حال علی بن سهل بن ازهر اصفهانی، ضمن تصریح بر وجود مهدی موعود علیه السلام، می‌نویسد:

«دانشمندان اهل سنت گفته‌اند عدم خطا در حکم اختصاص به پیغمبران دارد، ولی شیخ محیی‌الدین عربی رضی الله عنه مخالفت کرده است به دلیل حدیثی که درباره امام مهدی موعود - علی جدّه و علیه الصلوة و السلام - رسیده است، چنانکه صاحب یواقیت از محیی‌الدین نقل می‌کند و می‌گوید که وی در فتوحات گفته است: امام مهدی یا الهام الہی احکام شریعت را صادر می‌کند، بدین‌گونه که شریعت محمدی به وی الهام می‌کند و او هم فرمان می‌دهد، چنانکه حدیث نبوی "مهدی از گفتار من پیروی می‌نماید و خطا نمی‌کند" اشاره به آن دارد. پیامبر صلی الله علیه و سلم بدین وسیله به ما می‌شناساند که مهدی پیرو است نه بدعت‌گذار، و در حکمی که می‌دهد معصوم است. زیرا کسی که در

۱. زحمت یادداشت آن را دوست دانشمند، آقای عطار دی کشیده‌اند.

صدور حکم معصوم است، جز این معنی نمی‌دهد که به خطا نمی‌رود. حکم پیامبر (ص) هم که خطا نداشت، به خاطر این بود که هر چه می‌گفت وحی آسمانی بود. بنابراین پیغمبر خبر داده است که مهدی خطا نمی‌کند، و او را از این لحاظ ملحق به انبیا نموده است.»

سپس می‌نویسد:

«صاحب یواقیت سخن شیخ اکبر و سایر علما و فضلا از اهل سنت و جماعت را به تفصیل نقل می‌کند.»

افزون بر اینها، مودودی از یواقیت (میحت چهل و پنجم) نقل می‌کند که شعرانی نوشته است:

«شیخ ابوالحسن شاذلی رضی الله عنه گفته است: قطب پانزده علامت دارد، از جمله اینکه باید از عصمت و رحمت و خلافت و نیابت مدد بگیرد، و به حاملان عرش نیرو بدهد، و حقیقت ذات برای او کشف شود، و به همه صفات احاطه پیدا کند.»

آن‌گاه می‌گوید:

«با این بیان، مذهب کسانی که عقیده دارند غیر از پیغمبر هم می‌تواند معصوم باشد صحیح خواهد بود، و کسانی که عصمت را در گروه معدودی مقید ساخته و آن را از دیگران نفی کرده‌اند، راه دیگری را پیموده‌اند، زیرا حکم به اینکه مهدی موعود رضی الله عنه زنده است و بعد از پدرش حسن عسکری (ع) قطب است، چنانکه او هم بعد از پدرش قطب بود تا امام علی بن ابی طالب کرمنا الله بوجوههم، اشاره به این است که انحصار این رتبه در وجود آنها از زمانی که قطبیت در وجود جدش علی بن ابی طالب تثبیت شد، تا تکمیل آن در وی (مهدی)، صحیح است. پس هر قطب دیگر با رتبه مزبور، به واسطه نیابت از امام مهدی





است، زیرا او از انظار عام و خاص غایب است ولی از نظر خاصان مخصوص غایب نیست. این موضوع را صاحب یواقیت از شیخ محیی الدین و دیگران نقل کرده است. بنابراین هر یک از ائمه اثناعشر می باید معصوم باشند. این فایده را از ما داشته باش.»

سپس مودودی سخن محیی الدین و شعرانی را درباره مهدی و اینکه او پسر امام حسن عسکری علیه السلام است، نقل می کند.<sup>۲</sup>

۱۰۰

### شیخ عبدالعزیز دهلوی (متوفای ۱۲۳۹ هـ ق)

شیخ عبدالعزیز پسر شاه ولی الله دهلوی و مؤلف کتاب مشهور تحفة اثناعشریه در رد شیعه و از اعظام علمای عامه در هند بوده که نسبت به جامعه شیعه و معتقدات آنها تعصبی زائد الوصف داشته است.

شیخ عبدالعزیز در کتاب الزهة روایت ابن عقله را به سلسله سند از امام زمان محمد بن الحسن بن علی... از جدش علی بن ابی طالب که در ذیل «حافظ ابو محمد بلاذری» بیان نمودیم، از کتاب الفضل المبین پدرش شاه ولی الله دهلوی، نقل کرده است.<sup>۳</sup>

توضیح: همین نقل برای ما کافی است که بدانیم اگر شیخ عبدالعزیز عقیده به زنده بودن مهدی موعود نداشته، با وجود آن همه تعصب، هرگز چنین روایتی را نقل نمی کرده است، آن هم مهدی به عنوان «محمد

۱. شیعه اعتقاد به قطب و ابدال و اوتاد و غیره ندارد، این را فقط به عنوان شاهد گفتار از دانشمند سنی و صوفی نقل کرده ایم.

۲. استقصاء الافحام، ص ۹۸؛ کشف الاستار، ص ۴۶.

۳. استقصاء الافحام، ص ۱۱۹.

ابن الحسن العسكري « علیه السلام

باید دانست کتاب باعظمت عبقات الانوار تألیف نابغه بزرگ شیعه  
مرحوم میر حامد حسین هندی (متوفای ۱۳۰۶ هـ ق) در رد تحفه  
اثنا عشریة همین شیخ عبدالعزیز است.

۱۵۱.

صاحب کتاب تشیید المبانی

او در کتاب خود، پس از نقل کلام خواجه محمد پارسا در  
فصل الخطاب، می گوید:

«مدت بقای حسن عسکری بعد از پدرش علی هادی رضی الله عنه  
شش سال بود. حسن عسکری رضی الله عنه پسری باقی نگذارد - نه  
ظاهراً نه باطناً - جز ابوالقاسم محمد المنتظر که در نزد امامیه «قائم»  
نامیده می شود. ولادت «منتظر» شب نصف شعبان سال ۲۵۵ بوده  
است.»<sup>۱</sup>

۱۵۲.

خالد نقشبندی (متوفای ۱۲۴۲ هـ ق)

خیرالدین زرکلی در الاعلام می نویسد:

«ابوالبهاء خالد بن احمد بن حسین نقشبندی. مشهور است که وی  
از اولاد عثمان بن عفان است. در جوانی به بغداد آمد، سپس به شام رفت  
و در آنجا درگذشت. شرح عقاید عضدی و شرح مقامات حریری و رساله



اثبات اراده جزئی و جلاءالاکدار و دیوان فارسی از آثار اوست. عثمان ابن سعد کِنانی رسایل او را در کتابی به نام بغیةالواجد فی مکتوبات مولانا خالد گرد آورده است.<sup>۱</sup>

خالد نقشبندی که از مردم گرد «شهر روز» واقع در شمال عراق است، از دانشمندان و سرایندگان بنام شعر فارسی در قرن سیزدهم هجری به شمار می رود و نیز پیشوای فرقه صوفیه نقشبندی بوده است.

خالد در قصیده فارسی طولانی خود در توصیف بارگاه شاه خراسان و خورشید خاور، امام رضا علیه السلام و شخصیت آن حضرت، اسامی دوازده امام را با احترام زیاد ذکر کرده و برای آمرزش خود، خدا را به آن ذوات مقدس سوگند داده و آنها را در پیشگاه باری تعالی شفیع قرار داده است.

قصیده خالد در ستایش امام رضا علیه السلام و بزرگداشت بارگاه پر نور آن حضرت، یکی از بهترین قصاید فارسی است. او در این قصیده، مهدی موعود را پسر امام حسن عسکری علیه السلام می داند که در زمان ظهور و تشکیل حکومت جهانی، عدل و داد سراسر گیتی را فرامی گیرد تا بدانجا که گرگ و میش با هم به سر می برند و به گفته او شیر شرزه برای بزه از مادر بهتر است.

قصیده پرشور خالد نقشبندی چنین آغاز می شود:

این بارگاه کیست که از عرش برتر است

وز نور گنبدش همه عالم منور است؟



این بارگاه قافله سالار اولیاست  
این خوابگاه نور دو چشم پیمبر است  
این جای حضرتی ست که از شرق تا به غرب  
وز قاف تا به قاف جهان سایه گستر است  
این روضه رضاست که فرزند کاظم است  
سیراب نوگلی ز گلستان جعفر است  
سرو سهی ز گلشن سلطان اصفیا  
نویاوه صدیقه زهرا و حیدر است  
بتوان شنید بوی پیمبر ز تربتش  
مشتق بلی، دلیل به معنی مصدر است  
از موج فتنه خرد شدی کشتی زمین  
گر نه ورا ز سلسله آل، لنگر است  
شاه ستایش تو به عقل و زبان من  
کی می توان؟ که فضل تو از عقل برتر است  
اوصاف چون تو پادشهی از من گدا  
صیقل زدن بر آینه مهر انور است

❖

جانا به شاه مسند لولاک کز شرف  
بر تارک شهان اولوالعزم افسر است  
وآنکه به حق آن که بر اوراق روزگار  
بابی ز دفتر هنرش بناب خیر است  
دیگر به نور عصمت آن کس که نام او  
قفل زبان و حیرت عقل هنرور است



دیگر به سوز سینه آن زهر داده‌ای  
کز ماتمش هنوز دو چشم جهان تر است  
دیگر به خون ناحق سلطان کربلا  
کز وی کنار چرخ، به خونابه احمر است  
و آنکه به حق آن که ز بحر مناقبش  
انشای بوفراس ز یک قطره کمتر است  
دیگر به روح اقدس باقر که قلب او  
بر مخزن جواهر اسرار چون در است  
و آنکه به نور باطن جعفر که سینه‌اش  
بحری لبالب از در عرفان داور است  
دیگر به حق موسی کاظم که بعد از او  
بر زمره اعظام و اشراف سرور است  
آنکه به قرص طلعت تو کز اشعه‌اش  
شرمنده ماه چارده و شمس خاور است  
دیگر به نیکی تقی و پاکی نقی  
آنکه به عسکری که همه جان و گوهر است  
دیگر به عدل پادشهی کز عدالتش  
با برّه، شیر شرزه بسی به مادر است

❖

بر خالد آر رحم که پیوسته همچو بید  
لرزان ز بسیم زلزله روز محشر است  
تو پادشاه دادگری وین گدای زار  
مغلوب دیو سرکش نفس ستمگر است



از لطف چون تو شاه، ستمدیده بنده‌ای  
از جور اگر خلاص شود، و چه درخور است  
نااهلیم و سزای کرامت نایم، ولی  
نااهل و اهل نزد کریمان برابر است

۱۰۴۳

رشیدالدین دهلوی (متوفای ۱۲۴۳ هـ ق)

وی از بزرگان علمای هند و شاگرد شیخ عبدالعزیز دهلوی بوده است.  
رشیدالدین نیز مانند استادش در کتابهای خود سرسختانه به عقاید  
شیعه تاخته است، و نایغه نامی میرحامد حسین هندی در عیقات (جلد  
غدیر) و غیره او را به نام «فاضل رشید» خوانده و سخنان او را به خوبی  
پاسخ گفته است.

با وجود این، رشیدالدین در کتاب ایضاح لطافة المقال سخنان  
خواجه پارسا را درباره امام زمان علیه السلام نقل کرده است، به شرحی  
که ذیل نام وی آوردیم.<sup>۱</sup>

۱۰۴۴

محمد امین سویدی بغدادی (متوفای ۱۲۴۶ هـ ق)

او در کتاب سبائك الذهب فی معرفة قبائل العرب (باب ۶، ص ۱۷۷) از  
امام حسن عسکری علیه السلام و ائمه قبلی نام می‌برد، و در صفحه ۷۸  
در خط شجره امام عسکری می‌نویسد:





«محمد المهدی - سنش در موقع رحلت پدرش پنج سال بود. متوسط القامه و نیکو صورت و نیکو مو و بینی برآمده بود و رخساری روشن داشت. شیعه عقیده دارند که او در سرداب سامره که نگهبانان از آن حفاظت می کردند، در سال ۲۶۲ غایب گردید، و می گویند صاحب شمشیر و قائم منتظر قبل از قیامت اوست، و قبل از قیامتش دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است.»

سپس می نویسد:

«از جمله چیزی که می رساند این محمد مهدی آن مهدی منتظر قبل از قیامت نیست این است که شیعه می گویند هر عصری باید از وجود امام خالی نباشد و حال آنکه "غیبت" این خلاء را پر نمی کند!»

توضیح: سویدی در گفتار خود مرتکب چند اشتباه شده است:

۱. شیعه معتقد نیستند که مهدی در سال ۲۶۲ هجری در سرداب غایب شد، بلکه می گویند او در سال ۲۶۰ هجری در خانه پدرش غیبت کرد و سرداب، یادگار آن خانه است.

۲. کسی که از پسر امام حسن عسکری علیه السلام به نام «محمد المهدی» نام می برد که هنگام رحلت پدرش پنج ساله بود، آیا نباید بگوید که این محمد المهدی پس از آن چه شد و چرا همان تواریخی که ولادت او را گواهی کرده اند از سرنوشت او خبر نداده اند؟

۳. شیعه که می گویند «هر عصری باید از وجود امام خالی نباشد» و معتقد به غیبت امام زمانند، این را هم گفته اند که غیبت اجباری وی مانع از افاضه فیض او نیست، و از پیامبر روایت می کنند که او در مدت غیبتش همچون خورشید پنهان در پشت ابر است که باز اثر وجودی خود را به عالم طبیعت می رساند.

کسانی که ممکن است تحت تأثیر فکر سویدی قرار گیرند، به گفتار سایر علمای واقع‌بین‌تر عامه در همین کتاب بنگرند تا کاملاً روشن شوند.

ضمناً باید دانست کتاب الامام الثانی عشر تألیف مرحوم سید محمد سعید هندی موسوی آل صاحب عباقت، پاسخ شبهات سویدی در کتاب سبائك الذهب است.

۱۵۵

### شیخ عبدالکریم یمانی

شیخ سلیمان حنفی در کتاب ینایع الموده (ص ۴۶۶) آنجا که از نظریات علمای عامه راجع به وجود پسر امام حسن عسکری علیه‌السلام به عنوان مهدی موعود سخن می‌گوید و شاهد می‌آورد، از جمله می‌نویسد: شیخ بزرگوار عبدالکریم یمانی قدس الله سره و وجب لنا فیوضه و علومه گفته است:

و فی یمن امن یگون لاهلها      الی ان تری نورالهدایة مقبلا  
بیم مجید من سلالة حیدر      و من آل بیت طاهرین یمن علا  
یلقب بالمهدی بالحق ظاهر      بسنة خیر الخلق یحکم اولا

— زمین در پناه امن خدا برای ساکنانش به سر می‌برد تا هنگامی که ببینی نور هدایت آشکار می‌شود.

— او از دودمان حیدر است و از خاندان پاک سرشت پیامبر.

— لقب او مهدی است که برای پایداری حق ظهور می‌کند و قبل از

هر چیز به سنت بهترین بندگان خدا حکم می‌دهد.



قاضی جواد ساباط بصری حنفی (متوفای ۱۲۵۰ هـ ق)

وی از اهل بحرین است و در بصره می زیسته. نخست مسیحی بود، سپس مسلمان سنی شد. اسماعیل پاشا بغدادی در کتاب هدیه العارفین فی اسماء المؤلفین و آثار المصنّفین که ذیل کشف الظنون است، می نویسد:

«جواد ساباط بن ابراهیم هجری بصری حنفی (۱۱۸۸ و حدود ۱۲۵۰)، تألیفات: البراهین الساباطیة فیما یستقیم به دعائم الملة المهدیة و تنهدم به اساطین الشریعة المنسوخة العیسویة که در سال ۱۲۲۸ از تألیف آن فراغت یافت.»

سپس دوازده کتاب دیگر از تألیفات او را در علوم مختلف نام می برد.<sup>۱</sup>

کتاب البراهین الساباطیة را قاضی جواد در ردّ همکیشان سابقش نوشته و در آن حقیقت دین مبین اسلام را ثابت نموده و مدلل داشته است.

قاضی جواد عبارتی از «کتاب اشعیای نبی» را با همان عبارت عبری نقل می کند، سپس آن را به عربی برمی گرداند و پس از ردّ گفتار علمای یهود و نصاری در تأویل آن، می نویسد:

«این نص صریح در وجود مهدی رضی الله عنه است، زیرا مسلمانان اتفاق دارند که او رضی الله عنه نگاه به باطن افراد می کند و حکم صادر می نماید، و به مجرد اظهار شاهد و ظاهر امر، حکم نخواهد کرد...»



تا آنجا که می‌گویند:

«مسلمانان راجع به وجود مهدی اختلاف نظر دارند. اصحاب ما اهل سنت و جماعت عقیده دارند که او مردی از اولاد فاطمه (ع) است. نام او محمد و نام پدرش عبدالله<sup>۱</sup> و نام مادرش آمنه<sup>۲</sup> است. و امامیه می‌گویند وی محمد بن الحسن العسکری است که در سال ۲۵۵ از کنیزی به نام نرجس در سامره در زمان خلافت معتمد عباسی متولد شده است، سپس غایب گردید، بعد آشکار شد و دوباره غایب گردید، و این غیبت کبری است، و تا روزی که خدا بخواهد ظهور می‌کند.

از آنجا که نظر شیعه امامیه نزدیک تر به نص صریح پیغمبر است، و منظور من نیز دفاع از ملت محمد(ص) بدون تعصب می‌باشد، لذا آن را برای شما خوانندگان نقل کردم تا بدانید که آنچه شیعه امامیه [راجع به مهدی] می‌گویند با گفتار پیامبر مطابقت دارد»<sup>۳</sup>

۱۰۷

### محمود بن وهیب قراغلی بغدادی حنفی

محمود بن وهیب در کتاب جوهرة الکلام (ص ۱۵۷) می‌نویسند:

«مجلس سیم - در فضایل محمدالمهدی رضی الله عنه: محمد بن الحسن بن علی... بن ابی طالب رضی الله عنهم، مادرش کنیزی به نام نرجس یا صیقل، کنیه اش ابوالقاسم و القابش مهدی و قائم و منتظر و

۱. نگاه کنید به مقدمه کتاب «عبدالله» در حدیث صحیح و معتبر نیامده است.  
 ۲. این را فقط در اینجا می‌بینیم! ملاحظه می‌کنید که دانشمندان عامه چه می‌کنند!  
 ۳. کشف الاستار، ص ۵۲. کتاب البراهین السابیة بیش از یکصد سال است که چاپ شده است.



صاحب الزمان و حجّت، و شخصاً جوانی معتدل و زیباست. به عقیده شیعه امامیه او آخرین امام است. او - رضی الله عنه - در سامره به سال ۲۵۵ متولد شد.»

۱۰۸

### سید علی بن شهاب همدانی

او از علما و شعرای سنی است که به گفته شیخ سلیمان حنفی، در گفتار خود مهدی موعود را «حجّت بن الحسن العسکری» دانسته است.<sup>۱</sup>

۱۰۹

### سید نسیمی

این شخص نیز از علما و شعرای عامه است که عقیده دارد مهدی امام زمان، حجّت بن الحسن العسکری است.<sup>۲</sup>

۱۱۰

### شیخ سلیمان قندوزی حنفی بلخی (متوفای ۱۲۹۴ هـ ق)

شیخ سلیمان معروف به «خواجه کلان»، از دانشمندان بزرگ و عرفای نامی عامه به شمار می‌رود. او به سال ۱۲۲۰ هجری متولد گردید. مقدمات علوم را در بلخ فراگرفت و در بخارا به تکمیل تحصیلات خود پرداخت و از بزرگان آنجا به دریافت اجازات نائل گشت. سپس

۱. بنایع الموده، ص ۴۵۲.

۲. همان مأخذ، ص ۴۵۲.



و همسپار شهرهای افغانستان و هندوستان شد و مصاحبت مشایخ صوفیه را اختیار کرد و مقامات سیر و سلوک را پیمود و فقه و علوم دینی را نیز به کمال رسانید. آن گاه به وطن خود «قندوز» برگشت و مدتی را به نشر علم و ادب و ترویج شرع انور پرداخت و در آنجا مسجد جامع و خانقاه و مدرسه‌ای بنا کرد.

چون تصمیم داشت مجاورت مکه معظمه را اختیار کند، شیخ محمد صلاح را تعیین نمود تا به جای برادرش میرزا خواجه در مسند ارشاد قرار گیرد و برای تدریس علوم، عالم فاضل، ملاً عوض را که سرآمد شاگردانش بود و از وی اجازه داشت، به جای خویش منصوب کرد.

بدین گونه در سال ۱۲۶۹ هجری در حالی که حدود سیصد تن از شاگردانش همراه وی بودند، از موطن خویش راهی سفر شد. او از ایران گذشت و در سال ۱۲۷۰ هجری وارد بغداد شد و مورد تکریم والی بغداد قرار گرفت. اهل علم نیز مقدمش را گرامی داشتند و در محضرش به کسب علم و دانش توفیق یافتند.

سپس آهنگ سفر به شهر «آستانه» نمود و در راه خود، از موصل و دیاربکر و اورفه و حلب گذشت. اقامت وی در این شهرها به طول انجامید، به طوری که از سه سال تجاوز کرد، تا اینکه به قونیه رسید و سه سال و شش ماه هم در آنجا اقامت نمود.

در مدتی که در قونیه اقامت داشت کتابهای فتوحات مکیه، فصوص و نصوص شیخ محیی الدین ابن عربی را به دست خویش از روی نسخی که در کتابخانه مقبره شیخ صدرالدین قونوی وجود داشت، استنساخ کرد. در ماه ذی الحجه سال ۱۲۷۷ وارد «آستانه» شد و مورد توجه





خاص سلطان عبدالعزیز عثمانی واقع گردید.

در همان اوقاتی که خود را مهیا می‌ساخت تا عازم مکه معظمه شود، سلطان عثمانی او را مکلف داشت که در مسند ریاست علما در تکیه شیخ مراد بخاری قرار گیرد و مشغول کار شود. این تکیه در خارج دروازه شهر آدرنه واقع بود. خواجه کلان نیز پذیرفت و به ارشاد و نشر علوم حدیث و تفسیر همت گماشت.

متأسفانه فقط اسامی سه کتابش به ما رسیده که در آخر ینابیع الموده از آنها نام برده است. بدین گونه: اجمع النوائید، مشرق الاکوان، ینابیع الموده، و تنها کتاب اخیر به دست آمده است.

شیخ سلیمان حنفی در فروع از بزرگان علمای حنفی، و در طریقت از مفاخر عرفای نقشبندی بوده است. چنانکه پسر و جانشینش شیخ عبدالقادر افندی به یکی از فضلا که شرح حال پدرش را می‌نگاشته گفته است، وی در روز پنجشنبه ششم شعبان سال ۱۲۹۴ در قسطنطنیه وفات یافت و در خانقاه مرادیه به خاک سپرده شد.

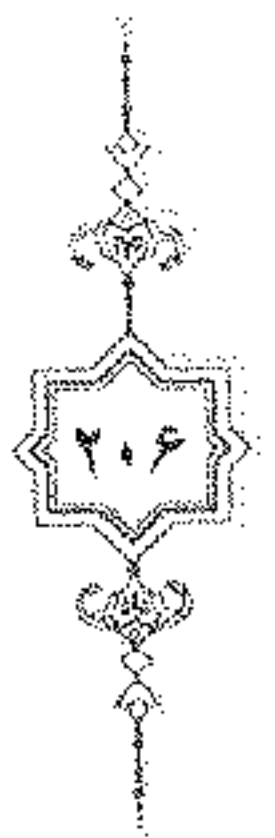
یوسف الیان سرکیس در کتاب معجم المطبوعات لقب «خواجه کلان» را «قیلان» نوشته و خیرالدین زریکلی نیز در الاعلام از وی پیروی نموده است، ضمن اینکه هر دو اشتباه بزرگتری هم مرتکب شده‌اند چون مانند «فاندیک» در اکتفاء القنوع (ص ۴۹۱) وفات شیخ سلیمان را سال ۱۲۷۰ هجری نوشته‌اند، در صورتی که صحیح همان سال ۱۲۹۴ است، زیرا شیخ سلیمان در آخر کتاب ینابیع الموده (ص ۵۲۵) می‌نویسد که در سال ۱۲۹۱ از تألیف آن فراغت یافته است.

نام کتاب وی، ینابیع الموده، همراه شرح حال او به اجمال و تفصیل در منابع سنی و شیعی و خارجی آمده است.

این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۰۲ هجری - یعنی هشت سال پس از درگذشت مؤلف - در استانبول در ۵۲۷ صفحه به صورت حروفی به چاپ رسید و چاپهای بعدی آن بدین قرار است: چاپ دوم در استانبول، چاپ سوم در ایران (مشهد، سال ۱۳۰۸)، چاپ چهارم در هند (سال ۱۳۱۱ هجری با این امتیاز که این چاپ شرح حال مؤلف را اضافه داشت)، چاپ پنجم در ایران (سال ۱۳۱۲)، چاپ ششم در بیروت در سه جلد (بدون تاریخ)، چاپ هفتم در عراق (تجف اشرف) و چاپ هشتم در ایران که از روی چاپ نخست افست شده است و ما به همین چاپ استناد جسته‌ایم.

کتاب پرارزش ینابیع الموده که به تناسب آیه شریفه «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»<sup>۱</sup>، مؤلف آن را «سرچشمه‌های محبت و دوستی و ولایت خاندان نبوت» نامیده است. گواه روشنی بر میزان تتبع، و فضل و دانش، و ایمان و اخلاص و انصاف مؤلف عالیقدر آن شیخ سلیمان حنفی است.

ینابیع الموده - چنانکه از نامش پیداست - مشتمل بر فضایل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت است که شیخ سلیمان آن را از منابع و مأخذ معتبر عامه نقل می‌کند. وی در این کتاب از مدارک و کتبی تام می‌برد که نسخ آن امروز نایاب یا کمیاب است و اسامی آنها فقط در فهرستها دیده می‌شود. او در تألیف این کتاب گرانقدر، از کتابخانه‌های غنی و پرارزش قسطنطنیه و سایر شهرهای ترکیه در دولت عثمانی مایه گرفته و استفاده نموده است.



فضایل و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام به خصوص حضرت امیرالمؤمنین که در این کتاب آمده، آن هم به طرزى که این دانشمند گرانمایه گلچین نموده است، اگر بی نظیر نباشد، قطعاً کم نظیر است. بنابراینبع الموده در یکصد باب تدوین یافته است، ولی آنچه وی درباره موضوع مهدی موعود به عنوان امام دوازدهم پسر امام حسن عسکری علیه السلام در این کتاب شرح می دهد، در چندین باب است که ذیلاً یادآور می شویم:

باب ۷۳. احادیثی که صاحب جواهرالعقیدین (سمهودی) درباره مهدی آورده است.

باب ۷۴. سخنان علی (ع) در نهج البلاغه راجع به مهدی.

باب ۷۵. مصائبی که به اهل بیت تا ظهور قائم آنها می رسد.

باب ۷۶. پیامبر (ص) اسامی دوازده امام را ذکر می کند.

باب ۷۷. تحقیق درباره دوازده خلیفه که احمد حنبل در مسند، و بخاری و مسلم و ترمذی و ابوداؤد در صحیح خود، و سایر اعلام عامه در منابع خویش آورده اند و تطبیق آن با دوازده امام که خلیفه دوازدهم محمد بن الحسن العسکری است.

باب ۷۸. آنچه در کتاب فرائد السمطين و غیره درباره مهدی و قیام او آمده است.

باب ۷۹. وقت ولادت قائم.

باب ۸۰. سخن حضرت امام رضا و امام جعفر صادق درباره مهدی.

باب ۸۱. حالات خارق العاده مهدی و کرامات او که برای مردم آشکار شده است.



باب ۸۲. امام حسن عسکری فرزندش قائم مهدی را به دوستان خاصش نشان داد و اعلام کرد که وی امام بعد از اوست.

باب ۸۳. کسانی که بعد از غیبت کبری، صاحب الزمان مهدی را دیده‌اند.

باب ۸۴. نقل اقوال اهل الله از اصحاب کشف و شهود و علمای حروف درباره مهدی موعود.

باب ۸۵. سخنان شیخ صبان مصری، استاد علما و علامه زمان خویش، در کتاب اسعاف الراغبین درباره مهدی.

باب ۸۳. اقوال علمای حروف و محدثین درباره اینکه مهدی موعود پسر امام یازدهم حسن عسکری است.

باب ۸۴. اشعار کاملین اهل الله در مدایح ائمه اثنا عشر. شیخ سلیمان در این ابواب به تفصیل درباره امام زمان سخن گفته و احادیث و گفتار و اعترافات علما و شعرای عامه را در این مورد نقل کرده است و از جمله در پایان باب ۷۲ می‌نویسد:

«آنچه میان دانشمندان موثق، محقق و مسلم است این است که ولادت قائم (ع) در شب پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامره اتفاق افتاده است.»<sup>۱</sup>

و در پایان باب ۸۶ می‌نویسد:

«شیخ مشایخ عظام احمد جامی و غطار نیشابوری و شمس الدین تبریزی و جلال الدین رومی و سید نعمت الله ولی و سید نسیمی و غیرهم [که همگی سنی بوده‌اند] در اشعار خود، مدایح اهل بیت رضی الله عنهم



را سروده و در آخر، آنها را به "مهدی" ختم کرده‌اند. و همین نیز دلیل است که مهدی متولد شده، و هر کس آثار این عرفا را بررسی کند، خواهد دید که موضوع بسیار روشن است.»<sup>۱</sup>

۱۱۱

**سید مؤمن بن حسن شبلنجی مصری** (متوفای اوایل ۱۳۰۰ ه.ق)

شبلنجی در کتاب خود موسوم به نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار که در سال ۱۲۹۰ هجری از تألیف آن فراغت یافته و در مصر چاپ شده است، به مناسبت شناسایی ائمه اطهار علیهم السلام می‌نویسد:

«فصل - ذکر مناقب محمد بن الحسن... بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم. مادرش کنیزی بود که به وی نرجس یا صیقل یا سوسن می‌گفتند. کنیه او ابوالقاسم است و شیعه به او حجّت و مهدی و خلف صالح و قائم و منتظر و صاحب الزمان می‌گویند، و از همه مشهورتر مهدی است. او جوانی متوسط، خوش صورت، خوش مو، و بی‌تی میان برآمده است. در بانس محمد بن عثمان بوده. او آخرین امامان اثنا عشر به مذهب امامیه است.»

سپس می‌نویسد:

«در فصول المهمه گفته است: وی در سرداب سامره غایب شد و نگهبانان بر آن گماشتند. در صواعق می‌گوید: اوست که قائم منتظر



تأمیده می‌شود، زیرا در مدینه پنهان شد<sup>۱</sup> و معلوم نشد کجا رفت. سپس سخن ابن‌الوردی را نقل کرده و از کنجی شافعی به تفصیل استدلال به وجود حضرت را آورده است.

۱۱۲

### شیخ حسن ضمراوی شافعی مصری (متوفای ۱۳۰۳ هـ ق)

وی نیز در کتاب مشارق الانوار فی فوز اهل الاعتبار همان عبارات شعرانی را از کتاب یواقیت نقل می‌کند و می‌نویسد:

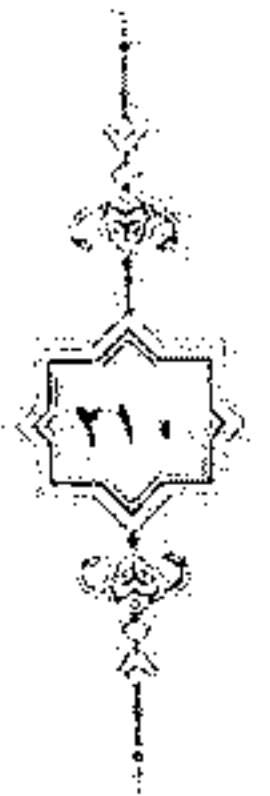
«مهدی از اولاد امام حسن عسکری است. ولادتش نیمه شعبان سال ۲۵۵ اتفاق افتاد، و او زنده است تا با عیسی گرد آید»<sup>۲</sup>

۱۱۳

### قاضی بهلول بهجت‌افندی قندوزی زنگه‌زوری (متوفای ۱۳۵۰ هـ ق)

او در کتاب محاکمه در تاریخ آل محمد می‌نویسد:

«امام دوازدهم صاحب‌العصر و الزمان القائم المهدی ابوالقاسم محمد... دو مرتبه غیبت کبری، امام علیه‌السلام تا به حال زنده بوده و در وقتی که خدا اجازه دهد، ظهور و روی زمین را از عدل مآمال خواهد نمود...»<sup>۳</sup>



۱. می‌بینید که آقایان اهل سنت (۱) چه چیزها به داستان مهدی افزوده‌اند! تا حالا همه می‌گفتند شیعه منتظر است که وی از سرداب سامره درآید، و در اینجا ابن‌حجر در صواعق از جمله آورده است که در مدینه غایب شد!

۲. ذرایع‌البیان، تألیف استاد آقای حاج شیخ محمدرضا طیبی، ج ۲، ص ۵۱.

۳. چاپ ششم، ترجمه فارسی، ص ۱۳۹.



۱۱۴

### محمد شفیق غربال مصری (معاصر)

محمد شفیق که رئیس «المعهد الدراسات العربیة التابع لجامعة الدول العربیة» بوده است، در صفحه ۵۱ کتاب دایرة المعارف یکجلدی ۲۰۰۰ صفحه‌ای که لجنه‌ای تحت نظارت وی از علما و دانشمندان مصری و عرب، موضوعات آن را نوشته‌اند و در سال ۱۹۶۵ میلادی در قاهره چاپ شده است، در لفظ «اثنا عشری» می‌نویسد:

«یکی از دو فرقه شیعه امامیه مقابل اسماعیلیه است. امامان اثنا عشریه از علی شروع می‌شوند و به محمد مهدی که در سال ۸۷۳ میلادی (۱۹) غایب شده و در آخر الزمان باز می‌گردد، منتهی می‌شود.»

۱۱۵

### سید عبدالوهاب بدری (معاصر)

در کتاب سیره الامام العاشر علی الهادی علیه السلام که در شرح زندگانی امام دهم تألیف نموده است، قصیده‌ای دارد بدین گونه:

یا حادی الرّکب یمم روضة النعم

و کعبه الفضل و الآمال و الکرم

عرج علی من بسامراء حضرتهم

تلق الائمه اهل البیت و الحرم

آل النبی الذی جاء رحمة و هدی

للعالمین امام العرب و العجم



زر الامام النقی ابن الجواد تنل  
فوزاً بحبل و داد غیر منصرم  
بالعسکری الامام المقتدی حسن  
و نجله المرتجی المهدی و اعتصم  
اسباط خیرالوری اشبال حیدرة  
ابناء فاطمة الزهراء فلذ بهم  
هم عترت المصطفی والوارثون له  
حقاً اتی نعتهم فی محکم الکلم  
و هم نجوم سماء المهتدین و هم  
فلک النجاة و ان سارت بملتظم<sup>۱</sup>

— ای رهگذر، پیش به سوی حرم پر نعمت حق و کعبه فضیلت و  
آرزوها وجود و کرم!

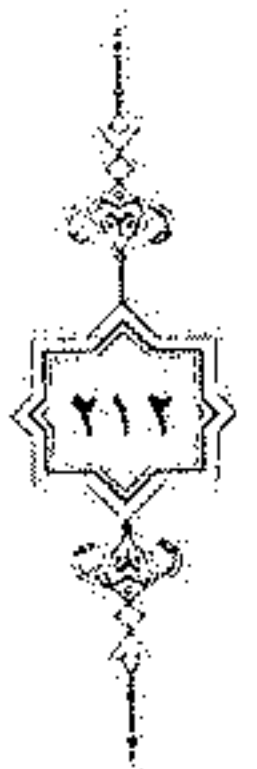
— بیا به زیارت کسانی که مرقدشان در سامره است تا امامان  
خاندان پیامبر را از نزدیک ببینی!

— امامان دودمان پیامبر که رحمت و هدایت برای جهانیان و  
پیشوای عرب و عجم هستند.

— زیارت کن امام پاک سرشت فرزندان امام جواد را تا با ریسمان  
دوستی او که گسستگی نیست، رستگار شوی.

— و نیز زیارت کن امام حسن عسکری و فرزندش مهدی را که  
امید همه است.

— آنها دخترزادگان بهترین مردم روی زمین و شیربچگان حیدر  
و فرزندان فاطمه زهرا هستند، پس پناه به آنها ببر!



— آنها عترت پیامبر مصطفی و وارثان به حق او هستند، چنانکه وصفشان در سخن محکم خداوند آمده است.  
— آنها ستارگان آسمان رهروان راه حق و کشتی‌های نجات از امواج سهمگین زمانه‌اند.

۱۱۶

### خیرالدین زرکلی (معاصر)

زرکلی در کتاب الاعلام خود که آن را در ده جلد مشتمل بر زندگینامه مختصر مشاهیر دانشمندان و رجال و شخصیت‌های نامی به عربی نگاشته است و به عکس اغلب نویسندگان عامه، بسیاری از مردان مشهور شیعه و همه امامان عالی مقام را نام برده و آنان را طبق معمول به طور اجمال می‌شناساند. تحت عنوان «مهدی منتظر» می‌نویسد:

«محمد بن الحسن العسكري بن علی الهادی، ابوالقاسم و صاحب الزمان و منتظر و حجت و صاحب سرداب. در سامره متولد شد. هنگامی که پدرش وفات یافت او پنج سال داشت. وقتی که به نه یا نوزده سالگی رسید وارد سردابی در خانه پدرش در سامرا شد و دیگر از آن بیرون نیامد.»<sup>۱</sup>

۱۱۷

عبدالرحمن بن محمد بن حسن بن عمر باعلوی (زنده در ۱۳۰ هـ ق)

او که مفتی دیار خرمی بوده است در کتاب بغیة المسترشدين

۱. این را فقط در اینجا می‌بینیم. بیشتر گفتیم که امام عصر وقتی به پنج سالگی رسید پدرش وفات یافت و همان سال (۲۶۰ هجری) در خانه‌اش غایب شد.



می نویسد:

«سیوطی از استادش شیخ حسن عراقی نقل کرده است که مهدی در سال ۲۵۵ هجری متولد شده، و شیخ علی خواص هم در این باره با وی موافق است. پس سن او تا زمان ما ۷۰۳ سال است.»  
سپس می گوید:

«احمد زملی گفته است مهدی زنده است. همچنین شعرانی عقیده به وجود مهدی دارد. بنابراین او در سال ۱۳۰۱، ۱۰۴۶ ساله است.»<sup>۱</sup>

۱۱۸.

شمس الدین سامی بیک عثمانی (متوفای ۱۳۲۰ هـ ق)

او در کتاب پیراج خود قاموس الاعلام - که به زبان ترکی تألیف کرده است - در ماده «حسن عسکری» می نویسد:

«امام حسن عسکری، یازدهمین امام از ائمه اثنا عشر، فرزندی امام علی النقی است که در تاریخ ۲۳۲ در مدینه متوره به دنیا آمده است. به علت عالم و جسور و کریم و سخی و ممدوح الخصال بودن، موجب توهم معتمد عباسی واقع شده و در تاریخ ۲۶۱ هجری در بیست و هشت سالگی، بنابر احتمال مسموماً، وفات کرده و در بغداد (سر من رأی) در کنار پدرش دفن شده است. فقط صاحب یک پسر شده که محمد المهدی و آخرین ائمه است.»<sup>۲</sup>

و در ماده «مهدی» نوشته است:



۱. بغية المسترشدین، چاپ مصر، ص ۲۹۶.

۲. قاموس الاعلام، ج ۳، ص ۱۹۵۱.

«ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد، دوازدهمین ائمه اثنا عشر بوده و در تاریخ ۲۵۹ به دنیا آمده است. چهار و پنج و به روایتی هفده روز پس از وفات پدرش داخل سرداب شده و متواتر است که دیگر دیده نشده است. شیعیان معتقدند که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد. روایات بسیار زیادی درباره اش نقل می کنند.»<sup>۱</sup>

۱۱۹

محمد مبین هندی (زنده قبل از ۱۳۲۷ ه ق)

وی در کتاب وسیلة النجاة به تفصیل از امام زمان غایب از انظار نام برده و از کشف الغمه نقل می کند که علما بالاتفاق گفته اند وی در سامره متولد شده و همنام و هم کنیه پیغمبر است و القاب شریفش مهدی و قائم و منتظر و حجت می باشد. آن گاه پس از شرحی می نویسد:

«روایات درباره امام غایب زیاد است و اصحاب حدیث، آنها را در کتابهای خود آورده و چیزی را فروگذار نکرده اند. از جمله آنها شیخ امام جمال الدین ابو عبدالله محمد بن ابراهیم مشهور به "نعمانی" است که احادیث راجع به مهدی را با شرح و تفصیل در کتاب ملاء الغیبة فی طول الغیبة آورده است. همچنین حافظ ابونعیم چهل حدیث را درباره مهدی نقل کرده است. شیخ ابو عبدالله کنجی شافعی نیز کتابی در این خصوص تصنیف کرده و آن را الیابان فی اخبار صاحب الزمان نامیده است. ابن خشاب نیز در کتاب موالید اهل البیت به سند خود از علی بن

موسی الرضا علیه السلام روایت کرده که گفت: خلف صالح از اولاد  
ابو محمد حسن بن علی است و او صاحب الزمان قائم مهدی است.<sup>۱</sup>

۱۲۰

### علمای بزرگ حجاز در قرن حاضر

سرسلسله سلاطین حجاز در عصر ما که در تعصب دینی و غلو در تستن  
مشهورند، طبق صلاحدید و به فرمان وی، علمای بزرگ حجاز اسامی  
خلفای چهارگانه و عشره مبشره و فقهای اربعه را با حروف طلایی  
برجسته هر کدام در دایره بزرگی در بلندی دورتادور بنای جدید  
مسجدالنبی نوشته‌اند، و از جمله اسامی دوازده امام هر کدام با لقب  
مخصوص به خود - همان‌طور که شیعه معتقد است - نوشته شده است،  
بدین گونه: علی المرتضی رضی الله عنه، حسن المجتبی رضی الله عنه،  
حسین الشہید رضی الله عنه، علی زین العابدین رضی الله عنه، محمد الباقر  
رضی الله عنه، جعفر الصادق رضی الله عنه، موسی کاظم رضی الله عنه،  
علی الرضا رضی الله عنه، محمدالتقی رضی الله عنه، علی النقی رضی الله  
عنه، حسن العسکری رضی الله عنه، محمدالمهدی رضی الله عنه.

توضیح: این خود بهترین گواه است که چون علمای عامه با واقع بینی  
و به دور از هرگونه تعصب بنگرند، خواهند دید که مهدی موعود اسلام  
و موجود در منابع معتبر و کتب ذی قیمت آنها، کسی جز محمد بن  
الحسن العسکری و قائم منتظر و امام زمان به عقیده شیعه امامیه نیست.  
مگر پیغمبر فرموده است او از اولاد من است، از اولاد علی و زهرا



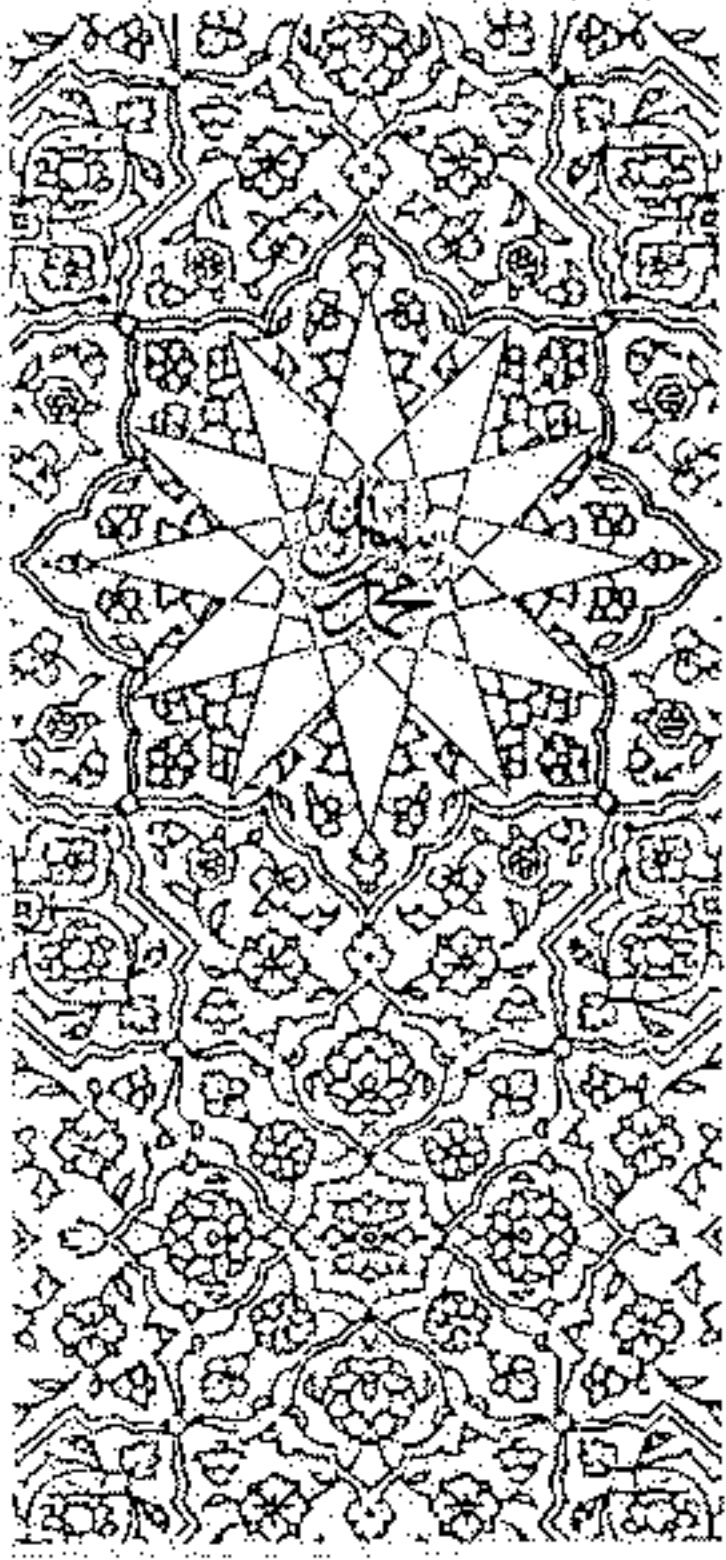
۱. وسیلة النجاة، چاپ گلشن فیض در لکنه، ص ۴۲۰.



است، از اولاد حسین است؟ مگر علمای عامه پدرانش را تا امام حسین  
عسکری علیه السلام هر کدام بهترین فرد عصر خویش و شاخه زیبای  
درخت تناور نبوت ندانسته‌اند؟

پنابراین، محمد بن الحسن (به اعتراف این دسته که نام او و تولدش  
را نوشته و پذیرفته‌اند) کیست؟

فقط مشکل آنها این نکته است که چگونه امکان دارد او زنده  
باشد، و چرا باید از نظرها غایب گردد؟ که پاسخ این پرسش را در خلال  
گفتار برخی از علمای خود آنها در همین کتاب دیده‌اند، و تفصیل آن را  
می‌توانند در کتاب دیگر ما به نام موعودی که جهان در انتظار اوست  
بینند.



## منابع و ما أخذ

ابن طولون دمشقي  
فضل بن روزبهان خنجي  
قاضي نورالله شوشتري  
احمد بن ستان قرماني  
مير حامد حسين هندي  
محمد بن علي صبيان مصري  
خيرالدين زركلي  
سيد محسن امين عاملي  
شيخ علي يزدي  
سيد محمد سعيد هندي  
ابن كثير شامي  
قاضي جواد ساباطي حنفي  
عبدالرحمن بن عمر باعلوي  
محمد يوسف كنجي شافعي

الاثمة الاثني عشر  
ابطال الباطل  
احقاق الحق  
اخبار الدول  
استقصاء الافحام  
اسعاف الراغبين  
الاعلام  
اعيان الشيعة  
الزام الناصب  
الامام الثاني عشر  
البداية و النهاية  
البراهين الساباطيه  
بغية المسترشدين  
البيان في اخبار صاحب الزمان

شیخ منصور علی ناصف مصری	التاج لجامع الاصول
ایوبکر خطیب بغدادی	تاریخ بغداد
قاضی حسین دیاربگری	تاریخ خمیس
سعید نفیسی	تاریخ نظم و نثر فارسی
حاج شیخ عباس قمی	تتمة المنتهی
سبط ابن جوزی	تذكرة خواص الامّة
علی بن حسین مسعودی	التنبیه و الاشراف
خواند میر	حیب السیر
حاج شیخ محمدرضا طبسی	ذرایع البیان
ملا حسین کاشفی	روضه الشهداء
محمد خواند شاه	روضه الصفا
ابن شحنة حنفی	روضه المناظر
ایونصر بخاری	سر السلسلة العلویة
محمد امین سویدی حنفی	سبائك الذهب
سعید نفیسی	سرچشمه تصوف در ایران
ابن بطوطه	سفرنامه
ابوداؤد سیستانی	سنن
ابن ماجه قزوینی	سنن
محمد بن عیسی ترمذی	سنن
سید عبدالوهاب بدری	سيرة الامام العاشر
ابن عماد حنبلی	شذرات الذهب
قاضی میرحسین میبیدی	شرح دیوان امیرالمؤمنین (ع)
جلال الدین دوانی	شرح غزل حافظ
عبدالرحمن جامی	شواهد النبوة
محمد بن اسماعیل بخاری	صحیح
مسلم بن حجّاج نیشابوری	صحیح



ابن حجر هيثمى مكى	صواعق محرقة
ابن داوود حسنى	عمدة الطالب
حاج شيخ عبدالحسين امينى	الغدير
احمد زينى دخلان	الفتوحات الاسلاميه
محيى الدين ابن عربى	فتوحات مكّيه
احمد بن يحيى بلاذرى	فتوح البلدان
محمد بن ابراهيم جوينى	فرائد السمطين
شمس الدين سامى بيك	قاموس الاعلام
ابن حجر هيثمى مكى	القول المختصر فى اخبار البشر
ابن اثير جزرى	كامل التواريخ
حاج ميرزا حسين نورى	كشف الاستار
حاج خليفة كاتب چلبى	كشف الظنون
ابن شادى همدانى	مجمّل التواريخ و القصص
فصيح احمد حوافى	مجمّل فصيحى
قاضى بهلول بهجت افندى	محاكمه در تاريخ آل محمد (ص)
ابوالفداء عمادالدين اسماعيل	المختصر فى تاريخ البشر
شيخ عبدالله يافعى	مرآت الجنان
على بن حسين مسعودى	مروج الذهب
احمد حنبل	المسند
عمر رضا كحاله	معجم المطبوعات العربيه
محمد شفيق غربال مصرى	معهد الدراسات العربيه
ابوبكر خوارزمى	مفاتيح العلوم
ابن خلدون اشبيلى	المقدمه
محمد بن عبدالكريم شهرستانى	ملل و نحل
آيت الله صافى گلپايگانى	منتخب الاثر
ابوالفرج ابن جوزى	المنتظم

ابن ابی تلج بغدادی	موالید الاثمة
مرحوم آیت الله صدر	المهدی
حاج میرزا حسین نوری	نجم ثاقب
ابن تغری بردی	النجوم الزاهرة
شبلنجی	نور الابصار
جلال الدین دوانی	نور الهدایة فی اثبات الولاية
محمد مبین هندی	وسيلة النجاة
ابن خلکان شافعی	وفیات الاعیان
شیخ سلیمان حنفی قندوزی	ینایع الموده
شیخ عبدالوهاب شعرانی	اليواقیت و الجواهر